

درگذشت آقایان هادی باباپور
و حمیدرضا ارجمندی، اعضای
فرهیخته جامعه حسابداران
رسمی ایران، را به کلیه بستگان
و همکاران و دیگر اعضای جامعه
تسلیت گفته برای آنان آمرزش و
مغفرت آرزومندیم.
فصلنامه‌ی حسابدار رسمی



ISSN: ۱۷۵۸-۱۷۳۵

صاحب امتیاز:
جامعه حسابداران رسمی ایران

شورای سیاست‌گذاری
(به ترتیب الفبا):
مرتضی اسدی
ابوالفضل اکبری
سیدعلی حسینی
رحمت‌اله صادقیان
حجت‌اله صیدی

همکار تحریریه:
مژده کدخدایی

امور اجرایی:
سمیرا آراین‌نژاد

طراح و صفحه‌آرا:
علی قاصدی

لیتوگرافی و چاپ:
ایران چاپ



شماره هفتاد و چهار | تابستان ۱۴۰۵
انتشار: شهریور ۱۴۰۵

نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده،
در مقالات الزاماً دیدگاه جامعه
حسابداران رسمی ایران نیست؛
مگر در مواردی که قید می‌شود.

نشریه‌ی حسابدار رسمی در ارزیابی
مقالات، حسب مورد، از نظرگاه‌های
اعضای جامعه‌ی حسابداران
رسمی ایران و سایر خبرگان حرفه
حسابداری و حسابرسی سود می‌برد.
نشریه در اصلاح و ویرایش مطالب آزاد است.

نشانی: تهران، خیابان سپهبد
قرنی، نرسیده به پل کریم‌خان زند
خیابان شهید امانی، پلاک چهار،
جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

تلفن: ۴۲۹۲۵ نمابر: ۸۸۸۰۱۹۱۰

www.iacpa.ir
hesabdarrasmi@iacpa.ir

[@iacpainfo](https://www.instagram.com/iacpainfo)

مقدمات

ضرورت تدوین استانداردهای ارزش گذاری در ایران
مرتضی اسدی

۴



میز تشریح

در غیاب استاندارد ارزش گذاری: ارزش گذاری و تجدید ارزیابی دارایی ها در ایران
محمد جواد تیموری، غلامحسین دوانی، علی رحمانی
ولی اله سیف، احمد فاضلی، ناصر محامی و کاظم وادی زاده

۵



مروری بر استانداردهای بین المللی ارزش گذاری و ضرورت پذیرش آن در ایران
مرتضی اسدی - هانیه اخوان

۶۲



نگاهی از درون

مدیریت تعارض منافع در حسابرسی
سید محمد علوی

۷۸



کنکاش

حسابرسی سیستمی مالیاتی: ضرورت تحول دیجیتال یا خطر فاصله گرفتن از قانون؟
محمد افخمی

۹۴





دور دنیا



مهارت‌های انسانی
در عصر هوش مصنوعی

۱۰۵



آینده‌ی هوش مصنوعی
در حرفه‌ی حسابداری

۱۰۷



افزایش استفاده از هوش مصنوعی
در امنیت سایبری و افزایش ریسک‌ها

۱۱۱



آیا برای شریک شدن باید ۱۵ سال صبر کرد؟
نسل جدید علاقه‌ای ندارد

۱۱۳



اطلاع‌رسانی



جلسات شورای عالی دوره نهم جامعه حسابداران رسمی ایران
چرا حق الزحمه‌ی حسابرسان کافی نیست؟ / گفت‌وگو با دبیرکل جامعه حسابداران رسمی ایران

۱۲۴



فهرست مؤسسات حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران
(۲۰ مرداد ۱۴۰۵)

۱۲۹



مرتضی اسدی
رئیس شورای
عالی جامعه
حسابداران رسمی
ایران

ضرورت تدوین استانداردهای ارزش گذاری در ایران

در دنیای امروز، ارزش گذاری دارایی ها و شرکت ها به عنوان یکی از ارکان اساسی تصمیم گیری های اقتصادی، مالی و قضایی شناخته می شود. با این حال، در ایران هنوز استاندارد مشخص و جامعی برای ارزش گذاری وجود ندارد و دستورالعمل ها، آیین نامه های غیر جامع پراکنده و عمدتاً بروز نشده در این خصوص چالش های زیادی را به همراه دارد. تدوین استانداردهای ارزش گذاری در کشور و تعیین نهاد متولی ضمانت اجرای آن نه تنها ضروری است، بلکه می تواند به بهبود شفافیت، اعتماد در بازارهای مالی و عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک کند.

عدم وجود یک چارچوب مشخص برای ارزش گذاری، منجر به ناهماهنگی و عدم شفافیت در نتایج ارزش گذاری می شود. این موضوع می تواند گزارشگری مالی را خدشه دار کند و سرمایه گذاران را از ورود به بازارهای سرمایه و مالی دلسرد کند و در نتیجه، روند توسعه اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین می تواند منجر به صدور آرای قضایی ناعادلانه صادره بر مبنای ارزش گذاری کارشناسان شود. بنابراین، تدوین استانداردهای ملی ارزش گذاری باید در اولویت قرار گیرد.

شورای استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVSC) با عضویت بیش از ۲۰۰ نهاد از ۱۳۷ کشور استانداردهای بین المللی ارزش گذاری را منتشر و به طور مستمر با توجه به تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فناوری آن را به روز رسانی می کند. آخرین نسخه لازم الاجرای آن نسخه ۲۰۲۵ است و نسخه لازم الاجرا برای ۲۰۲۸ را در دست تدوین دارد. استانداردهای ارزش گذاری ایران باید با توجه به ویژگی ها و الزامات خاص بازار ایران و همگرا با استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVSS) تدوین شوند و از طریق قانون بکارگیری آن ها در ارزش گذاری ها الزام شود. این استانداردها باید شامل مبانی و روش های مختلف ارزش گذاری، معیارهای ارزیابی و شیوه های گزارش دهی باشند تا کارشناسان بتوانند با استفاده از آن ها به دقت بیشتری به ارزش گذاری دارایی ها، بدهی ها و کسب و کارها بپردازند.

از سوی دیگر، با توجه به تحولات سریع فناوری و استفاده از داده های کلان، لازم است استانداردهای ارزش گذاری به گونه ای طراحی شوند که امکان بهره برداری از فناوری های نوین از جمله هوش مصنوعی را نیز فراهم کنند. این امر می تواند به کارشناسان کمک کند تا فرآیند ارزش گذاری را سریع و دقت آن را افزایش دهند.

علاوه بر این، توجه به ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و راهبری در فرآیند ارزش گذاری نیز اهمیت دارد. امروزه سرمایه گذاران به دنبال پروژه هایی هستند که نه تنها سودآوری اقتصادی داشته باشند، بلکه تأثیرات مثبت زیست محیطی، اجتماعی و راهبری نیز ایجاد کنند. لذا، استانداردهای تدوینی باید به این نکات نیز توجه داشته باشند.

در نهایت، برای موفقیت در تدوین استانداردهای ارزش گذاری، همکاری نزدیک بین نهادهای دولتی، دانشگاه ها و بخش خصوصی ضروری است. ایجاد کارگروه های تخصصی و برگزاری سمینارها و کارگاه های آموزشی می تواند زمینه ساز تبادل نظر و ارتقاء سطح دانش و مهارت های کارشناسان ارزش گذاری باشد.

به طور کلی، تدوین استانداردهای ارزش گذاری در ایران نه تنها به بهبود کیفیت فرآیندها کمک خواهد کرد، بلکه می تواند اعتماد عمومی را جلب کند و زمینه ساز توسعه پایدار اقتصادی کشور شود. زمان آن فرا رسیده است که گام های مؤثری در این راستا برداریم تا بتوانیم به یک نظام ارزش گذاری معتبر و قابل اعتماد دست یابیم.

در غیاب استاندارد ارزش گذاری ارزش گذاری و تجدید ارزیابی دارایی ها در ایران



کافزم وادی زاده
حسابدار رسمی



ناصر محامی
حسابدار رسمی



احمد فاضلی
حسابدار رسمی



ولی اله سیف
رئیس کل پیشین
بانک مرکزی
جمهوری اسلامی ایران



علی رحمانی
استاد حسابداری
دانشگاه الزهرا



غلامحسین دوانی
حسابدار رسمی



محمدجواد تیموری
رئیس کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری

خواهد داد. روش کنونی که منحصرأ با تکیه بر تخصص کارشناسان است چارچوب نسبتاً قابل اتکایی فراهم می‌کند اما ضعف‌هایی چون ذات قضاوتی ارزش‌گذاری، خلأ نظارتی و پیچیدگی دارایی‌های نامشهود، منشاء اختلافات و بی‌اعتمادی‌ها است. در یک نگاه کلی از نظر این‌جانب مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف ارزش‌گذاری‌ها در کشور عبارتند از:

مهم‌ترین نقاط قوت:

- ✓ استقلال قانون‌ها و فعالیت در چارچوب قانون اختصاصی
- ✓ فعالیت ارزش‌گذاری مبتنی بر تجارب حرفه‌ای هم‌راستا با تجارب جهانی
- ✓ انتقال دانش از طریق روابط استادی و کارآموزی و دوره‌های آموزشی
- ✓ وجود فرایند منسجم و چندمرحله‌ای و سازوکار رسمی در حوزه‌ی کارشناسی از جمله جذب، کارآموزی، اعطای صلاحیت، دادسرای اختصاصی برای رسیدگی به تخلفات انتظامی
- ✓ وجود سیستم‌های کنترل و ممیزی کیفیت گزارش کارشناسی
- ✓ اعطای صلاحیت حرفه‌ای مبتنی بر تجارب کارشناسان و تحدید حوزه‌ی فعالیت ارزش‌گذاری

مهم‌ترین نقاط ضعف:

- ✓ نبود مفاهیم و زبان مشترک بین کارشناسان رسمی ارزش‌گذاری
- ✓ نبود مبانی یکسان ارزش‌گذاری بین کارشناسان رسمی ارزش‌گذاری
- ✓ نبود روش‌های همسان ارزش‌گذاری، پراکندگی قضاوت‌های حرفه‌ای و اختلاف‌نظر
- ✓ احتمال تخلف و نظارت ناکافی با وجود ساختار قانونی، نبود نظارت کافی، احتمال ارزش‌گذاری غیرواقعی
- ✓ وجود زمینه‌های سوءاستفاده‌ی اقتصادی از ارزش‌گذاری، از جمله انگیزه‌ی اعلام قیمت‌های بالاتر از واقعیت در تجدید ارزیابی برای افزایش سرمایه،
- ✓ نبود رویه‌های صحیح در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود: مانند برند، دانش فنی، نرم‌افزار و سرقتی
- ✓ وجود اختلاف‌نظر، سلیقه و رویکرد کارشناسان ارزش‌گذاری در مراحل و طول فرایند ارزش‌گذاری از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تا تحلیل و تعیین ارزش و تدوین گزارش ارزش‌گذاری
- ✓ نبود رویه و دستورالعمل واحد برای فرایند ارزش‌گذاری، مستندسازی، محاسبات، تحلیل‌ها و قالب همگون واحد برای گزارش کارشناسی ارزش‌گذاری.

هم‌اکنون و در چارچوب بسترهای قانونی موجود وظیفه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌ها، برعهده‌ی کارشناسان رسمی است. این کارشناسان وظیفه دارند ارزش مالی اموال و دارایی‌ها را برای اهدافی چون دادرسی و امور قضایی، دادوستد سهام و دارایی‌ها، تجدید ارزیابی، مالیات، تسهیلات و مانند آن تعیین کنند. بررسی اسناد و مدارک، بازدید و کارشناسی میدانی، تحلیل بازار و در نهایت تهیه‌ی گزارش رسمی مراحل مختلفی است که معمولاً در فرایند ارزش‌گذاری دارایی‌ها طی می‌شود و در نگاه نخست ارزش‌گذاری حاصل این فرایند باید قابل اتکا باشد. با این همه، مشاهده می‌کنیم که در موارد بسیاری ارزش‌گذاری‌های انجام‌شده به این شکل محل اختلاف نظر است. به نظر شما، روش کنونی ارزش‌گذاری دارایی‌ها و اموال چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

◀ محمدجواد تیموری:

ارزش‌گذاری دارایی‌ها برای کارشناسان رسمی از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت است. از یک سو، حجم روبه‌رشد ارزش‌گذاری فرصت‌آفرین و اعتباربخش است و از سوی دیگر، انجام صحیح و دقیق ارزش‌گذاری دارایی‌ها، کاری پرچالش، اختلاف‌برانگیز، پرمخاطره، مسئولیت‌زا، شکایت‌خیز و محکومیت‌آور است.

سابقه‌ی کارشناسی ارزش‌گذاری در کشور ما نسبتاً طولانی و قریب به ۹ دهه است که کارشناسان رسمی دادگستری دارایی‌ها و بدهی‌ها را در نظام قضایی، دستگاه‌های اجرایی و بنگاه‌های اقتصادی اشخاص حقوقی و حقیقی ارزش‌گذاری می‌کنند.

از این منظر، کشور ایران جزء کشورهای پیش‌رو در امور ارزش‌گذاری در منطقه‌ی خاورمیانه است. مسلم است در این مدت مدید تجارب ارزنده‌ای حاصل شده است و چنانچه تجارب ملی ارزش‌گذاری هم‌راستا و در تعامل با تجارب بین‌المللی باشد، ارتقای دانش تخصصی ارزش‌گذاری را به دنبال خواهد داشت. بهره‌گیری از دانش تخصصی ارزش‌گذاری به‌ویژه استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری، اعتبار کارشناسی و قابل‌اعتماد بودن و قابل اتکا بودن گزارش‌های کارشناسی ارزش‌گذاری را افزایش



◀ غلامحسین دوانی:

روش کنونی ارزش گذاری دارایی‌ها در ایران دو نقطه‌ی قوت اساسی دارد: نخست، برخورداری از پشتوانه‌ی قانونی و مسئولیت حرفه‌ای کارشناسان رسمی و دوم، شناخت آنان از شرایط بومی بازار ایران. در مقابل، مهم‌ترین ضعف‌های این نظام، نبود استاندارد واحد و لازم‌الاجراء کمبود داده‌های قابل اتکا و وابستگی بیش از اندازه‌ی نتیجه‌ی ارزش گذاری به قضاوت فردی کارشناس است.

یکی از مزیت‌های مهم نظام موجود، مشخص بودن مسئولیت قانونی کارشناس است. کارشناس رسمی باید اسناد مالکیت، وضعیت حقوقی دارایی، مشخصات فنی، شرایط بهره‌برداری، موقعیت جغرافیایی و وضعیت بازار را بررسی کند و نتیجه را در قالب گزارشی مستند ارائه دهد. این گزارش در موضوعاتی مانند دعاوی قضایی، وثیقه‌گذاری، افزایش سرمایه، خصوصی‌سازی، مالیات و واگذاری سهام آثار حقوقی و اقتصادی مهمی دارد.

مزیت دیگر، شناخت کارشناسان از شرایط خاص اقتصاد ایران است. ارزش زمین، ساختمان، ماشین‌آلات، معادن، سهام

شرکت‌های غیربورسی و دارایی‌های نامشهود صرفاً از طریق فرمول تعیین نمی‌شود. عواملی مانند محدودیت واردات، تحریم‌ها، نرخ ارز، مجوزها، بازار دست‌دوم، امکان تأمین قطعات، وضعیت ثبتي و شرایط منطقه‌ای در ارزش دارایی مؤثرند و شناخت محیط داخلی در این زمینه اهمیت زیادی دارد.

همچنین، استفاده از هیأت‌های کارشناسی سه، پنج یا هفت نفره در پرونده‌های بااهمیت می‌تواند خطر وابستگی نتیجه به نظر یک فرد را کاهش دهد. این موضوع به‌ویژه درباره‌ی شرکت‌های بورسی، بانک‌ها، بیمه‌ها و دارایی‌هایی که با منافع عمومی مرتبط‌اند اهمیت بیشتری دارد.

با وجود این نقاط قوت، نخستین ضعف نظام موجود، نبود وحدت در تعریف «مبنای ارزش» است. در برخی گزارش‌ها مشخص نیست که کارشناس در حال تعیین ارزش بازار، ارزش منصفانه، ارزش وثیقه‌ای، ارزش سرمایه‌گذاری، ارزش استفاده، ارزش فروش اجباری یا هزینه‌ی جایگزینی است. این مفاهیم الزاماً به یک مبلغ منتهی نمی‌شوند و باید متناسب با هدف مأموریت انتخاب شوند.

ضعف دوم، افشای ناکافی روش‌ها و مفروضات است. ممکن



است دو کارشناس برای یک کارخانه از دو روش متفاوت استفاده کنند و به نتایج کاملاً متفاوت برسند، بدون آن که روشن شود آیا روش انتخاب شده با هدف ارزش گذاری متناسب بوده است. گزارش باید منابع داده، روش، نرخ ارز، نرخ تنزیل، عمر اقتصادی، هزینه جایگزینی و محدودیت های اطلاعاتی را به صراحت بیان کند.

ضعف سوم، نبود پایگاه اطلاعاتی شفاف از معاملات واقعی است. در بسیاری از بازارها، قیمت آگهی با مبلغ نهایی معامله تفاوت دارد. در مورد ماشین آلات تخصصی، دارایی های نامشهود، برندها و سهام شرکت های غیربورسی نیز بازار فعال و اطلاعات عمومی کافی وجود ندارد. در چنین شرایطی، ارائه ی یک عدد ظاهراً دقیق می تواند نوعی دقت کاذب ایجاد کند. بهتر است در موارد دارای عدم قطعیت بالا، دامنه ی معقول ارزش و میزان حساسیت نتیجه به مفروضات نیز گزارش شود. ضعف چهارم، چندنرخ بودن ارز و محدودیت دسترسی به ارز است. نرخ مورد استفاده باید نرخی باشد که واحد اقتصادی عملاً امکان دسترسی به آن را دارد. استفاده از نرخی که در عمل برای واردات یا جایگزینی دارایی قابل دسترس نیست، ممکن است ارزش گذاری را گمراه کننده کند.

ضعف پنجم، توجه بیش از اندازه به وضعیت فیزیکی دارایی و کم توجهی به منافع اقتصادی آن است. ممکن است یک خط تولید از نظر فیزیکی سالم باشد، اما به علت فناوری قدیمی، مصرف بالای انرژی، نبود مواد اولیه یا کاهش تقاضا، ارزش اقتصادی محدودی داشته باشد. برعکس، یک شرکت ممکن است دارایی فیزیکی زیادی نداشته باشد، اما به دلیل برند، فناوری، قراردادهای و نیروی انسانی متخصص، ارزش اقتصادی بالایی ایجاد کند.

همچنین باید تأکید کرد که استفاده از کارشناس مستقل، مسئولیت مدیریت و هیأت مدیره را از بین نمی برد. هیأت مدیره مسئول کامل بودن اطلاعات ارائه شده، معقول بودن مفروضات و نحوه ی استفاده از نتیجه ی ارزش گذاری است.

در جمع بندی، مسئله ی اصلی استانداردسازی، شفاف سازی و کنترل کیفیت آن است. هر گزارش ارزش گذاری باید حداقل شامل مبانی و مفروضات گزارش، هدف مأموریت، مبانی ارزش، تاریخ ارزش گذاری، روش، منابع داده، مفروضات کلیدی، محدودیت ها، تحلیل حساسیت، دامنه ی عدم قطعیت و اعلام تعارض منافع باشد.

◀ علی رحمانی:

در کانون کارشناسان رسمی دادگستری یا مرکز وکلا و کارشناسان رسمی قوه قضائیه گروه‌های مختلف کارشناسی داریم که در حوزه‌ی دارایی‌ها، حقوق و اموال و مستغلات تخصص دارند و کسب صلاحیت‌ها مستلزم هم تجربه و هم دانش و آگاهی است. برای مثال در گروه حسابداری و حسابرسی کانون کارشناسان در درجه‌ی اول کارشناسی ارزش‌گذاری سهام شرکت‌های بازرگانی و خدماتی ارائه می‌شود. سپس حسابداری و حسابرسی واحدهای تولیدی-صنعتی و بعد ارزش‌گذاری واحدهای تولیدی و صنعتی و همینطور این مسیر طی می‌شود تا به ارزش‌گذاری بانک‌ها و بیمه‌ها می‌انجامد. با وجود این در هیچکدام از این رشته‌ها ما ضوابط مدون و مشخصی را که از طریق کانون‌ها یا مرکز یا شورایی عالی برای ارزش‌گذاری تصویب و ابلاغ شده ملاحظه نمی‌کنیم. به عبارتی این دانش و این روش به صورت یک عرف منتقل شده و در بسیاری از گزارش‌ها هم ملاحظه می‌شود که تفاوت و اختلاف روش جدی وجود دارد. اولین اقدام توسط سازمان خصوصی‌سازی، هیأت عالی واگذاری، انجام شد که دستورالعملی برای ارزش‌گذاری سهام تدوین شد. این دستورالعمل در واقع مربوط به شرکت‌های دولتی می‌شد که قرار بود واگذار بشوند و تقریباً همان دستورالعمل مبنای ارزش‌گذاری سهام قرار گرفت. ولی این که برای مثال ما در رابطه با ماشین‌آلات دستورالعملی داشته باشیم یا در رابطه با ساختمان یا دارایی‌های نامشهود، چنین چیزی وجود نداشت. بعدها معاونت علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست‌جمهوری هم که متولی شرکت‌های دانش بنیان و اقتصاد دانش بنیان است دست‌به‌کار شد و با همکاری وزارت اقتصاد و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دستورالعمل ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود را تدوین کرد، چون در آن حوزه مسائل و مشکلات بسیار بیشتر بود. آخرین اقدام هم تجدیدنظر در دستورالعمل یا آیین‌نامه‌ی ارزش‌گذاری سهام بود که به تصویب هیأت وزیران رسید و الان جاری است. درست است که در واقع گزارش‌های ارزش‌گذاری محل اختلاف نظر بوده و هست. آقای محسنی اژه‌ای رئیس کنونی قوه قضائیه نیز هم در زمان ریاست و هم در زمان معاونت چندین بار اظهار گله کرده و نمونه‌هایی در این زمینه ارائه کرده که به‌ویژه در مبحث ارزش‌گذاری املاک و مستغلات است. ولی همین موضوع در مورد شرکت‌ها هم مصداق دارد. در ایران از استانداردهای حسابداری برخورداریم و این استانداردها بر روش‌های ارزش‌گذاری هم بسیار تأثیرگذار است. IFRS13 روش تعیین ارزش منصفانه را برای مقاصد گزارشگری مالی توضیح داده است و در نوع خود استاندارد بسیار پیشرفته‌ای است. ولی در عمل چندان مورد توجه

کارشناسان رشته‌های مختلف قرار نگرفته است و آن‌ها در این زمینه توجیه نشده‌اند.

قبلاً کانون کارشناس‌های رسمی دادگستری استان تهران جلسه‌ای گذاشته بود که طی آن بنده در حد دو ساعت این استاندارد مهم را توضیح دادم ولی تردید ندارم که در رشته‌های دیگر آشنایی کافی با این استاندارد وجود ندارد. وقتی که یک کارشناس برای تجدید ارزیابی برای مثال ساختمان یا ماشین‌آلات و تجهیزات را ارزش‌گذاری می‌کند حتماً باید به این استاندارد توجه کند. سازمان بورس و اوراق بهادار ضوابطی را در خصوص تجدید ارزیابی تدوین کرده بود که اجرا می‌شد و اخیراً دستورالعمل تجدید ارزیابی توسط این سازمان بازنگری و دستورالعمل جدیدی تدوین شده است که در آن به این استانداردهای ارزش‌گذاری ارجاع داده شده است.

◀ ولی‌اله سیف:

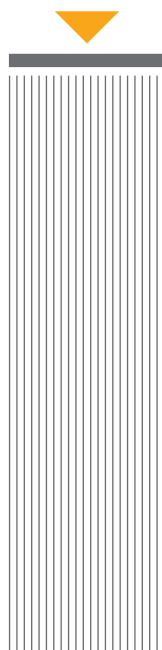
نظام فعلی ارزش‌گذاری دارایی‌ها در ایران، علی‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های حرفه‌ای مناسب، از نظر نهادی و استاندارد ه‌نوز به بلوغ لازم نرسیده است. از این‌رو، در عین حال که از نقاط قوت زیادی برخوردار است ولی ضعف‌های ساختاری زیادی هم دارد که منشأ بسیاری از اختلافات و حتی برخی فسادها شده‌اند.

در مورد نقاط قوت وضعیت فعلی می‌توانیم به وجود کارشناسان حرفه‌ای و دارای صلاحیت و پشتوانه‌ی قانونی، استفاده از روش‌های متعارف ارزش‌گذاری و بررسی‌های میدانی که از طریق بازدید از وضعیت فیزیکی، حقوقی و اقتصادی دارایی به عمل می‌آید، اشاره کنیم.

در مورد نقاط ضعف و ایرادهای روش فعلی هم شاید مهم‌ترین ضعف، فقدان استاندارد ملی جامع ارزش‌گذاری باشد. در بسیاری از کشورها استانداردهای ارزش‌گذاری دقیقاً مشخص می‌کنند که ارزش بازار، ارزش منصفانه و ارزش سرمایه‌گذاری چیست؟ در هر مأموریت از کدام مینا باید استفاده شود؟ گزارش چگونه باید تنظیم شود؟ و چه افشاهایی الزامی است؟

در ایران چنین استانداردهای جامع و الزام‌آوری وجود ندارد یا به صورت یکپارچه اجرا نمی‌شود؛ بنابراین دو کارشناس ممکن است با استناد به دو برداشت متفاوت، هر دو نیز از نظر شکلی درست عمل کرده باشند، اما به نتایج کاملاً متفاوت برسند.

دومین اشکال وابستگی زیاد نتیجه به قضاوت شخصی کارشناس است. ارزش‌گذاری، برخلاف حسابداری، یک علم کاملاً عددی نیست. در بسیاری از موارد، کارشناس باید درباره‌ی مواردی مانند نرخ تنزیل، نرخ رشد، میزان استهلاک، قابلیت نقدشوندگی، ریسک بازار و کیفیت دارایی به صورت



مشخص قضاوت کند. همین قضاوت‌ها می‌تواند اختلاف‌های بزرگی ایجاد کند.

بحث بعدی به کمبود اطلاعات شفاف بازار مربوط می‌شود. یکی از مشکلات بزرگ اقتصاد ایران، نبود پایگاه‌های اطلاعاتی جامع است. برای مثال، قیمت واقعی معاملات املاک همیشه در دسترس نیست. بسیاری از معاملات ثبت نمی‌شوند. معاملات صوری وجود دارد و قیمت‌ها به سرعت تغییر می‌کنند. در نتیجه، داده‌های پایه‌ی ارزش‌گذاری گاه ناقص یا غیر قابل اتکا هستند.

شرایط تورمی اقتصاد ایران نیز مشکل بعدی است. در اقتصادی با تورم بالا ارزش یک دارایی طی چند ماه تغییرات محسوسی دارد. در نتیجه گزارشی که امروز تهیه شده، چند ماه بعد دیگر بیانگر ارزش واقعی دارایی نخواهد بود.

نکته‌ی بعدی عدم توجه به تفاوت هدف ارزش‌گذاری است. گاهی اختلاف‌ها ناشی از اشتباه نیست، بلکه ناشی از تفاوت هدف ارزش‌گذاری است. به عنوان مثال، هدف‌های ارزش‌گذاری می‌تواند برای وثیقه‌گذاری در بانک، مالیات، فروش، تجدید ارزیابی و یا برای تملک دولتی باشد که جنبه‌های متفاوتی دارند.

فقدان نظام کنترل کیفیت یکی دیگر از اشکالات شرایط جاری است. در بسیاری از کشورها ارزش‌گذاری، علاوه بر امضای کارشناس، تحت نظام کنترل کیفیت نیز قرار می‌گیرد. در ایران چنین سازوکاری هنوز فراگیر نیست و کیفیت گزارش‌ها ممکن است به تجربه و دقت فردی کارشناس وابسته باشد.

محدودیت استفاده از فناوری نیز کیفیت ارزش‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایران این ابزارها هنوز به‌صورت گسترده و نظام‌مند به کار گرفته نشده‌اند.

احتمال تعارض منافع آخرین ایرادی است که کم‌تر در ایران نسبت به آن حساسیت وجود دارد. هرچند اکثریت کارشناسان با سلامت حرفه‌ای فعالیت می‌کنند، اما در برخی موارد ممکن است نحوه‌ی انتخاب کارشناس یا وابستگی مالی او به سفارش‌دهنده، شائبه‌ی تعارض منافع ایجاد کند. وجود قواعد شفاف برای افشای تعارض منافع و سازوکارهای نظارتی می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.

در مجموع، می‌توانم بگویم مشکل اصلی نظام ارزش‌گذاری ایران کمبود دانش کارشناسان نیست؛ بلکه نبود یک چارچوب نهادی و استاندارد یکپارچه است. حتی مجرب‌ترین کارشناسان نیز وقتی با استانداردهای غیرهمسان، داده‌های ناقص، نوسانات شدید اقتصادی و نبود نظام کنترل کیفیت روبه‌رو باشند، ممکن است به نتایج متفاوتی برسند.

از همین رو، اگر بخواهیم کیفیت ارزش‌گذاری‌ها به‌طور پایدار ارتقا یابد، اصلاحات باید از سطح فردی فراتر رفته

و بر ایجاد یک نظام حرفه‌ای مبتنی بر استانداردهای ملی همسو با رویه‌های بین‌المللی، توسعه‌ی پایگاه‌های داده‌ی معتبر، استقرار کنترل کیفیت، آموزش مستمر و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین متمرکز شود.

این ضعف‌ها مبنای مناسبی برای استدلال در حمایت از ایجاد یک نهاد ملی تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری است. چنین نهادی می‌تواند با تدوین استانداردهای واحد، کاهش اختلاف در گزارش‌های کارشناسی، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد فعالان اقتصادی، یکی از حلقه‌های مفقوده‌ی نظام مالی و قضایی کشور را تکمیل کند.

❖ احمد فاضلی:

پیش از ورود به پاسخ به پرسش حاضر، ضروری است به برخی اقدامات انجام‌شده در حوزه‌ی تدوین چارچوب‌های حرفه‌ای ارزش‌گذاری، برای درک بهتر مباحث اشاره کنم. موضوع چالش‌ها و الزامات ارزش‌گذاری و تجدید ارزیابی دارایی‌ها، از سال گذشته به ابتکار جناب آقای دکتر صیدی، ریاست محترم سازمان بورس و اوراق بهادار، در دستور کار کمیته‌ای تخصصی متشکل از صاحب‌نظران و متخصصان این حوزه قرار گرفت. با توجه به اهمیت روزافزون ارزش‌گذاری در گزارشگری مالی، بازار سرمایه، نظام بانکی، فرآیندهای مالیاتی، خصوصی‌سازی، تأمین مالی و سایر تصمیمات اقتصادی، اعضای کمیته بر ضرورت ایجاد یک چارچوب حرفه‌ای، یکپارچه و مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی برای ارزش‌گذاری دارایی‌ها اتفاق نظر داشتند.

بر همین اساس، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان سازمان بورس و اوراق بهادار، دانشگاه‌ها، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران، کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، مرکز و کلاء و کارشناسان قوه قضائیه و کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران تشکیل شد. مأموریت این کمیته، ترجمه، تطبیق و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (International Valuation Standards - IVS) و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای استقرار و اجرای آن‌ها در کشور تعیین شد.

خوشبختانه، هم‌اکنون، مرحله‌ی ترجمه و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری به پایان رسیده و اقدامات لازم برای تدوین الزامات قانونی، تعیین سازوکارهای اجرایی و فراهم‌سازی مقدمات لازم‌الاجرا شدن این استانداردها نیز در حال انجام است.

از آن‌جا که بخش قابل توجهی از پرسش‌های طرح‌شده به موضوعاتی نظیر ارزش منصفانه، روش‌های ارزش‌گذاری، تجدید ارزیابی دارایی‌ها، الزامات افشا، نقش استانداردهای حسابداری شماره‌ی ۱۱ و ۴۲ و همچنین ارتباط آن‌ها با استانداردهای



کشور را تا حد قابل قبولی پوشش دهد، اما با توسعه‌ی اقتصاد، پیچیده‌تر شدن ابزارهای مالی و گسترش دارایی‌های نامشهود، پاسخ‌گوی نیازهای امروز اقتصاد ایران نیست. در مورد نقاط قوت نظام فعلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- وجود پشتوانه‌ی قانونی

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های نظام ارزش‌گذاری ایران، برخورداری از جایگاه قانونی است. گزارش کارشناسان رسمی در محاکم قضایی، نظام بانکی، سازمان امور مالیاتی، بورس اوراق بهادار، سازمان خصوصی‌سازی و سایر مراجع رسمی معتبر شناخته می‌شود. این موضوع موجب شده است که فرآیند ارزش‌گذاری از منظر حقوقی دارای ضمانت اجرا باشد.

۲- تجربه‌ی عملی ارزش‌گذاران

بخش قابل توجهی از کارشناسان رسمی دارای تجربه‌ی ارزش‌مند در حوزه‌های مختلف اعم از املاک، ماشین‌آلات، صنایع، معادن، کشاورزی، نیروگاه‌ها، شرکت‌ها و سهام هستند. این تجربه‌ی عملی در بسیاری از پرونده‌های پیچیده نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است.

۳- شناخت مناسب از ویژگی‌های اقتصاد ایران

بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) مربوط می‌شود، بخشی از پاسخ‌های ارائه‌شده بر مبنای دستاوردها، مباحث کارشناسی و نتایج حاصل از فعالیت این کمیته تدوین شده است و جا دارد از مرکز پژوهش سازمان بورس و اوراق بهادار تشکر کنم.

اما در مورد ضعف‌ها و قوت‌های روش کنونی ارزش‌گذاری باید اشاره کنم که ارزش‌گذاری دارایی‌ها یکی از مهم‌ترین ارکان نظام گزارشگری مالی، بازار سرمایه، نظام بانکی، مالیاتی، سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری اقتصادی است. در حقیقت، هرگونه تصمیم اقتصادی اعم از خرید و فروش شرکت‌ها، افزایش سرمایه، تأمین مالی، اخذ تسهیلات، تعیین خسارت، خصوصی‌سازی، ادغام و تملیک، عرضه‌ی اولیه‌ی سهام، تعیین وثایق بانکی، انحلال و تصفیه، بدون یک ارزش‌گذاری قابل‌انکافاقت اعتبار اقتصادی خواهد بود. از این رو، کیفیت نظام ارزش‌گذاری مستقیماً با کیفیت تصمیمات اقتصادی کشور ارتباط دارد.

در ایران، ارزش‌گذاری دارایی‌ها عمدتاً توسط کارشناسان رسمی دادگستری، کارشناسان رسمی مرکز وکلا، مشاوران سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه انجام می‌شود. این نظام طی دهه‌های گذشته توانسته نیازهای حقوقی و اجرایی



می‌شود. این استانداردها نه تنها روش ارزش‌گذاری، بلکه نحوه‌ی انتخاب مبنای ارزش، افشای مفروضات، کنترل کیفیت، استقلال ارزش‌گذار، مدیریت تعارض منافع و مسئولیت حرفه‌ای را نیز تعیین می‌کنند.

اما در ایران چنین استاندارد مستقلی وجود ندارد و همین موضوع موجب می‌شود کیفیت گزارش‌ها تا حد زیادی وابسته به تجربه و قضاوت شخصی ارزش‌گذار باشد.

۲- محدود بودن استانداردهای حسابداری

در حوزه‌ی گزارشگری مالی، استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ (دارایی‌های ثابت مشهود) صرفاً نحوه‌ی شناسایی، استهلاک و تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را بیان می‌کند و اصول ارزش‌گذاری را تشریح نمی‌کند. از سوی دیگر، استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ (اندازه‌گیری ارزش منصفانه) که با هدف همگرایی با IFRS 13 تدوین شده است، تعریف نسبتاً جامعی از ارزش منصفانه ارائه می‌کند، اما این استاندارد نیز روش اجرای ارزش‌گذاری را بر عهده‌ی استانداردهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری قرار داده است.

به بیان دیگر، استاندارد ۴۲ پاسخ می‌دهد که «چه چیزی باید اندازه‌گیری شود»، اما پاسخ نمی‌دهد که «چگونه باید

کارشناسان داخلی شناخت مناسبی از ساختار اقتصاد ایران، شرایط تحریم، محدودیت‌های نقل و انتقال سرمایه، ریسک‌های سیاسی، قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت بازارهای معاملاتی و ویژگی‌های حقوقی کشور دارند؛ شناختی که در بسیاری از مدل‌های بین‌المللی به صورت پیش‌فرض وجود ندارد.

۴- تنوع روش‌های ارزش‌گذاری

در عمل، ارزش‌گذاران ایرانی از سه رویکرد اصلی ارزش‌گذاری، رویکرد بازار، رویکرد درآمدی و رویکرد بهای تمام‌شده یا هزینه‌ی جایگزینی استفاده می‌کنند که از نظر تئوریک با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) نیز همخوانی دارد.

با وجود این مزایا، چالش‌های نظام ارزش‌گذاری ایران بسیار گسترده‌تر از نقاط قوت آن است. در مورد نقاط ضعف نظام فعلی باید به موارد زیر اشاره کنیم.

۱- نبود استاندارد ملی ارزش‌گذاری

اساسی‌ترین ضعف نظام ارزش‌گذاری ایران، فقدان استاندارد مستقل ارزش‌گذاری است. در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، ارزش‌گذاری براساس استانداردهای حرفه‌ای مانند (International Valuation Standards - IVS) انجام

اندازه‌گیری شود.» بنابراین هنوز حلقه‌ی مفقوده، استاندارد ملی ارزش‌گذاری است.

۳- نبود پایگاه اطلاعات معاملات

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای ارزش‌گذاری حرفه‌ای، دسترسی به داده‌های واقعی بازار است. در ایران مشکلات متعددی در این زمینه وجود دارد: بسیاری از معاملات واقعی ثبت نمی‌شوند؛ قیمت‌های اعلامی با قیمت‌های واقعی تفاوت دارند؛ اطلاعات معاملات محرمانه است؛ و بانک اطلاعاتی جامع برای ماشین‌آلات، تجهیزات، شرکت‌ها و دارایی‌های تخصصی وجود ندارد.

در نتیجه ارزش‌گذار ناچار است بخشی از داده‌ها را بر اساس برآوردهای حرفه‌ای استخراج کند که این موضوع دامنه‌ی عدم قطعیت را افزایش می‌دهد.

۴- وابستگی زیاد به قضاوت فردی

در ارزش‌گذاری حرفه‌ای، قضاوت اجتناب‌ناپذیر است، اما این قضاوت باید در چارچوب استاندارد انجام شود. در ایران گاهی دو کارشناس با اطلاعات تقریباً یکسان، ارزش‌هایی با اختلاف بیش از ۵۰ درصد ارائه می‌کنند و این موضوع بارها توسط مقامات ارشد نظام مطرح شده است. این اختلاف معمولاً ناشی از تفاوت در انتخاب رویکرد ارزش‌گذاری، نرخ تنزیل، نرخ رشد، انتخاب معاملات مقایسه‌ای، ضرایب تعدیل، و مفروضات اقتصادی است. وجود چنین اختلاف‌هایی اعتماد عمومی به فرآیند ارزش‌گذاری را کاهش می‌دهد.

۵- نبود کنترل کیفیت حرفه‌ای

در کشورهای توسعه‌یافته، گزارش‌های ارزش‌گذاری تحت نظام کنترل کیفیت مستقل بررسی می‌شوند. در ایران معمولاً هیچ مرجع مستقلی کیفیت گزارش را پیش از استفاده ارزیابی نمی‌کند و اختلاف‌ها عمدتاً پس از ورود پرونده به مراجع قضایی آشکار می‌شود.

۶- ضعف در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود

اقتصاد امروز جهان مبتنی بر دارایی‌های نامشهود است. در بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا بیش از ۸۰ درصد ارزش شرکت ناشی از مواردی از قبیل برند، نرم‌افزار، مالکیت فکری، داده، الگوریتم‌ها، قراردادهای بلندمدت، سرمایه‌ی انسانی، فناوری، و شبکه‌ی مشتریان است.

در حالی که نظام ارزش‌گذاری ایران همچنان عمدتاً بر دارایی‌های مشهود متمرکز است و استانداردهای اجرایی مناسبی برای ارزش‌گذاری این دارایی‌ها وجود ندارد.

۷- چالش اقتصاد تورمی

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ارزش‌گذاری در ایران، تورم مزمن است. طبق استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲، ارزش منصفانه باید منعکس‌کننده‌ی قیمتی باشد که در تاریخ اندازه‌گیری، در یک معامله‌ی منظم میان مشارکت‌کنندگان

بازار قابل تحقق است. اما در اقتصادی که تورم بالاست، نرخ ارز دائماً تغییر می‌کند، بازارها فاقد عمق کافی هستند، و قیمت‌گذاری دستوری وجود دارد، تعیین ارزش منصفانه بسیار دشوار می‌شود. همچنین فاصله‌ی میان ارزش دفتری دارایی‌ها و ارزش اقتصادی آن‌ها به سرعت افزایش می‌یابد.

۸- ضعف در افشای مفروضات ارزش‌گذاری

یکی از الزامات استانداردهای IVS و همچنین استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲، افشای کامل مفروضات اصلی ارزش‌گذاری است. در بسیاری از گزارش‌های داخلی، مبنای ارزش، سطح ارزش منصفانه (سطوح ۱، ۲ یا ۳)، حساسیت مفروضات، منابع اطلاعات، محدودیت‌های ارزش‌گذاری، و تحلیل عدم قطعیت به‌طور شفاف افشا نمی‌شود. در نتیجه استفاده‌کنندگان از گزارش، توانایی ارزیابی کیفیت ارزش‌گذاری را ندارند.

در مجموع به باور من، مشکل اصلی نظام ارزش‌گذاری ایران کمبود کارشناس نیست، بلکه نبود زیرساخت حرفه‌ای است و بر این مبنا راهکارهای اصلاح عبارت‌اند از:

• تدوین استاندارد ملی ارزش‌گذاری بر مبنای IVS (که انجام شده است)

• همگرایی کامل استانداردهای حسابداری با استانداردهای ارزش‌گذاری

• اجرای کامل الزامات استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ در اندازه‌گیری ارزش منصفانه

• بازنگری در استاندارد شماره‌ی ۱۱ و الزام به ارجاع مستقیم به استانداردهای ارزش‌گذاری

• ایجاد بانک ملی اطلاعات معاملات دارایی‌ها که دارای اهمیت بالایی است

• ایجاد نظام کنترل کیفیت گزارش‌های ارزش‌گذاری

• توسعه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود

• استقرار نظام آموزش حرفه‌ای مستمر برای ارزش‌گذاران

• استفاده از هوش مصنوعی، تحلیل داده و سامانه‌های هوشمند در فرآیند ارزش‌گذاری

• تشکیل نهاد مستقل تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری مشابه هیأت استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) که مقدمات آن فراهم شده است

در نهایت، ارزش‌گذاری یک فرآیند صرفاً عددی نیست، بلکه فرآیندی مبتنی بر تحلیل اقتصادی، دانش مالی، قضاوت حرفه‌ای و استانداردهای فنی است. هرچه این چهار رکن تقویت شود، قابلیت اتکای ارزش‌گذاری افزایش یافته و اعتماد سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، نهادهای نظارتی و سایر ذی‌نفعان نیز ارتقا خواهد یافت. از این منظر، استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ و به‌ویژه استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ گام‌های مهمی در جهت بهبود گزارشگری مالی بوده‌اند، اما تا زمانی که نظام

ارزش‌گذاری کشور به استانداردهای حرفه‌ای مستقل، داده‌های شفاف و نظارت تخصصی مجهز نشود، دستیابی به برآوردی یکنواخت، قابل اتکا و منطبق با ارزش اقتصادی واقعی دارایی‌ها با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

◀ ناصر محامی:

داستان ارزیابی در کشور ما داستانی است پر از آب چشم... ارزیابی در کشور ما نه تشکیلات حرفه‌ای دارد، نه استاندارد دارد، نه آموزش دارد، نه کنترل کیفیت دارد، نه آیین رفتار حرفه‌ای دارد و نه کسی متوجه فقدان این موارد است. با کمال تأسف، دانشگاهیان و برنامه‌ریزان آموزش دانشگاهی حسابداری، اقتصاد و مالی، متولیان حرفه در سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی، مسئولان و هدایت‌کنندگان بازارهای مالی و بورس تهران، مقامات پولی و بانکی، مقامات وزارت دارایی و امور مالیاتی، کمیسیون اقتصادی و مرکز پژوهش‌های مجلس و همین‌طور قوه قضائیه حساسیت بسیار نازلی نسبت به اهمیت موضوع و آثار اجتماعی و اقتصادی آن در گزارشگری مالی، حل مشکلات دعاوی حقوقی، حفاظت از دارایی‌های مالی و پولی و نظایر آن دارند... و آنانی هم که متوجه مسائل و مشکلات ارزیابی در کشور هستند صدایشان به جایی نمی‌رسد.

ما حتی تعریف درست و به‌عبارتی درک صحیح از ماهیت این کار نداریم و برای همین در موارد زیادی حتی از ترمنولوژی و اصطلاحات صحیح هم استفاده نمی‌کنیم، مثلاً عبارتی همانند «ارزش‌گذاری» یا بعضاً حتی «قیمت‌گذاری» را به‌جای «ارزش‌یابی یا ارزیابی» به کار می‌بریم. در حالی که ارزیابی (Valuation) فرآیندی تحلیلی و علمی برای تخمین ارزش موجود است در زمان خاص، تحت شرایط مشخص، با مفروضات معین (مثلاً شرایط تصفیه یا تداوم فعالیت، کنترل یا عدم کنترل شرکت)، ارزیاب در این فرآیند هیچ نوعی از ارزش خلق یا تعیین نمی‌کند بلکه به کمک داده‌ها، مدل و مفروضات ارزیابی، برآوردی از ارزش موجود را که خارج از اراده‌ی او به‌شکل مستقل وجود دارد اعلام می‌کند.

نکته‌ی کلیدی درک این حقیقت است که ارزش خارج از اراده‌ی ارزیاب وجود دارد، کار ارزیاب گذاردن ارزش نیست بلکه تخمین ارزش براساس هدف و مفروضات ارزیابی است. با تغییر هدف و مفروضات ارزیابی، ارزش برآوردی تغییر خواهد کرد.

کار ارزیابی، یابیدن (یافتن) ارزش است و ارزیاب، پیداکننده و یابنده‌ی ارزش موجود با توجه به مفروضات و سناریوی ارزیابی مورد نظر است نه گذاردن ارزش. همین‌طور هست استفاده از واژه‌ی «قیمت و قیمت‌گذاری» به‌جای ارزش و ارزیابی. قیمت، عددی واقعی، قطعی و قابل مشاهده است

که در یک زمان مشخص و در یک معامله‌ی خاص بین دو طرف برسر آن توافق می‌شود. قیمت می‌تواند بالاتر یا پایین‌تر از ارزش باشد، قیمت به شرایط لحظه‌ای بازار، اضطراب، چانه‌زنی، احتیاج، اطلاعات ناقص و عوامل مشابه بستگی دارد، قیمت با توجه به شرایط خریدار و فروشنده می‌تواند بالاتر، پایین‌تر و بعضاً معادل ارزش باشد.

قیمت حاصل توافق خریدار و فروشنده است و متأثر از انگیزه‌های شخصی، کمبود اطلاعات، اجبار و اضطراب، روابط خاص و شرایط مشابه است. اما ارزش برآوردی نظری است که با در نظر گرفتن مفروضات و مدل و اهداف برآورد، با استفاده از روش‌های علمی و اصول و استانداردهای ارزیابی تخمین زده می‌شود و معمولاً قالب‌های مختلفی دارد مانند ارزش منصفانه، ارزش بازار، ارزش سرمایه‌گذاری، ارزش استفاده و ...

مشابه همین خطاها در درک فرایند ارزیابی، اهداف و انتخاب معیار ارزش و متدهای ارزیابی نیز وجود داشته و دارد که حاصل آن‌ها انحراف از ارزش و تخمین‌های مستعد انحراف‌های کاملاً زیاد از ارزش و در نهایت پریشانی در نتیجه است.

◀ کاظم وادی‌زاده:

روش کنونی ارزش‌گذاری دارایی‌ها در ایران که توسط کارشناسان رسمی انجام می‌شود، در بسیاری از موارد با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، استانداردهای حسابداری ایران و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) تطابق نداشته و دستورالعمل‌های تدوین‌شده فاقد اجماع نظر توسط ارکان قانونی و علمی جامعه است.

در ارزیابی سهام بنگاه‌های اقتصادی و ارزش‌گذاری شرکت‌ها، ارزیابان مختلفی در رشته‌های موردنظر برای تعیین ارزش سهام شرکت تأثیرگذار هستند. بنابر ماهیت ساختار دارایی‌های شرکت‌ها، ارزیابان در رشته‌های مختلف، از جمله راه و ساختمان، ماشین‌آلات و تأسیسات، وسایط نقلیه، برق و مکانیک، امور بازرگانی، حسابداری و حسابرسی و ... نسبت به ارزیابی دارایی‌های موردنظر اقدام می‌کنند. بسیاری از رشته‌های ارزیابی‌کننده با استانداردهای تدوین‌شده برای ارزش‌گذاری آشنایی لازم را نداشته و به دلیل اهمیت ارزش اقتصادی دارایی‌های ارزیابی شده، عملاً اختلاف‌نظرهای قابل‌توجهی در ارزیابی بنگاه‌های اقتصادی و دارایی‌های مورد نظر بین کارشناسان ایجاد می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت نظام موجود، سپردن فرآیند ارزش‌گذاری به کارشناسان رسمی دارای مجوز قانونی است. این افراد از دانش تخصصی، تجربه‌ی عملی و مسئولیت قانونی برخوردارند و گزارش آنان در مراجع قضایی، اداری و مالی از اعتبار بالایی برخوردار است. کارشناسان معمولاً علاوه بر



از دارایی‌ها، به‌ویژه املاک، ماشین‌آلات تخصصی و دارایی‌های خاص، اطلاعات شفاف و قابل‌تکایی از معاملات واقعی وجود ندارد. در نتیجه کارشناس ناچار است از اطلاعات محدود یا برآوردهای شخصی استفاده کند که احتمال خطا را افزایش می‌دهد.

اگرچه برخی از کارشناسان مالی از اصول IVS استفاده می‌کنند، اما هنوز اجرای این استانداردها در ایران در گزارشگری ارزیابی سهام الزام‌آور نیست. در برخی گزارش‌ها، مفروضات، روش‌های ارزش‌گذاری، تحلیل حساسیت و منابع اطلاعاتی به اندازه‌ی کافی افشا نمی‌شود. گاهی برای یک دارایی واحد، گزارش‌های کارشناسی متفاوتی ارائه می‌شود که ناشی از تفاوت در روش ارزش‌گذاری، مفروضات، نرخ تنزیل، ضرایب استهلاک یا تحلیل شرایط بازار است. این موضوع موجب بروز اختلاف در محاکم و بین ذی‌نفعان می‌شود. در بسیاری از ارزش‌گذاری‌ها در ایران هنوز تمرکز اصلی بر روش ارزش خالص دارایی‌ها (NAV) است، در حالی که در استانداردهای IVS و IFRS، برای بسیاری از دارایی‌های درآمدزا استفاده از رویکرد درآمدی، مدل جریان‌های نقدی تنزیل‌شده (DCF) و تحلیل بازار توصیه می‌شود.

بررسی اسناد و مدارک، از محل دارایی‌ها نیز بازدید می‌کنند. این امر موجب می‌شود عواملی مانند وضعیت فیزیکی، میزان استهلاک، شرایط بهره‌برداری، موقعیت مکانی و سایر ویژگی‌های مؤثر در ارزش دارایی در فرآیند ارزش‌گذاری لحاظ شود. در عمل، کارشناسان می‌توانند متناسب با نوع دارایی از رویکردهای مختلف ارزش‌گذاری مانند رویکرد بازار، رویکرد هزینه و رویکرد درآمد استفاده کنند. این موضوع با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) نیز همسو است که انتخاب مناسب‌ترین روش را بر اساس ماهیت دارایی توصیه می‌کند.

گزارش‌های ارزش‌گذاری در حوزه‌های متعددی مانند تجدید ارزیابی دارایی‌ها، وثیقه‌گذاری، اخذ تسهیلات، دعاوی حقوقی، تعیین ارزش سهام، نقل و انتقال دارایی‌ها و محاسبات مالیاتی کاربرد دارند و این گستردگی استفاده، یکی از مزایای نظام فعلی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف، اتکای قابل‌توجه ارزش‌گذاری به قضاوت حرفه‌ای کارشناس است. در بسیاری از موارد، دو کارشناس با اطلاعات مشابه ممکن است به ارزش‌های متفاوتی برسند. این موضوع قابلیت مقایسه و اتکاپذیری گزارش‌ها را کاهش می‌دهد. در بسیاری



۲

استانداردهای ارزش‌گذاری، چارچوب‌های شناخته‌شده‌ی جهانی هستند که در ارزیابی دارایی‌ها یکنواختی، شفافیت و یکپارچگی ایجاد می‌کنند. بر این اساس، در سطح جهانی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) مرجع مورد اتکای ارزش‌گذاران دارایی‌ها است. در غیاب این استانداردها در ایران از مجموعه‌ای از روش‌ها برای برآورد ارزش روز دارایی‌ها استفاده می‌شود. استانداردهای جهانی تا چه حد قابل‌کاربرد در ایران است و برای دستیابی به استانداردهای ارزش‌گذاری بومی چه مسیری را باید طی کرد؟

◀ محمدجواد تیموری:

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) به دلیل ایجاد

در اقتصاد ایران به دلیل تورم بالا، نوسانات نرخ ارز و تغییرات سریع قیمت‌ها، ارزش‌های تعیین‌شده ممکن است در فاصله‌ی زمانی کوتاهی اعتبار خود را از دست بدهند. به همین دلیل گزارش ارزش‌گذاری معمولاً تنها در تاریخ مشخصی معتبر است. برخی گزارش‌های کارشناسی تنها مبلغ نهایی ارزش را اعلام می‌کنند و جزئیات مربوط به مفروضات، منابع اطلاعات، تحلیل بازار و نحوه‌ی محاسبات به اندازه کافی تشریح نمی‌شود. این موضوع امکان بررسی و ارزیابی مستقل گزارش را کاهش می‌دهد.

بنابراین به‌طور کلی نظام فعلی ارزش‌گذاری دارایی‌ها در ایران از پشتوانه‌ی قانونی و تخصص کارشناسان رسمی برخوردار است، اما وابستگی زیاد به قضاوت فردی، کمبود اطلاعات شفاف بازار، تفاوت رویه میان کارشناسان و عدم اجرای کامل استانداردهای بین‌المللی موجب شده است که در بسیاری از موارد نتایج ارزش‌گذاری محل اختلاف باشد. نزدیک‌تر شدن رویه‌های ارزش‌گذاری به الزامات IFRS، IVS 16، IAS 13 و استانداردهای حسابداری ایران می‌تواند کیفیت، شفافیت و قابلیت اتکای گزارش‌های ارزش‌گذاری را به میزان قابل توجهی افزایش دهد.

شفافیت و یکنواختی، کاملاً در ایران قابل استفاده هستند، چراکه اولاً، این استانداردها زبان فنی مشترک بین کارشناسان حرفه‌ای در رشته‌های تخصصی ارزش‌گذاری در سطح جهانی هستند، ثانیاً، چارچوبی یکپارچه از اصول، مبانی، مفاهیم و روش‌های به‌کاررفته در فرایند تعیین ارزش‌داری‌ها ایجاد می‌کنند. ثالثاً در نتیجه زمینه‌ی ارتقای اعتماد و اطمینان عمومی به ارزش‌گذاری، قابلیت مقایسه و قابلیت اتکا به گزارش ارزش‌گذاری را به دنبال خواهد داشت و پیامدها و آثار آن افزایش شفافیت ارزش‌گذاری و افزایش سطح رضایت ذی‌نفعان از ارزش‌گذاری، کاهش ریسک مسئولیت حرفه‌ای، کاهش اختلاف‌نظر کارشناسان رسمی ارزش‌گذار، افزایش تولید محتوای بازآموزی و آموزشی ارزش‌گذاران و کاهش اعتراضات و شکایات مرتبط به ارزش‌گذاری خواهد بود و درنهایت موجبات ارتقای کیفیت ارزش‌گذاری را فراهم می‌آورند.

نهادینه‌شدن، استقرار و به‌کارگیری استانداردهای ارزش‌گذاری‌داری‌ها در کشور ما ایران، یکی از اقدامات بنیادی است که می‌تواند آثار مثبت زیادی بر توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و عدالت قضایی داشته باشد. این مهم صرفاً با تدوین، تصویب و ابلاغ رسمی استانداردهای ارزش‌گذاری محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند مشارکت فعال تمام ذی‌نفعان در سطوح ملی و محلی است. قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، فرهنگ‌سازی، نظارت، پایش، آموزش و ارزیابی نتایج از مهم‌ترین اقدامات در این فرایند است که با مشارکت فعال و مؤثر ذی‌نفعان اصلی و به‌ویژه نهادهای تخصصی و حرفه‌ای ارزش‌گذاری محقق می‌شود. گام‌های مشخص

دستیابی به استانداردهای ارزش‌گذاری ملی عبارتند از:

- ۱) عزم و اراده‌ی حاکمیت و تصمیم‌گیری در سطح کلان در سه قوه و حمایت همه‌جانبه برای نهادینه‌شدن و پیاده‌سازی استانداردهای ارزش‌گذاری در کشور
- ۲) تدوین، تصویب و ابلاغ قانون برای لازم‌الاجرا شدن استانداردها در کلیه‌ی نهادها در سطح کشور
- ۳) ایجاد نهاد حرفه‌ای، تدوین و به‌روزرسانی استانداردهای ملی، نظارت عالی بر اجرای استانداردها و پایش و ارزیابی نتایج
- ۴) فرهنگ‌سازی، آموزش و توانمندسازی کارشناسان رسمی، قضات، مدیران و کارشناسان مرتبط با حوزه‌ی ارزش‌گذاری
- ۵) برخورد قاطع و مقابله‌ی جدی با متخلفان، سودجویان و جریان‌های سوء مانع اجرای استانداردهای ارزش‌گذاری

◀ غلامحسین دوانی:

اگرچه استانداردهای حسابداری و ارزیابی تابع شرایط محیطی و اقتصادی و الزامات تعریف شده‌ای هستند

که برخی الزامات آن در محیط کسب و کار در ایران وجود ندارد، اما استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (International Valuation Standards-IVS) در ایران قابل استفاده‌اند؛ اما نباید به‌صورت ترجمه‌ی لفظ‌به‌لفظ یا اجرای مکانیکی به کار گرفته شوند. این استانداردها به ارزش‌گذار نمی‌گویند که همه‌ی داری‌ها را با یک فرمول مشخص ارزیابی کند؛ بلکه تعیین می‌کنند مأموریت ارزش‌گذاری چگونه تعریف، مستند و گزارش شود. اهمیت IVS برای ایران در ایجاد زبان مشترک، شفافیت روش‌ها و کاهش اختلاف‌های غیرموجه میان کارشناسان است. البته باید اصول IVS را پذیرفت و برای شرایطی مانند تورم، چندنرخ بودن ارز و کمبود اطلاعات بازار، راهنماهای اجرایی بومی تدوین کرد زیرا اصول علمی ارزش‌گذاری ماهیتی جهانی دارند، ولی داده‌ها، قوانین، ساختار بازار، نرخ ارز، نظام مالیاتی و محدودیت‌های اقتصادی هر کشور متفاوت است.

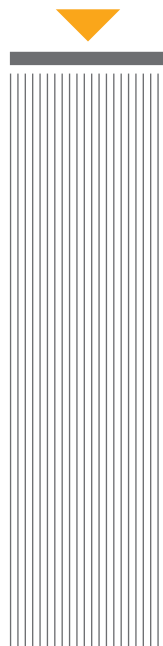
IVS چارچوبی اصول‌محور برای تعیین دامنه‌ی مأموریت، مبنای ارزش، کیفیت داده‌ها، انتخاب روش، مستندسازی، گزارشگری و کنترل کیفیت فراهم می‌کند. نسخه‌ی جاری IVS در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴ منتشر و از ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵ لازم‌الاجرا شده است. در این نسخه، موضوعاتی مانند داده‌ها و ورودی‌ها، مدل‌های ارزش‌گذاری، مستندسازی و ابزارهای مالی اهمیت بیشتری یافته‌اند.

سه رویکرد اصلی ارزش‌گذاری یعنی رویکرد بازار، رویکرد درآمد و رویکرد هزینه در ایران نیز قابل استفاده‌اند. آنچه باید بومی شود، اصول ارزش‌گذاری نیست؛ بلکه نحوه‌ی اجرای این اصول در محیط اقتصادی ایران است.

در رویکرد بازار باید مشخص شود در نبود معاملات شفاف چگونه می‌توان از قیمت آگهی‌ها، اطلاعات محدود یا معاملات غیرعمومی استفاده کرد. در رویکرد درآمد باید روش تعیین نرخ تنزیل، صرف ریسک کشور، ریسک نقدشوندگی، تورم، نرخ ارز و پیش‌بینی جریان‌های نقد روشن باشد. در رویکرد هزینه نیز باید هزینه‌ی حمل، گمرک، نصب، تحریم، فرسودگی فیزیکی، فرسودگی عملکردی و فرسودگی اقتصادی در نظر گرفته شود. مسیر مناسب برای تدوین استانداردهای بومی می‌تواند شامل مراحل زیر باشد:

نخست، پذیرش IVS به‌عنوان چارچوب پایه. ایران نباید استاندارد کاملاً جدا و ناسازگار با اصول جهانی تدوین کند. چنین رویکردی قابلیت مقایسه‌ی گزارش‌ها را کاهش می‌دهد. راه درست، پذیرش IVS و تدوین ضمایم اجرایی متناسب با شرایط ایران است.

دوم، تشکیل یک شورای مستقل و بین‌نهادی برای استانداردگذاری. این شورا می‌تواند با مشارکت سازمان حسابداری، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، سازمان بورس،



بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، کانون کارشناسان رسمی، دانشگاه‌ها و متخصصان مالی، حقوقی و فنی فعالیت کند. پیشنهاد تشکیل این شورا الزاماً به معنای ایجاد یک سازمان اداری بزرگ و جدید نیست. هدف، ایجاد سازوکاری برای هماهنگی نهادهای موجود، تدوین استاندارد، تعیین صلاحیت‌ها و کنترل کیفیت است.

سوم، تدوین استانداردهای عمومی درباره‌ی پذیرش مأموریت، استقلال، تعارض منافع، هدف ارزش‌گذاری، مبنای ارزش، تاریخ ارزش‌گذاری، کیفیت داده‌ها، مستندسازی، استفاده از متخصصان دیگر، گزارشگری و مسئولیت حرفه‌ای. چهارم، تدوین استانداردهای تخصصی برای طبقات مختلف دارایی. ارزش‌گذاری زمین و ساختمان با ارزش‌گذاری سهام، معدن، ماشین‌آلات، بانک، شرکت بیمه، استارت‌آپ یا برند یکسان نیست. بنابراین، صلاحیت‌ها و الزامات هر حوزه باید جداگانه تعریف شوند.

پنجم، هماهنگی با استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی. ارزش‌گذاری برای اهداف گزارشگری مالی باید با استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ ایران و IFRS 13 هماهنگ باشد. ارزش منصفانه مفهومی بازارمحور است و باید براساس مفروضات فعالان بازار تعیین شود، نه صرفاً براساس برنامه‌ی خاص مدیریت.

ششم، اجرای آزمایشی استانداردها در شرکت‌های بورسی، بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های بزرگ دولتی. مشکلات داده‌ای، اختلاف روش‌ها و هزینه‌های اجرا باید در دوره‌ی آزمایشی شناسایی و سپس استاندارد نهایی اصلاح شود.

هفتم، ایجاد بانک اطلاعاتی معاملات واقعی. بدون داده‌های معتبر، بهترین استاندارد نیز به نتیجه‌ی قابل‌اتکا منتهی نمی‌شود. اطلاعات معاملات باید پس از حذف مشخصات محرمانه، طبقه‌بندی و راستی‌آزمایی شود و در اختیار ارزش‌گذاران واجد صلاحیت قرار گیرد. در این زمینه، فناوری و مدل‌های خودکار می‌توانند ابزار کمکی باشند، اما نباید جایگزین قضاوت حرفه‌ای و مسئولیت ارزش‌گذار شوند.

نتیجه‌ی نهایی آن که بومی‌سازی به معنای تغییر اصول علمی نیست؛ بلکه به معنای تطبیق شیوه‌ی اجرای آن اصول با شرایط حقوقی و اقتصادی ایران است.

◀ علی رحمانی:

اگر ما آن استانداردها را مینا قرار بدهیم در مورد سطوح ارزش منصفانه بر ارزش‌های بازار تأکید کرده است. اما باید توجه کرد که ما در این‌جا نه بانک‌های اطلاعاتی جامع داریم و نه روش منظمی برای جمع‌آوری اطلاعات بازار. مثلاً در اروپا بانک اطلاعات معاملات املاک به‌طور جامع وجود دارد. ما در بورس می‌گوییم هم شفافیت اطلاعاتی دارد و هم شفافیت

معاملاتی. شفافیت اطلاعاتی یعنی در خصوص دارایی‌ها اطلاعات زیادی در قالب صورت‌های مالی، گزارش تفسیری، گزارش فعالیت هیأت مدیره، گزارش ماهانه و سایر اطلاعات منتشر می‌شود. از طرف دیگر شفافیت معاملاتی وجود دارد مثلاً هر شرکتی از روزی که وارد بورس شده است می‌توانید دقیقاً ببینید که به چه قیمتی معامله شده، آخرین قیمت، بیشترین و کمترین قیمت آن شرکت در هر روز چقدر بوده است، چه تعداد معامله شده و دفعات معامله و حتی تعداد افراد معامله‌کننده چه قدر بوده است. همه‌ی این موارد کمک می‌کند به ارزشیابی سهام. مثلاً سهمی که تعداد زیادی معامله روی آن صورت می‌گیرد طبعاً قیمتش معتبرتر است. به عبارت دیگر، حتی در تابلوی بورس ممکن است قیمت یک سهم در مقایسه با سهمی دیگر معتبرتر باشد. در این مورد، شاخص این است که قیمت سهامی معتبرتر است که حجم بیشتری معامله شده، تعداد بیشتری درگیر معامله هستند و سهام شناور آن هم بیشتر است. به عبارت دیگر به اصطلاح بازارپذیر است.

مسئله این است که ما در ایران منابع اطلاعاتی به قدر کافی درباره‌ی دارایی‌ها نداریم. روش‌های مدون و پذیرفته‌شده نداشته‌ایم و هر کارشناس یا گروهی از کارشناس‌ها روش‌های مشخصی را اعمال می‌کنند. البته، در بسیاری از موارد ممکن است این روش‌ها تفاوت زیادی نداشته باشند ولی گاهی هم می‌تواند تفاوت وجود داشته باشد. همچنین، مفروضاتی هم که در ارزش‌گذاری استفاده می‌شود یکنواخت نیست و حتی شکل گزارشی که تهیه می‌شود شکل یکسان و یکنواختی نیست. همه‌ی این‌ها به سهم خود اهمیت دارند.

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در پی اعتمادزایی و کسب اعتماد سرمایه‌گذاران و گروه‌های مختلف ذی‌نفع است. مثلاً ما در بسیاری از کشورها کانون، جامعه یا انجمن ارزش‌گذاران را داریم و این تشکلهای استاندارد و ضوابط مشخصی برای ارزش‌گذاری دارند.

جالب است که باز خود مثلاً همین استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری وقتی برمی‌گردیم به ریشه‌هایش می‌بینیم که مثلاً ارزش‌گذارانی که در صنعت ساختمان و املاک و مستغلات پیشگام بوده‌اند استانداردهایی دارند. همان‌طور که در حوزه‌ی حسابداری ما استانداردهای بین‌المللی داریم در حوزه‌ی ارزش‌گذاری هم همین اتفاق افتاده است. جالب است که در دوره‌ای هم رئیس بنیاد IFRS بعداً رئیس شورای استانداردهای ارزش‌گذاری شد. این نهادها در پی ایجاد اعتماد هستند و از این‌رو فرآیند تدوین استانداردها یک فرآیند بسیار باز و شفاف است. یعنی همان‌طور که ما در حسابداری پیش‌نویس‌ها را به نظرخواهی می‌گذاریم. این استانداردها تقریباً هر دو سال یک‌بار به‌روزرسانی می‌شود. زمانی که در بورس تهران بودم در یکی از این جلسات حضور داشتم و با مجموعه استانداردهای



مؤسسات بیگ فور در امارات متحده که مورد قبول سرمایه‌گذار خارجی بود برای کار ارزشیابی معرفی شد. و اطلاعات و آمار در اختیار آن‌ها قرار گرفت. آن‌ها روش اصلی را برای ارزشیابی روش جریان نقد آزاد گذاشته بودند. برای مثال در مورد دو هتلی که در آن جا هست هزینه‌هایی که شده بود به مراتب بیشتر از قیمتی بود که شعبه‌ی KPMG درآورده بود ولی آن‌ها بر روش‌شان اصرار داشتند و تأکید می‌کردند که کی قرار است سرمایه‌گذار به این جریان نقد برسد. البته گزارش ارزش‌گذاری آن‌ها هم خیلی جالب بود. برای مثال، اطلاعاتی مشاور داده بود که آن‌جا چه قدر مشتری خواهد داشت. در مقابل برآورد بیست میلیون، آن‌ها با ارائه‌ی مفروضاتی گفته بودند که این رقم بیش از چهارده میلیون نمی‌تواند باشد. یا مثلاً نرخ هزینه‌ی سرمایه را دقیقاً در گزارش‌شان به اصطلاح افشا کرده بودند. جالب است که از روش‌های کراس چک (Cross Check) استفاده می‌کردند و اطلاعات مراکز شبیه ایرانمال که هم هتل داره و هم مال داشته باشد در چندین کشور را در گزارش آورده بودند و بر آن اساس جمع‌بندی کرده بودند. گزارش چنان استحکام داشت که نمی‌توانستید آن را نپذیرید چون تمام مفروضات آن از استحکام برخوردار بود. چراکه از استاندارد

بین‌المللی ارزش‌گذاری آشنا شدم. نسخه‌ای از استانداردها را هم خریداری کردیم و این استانداردها را ترجمه و در سطح محدود منتشر کردیم. به‌طور خلاصه، استانداردهای جدید ضروری است و ما نیاز داریم که دایم بازآموزی شویم. همچنین لازم است زیرساخت‌ها تهیه بشود. اتفاقاً حتی چند سال پیش به کانون کارشناسان رسمی دادگستری تهران پیشنهاد کردم که به‌اتفاق در دانشگاه الزهرا یک اندیشکده‌ی ارزش‌گذاری تأسیس کنیم و بدین ترتیب در واقع خوراک فکری و علمی را از طریق اندیشکده در اختیار کارشناسان قرار بدهیم. چون استانداردها خیلی کلی‌ست و درک آن حتماً نیاز به رهنمودهای به‌کارگیری دارد. به نظر می‌رسد که این استانداردهای بین‌المللی در ایران هم قابل کاربرد است، البته طبیعی است که ما ویژگی‌های خاصی داریم که می‌تواند بر ارزش‌گذاری تأثیرگذار باشد.

زمانی که رئیس هیأت مدیره‌ی «ایرانمال» بودم بعد از برجام سرمایه‌گذار خارجی برای آن پیدا شد. جالب است که آن سرمایه‌گذار ارزش‌گذاری از طریق کانون کارشناسان را قبول نداشت و بحث‌شان این بود که ارزش‌گذاری باید از طریق یکی از مؤسسات «بیگ فور» انجام بشود. شعبه‌ای از یکی از



بانک‌های اطلاعاتی درباره‌ی املاک و مستغلات معامله‌شده و یا ماشین‌آلات. کارهای کارشناسی در این حوزه‌ها بسیار زیاد است.

برای مثال، وقتی دوره‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود را برای شورای عالی کارشناسان تدریس می‌کردم با سایتی مواجه شدم که تمامی ارقامی را که در ترکیب‌های تجاری به دارایی‌های نامشهود مختلف تخصیص داده شده بود در یک بانک اطلاعاتی جمع‌آوری کرد. بنابراین اگر مثلاً می‌خواستید ببینید که حق‌الامتياز فلان چیز چه قدر است در آن‌جا شاید نمونه‌های مشابه متعددی پیدا می‌کردید. این‌ها همه مواردی است که باید آموزش داده شود.

◀ ولی‌اله سیف:

از نظر من، پاسخ را باید در دو بخش بررسی کرد: نخست، میزان قابلیت استفاده از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) در ایران، و دوم، مسیر دستیابی به استانداردهای بومی. قطعاً استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در ایران قابل استفاده هستند اما نه به صورت ترجمه و اجرای مستقیم. IVS حاصل چند دهه تجربه‌ی کشورهای مختلف است و

مشخصی پیروی کرده و بر اساس آن به نتیجه رسیده بود. هم شرکت‌های قابل‌مقایسه (comparable company) و هم معاملات مشابه (comparable transaction) را ارائه و تعدیل کرده بودند. همچنین محاسبات را براساس شرایط کشور بومی کرده بود. برای مثال در مورد هزینه‌ی سرمایه‌ی نرخ بهره‌ی یک اقتصاد پیشرفته با رتبه‌ی AAA را که ۲,۲ درصد است براساس میانگین تفاوت سی‌ساله‌ی تورم ایران و آن کشور تعدیل و به نرخ ۹,۹ رسیده بود و سپس براساس مقایسه‌ی رتبه‌ی اعتباری ایران (BB) چهار درصد تفاوت نرخ محاسبه کرد. همچنین بابت ریسک سیاسی کشور که OECD منتشر می‌کند چهار درصد دیگر اضافه کرده بود. به عبارت دیگر گفته بود ۲,۲٪ به‌علاوه‌ی ۱۰٪ تفاوت تورم، ۴٪ تفاوت رتبه‌ی اعتباری، و ۴٪ تفاوت ریسک سیاسی به نرخی رسیده بود که کاملاً منطقی به نظر می‌رسید. همچنین برای محاسبه‌ی ارزش نهایی (Terminal value) افق زمانی بلند مدت‌تری را در نظر گرفته بود.

بنابراین به نظر می‌رسد که استانداردهای ارزش‌گذاری در ایران قابل اعمال است ولی حتماً نیاز به زیرساخت داریم. برای مثال، یک بانک اطلاعاتی از ارزش‌گذاری‌های کارشناسان. یا

اصول بنیادین ارزش‌گذاری را بیان می‌کند؛ اصولی مانند استقلال ارزش‌گذار، شفافیت مفروضات، انتخاب مبنای ارزش، روش‌های ارزش‌گذاری، افشای محدودیت‌ها و مسئولیت حرفه‌ای. این اصول، ماهیتی جهان‌شمول دارند و به نظام اقتصادی خاصی محدود نیستند. بنابراین، در سطح اصول و چارچوب‌های حرفه‌ای، IVS تقریباً به‌طور کامل قابل استفاده است.

اما در سطح اجرای عملی، شرایط اقتصاد ایران تفاوت‌های قابل توجهی با اقتصادهای توسعه‌یافته دارد که اقتضا می‌کند استانداردها متناسب‌سازی شوند. برای مثال، تورم مزمن و بالا، نوسانات شدید نرخ ارز، محدود بودن عمق برخی بازارها، معاملات غیرشفاف، قیمت‌گذاری‌های دستوری در برخی بخش‌ها، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجارت خارجی و ضعف برخی پایگاه‌های اطلاعاتی.

همه‌ی این عوامل موجب می‌شوند که اجرای بدون تعدیل IVS در ایران با دشواری‌هایی روبه‌رو شود. به بیان دیگر، اصول IVS جهانی است، اما شیوه‌ی اجرای آن باید متناسب با شرایط هر کشور طراحی شود.

برخی تصور می‌کنند تدوین استاندارد ملی یعنی کنار گذاشتن استانداردهای جهانی؛ در حالی که تجربه‌ی کشورهای موفق دقیقاً خلاف این را نشان می‌دهد.

در مورد دستیابی به استانداردهای ارزش‌گذاری بومی بیشتر کشورها یکی از دو مسیر زیر را طی کرده‌اند:

یا IVS را تقریباً بدون تغییر پذیرفته‌اند؛ یا استاندارد ملی خود را بر پایه‌ی IVS تدوین کرده‌اند و تنها بخش‌های مرتبط با قوانین، مالیات، بازار سرمایه و شرایط اقتصادی خود را به آن افزوده‌اند.

به نظر من، مسیر تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری بومی را می‌توان به صورت خلاصه در چند گام طراحی کرد.

گام نخست: پذیرش IVS به‌عنوان چارچوب مرجع

گام دوم: تشکیل نهاد تدوین استاندارد

گام سوم: مطالعه‌ی ویژگی‌های اقتصاد ایران

گام چهارم: تدوین راهنماهای تخصصی برای هر گروه از دارایی‌ها

گام پنجم: آموزش و صدور گواهینامه‌ی حرفه‌ای

گام ششم: لزوم بازنگری مستمر با توجه به این که بازارها دائماً تغییر می‌کنند.

در مجموع می‌توانم بگویم، آینده‌ی ارزش‌گذاری در ایران نه در تکرار روش‌های سنتی و نه در ترجمه‌ی صرف استانداردهای بین‌المللی است، بلکه باید تلفیقی از هر دو باشد. به عبارت دیگر، باید اصول و چارچوب‌های شناخته‌شده‌ی جهانی، به‌ویژه IVS، به‌عنوان ستون فقرات نظام ارزش‌گذاری پذیرفته شود و سپس با در نظر گرفتن ویژگی‌های حقوقی، اقتصادی و نهادی

ایران، استانداردهای ملی بر همان پایه تدوین شود.

اگر این مسیر به‌درستی طی شود، دستاوردهای مهمی حاصل خواهد شد. اختلاف میان گزارش‌های کارشناسی کاهش می‌یابد، قابلیت اتکای ارزش‌گذاری‌ها افزایش پیدا می‌کند، اعتماد دستگاه قضایی، شبکه‌ی بانکی، سازمان امور مالیاتی، بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران تقویت می‌شود و در نهایت، ارزش‌گذاری از یک فعالیت عمدتاً مبتنی بر تجربه‌ی فردی، به یک فرآیند نهادمند، شفاف و قابل ارزیابی تبدیل خواهد شد.

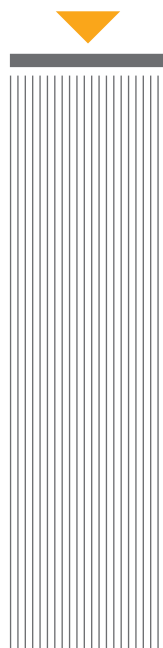
◀ احمد فاضلی:

استانداردهای ارزش‌گذاری، زبان مشترک اقتصاد جهانی در اندازه‌گیری ارزش دارایی‌ها هستند. امروزه تقریباً تمامی بازارهای سرمایه‌ی توسعه‌یافته، مؤسسات مالی، بانک‌های بین‌المللی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های حسابرسی بزرگ و سازمان‌های نظارتی از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (International Valuation Standards - IVS) به‌عنوان چارچوب اصلی ارزش‌گذاری استفاده می‌کنند. این استانداردها توسط شورای بین‌المللی استانداردهای ارزش‌گذاری (IVSC) تدوین شده و هدف آن‌ها ایجاد یکپارچگی، شفافیت، قابلیت مقایسه و افزایش اعتماد استفاده‌کنندگان به گزارش‌های ارزش‌گذاری است.

در ایران نیز با تصویب استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ «اندازه‌گیری ارزش منصفانه»، گامی مهم در جهت همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS 13) برداشته شده است. با این حال، هنوز میان نظام گزارشگری مالی و نظام ارزش‌گذاری حرفه‌ای فاصله‌ی قابل توجهی وجود دارد. استاندارد ۴۲ مفهوم «ارزش منصفانه» را تعریف می‌کند، اما روش اجرای ارزش‌گذاری را به استانداردهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری واگذار می‌کند؛ استانداردهایی که تاکنون در قالب یک نظام ملی مستقل در ایران تدوین نشده‌اند.

بنابراین، نخستین نکته آن است که باید میان «استانداردهای حسابداری» و «استانداردهای ارزش‌گذاری» تفکیک قائل شد. استانداردهای حسابداری مشخص می‌کنند که یک دارایی چگونه در صورت‌های مالی شناسایی، اندازه‌گیری و افشا شود، اما استانداردهای ارزش‌گذاری تعیین می‌کنند که ارزش آن دارایی چگونه و بر اساس چه مفروضات، روش‌ها و مدل‌هایی محاسبه شود.

به همین دلیل، استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ (دارایی‌های ثابت مشهود) شرکت را مجاز به استفاده از مدل تجدید ارزیابی می‌داند و استاندارد شماره‌ی ۴۲ نحوه‌ی اندازه‌گیری ارزش منصفانه را تشریح می‌کند، اما هیچ‌یک جایگزین استانداردهای ارزش‌گذاری حرفه‌ای نیستند.



به لحاظ اصول نظری، استانداردهای IVS کاملاً در ایران قابل اجرا هستند. زیرا این استانداردها بر مفاهیم بنیادی اقتصاد، مالی و رفتار بازار استوارند و وابسته به کشور خاصی نیستند. اصول کلیدی شامل این موارد است: تعیین هدف ارزش گذاری، تعیین مبنای ارزش، شناخت دارایی موضوع ارزش گذاری، انتخاب مناسب ترین رویکرد ارزش گذاری، انتخاب روش ارزش گذاری، افشای مفروضات اساسی، تحلیل عدم قطعیت، استقلال ارزش گذار، و مستندسازی فرآیند ارزش گذاری. این اصول در هر اقتصادی قابل استفاده هستند. اما مشکل اجرای آن ها در شرایط خاص اقتصاد ایران است. مهم ترین چالش های اجرای IVS در ایران را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- نبود بازار فعال

مطابق استاندارد حسابداری شماره ۴۲ و IFRS 13، ارزش منصفانه عمدتاً بر مبنای قیمت های قابل مشاهده در بازار تعیین می شود. در حالی که بسیاری از دارایی ها در ایران فاقد بازار فعال هستند. برای مثال می توان به نیروگاه ها، پالایشگاه ها، معادن، صنایع دفاعی، زیرساخت های حمل و نقل، پروژه های EPC، تجهیزات خاص صنعتی، اشاره کرد که بازار معاملات شفافی ندارند. در نتیجه ارزش گذار ناچار به استفاده از روش های درآمدی یا هزینه ای می شود.

۲- تورم مزمن

IVS در اقتصادی تدوین شده که ثبات نسبی قیمت ها وجود دارد. در ایران طی سال های اخیر نرخ تورم در بازه ۳۰ تا ۵۰ درصد در نوسان بوده است. این موضوع باعث می شود که نرخ تنزیل دائماً تغییر کند؛ نرخ رشد قابل پیش بینی نباشد؛ ارزش جایگزینی به سرعت افزایش یابد؛ و دوره ای اعتبار گزارش ارزش گذاری بسیار کوتاه شود. بنابراین لازم است در تدوین استاندارد ملی، دستورالعمل های ویژه ای اقتصادهای تورمی پیش بینی شود.

۳- تحریم ها

تحریم ها موجب شده اند بسیاری از دارایی ها فاقد بازار بین المللی باشند. برای مثال می توان به تجهیزات وارداتی، خطوط تولید، کشتی ها، هواپیماها و تجهیزات نفت و گاز، اشاره کرد که در بازار ایران تحت شرایطی متفاوت از بازار جهانی معامله می شوند. در نتیجه ارزش گذار باید آثار تحریم را به عنوان یک عامل ریسک مستقل تحلیل کند.

۴- نرخ های متعدد ارز

در بسیاری از مدل های ارزش گذاری، نرخ ارز یکی از مهم ترین متغیرهاست. در ایران وجود نرخ های رسمی، نیمایی، توافقی، و بازار آزاد موجب می شود انتخاب نرخ مناسب خود به یکی از مهم ترین مفروضات ارزش گذاری تبدیل شود. در حالی که IVS چنین شرایطی را به طور مستقیم پیش بینی

نکرده است.

۵- قیمت گذاری دستوری

در بسیاری از صنایع ایران مانند خودرو، دارو، انرژی، فولاد و سیمان قیمت ها الزاماً توسط بازار تعیین نمی شوند. در نتیجه مفهوم مشارکت کنندگان بازار که در استاندارد شماره ۴۲ و IFRS 13 مبنای تعیین ارزش منصفانه است، با محدودیت مواجه می شود.

بر این اساس، می توان پرسید که آیا استانداردهای بین المللی را باید عیناً اجرا کرد؟ به اعتقاد این جانب، با توجه به ترجمه ای استانداردهای بین المللی ارزش گذاری که در مقدمه توضیح دادم به ندرت مواردی پیدا می شود که نیاز به اصلاح و یا بومی سازی داشته باشد. البته تجربه ای بعضی از کشورها نشان می دهد که نظام های ارزش گذاری، استانداردهای بین المللی را بومی سازی کرده اند، نه این که صرفاً آن ها را ترجمه کنند.

به نظر می رسد مسیر اصلاح نظام ارزش گذاری کشور باید در چند مرحله انجام شود:

۱. پذیرش رسمی استانداردهای IVS به عنوان چارچوب مرجع.

۲. تدوین استاندارد ملی ارزش گذاری با لحاظ شرایط اقتصادی، حقوقی و مالی ایران که انجام شده و با تحقق بند بالا ارائه می گردد.

۳. ایجاد مرکز ملی استانداردهای ارزش گذاری

۴. بازنگری استاندارد حسابداری شماره ۱۱ و الزام به ارجاع مستقیم به استانداردهای ارزش گذاری در اجرای مدل تجدید ارزیابی.

۵. توسعه دستورالعمل های تخصصی برای ارزش گذاری دارایی های نامشهود، شرکت ها، استارت آپ ها، پروژه های زیرساختی، معادن، نیروگاه ها و دارایی های فناورانه.

۶. ایجاد پایگاه داده ای ارزش گذاری.

۷. استقرار نظام آموزش حرفه ای مستمر و گواهینامه های تخصصی ارزش گذاری.

۸. استفاده از فناوری های نوین، هوش مصنوعی و تحلیل کلان داده در فرآیند ارزش گذاری.

در مجموع، به باور من، استانداردهای بین المللی ارزش گذاری نه تنها برای ایران قابل استفاده است، بلکه تنها چارچوب معتبر برای ارتقای کیفیت ارزش گذاری محسوب می شوند. با این حال، اجرای موفق آن ها مستلزم بومی سازی، تدوین دستورالعمل های اجرایی متناسب با ویژگی های اقتصاد ایران و ایجاد یک نظام ملی ارزش گذاری است.

همچنین استانداردهای حسابداری شماره ۱۱ و ۴۲، اگرچه گام های مهمی در توسعه گزارشگری مالی مبتنی بر ارزش منصفانه به شمار می روند، اما بدون استقرار استانداردهای حرفه ای ارزش گذاری، ایجاد پایگاه های اطلاعاتی قابل اتکا،



کنترل کیفیت گزارش‌ها و آموزش مستمر ارزش‌گذاران، دستیابی به برآوردی منصفانه، یکنواخت و قابل اتکا از ارزش دارایی‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

◀ ناصر محامی:

استانداردهای بین‌المللی ارزیابی (IVS) و هم‌زاد آن، استانداردهای بنیاد ارزیابی (USPAP) در آمریکا در اصل پاسخی به گسترش جهانی بازارهای بین‌المللی، پیچیدگی انواع دارایی‌ها، گردش جهانی سرمایه‌ی مالی و همین‌طور انتقال نظام گزارشگری مالی از مبنای بهای تمام‌شده‌ی تاریخی به مبنای ارزش منصفانه و در یک کلام جهانی‌شدن سرمایه‌ی مالی است. این‌ها عواملی هستند که منجر به تاسیس شورای بین‌المللی استانداردهای ارزیابی (IVSC) و تدوین و تعدیل و تغییر مستمر استانداردهای بین‌المللی ارزیابی شده‌اند. جهانی‌شدن سرمایه‌ی مالی چهره‌ی اقتصاد جهانی را به کلی تغییر داده و به تدوین مقررات، ضوابط، اصول و استانداردهایی همانند IFRS، FATF و IVS منجر گردیده که همگی جنبه‌های مختلف یک تحول واحد هستند. یعنی تحولی به نام جهانی‌شدن سرمایه‌ی مالی و لزوم به حداکثر رساندن امنیت، پتانسیل جابه‌جایی و امکان اخذ بهترین تصمیمات در کوتاه‌ترین زمان در خصوص آن... هر سه دارای

فلسفه‌ی سیاسی و اقتصادی واحدی هستند و قاعداً بایستی با همدیگر پذیرفته شوند چرا که بدون پذیرش هر کدام از آن‌ها بقیه امکان کارکرد اصولی خود را از دست می‌دهند. بدون پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزیابی اساساً امکان اجرای ضوابط IFRS برای گزارشگری مالی به ارزش منصفانه ممکن نیست یا هر کدام از اقلام ترازنامه یا صورت سود و زیان حاصل جریانات پولی هستند که به‌طور روزانه و مکرر به شکل معاملات و رویدادهای مالی از مسیر بانکی اتفاق افتاده و به شکل واحد پولی اندازه‌گیری می‌شوند بدون پذیرش مقررات و ضوابط FATF چگونه می‌توان جریان ورود و خروج پول را در سطح کلان مدیریت و ساماندهی کرد بدون آن که نظام گزارشگری مالی متأثر از آن نشود.

نظام‌های سه‌گانه‌ی پیش‌گفته ساماندهی، کنترل، هدایت، گزارشگری و اندازه‌گیری وجوه و اشکال مختلف سرمایه‌ی مالی جهانی را برعهده دارند و اصول نظری و فلسفی واحدی بر آن‌ها حاکم است و حاصل فعالیت‌ها، تحقیقات، مطالعات و کوشش‌های بلندمدت بسیار گسترده و عمیقی در زمینه‌های بانکی و بازار پول، بازارهای مالی و سهام و نظام گزارشگری مالی و اندازه‌گیری هستند... با این اوصاف چه‌طور می‌توان به جای این استانداردها مثلاً در زمینه‌ی ارزیابی از دستورالعمل زنگ‌زده‌ی ۲۰ صفحه‌ای سازمان خصوصی‌سازی یا سازمان‌های



مشابه استفاده کرد و قانع هم شد؟! البته در عمل صدها شرکت و واحد اقتصادی بزرگ با همین دستورالعمل‌های به‌غایت آماتور با همکاری کانون کارشناسان، ارزیابی و واگذار شده‌اند و البته اکثراً دنباله‌هایی هم دارند که سر از محاکم و نظام قضایی درآورده و موجب دردسرهای فراوان اقتصادی و اجتماعی و تنش‌های سیاسی و ... شده‌اند.

درباره‌ی ادعای مثلاً تدوین استانداردهای بومی ارزیابی بهتر است اصلاً صحبتی نکنیم که فاقد توجیه علمی است. ارزیابی شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به کمک ریاضیات مالی، علم آمار، اصول و مبانی دانش مالی (باز به‌عنوان شاخه‌ای از علم اقتصاد) و در مواردی گزارشگری مالی به فعالیت مستقل حرفه‌ای تبدیل شده است. مبانی نظری و اصول پایه‌ای استانداردهای ارزیابی به اصطلاح «بومی» چه چیزی غیر از همین موارد می‌تواند باشد؟ بنابراین صحبت از استاندارد بومی ارزیابی اساساً فاقد بنیان استدلالی و توجیه منطقی است.

◀ کاظم وادی‌زاده:

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (International Valuation Standards - IVS) که توسط

IVSC (Valuation Standards Council) تدوین می‌شوند، معتبرترین چارچوب حرفه‌ای برای ارزش‌گذاری دارایی‌ها در سطح جهانی محسوب می‌شوند. هدف اصلی این استانداردها ایجاد یکپارچگی، شفافیت، قابلیت مقایسه و قابلیت اتکای گزارش‌های ارزش‌گذاری است تا نتایج ارزش‌گذاری در کشورهای مختلف بر مبنای اصول مشترک و قابل دفاع تهیه شوند.

با وجود این، میزان کاربرد این استانداردها در ایران با فرصت‌ها و چالش‌هایی همراه است. از نظر مبانی نظری و اصول حرفه‌ای، استانداردهای IVS کاملاً در ایران قابل استفاده هستند. مفاهیمی مانند ارزش بازار (Market Value)، بیشترین و بهترین استفاده (Highest and Best Use)، رویکرد بازار، درآمد و هزینه، استقلال ارزش‌گذار، افشای مفروضات و مستندسازی گزارش، اصولی هستند که محدود به نظام اقتصادی خاصی نیستند و می‌توانند در ارزش‌گذاری دارایی‌های ایرانی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

همچنین بین IVS و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) هماهنگی قابل توجهی وجود دارد. برای مثال، IFRS 13 در اندازه‌گیری ارزش منصفانه و IAS 16 در تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت، بر استفاده از ارزش‌گذاری مبتنی بر

بازار و گزارش‌های قابل اتکا تأکید دارند.

از سوی دیگر، استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران نیز در تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت، استفاده از ارزش‌های قابل اتکا را الزامی دانسته و در عمل بسیاری از مفاهیم آن با اصول IVS همسو است. بسیاری از دارایی‌ها، به‌ویژه ماشین‌آلات تخصصی، تجهیزات صنعتی، دارایی‌های نامشهود و حتی برخی املاک، فاقد بازار فعال هستند. در نتیجه، تعیین ارزش بازار با دشواری همراه بوده و ارزش‌گذار ناچار به استفاده از برآوردها و مفروضات حرفه‌ای می‌شود. تورم مزمن، نوسانات شدید نرخ ارز، تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تجاری موجب می‌شود قیمت‌ها در فاصله‌ی کوتاهی تغییر کنند. این شرایط، پایداری ارزش‌های برآوردی را کاهش داده و فرآیند ارزش‌گذاری را پیچیده‌تر می‌کند.

یکی از الزامات IVS دسترسی به اطلاعات معتبر معاملات است. در ایران هنوز بانک‌های اطلاعاتی جامع و شفاف برای معاملات املاک، ماشین‌آلات، تجهیزات و سایر دارایی‌ها به اندازه‌ی کافی توسعه نیافته‌اند و این موضوع قابلیت اتکای برخی ارزش‌گذاری‌ها را کاهش می‌دهد.

در حال حاضر ارزش‌گذاری‌ها عمدتاً بر اساس تجربه و قضاوت کارشناسان رسمی انجام می‌شود و اگرچه این کارشناسان از صلاحیت حرفه‌ای برخوردارند، اما نبود دستورالعمل‌های واحد و الزام‌آور مبتنی بر IVS می‌تواند به تفاوت در نتایج ارزش‌گذاری منجر شود. اجرای کامل IVS مستلزم آموزش مستمر کارشناسان، حسابداران، حسابرسان، مدیران مالی و حتی مراجع قضایی است. هنوز آموزش نظام‌مند این استانداردها در سطح حرفه‌ای و دانشگاهی به اندازه‌ی کافی فراگیر نشده است.

به نظر می‌رسد تدوین استانداردهای بومی نباید به معنای فاصله گرفتن از استانداردهای بین‌المللی باشد، بلکه باید بر پایه‌ی بومی‌سازی IVS و انطباق آن با شرایط اقتصادی، حقوقی و قانونی ایران انجام گیرد. بهتر است IVS به عنوان مبنای اصلی ارزش‌گذاری در کشور پذیرفته شود و دستورالعمل‌های داخلی بر اساس آن تدوین شوند، نه این‌که روش‌های کاملاً متفاوت ایجاد شود. برای دارایی‌هایی که ویژگی‌های خاص بازار ایران را دارند، مانند املاک، صنایع نفت و گاز، معادن، ماشین‌آلات، دارایی‌های کشاورزی و شرکت‌های دولتی، باید دستورالعمل‌های تخصصی مبتنی بر IVS تهیه شود. ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی ملی شامل معاملات واقعی، شاخص‌های قیمت، اطلاعات ماشین‌آلات، نرخ‌های استهلاک و اطلاعات بازار، دقت ارزش‌گذاری را به میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد. برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر درباره‌ی IVS 13 IFRS، و روش‌های نوین ارزش‌گذاری و همچنین ارتقای صلاحیت حرفه‌ای کارشناسان رسمی، موجب یکنواختی

بیشتر گزارش‌های ارزش‌گذاری خواهد شد. همکاری میان سازمان حسابرسی، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مرکز وکلا و کارشناسان قوه قضائیه، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی می‌تواند به تدوین استانداردهای واحد و کاهش اختلاف رویه‌ها کمک کند.

یکی از مهم‌ترین اصول IVS، شفافیت گزارش است. در استانداردهای بومی نیز باید ارزش‌گذار ملزم باشد مبنای ارزش‌گذاری، منابع اطلاعات، روش انتخابی، مفروضات، محدودیت‌ها و تحلیل حساسیت را به‌طور کامل افشا کند تا گزارش قابلیت بررسی و دفاع حرفه‌ای داشته باشد. به‌طور کلی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) از نظر مبنای علمی و حرفه‌ای، قابلیت استفاده‌ی گسترده در ایران را دارند و با الزامات IFRS و تا حد زیادی با استانداردهای حسابداری ایران سازگار هستند. با این حال، ویژگی‌های اقتصاد ایران مانند تورم، نوسانات ارزی، محدودیت بازارهای فعال و کمبود اطلاعات معاملاتی، ایجاب می‌کند که این استانداردها با حفظ اصول بنیادین، متناسب با شرایط داخلی بومی‌سازی شوند.

بنابراین، مناسب‌ترین مسیر برای ایران تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری ملی بر پایه‌ی IVS است؛ استانداردهایی که ضمن رعایت اصول جهانی، پاسخ‌گوی ویژگی‌های حقوقی، اقتصادی و بازار سرمایه ایران باشند. چنین رویکردی موجب افزایش شفافیت، یکنواختی، قابلیت مقایسه، اعتمادپذیری و اعتبار گزارش‌های ارزش‌گذاری در سطح ملی و بین‌المللی خواهد شد.

۳

ارزش‌گذاری یک فرآیند سیستماتیک برای برآورد ارزش دارایی‌ها اعم دارایی مالی، غیرمالی، فیزیکی، نامشهود است. حاصل این برآورد وابسته به هدف، رویکرد، روش و مفروضات است سرشت ارزیابی سهام از سویی مستلزم تسلط بر دانش حسابداری و از سوی دیگر آگاهی از مدل‌های مالی است. به نظر می‌رسد نگاه تک‌بعدی صرفاً از منظر مالی یا صرفاً از زاویه‌ی محض حسابداری به ارزش‌گذاری‌هایی قابل اتکا منتهی نمی‌شود. چگونه می‌توان دانش ارزش‌گذاران را ارتقا داد تا بتوانند با جامع‌نگری به ارزش‌گذاری دارایی‌ها و سهام بپردازند؟

◀ محمد جواد تیموری:

برای رسیدن به ارزش گذاری جامع و قابل اتکا، باید از نگاه تک بُعدی فراتر رفت و با رویکرد جامع «چند رشته‌ای»، دانش ارزش‌گذاران را ارتقا داد. در این زمینه، راهکارهای ذیل را می‌توان به کار گرفت.

طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی مهارتی چند رشته‌ای: با طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی برای تکمیل و یکپارچه سازی دانش تخصصی کارشناسان ارزش گذاری (فنی، مهندسی و تخصصی غیر مالی + اقتصادی، حسابداری، مالی) لازم است، از یک سو دانش کارشناسان ارزش گذاری فعال در رشته‌های فنی و مهندسی و تخصصی حوزه‌ها و موضوعات اقتصادی، مالی مرتبط به کارشناسی ارزش گذاری تکمیل گردد از سوی دیگر دانش کارشناسان مالی در حوزه‌ها و موضوعات فنی و مهندسی و تخصصی غیر مالی مرتبط به ارزش گذاری تقویت شود. به طوری که در ارزش گذاری‌های ساده و غیر پیچیده، یک کارشناس ارزش گذاری توانایی لازم برای ارزش گذاری را داشته باشد و نیازمند این نباشد که برای تأمین الزامات استانداردها تیم کارشناسی مرکب از تخصص‌های مالی و غیر مالی تشکیل و در نتیجه هزینه‌ی متقاضی کارشناسی بیش از حد لازم اضافه شود.

سازماندهی و ترکیب تخصص در تیم‌های کارشناسی:

برای ارزش گذاری دارایی‌های پیچیده، به جای استفاده از خدمات یک کارشناس واحد، از تیم‌های مشترک متشکل از حسابداران خبره، تحلیلگران مالی و کارشناسان صنعت استفاده شود.

بازآموزی بر مبنای سناریو:

به جای آموزش تئوری محض، کارگاه‌های عملی با محوریت «ارزش گذاری در شرایط ابهام» (مثل بحران‌های اقتصادی) برگزار شود تا ارزش‌گذار انعطاف‌پذیری در مفروضات را بیاموزد. استفاده از چک‌لیست جامع:

تدوین چک‌لیست جامع فرایند ارزش گذاری که ارزش‌گذار را ملزم به بررسی جامع کلیه عوامل مؤثر در ارزش گذاری کند.

◀ غلامحسین دوانی:

ارزش گذاری یک حرفه‌ی میان رشته‌ای است و نمی‌توان آن را به یک رشته‌ی دانشگاهی، مدرک یا تخصص فنی محدود کرد. ارزش گذاری سهام و کسب و کار در نقطه‌ی تلاقی حسابداری، مالی، اقتصاد، حقوق، آمار، مدیریت و شناخت صنعت قرار دارد. ارزش گذاری دارایی‌های فیزیکی نیز علاوه بر دانش فنی، به شناخت بازار، جریان نقد و منافع اقتصادی نیازمند است.

یک حسابدار ممکن است صورت‌های مالی را به خوبی

تحلیل کند، اما بدون شناخت مدل‌های مالی، هزینه‌ی سرمایه، نرخ تنزیل و تحلیل ریسک، نمی‌تواند ارزش یک شرکت را به درستی تعیین کند. از سوی دیگر، یک تحلیلگر مالی ممکن است مدل جریان نقد تنزیل شده تهیه کند، اما اگر کیفیت سود، ذخایر، تعهدات خارج از ترازنامه، معاملات اشخاص وابسته و تفاوت سود حسابداری با جریان نقد را نشناسد، نتیجه‌ی مدل او قابل اتکا نخواهد بود.

راهکار نخست، طراحی نظام صلاحیت حرفه‌ای چندسطحی است. نباید هر فردی صرفاً به دلیل برخورداری از صلاحیت در یک حوزه، مجاز به ارزش گذاری تمام انواع دارایی‌ها باشد. صلاحیت‌ها باید دست‌کم به حوزه‌های املاک، ماشین‌آلات، کسب و کار و سهام، دارایی‌های نامشهود، ابزارهای مالی، معادن و مؤسسات مالی تقسیم شوند.

راهکار دوم، تدوین برنامه‌ی آموزشی مشترک است. ارزش‌گذار سهام باید در استانداردهای حسابداری، تحلیل صورت‌های مالی، کیفیت سود، جریان نقد، هزینه‌ی سرمایه، مدل جریان نقد تنزیل شده، روش ضرایب بازار، تحلیل حساسیت، اقتصاد کلان، مالیات، حقوق شرکت‌ها، حاکمیت شرکتی، IVS و اخلاق حرفه‌ای آموزش ببیند.

راهکار سوم، الزام به کار گروهی در مأموریت‌های پیچیده است. برای ارزش گذاری یک شرکت پتروشیمی، یا یک شرکت معدنی، یا مؤسسه‌ای بانکی یا فناوری نمی‌توان انتظار داشت یک فرد بر تمام ابعاد فنی، مالی، مالیاتی، حقوقی و عملیاتی تسلط کامل داشته باشد. در چنین مأموریت‌هایی باید یک ارزش‌گذار اصلی مسئول هماهنگی گزارش باشد و از متخصصان سایر حوزه‌ها استفاده کند. در این‌جا باید بر یک اصل مهم تأکید کرد: راه حل، انتقال انحصار از یک حرفه به حرفه‌ی دیگر نیست. در ارزش گذاری سهام و کسب و کار، حضور متخصصان حسابداری و مالی ضروری است؛ همان‌گونه که در ارزیابی ماشین‌آلات، معادن و املاک، تخصص فنی جایگزین‌ناپذیر است.

راهکار چهارم، آموزش تفاوت میان مبلغ دفتری، قیمت و ارزش است. مبلغ دفتری محصول استانداردهای حسابداری است؛ قیمت مبلغ مشاهده‌شده در یک معامله است؛ و ارزش برآوردی وابسته به هدف، مبنا و مفروضات است. یکی دانستن این مفاهیم، منشأ بسیاری از خطاهای حرفه‌ای است.

راهکار پنجم، آموزش ارتباط ارزش گذاری با استانداردهای حسابداری است. ارزش‌گذار باید با استانداردهای مربوط به دارایی ثابت، ارزش منصفانه، کاهش ارزش، دارایی نامشهود، املاک سرمایه‌گذاری و گزارشگری مالی در اقتصادهای با تورم حاد آشنا باشد.

راهکار ششم، آزمون حرفه‌ای و آموزش مستمر است. صلاحیت حرفه‌ای نباید دائمی و بدون شرط باشد. ارزش‌گذار



باید هر سال ساعات مشخصی آموزش بگذرانند و صلاحیت او در دوره‌های معین ارزیابی شود.

راهکار هفتم، ایجاد بانک گزارش‌های نمونه است. گزارش‌های حرفه‌ای پس از حذف اطلاعات محرمانه می‌توانند برای آموزش منتشر شوند. همچنین، اختلاف‌های شدید میان گزارش‌های ارزش‌گذاری باید بررسی شود تا معلوم شود اختلاف از داده، روش، مفروضات یا تعارض منافع ناشی شده است.

راهکار هشتم، تقویت استقلال و اخلاق حرفه‌ای است. حق الزحمه‌ی ارزش‌گذار نباید به مبلغ ارزش تعیین‌شده، موفقیت معامله یا نتیجه‌ی مطلوب سفارش‌دهنده، وابسته باشد. ارزش‌گذار نیز باید هرگونه رابطه‌ی مالی، شغلی یا خانوادگی مؤثر بر استقلال خود را افشا کند.

راهکار نهم، بازبینی پس از وقوع است. در ارزش‌گذاری‌های مبتنی بر جریان نقد، پیش‌بینی‌های گذشته باید با عملکرد واقعی شرکت مقایسه شود. انحراف‌های مکرر می‌تواند نشانه‌ی ضعف مدل یا خوش‌بینی غیرواقع‌بینانه مدیریت باشد.

در مجموع باید تأکید کرد ارزش‌گذاری حرفه‌ای یک کار یک‌نفره نیست؛ محصول همکاری یک تیم میان‌رشته‌ای و مستقل است.

◀ علی رحمانی:

این نکته‌ای کاملاً اساسی است. ارزش‌گذاری یک فرایند سیستماتیک است. در استاندارد هم دقیقاً گفته می‌شود که هدف، رویکرد، روش‌ها و مفروضات باید دقیقاً مشخص باشد. برای این‌که سهام را ارزش‌گذاری کنیم تسلط کافی بر دانش حسابداری و بحث صورت‌های مالی ضروری است اما علاوه بر آن باید از مدل‌های مالی هم آگاه بود. این موارد را در رشته‌ی حسابداری تدریس می‌کنیم. در بازنگری‌های اخیر مثلاً بازنگری سال ۱۳۹۶ در دوره‌ی کارشناسی حدود نه واحد دروس مختلف، سرمایه‌گذاری، بازارهای مالی، مالی ۱ و ۲ هست. البته این به آن مفهوم نیست که نیاز به کارشناس مالی نداریم. به‌خصوص وقتی بحث محاسبه‌ی هزینه‌ی سرمایه و مدل‌های مختلف قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای مطرح می‌شود این‌ها مهم است و بایستی مورد توجه قرار بگیرد. البته الان این خودش یک محل تشدد آرا است. مثلاً در مرکز الان رشته‌ی بورس هست و البته در کانون هم به‌ناگزیر همین طور است. این در حالی است که قبلاً بورس زیرمجموعه بود و خیلی هم شرایط سختی داشت. به عنوان مثال، یمن



آموزشی تعریف شد که بخشی از آن مباحث قانونی و حقوقی بود و بخشی هم مباحث مالی بود.

❖ ولی‌اله سیف:

در واقع، ضعف بسیاری از ارزش‌گذاری‌های امروز، نه ناشی از فقدان تجربه، بلکه ناشی از جزیره‌ای شدن دانش است. ارزش‌گذاری در مرز میان چند رشته‌ی علمی قرار دارد و ارزش‌گذار موفق کسی است که بتواند این رشته‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. به‌نظر بنده ارزش‌گذاری یک حرفه‌ی میان‌رشته‌ای است، نه صرفاً یک تخصص فنی.

فرض کنید ارزش‌گذاری سهام یک شرکت صنعتی مطرح است. یک حسابدار ممکن است صورت‌های مالی را به‌خوبی تحلیل کند، اما اگر از مدل‌های ارزش‌گذاری جریان نقد، هزینه‌ی سرمایه یا نظریه‌ی پرتفوی آگاهی کافی نداشته باشد، ارزش اقتصادی شرکت را به‌درستی برآورد نخواهد کرد. در مقابل، یک متخصص مالی ممکن است بر مدل‌های تنزیل جریان نقد یا قیمت‌گذاری اختیار معامله مسلط باشد، اما اگر کیفیت سود، نحوه‌ی شناسایی درآمد، ذخایر، تعهدات احتمالی یا آثار تغییر استانداردهای حسابداری را درک نکند، تحلیل او

که مدیر عامل بورس تهران بودم شاید صلاحیت بورس به من تعلق نمی‌گرفت چراکه حتماً باید قبل از آن صلاحیت بانک را احراز کرده باشم تا بتوانم صلاحیت بورس را هم بگیر. رشته‌های پولی، سرمایه‌گذاری، بانکی و غیره به انحایی تقاطع دانش‌های مختلف هستند و استانداردهای بین‌المللی عموماً ایجاب می‌کند که در گروه‌های کارشناسی حتماً متخصص حسابداری و مالی داشته باشید. البته چنان‌که گفتم ما در رشته‌ی حسابداری به قدر کافی مالی هم درس می‌دهیم ولی معنایش این نیست که بی‌نیاز باشیم از متخصص مالی.

واقعیت این است که همان‌طور که تخصص‌هایی مانند CFE سطوح مختلف دارد و برای هرکدام باید درس‌های مختلفی را گذارند، باید در کانون نیز صلاحیت‌های مختلف برای ارزش‌گذاری را مدون و در قالب کتاب‌ها و راهنماهای مختلف منتشر کنیم. برای مثال، ارزش‌گذاری شرکت‌های تولیدی صنعتی، ارزش‌گذاری بانک‌ها، ارزش‌گذاری بیمه‌ها و ... در این صورت یک بانک غنی از انواع دانش را در کانون خواهیم داشت و کارشناسان مربوطه باید آموزش‌های تخصصی را بگذرانند. برای مثال در بحث دارایی‌های نامشهود که معاونت علمی ریاست‌جمهوری در تأکید بر آن نقش مؤثری داشت، دوره‌های

بر مبنای اطلاعاتی ناقص یا حتی گمراه کننده استوار خواهد بود. همین موضوع درباره‌ی ارزش گذاری املاک، ماشین آلات، معادن یا دارایی‌های نامشهود نیز صادق است: ارزش گذار باید علاوه بر روش‌های ارزش گذاری، با ویژگی‌های فنی هر نوع دارایی، شرایط بازار، قوانین و آثار اقتصادی آن نیز آشنا باشد. بنابراین، ارزش گذاری در نقطه‌ی تلاقی حسابداری، مالی، اقتصاد، حقوق و دانش فنی دارایی قرار دارد.

به نظر من، ارزش گذار حرفه‌ای باید حداقل در شش حوزه‌ی دانش توانمند باشد:

نخست، حسابداری و گزارشگری مالی. تسلط بر استانداردهای حسابداری، تحلیل صورت‌های مالی، شناخت کیفیت سود، جریان‌های نقدی، تجدید ارزیابی، کاهش ارزش دارایی‌ها و استانداردهای گزارشگری مالی، زیربنای هر ارزش گذاری معتبر است.

دوم، مالی و مدیریت سرمایه گذاری. مفاهیمی مانند ارزش زمانی پول، هزینه‌ی سرمایه، مدل‌های تنزیل جریان نقدی، تحلیل ریسک، ساختار سرمایه و روش‌های ارزش گذاری شرکت‌ها، هسته‌ی اصلی ارزش گذاری اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

سوم، اقتصاد. ارزش دارایی تنها به ویژگی‌های خود آن وابسته نیست، بلکه از تورم، نرخ بهره، نرخ ارز، چرخه‌های تجاری، سیاست‌های پولی و مالی و چشم‌انداز اقتصاد نیز تأثیر می‌پذیرد.

چهارم، حقوق. وضعیت مالکیت، محدودیت‌های قانونی، قراردادهای حقوق انتفاع، دعاوی حقوقی و مقررات مالیاتی می‌توانند ارزش یک دارایی را به‌طور اساسی تغییر دهند.

پنجم، دانش تخصصی هر دارایی. ارزش گذاری یک نیروگاه، معدن، شرکت فناوری، بانک یا ملک تجاری، هر یک دانش فنی ویژه‌ی خود را می‌طلبد.

ششم، استانداردهای حرفه‌ای ارزش گذاری. ارزش گذار باید با مبانی ارزش، انواع رویکردها، روش‌های ارزش گذاری، اصول اخلاق حرفه‌ای، نحوه‌ی مستندسازی و الزامات افشای مفروضات آشنا باشد.

تصور می‌کنم آموزش ارزش گذاری باید از مدل سنتی فاصله بگیرد. در بسیاری از دوره‌های آموزشی، تأکید بیش از حد بر انتقال تجربه‌های فردی یا آموزش چند روش محاسباتی است؛ در حالی که آموزش باید بر پرورش قدرت تحلیل و قضاوت حرفه‌ای متمرکز شود.

به اعتقاد من، حرفه‌ی ارزش گذاری در ایران باید یک گام فراتر رود. ارزش گذار آینده صرفاً کسی نخواهد بود که عددی را در پایان گزارش اعلام کند؛ بلکه باید بتواند منطق آن عدد را تبیین کند، سناریوهای مختلف را تحلیل نماید، حساسیت نتایج را نسبت به مفروضات نشان دهد و آثار اقتصادی و

حقوقی هر برآورد را توضیح دهد.

به بیان دیگر، نقش ارزش گذار از یک برآوردکننده‌ی قیمت به یک مشاور حرفه‌ای ارزش تغییر خواهد کرد.

◀ احمد فاضلی:

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ارزش گذاری در ایران، نه کمبود قوانین و نه کمبود تجربه‌ی عملی، بلکه «نگاه تک‌بعدی» به فرآیند ارزش گذاری است. در بسیاری از موارد، ارزش گذاری یا صرفاً از منظر حسابداری انجام می‌شود، یا صرفاً بر پایه‌ی تجربه‌ی کارشناسی، یا تنها بر مبنای مدل‌های مالی. در حالی که ارزش گذاری حرفه‌ای یک فعالیت میان‌رشته‌ای است که مستلزم تلفیق دانش‌های مختلف و درک عمیق از محیط اقتصادی، حقوقی و صنعتی است.

در ادبیات حرفه‌ای، ارزش گذاری تنها به معنای محاسبه‌ی یک عدد نیست؛ بلکه فرآیندی تحلیلی است که هدف آن برآورد ارزش اقتصادی یک دارایی با در نظر گرفتن ویژگی‌های آن، شرایط بازار، ریسک‌ها، مفروضات و رفتار مشارکت‌کنندگان بازار است. از همین رو، استانداردهای بین‌المللی ارزش گذاری (IVS) تأکید می‌کنند که ارزش گذار باید دارای صلاحیت حرفه‌ای و دانش کافی از موضوع ارزش گذاری باشد. ارزش گذاری، تلفیقی از چند دانش است و یک ارزش گذار حرفه‌ای باید حداقل بر هشت حوزه‌ی دانشی مسلط باشد:

۱. حسابداری و استانداردهای گزارشگری مالی

ارزش گذار باید صورت‌های مالی را به‌درستی تحلیل کند و بر استانداردهای حسابداری، به‌ویژه استانداردهای شماره‌ی ۱۱ (دارایی‌های ثابت مشهود)، شماره‌ی ۱۵ (سرمایه گذاری‌ها)، شماره‌ی ۱۷ (دارایی‌های نامشهود)، شماره‌ی ۳۱ (دارایی‌های غیرجاری نگهداری شده برای فروش) و شماره‌ی ۴۲ (اندازه‌گیری ارزش منصفانه) تسلط داشته باشد. همچنین آشنایی با IFRS، به‌ویژه IFRS 13، برای درک مفهوم ارزش منصفانه ضروری است.

۲. مالی شرکتی (Corporate Finance)

ارزش گذاری شرکت‌ها بدون شناخت مفاهیمی مانند هزینه‌ی سرمایه (WACC)، نرخ بازده مورد انتظار، ساختار سرمایه، جریان نقدی آزاد، سیاست تقسیم سود، ریسک سیستماتیک و مدل‌های تنزیل جریان نقدی (DCF) امکان‌پذیر نیست.

۳. اقتصاد کلان و اقتصاد بخشی

در اقتصادی مانند ایران، متغیرهایی نظیر نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، ریسک‌های سیاسی، تحریم‌ها، سیاست‌های پولی و مالی و قیمت گذاری دستوری، اثر مستقیمی بر ارزش دارایی‌ها دارند. ارزش گذار باید بتواند این متغیرها را در مدل‌های خود منعکس کند.

۴. تحلیل صنعت و مدل کسب و کار

دو شرکت با دارایی‌های مشابه ممکن است ارزش‌های کاملاً متفاوتی داشته باشند، زیرا ارزش یک شرکت تنها به دارایی‌های آن وابسته نیست، بلکه به مدل کسب‌وکار، جایگاه رقابتی، سهم بازار، مزیت رقابتی، فناوری، کیفیت مدیریت و چشم‌انداز صنعت نیز وابسته است. بنابراین، تحلیل صنعت جزء جدایی‌ناپذیر ارزش‌گذاری است.

۵. حقوق و مقررات

ارزش بسیاری از دارایی‌ها تحت تأثیر محدودیت‌های حقوقی است. آشنایی با قوانین تجارت، قانون بازار اوراق بهادار، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون ثبت، مقررات مالکیت فکری، مقررات بانکی و الزامات حاکمیت شرکتی برای یک ارزش‌گذار ضروری است.

۶. آمار، اقتصادسنجی و تحلیل داده

امروزه ارزش‌گذاری بیش از گذشته به داده متکی است. استفاده از رگرسیون، تحلیل حساسیت، تحلیل سناریو و مدل‌های پیش‌بینی، کیفیت برآورد ارزش را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد.

۷. ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود

در اقتصاد دانش‌بنیان، بخش عمده‌ی ارزش شرکت‌ها ناشی از دارایی‌هایی است که در ترازنامه منعکس نمی‌شوند؛ مانند برند، نرم‌افزار، داده، فناوری، سرمایه انسانی، حق اختراع، شبکه مشتریان و قراردادهای بلندمدت. ارزش‌گذار باید با روش‌های تخصصی ارزش‌گذاری این دارایی‌ها آشنا باشد.

۸. فناوری و هوش مصنوعی

آینده‌ی ارزش‌گذاری بدون استفاده از فناوری قابل تصور نیست. تحلیل کلان‌داده، یادگیری ماشین، مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر هوش مصنوعی و پایگاه‌های اطلاعاتی هوشمند، ابزارهای جدیدی هستند که دقت ارزش‌گذاری را افزایش می‌دهند.

در مقابل در حال حاضر، مسیر آموزش ارزش‌گذاری در ایران عمدتاً بر پایه‌ی تجربه‌ی فردی یا شرکت در دوره‌ها محدود است. در بسیاری از موارد، ارزش‌گذار پس از اخذ پروانه‌ی کارشناسی، آموزش حرفه‌ای ساختارمند و مستمر دریافت نمی‌کند. این در حالی است که در نظام‌های حرفه‌ای بین‌المللی، آموزش مستمر شرط تمدید صلاحیت حرفه‌ای است.

همچنین، آموزش دانشگاهی نیز غالباً به‌صورت مجزا در رشته‌های حسابداری، مالی، اقتصاد یا مهندسی ارائه می‌شود و کم‌تر برنامه‌ای وجود دارد که این دانش‌ها را به‌صورت یکپارچه در خدمت ارزش‌گذاری قرار دهد. بنابراین ایجاد نظام صلاحیت حرفه‌ای ضروری است و یکی از اصلاحات اساسی، طراحی نظام ملی صلاحیت حرفه‌ای ارزش‌گذاران است. این نظام باید شامل آموزش تخصصی پیش از اخذ صلاحیت،

آزمون‌های علمی و عملی، الزام به آموزش حرفه‌ای مستمر، ارزیابی دوره‌ای عملکرد، و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای باشد. در این چارچوب، صلاحیت ارزش‌گذار نباید صرفاً بر مبنای سابقه، بلکه بر اساس دانش به‌روز و توانایی تحلیل حرفه‌ای ارزیابی شود.

همچنین باید به نقش استانداردهای حسابداری و IVS در ارتقای دانش ارزش‌گذاران توجه کرد. استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ تأکید می‌کند که اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید بر اساس مفروضات مشارکت‌کنندگان بازار و با استفاده از بیشترین داده‌های قابل مشاهده انجام شود. اجرای صحیح این استاندارد مستلزم آن است که ارزش‌گذار با مفاهیم اقتصادی، مدل‌های ارزش‌گذاری و سلسله‌مراتب ارزش منصفانه آشنا باشد.

از سوی دیگر، استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ در استفاده از مدل تجدید ارزیابی، شرکت را ملزم می‌کند که ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها را به‌گونه‌ای تعیین کند که تفاوت با ارزش دفتری بااهمیت نباشد. تحقق این الزام بدون وجود ارزش‌گذارانی که به استانداردهای حرفه‌ای IVS، روش‌های ارزش‌گذاری و تحلیل بازار مسلط باشند، امکان‌پذیر نیست.

با توجه به موارد بالا برای ارتقای دانش ارزش‌گذاران، پیشنهاد می‌شود اقدامات اجرایی زیر در دستور کار قرار گیرد:

۱. تدوین چارچوب ملی آموزش ارزش‌گذاری بر پایه‌ی استانداردهای IVS.

۲. ایجاد رشته یا گرایش تخصصی ارزش‌گذاری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد.

۳. الزام به آموزش حرفه‌ای مستمر برای تمدید صلاحیت ارزش‌گذاران.

۴. طراحی گواهینامه‌های تخصصی برای ارزش‌گذاری املاک، شرکت‌ها، دارایی‌های نامشهود، ماشین‌آلات، معادن و پروژه‌های زیرساختی.

۵. توسعه‌ی همکاری میان دانشگاه‌ها، سازمان حسابرسی، سازمان بورس، کانون کارشناسان رسمی و انجمن‌های حرفه‌ای.

۶. آموزش کاربردی فناوری‌های نوین، تحلیل داده و هوش مصنوعی در ارزش‌گذاری.

۷. ایجاد بانک اطلاعاتی مطالعات موردی (Case Study) از ارزش‌گذاری‌های واقعی برای ارتقای مهارت‌های تحلیلی.

در مجموع، به اعتقاد این جانب، ارزش‌گذاری امروز دیگر یک فعالیت صرفاً حسابداری یا کارشناسی نیست، بلکه یک حرفه‌ی تخصصی و میان‌رشته‌ای است که موفقیت در آن مستلزم ترکیب دانش مالی، حسابداری، اقتصاد، حقوق، مدیریت، تحلیل صنعت و فناوری است. تا زمانی که آموزش ارزش‌گذاران از این نگاه جامع برخوردار نباشد، اختلاف در نتایج ارزش‌گذاری، کاهش قابلیت اتکای گزارش‌ها و افزایش



ترکیبی از انواع دارایی‌ها هستند و شاید در موارد عديده‌ای لازم باشد که بخش‌هایی از واحد اقتصادی موردنظر با رویکردها و متدهای دیگری مورد ارزیابی قرار گیرند. خصوصاً زمانی که کسبوکار دارای بخش‌های فعالیتی مستقل از هم و شرایط متفاوت از هم باشند یا شرکت دارای دارایی‌های راکد یا خارج از فعالیت یا اضافه بر نیاز و عملیات نرمال شرکت باشند.

ارزیابی فرآیندی سیستماتیک و قاعده‌مند در برآورد ارزش انواع دارایی‌هاست. برای ارزیابی سهام و شرکت‌ها در وهله اول و فراتر از تسلط بر حسابداری و به تعبیر اصولی‌تر داشتن توان استفاده از اطلاعات مالی و درک منطق حاکم بر گزارشگری مالی و فرآیند تهیه‌ی آن، تسلط بر دانش ارزیابی است. تا دانش ارزیابی یعنی داشتن شناخت کافی از مبانی نظری ارزش، آشنایی کافی با مفاهیم بنیادی همانند مفروضات ارزش و معیار ارزش (Premise of Value & Standard of Value)، شناخت کافی از رویکردها، مدل‌ها و متدهای گوناگون ارزیابی، تفاوت آن‌ها باهم، مبانی تئوریک آن‌ها، محل استفاده از آن‌ها و... کسب نشود تسلط بر حسابداری و حسابرسی نه‌تنها دردی را دوا نمی‌کند بلکه موجب تقلیل‌گرایی و توهم صلاحیت در ارزیابی سهام و کسبوکار هم می‌شود. چنان‌که در عمل شاهد نمونه‌های فراوانی از این دست ارزیابی‌های بی‌حساب‌و‌کتاب در تمام زمینه‌ها، چه ارزیابی مستغلات و باغ

ریسک تصمیم‌گیری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

ارتقای کیفیت ارزش‌گذاری در ایران، بیش از آن‌که نیازمند افزایش تعداد ارزش‌گذاران باشد، نیازمند سرمایه‌گذاری بر کیفیت آموزش، تدوین استانداردهای حرفه‌ای، استقرار نظام صلاحیت حرفه‌ای و توسعه‌ی فرهنگ یادگیری مستمر است؛ مسیری که در نهایت به افزایش اعتماد عمومی، بهبود گزارشگری مالی و ارتقای کارایی بازارهای مالی کشور منجر خواهد شد.

◀ ناصر محامی:

برداشت بنده از پرسش فوق، لزوم روشن‌نگری درباره‌ی پیچیدگی ارزیابی کسبوکارها و شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی است که معمولاً به‌عنوان ارزیابی سهام هم نامیده می‌شود. هرچند ارزیابی سهام خصوصاً وقتی ارزیابی سهام اقلیت موردنظر باشد لزوماً مترادف با ارزیابی شرکت‌ها و کسبوکارها نیست. ارزیابی سهام (کسبوکار و واحد اقتصادی) همانند ارزیابی هرگونه دارایی دیگر فرآیندی سیستماتیک و قاعده‌مند است. اما ارزیابی این طبقه از دارایی‌ها یعنی ارزیابی سهام و کسبوکار نسبت به ارزیابی انواع دیگر دارایی‌ها، همانند مستغلات و ماشین‌آلات و حتی دارایی‌های نامشهود دارای دشواری و پیچیدگی بیشتری است چرا که شرکت‌ها معمولاً



IFRS 13 در اندازه‌گیری ارزش منصفانه تأکید می‌کند که ارزش‌گذاری باید بر مبنای مفروضات فعالان بازار و با استفاده از اطلاعات قابل‌اتکا و روش‌های مناسب انجام شود. از این‌رو، ارتقای دانش ارزش‌گذاران مستلزم توسعه‌ی هم‌زمان دانش حسابداری، مالی، اقتصاد و مهارت‌های تحلیلی است. نخستین گام، طراحی دوره‌های آموزشی جامع است که تنها به حسابداری یا امور مالی محدود نباشد. ارزش‌گذار حرفه‌ای باید با موضوعات زیر آشنایی کافی داشته باشد:

- استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)
- استانداردهای گزارشگری مالی (IFRS) و استانداردهای حسابداری ایران

- تحلیل صورت‌های مالی
 - مدیریت مالی و ارزش‌گذاری شرکت‌ها
 - اقتصاد کلان و اقتصاد صنعتی
 - بازار سرمایه و ابزارهای مالی
 - حقوق تجارت، مالیات و مقررات حاکم بر دارایی‌ها
 - روش‌های آماری، اقتصادسنجی و تحلیل داده
- این آموزش میان‌رشته‌ای موجب می‌شود ارزش‌گذار بتواند همه‌ی عوامل مؤثر بر ارزش را به صورت یکپارچه تحلیل

و مزمرعه، چه ارزیابی ماشین‌آلات و انواع دارایی نامشهود نظیر دانش فنی و همین‌طور ارزیابی سهام و شرکت‌ها بوده‌ایم. دانش ارزشیابی، دانش مفصل و مستقلى از ترکیب علوم اقتصادی، مالی، ریاضیات مالی، علوم آماری و ... است که بایستی با تهیه‌ی منابع آموزشی معتبر و برنامه‌ریزی‌های سیستماتیک آموزشی که خود موضوع مفصل مستقلى است در اختیار حسابرسان و حسابداران، مهندسان شاغل در ارزیابی، تحلیل‌گران بازار پول و سرمایه، دانشجویان اقتصاد، حسابداری و مالی، کارشناسان رسمی دادگستری و قوه‌ی قضاییه (در تمام رشته‌ها) قرار گیرد.

◀ کاظم وادی‌زاده:

ارزش‌گذاری دارایی‌ها و به‌ویژه سهام، امروزه یک فعالیت چندرشته‌ای (Interdisciplinary) محسوب می‌شود و صرف تسلط بر حسابداری یا مالی، برای انجام یک ارزش‌گذاری قابل‌اتکا کافی نیست. مطابق استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، ارزش‌گذار باید علاوه بر آشنایی با اصول ارزش‌گذاری، شناخت مناسبی از ویژگی‌های دارایی، شرایط بازار، عوامل اقتصادی و ریسک‌های مؤثر بر ارزش داشته باشد. همچنین

کند. آشنایی کامل با IAS 36، IAS 16، IAS 13، IFRS 13 و IVS و استانداردهای متناظر ایران، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای ارزش‌گذاری حرفه‌ای است. این استانداردها علاوه بر تشریح مبانی نظری، نحوه‌ی انتخاب رویکرد ارزش‌گذاری، افشای مفروضات، مستندسازی و کنترل کیفیت گزارش را نیز مشخص می‌کنند و موجب افزایش یکنواختی و قابلیت اتکای گزارش‌ها می‌شوند. ارزش‌گذاران باید توانایی استفاده از طیف گسترده‌ای از روش‌های ارزش‌گذاری را داشته باشند و بدانند هر روش در چه شرایطی مناسب‌تر است. از جمله:

- رویکرد بازار (Market Approach)
- رویکرد درآمد (Income Approach)
- رویکرد هزینه (Cost Approach)
- مدل جریان نقدی تنزیل شده (DCF)
- ارزش‌گذاری نسبی با استفاده از ضرایب بازار (Multiples)
- ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، برند، فناوری و دارایی‌های فکری

انتخاب صحیح روش، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش دقت ارزش‌گذاری است. دانش نظری به‌تنهایی کافی نیست. ارزش‌گذاران باید به صورت مستمر در پروژه‌های واقعی ارزش‌گذاری، بررسی معاملات، ارزیابی شرکت‌ها و تحلیل صنایع مشارکت داشته باشند. شناخت رفتار بازار، وضعیت رقبای، چرخه‌های اقتصادی و ویژگی‌های هر صنعت، دقت برآورد ارزش را افزایش می‌دهد.

در ارزش‌گذاری‌های امروزی، استفاده از فناوری‌های نوین اهمیت زیادی دارد. تسلط بر نرم‌افزارهای مالی، اکسل پیشرفته، مدل‌سازی مالی، پایگاه‌های اطلاعاتی، تحلیل داده و حتی ابزارهای هوش مصنوعی می‌تواند سرعت و کیفیت تحلیل‌ها را افزایش دهد و خطاهای انسانی را کاهش دهد.

استانداردهای IVS بر استقلال، بی‌طرفی و رعایت اخلاق حرفه‌ای تأکید ویژه دارند. ارزش‌گذار باید از هرگونه تعارض منافع اجتناب کند و نتایج ارزش‌گذاری را صرفاً بر اساس شواهد، اطلاعات معتبر و قضاوت حرفه‌ای ارائه دهد. تقویت این فرهنگ حرفه‌ای، اعتماد عمومی به گزارش‌های ارزش‌گذاری را افزایش خواهد داد. با توجه به تغییرات سریع استانداردها، ابزارهای مالی و شرایط اقتصادی، آموزش ارزش‌گذاران نباید محدود به دوره‌های اولیه باشد. برگزاری دوره‌های بازآموزی، آزمون‌های حرفه‌ای، انتشار راهنماهای تخصصی و الزام به آموزش مستمر، موجب به‌روزمندان دانش ارزش‌گذاران خواهد شد.

به‌طور کلی ارزش‌گذاری دارایی‌ها و سهام فرآیندی چندبعدی است که نیازمند تلفیق دانش حسابداری، مالی، اقتصاد، حقوق، مدیریت، تحلیل داده و شناخت بازار است. هرچه ارزش‌گذاران از نگاه تکررشته‌ای فاصله گرفته و آموزش‌های میان‌رشته‌ای،

استانداردهای بین‌المللی (IVS و IFRS)، تجربه‌ی عملی، فناوری‌های نوین و اصول اخلاق حرفه‌ای را بیشتر به کار گیرند، کیفیت و قابلیت اتکای گزارش‌های ارزش‌گذاری نیز افزایش خواهد یافت.

بنابراین، توسعه‌ی نظام آموزش حرفه‌ای، تدوین استانداردهای بومی مبتنی بر IVS، گسترش آموزش مستمر و تقویت همکاری میان دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای، مهم‌ترین مسیر برای ارتقای دانش ارزش‌گذاران و دستیابی به ارزش‌گذاری‌های دقیق، شفاف و قابل اعتماد در ایران است.

۴

به‌ویژه در شرایط تورمی و افزایش ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها، اقلام درج شده در صورت‌های مالی بنگاه‌ها می‌تواند تصویری به‌غایت تحریف‌شده از وضعیت مالی واقعی بنگاه ارائه دهد. ازاین‌رو، یکی از مهم‌ترین فرازها در فرایند مالی هر بنگاه اقتصادی ارزش‌گذاری به‌روز بهای منصفانه‌ی دارایی‌های آن است. بر این اساس، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در استانداردهای حسابداری و قوانین ایران نیز پیش‌بینی شده است. براساس قانون مالیات‌های مستقیم (ماده ۱۴۹ ق.م.م. و آیین‌نامه‌های اجرایی آن) انتقال تجدید ارزیابی باید هر ۵ سال یک‌بار انجام شود تا مشمول معافیت مالیاتی (مالیات با نرخ صفر بر افزایش سرمایه از این محل) گردد. این در شرایطی است که نرخ‌های تورم در ایران طی پنج سال گذشته یعنی از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ به ترتیب ۴۰،۲ درصد، ۴۵،۸ درصد، ۴۰،۷ درصد، ۳۶ درصد، ۵۰،۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر ارزش یک دارایی فرضی اگر در سال ۱۴۰۰ براساس تجدید ارزیابی معادل یک میلیون تومان باشد در پایان سال گذشته (صرف‌نظر از مبالغ در نظر گرفته شده برای استهلاک) نزدیک به شش برابر ارزش ثبت‌شده در دفاتر خواهد بود. ازاین‌رو، روشن است که سهام‌داران و ذی‌نفعان بنگاه تصویر درستی از وضعیت مالی آن مشاهده نخواهند کرد. برای حل این معضل و نشان‌دادن ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها در صورت‌های مالی در شرایط تورم مزمن و مستمر چه باید کرد؟

◀ غلامحسین دوانی:

نخست باید میان تجدید ارزیابی‌ها و حسابداری تورمی تفاوت قائل شد. تجدید ارزیابی معمولاً مبلغ دفتری یک طبقه‌ی دارایی مانند زمین، ساختمان یا ماشین‌آلات را به ارزش منصفانه نزدیک می‌کند؛ اما حسابداری تورمی کل صورت‌های مالی را براساس قدرت خرید جاری پول تجدید ارائه می‌کند. در حسابداری تورمی فقط دارایی ثابت اصلاح نمی‌شود؛ بلکه سرمایه، درآمدها، هزینه‌ها، موجودی کالا، استهلاک، اقلام حقوق صاحبان سهام و اطلاعات مقایسه‌ای نیز تعدیل می‌شوند. همچنین سود یا زیان ناشی از موقعیت خالص پولی باید شناسایی شود.

براساس نرخ‌های ذکر شده در پرسش، سطح عمومی قیمت‌ها طی پنج سال تقریباً شش برابر شده است. البته این رقم صرفاً اثر شاخص عمومی تورم را نشان می‌دهد و نباید معادل افزایش ارزش منصفانه‌ی تمام دارایی‌ها تلقی شود. ممکن است ارزش یک زمین، معدن یا ماشین‌آلات بیشتر یا کمتر از شاخص عمومی تغییر کرده باشد. در شرایط تورمی، فاصله‌ی ثابت پنج‌ساله از منظر گزارشگری مالی همیشه قابل دفاع نیست. معیار اصلی باید این باشد که مبلغ دفتری تفاوت بااهمیتی با ارزش منصفانه نداشته باشد. بنابراین، تناوب تجدید ارزیابی باید تابع نوسان ارزش هر طبقه دارایی باشد، نه یک فاصله‌ی زمانی یکسان برای همه دارایی‌ها.

راه‌حل اصلی برای ایران شامل چند اقدام است:

اول، بررسی جدی استقرار گزارشگری مالی تورمی. تورم انباشته سه‌ساله نزدیک یا بیش از ۱۰۰ درصد یکی از شاخص‌های مهم IAS 29 است، اما تنها معیار نیست. رفتار مردم در نگهداری پول، شاخص‌بندی قیمت‌ها، نرخ‌های بهره، دستمزدها و سایر شرایط اقتصادی نیز باید بررسی شود. تصمیم نهایی باید توسط نهاد استانداردگذار و براساس مجموعه شاخص‌ها اتخاذ شود.

دوم، تعدیل همه‌جانبه‌ی صورت‌های مالی. دارایی‌ها و بدهی‌های غیر پولی، سرمایه، درآمدها، هزینه‌ها و اطلاعات مقایسه‌ای باید براساس قدرت خرید جاری تجدید ارائه شوند. سوم، حفظ تجدید ارزیابی در کنار حسابداری تورمی. شاخص عمومی قیمت، کاهش قدرت خرید پول را نشان می‌دهد، اما الزاماً تغییر ارزش یک دارایی خاص را اندازه‌گیری نمی‌کند. در نتیجه، حسابداری تورمی و ارزش‌گذاری منصفانه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

چهارم، هماهنگی با استاندارد ارزش منصفانه. ارزش دارایی باید براساس مفروضات فعالان بازار، وضعیت فعلی دارایی، بازار اصلی و ریسک‌های موجود اندازه‌گیری شود. افزایش نرخ تورم به‌تنهایی دلیل کافی برای افزایش یکسان ارزش همه دارایی‌ها

نیست.

پنجم، هماهنگی میان حسابداری، مالیات و قانون تجارت. اگر صورت‌های مالی براساس قدرت خرید جاری تهیه شوند، اما مالیات همچنان بر سود اسمی وضع شود، شرکت ممکن است بر سودی مالیات بپردازد که از نظر اقتصادی تحقق نیافته است.

ششم، جلوگیری از توزیع سود موهوم. در شرایط تورمی، درآمد فروش به قیمت‌های جاری ثبت می‌شود، اما استهلاک و بهای تمام‌شده ممکن است مربوط به قیمت‌های سال‌های گذشته باشد. در نتیجه، سود اسمی بیشتر از سود واقعی گزارش و بخشی از سرمایه‌ی شرکت به‌عنوان سود میان سهام‌داران توزیع می‌شود.

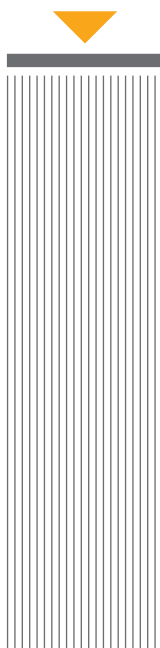
هفتم، ارائه‌ی اطلاعات تاریخی و تعدیل‌شده در کنار یکدیگر. برای تحلیل روند، استفاده‌کنندگان باید بتوانند آثار تورم، تجدید ارزیابی و عملکرد واقعی شرکت را از یکدیگر تفکیک کنند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تجدید ارزیابی یک دارایی، جایگزین اصلاح واحد اندازه‌گیری کل صورت‌های مالی نیست.

◀ علی رحمانی:

ماده‌ی ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم به استانداردهای حسابداری ارجاع داده و بیان کرده که در صورت انطباق با استانداردهای حسابداری از نظر مالیاتی نیز قابل قبول است. در استانداردهای حسابداری سه یا پنج سال آمده است. ولی در قانون رفع موانع تولید و توسعه‌ی نظام مالی کشور هر پنج سال یک‌بار می‌توان تجدید ارزیابی کرد و مبالغ آن را به حساب سرمایه برد. از طرف دیگر کمیته‌ی فنی سازمان عنوان کرده اگر تغییرات حاصل از تورم زیاد باشد حتی می‌توان سالانه این کار را انجام داد. نکته‌ی مهم این است که تجدید ارزیابی امر پرهزینه‌است. برای مثال در یک شرکت بزرگ ممکن است فرضاً ۱۵۰ میلیارد تومان هزینه‌ی تجدید ارزیابی بشود. این رقم بسیار هنگفتی است.

در استانداردهای حسابداری، حسابداری در شرایط تورم مزمن را داریم و می‌توان آن را مبنا قرار داد. برای مثال در ۱۹۷۳ و بعد از جنگ اعراب و اسرائیل که تورم حادی پدیدار شد در امریکا FASB شرکت‌های بزرگ را وادار کرد که صورت‌های مالی مکمل بدهند. چون ما در حسابداری بحث‌مان فقط این نیست که تجدید ارزیابی بشود، شما می‌توانید صورت‌های مالی‌تان را بر اساس بهای تمام‌شده‌ی تاریخی تعدیل شده با نرخ تورم ارائه کنید. این بحث‌ها را ما همیشه در حسابداری میانه (۲) مطرح می‌کردیم. البته الان حذف شده است. با این حال، استانداردهای حسابداری





تورمی در سطح بین‌المللی هست و این قابل‌اجراست و روش کم‌هزینه‌تری نسبت به تجدید ارزیابی است و البته ملاحظات دیگری هم دارد.

◀ ولی‌اله سیف:

این یکی از اساسی‌ترین چالش‌های گزارشگری مالی در اقتصادهای تورمی است. موضوعی که در ادبیات حسابداری از آن با عنوان کاهش مربوط‌بودن (Relevance) اطلاعات تاریخی در شرایط تورمی یاد می‌شود. در واقع، مشکل اصلی صرفاً ارزش‌گذاری دارایی‌ها نیست، بلکه کارآمدی صورت‌های مالی است. هنگامی که تورم برای چند سال متوالی در محدوده‌ی ۳۰ تا ۵۰ درصد قرار دارد، صورت‌های مالی مبتنی بر بهای تمام‌شده‌ی تاریخی به تدریج بخش مهمی از قدرت اطلاع‌رسانی خود را از دست می‌دهند.

نکته‌ی مهمی که در مثال شما وجود دارد این است که اگر دارایی ثابت در سال ۱۴۰۰ تجدید ارزیابی شده باشد و سپس پنج سال دیگر امکان تجدید ارزیابی معاف از مالیات وجود نداشته باشد، در اقتصادی با تورم تجمعی بسیار بالا، ارزش دفتری آن در پایان این دوره فاصله‌ی قابل‌ملاحظه‌ای با ارزش منصفانه خواهد داشت. این فاصله تنها یک اختلاف حسابداری نیست، بلکه بر بسیاری از نسبت‌ها و تصمیمات اقتصادی اثر

می‌گذارد.

در چنین شرایطی، نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که اقتصادهای دارای تورم مزمن نمی‌توانند همان قواعد گزارشگری مالی اقتصادهای با ثبات قیمتی را بدون تعدیل به کار گیرند. به اعتقاد من، تجدید ارزیابی هر پنج سال یک‌بار کافی نیست. قاعده‌ی پنج‌ساله زمانی قابل دفاع است که نرخ تورم تک رقمی یا حتی در محدوده‌ی ۱۰ تا ۱۵ درصد باشد. اما هنگامی که اقتصاد طی چند سال متوالی با تورم‌های بالای ۳۰ یا ۴۰ درصد مواجه است، فاصله‌ی پنج‌ساله موجب می‌شود اطلاعات مالی پیش از پایان دوره، بخش قابل‌توجهی از ارتباط خود با واقعیت اقتصادی را از دست بدهد. بنابراین، دوره‌ی زمانی تجدید ارزیابی نباید یک عدد ثابت قانونی باشد، بلکه باید تابع شرایط اقتصادی باشد. راهکار مناسب انجام برخی اصلاحات است که صرفاً به آن‌ها اشاره می‌کنم:

نخست، اصلاح قوانین مالیاتی. مناسب است محدودیت پنج‌ساله حذف یا دست‌کم انعطاف‌پذیر شود، به گونه‌ای که هرگاه تغییر ارزش دارایی از یک آستانه‌ی مشخص مثلاً ۲۰ یا ۲۵ درصد، فراتر رفت، بنگاه بتواند بدون محروم‌شدن از مزایای مالیاتی، تجدید ارزیابی انجام دهد. دوم، تفکیک مقررات مالیاتی از استانداردهای حسابداری.



نیازمند بررسی دقیق و فراهم شدن زیرساخت‌های لازم است، اما اصل موضوع نشان می‌دهد که اقتصادهای توری به ابزارهای گزارشگری متفاوتی نیاز دارند.

اما یک نکته‌ی مهم‌تر: به نظر من، نباید تصور کرد که تجدید ارزیابی به‌تنهایی مسئله را حل می‌کند. اگرچه تجدید ارزیابی موجب می‌شود ارزش دارایی‌ها به واقعیت نزدیک‌تر شود، اما تا زمانی که سایر اقلام صورت‌های مالی همچنان بر مبنای بهای تاریخی ثبت شوند، بخشی از عدم‌تجانس باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، تجدید ارزیابی نقدینگی ایجاد نمی‌کند و توان سودآوری شرکت را نیز به خودی خود افزایش نمی‌دهد. از این‌رو، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی باید آثار آن را با دقت تحلیل کنند و آن را با بهبود عملکرد عملیاتی اشتباه نگیرند.

در مجموع، لازم است این نکته را مورد تأکید قرار دهیم که اقتصاد ایران به مرحله‌ای رسیده است که اصلاح نظام تجدید ارزیابی دارایی‌ها دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت برای حفظ کیفیت گزارشگری مالی است. استمرار قاعده‌ی ثابت پنج‌ساله در اقتصادی که طی همین دوره ممکن است سطح عمومی قیمت‌ها چندین برابر شود، موجب می‌شود صورت‌های

متأسفانه در ایران، گاهی قواعد مالیاتی بر نحوه‌ی گزارشگری مالی اثر می‌گذارند؛ در حالی که هدف حسابداری، ارائه‌ی تصویری منصفانه و قابل‌اتکا از وضعیت مالی است و هدف نظام مالیاتی، تعیین درآمد مشمول مالیات. این دو هدف الزاماً یکسان نیستند و نباید یکی، دیگری را تحت الشعاع قرار دهد. سوم، حرکت به سمت اندازه‌گیری مستمر ارزش منصفانه، برای بسیاری از دارایی‌ها، به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌ها، املاک و برخی دارایی‌های مالی، می‌تواند از مدل ارزش منصفانه با به‌روزرسانی‌های منظم استفاده کرد تا فاصله‌ی میان ارزش دفتری و ارزش اقتصادی کاهش یابد.

چهارم، استقرار نظام ملی ارزش‌گذاری در این‌جا نیز اهمیت پیدا می‌کند. اگر استانداردهای ملی و رویه‌های حرفه‌ای مشخصی وجود داشته باشد، امکان انجام ارزش‌گذاری‌های دوره‌ای، باکیفیت و قابل‌مقایسه فراهم خواهد شد.

پنجم، به‌کارگیری استانداردهای حسابداری ویژه‌ی اقتصادهای توری. در ادبیات بین‌المللی، برای اقتصادهایی که با تورم شدید روبه‌رو هستند، راهکارهایی مانند تعدیل صورت‌های مالی بر اساس تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها پیش‌بینی شده است. هرچند اجرای این روش‌ها در ایران

مالی به تدریج از واقعیت اقتصادی فاصله بگیرند و کارکرد خود را در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، نهادهای ناظر و حتی مدیران از دست بدهند.

از این رو، مناسب است قانون‌گذار و نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، با همکاری سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی، بازار سرمایه و جامعه حرفه‌ای حسابداری و ارزش‌گذاری، چارچوبی طراحی کنند که در آن تناوب تجدید ارزیابی تابع شرایط اقتصادی و میزان تغییر ارزش دارایی‌ها باشد، نه صرفاً گذشت یک دوره‌ی زمانی ثابت. چنین اصلاحی، همراه با توسعه استانداردهای مالی ارزش‌گذاری و تقویت کاربرد ارزش منصفانه، می‌تواند گام مهمی در افزایش شفافیت، قابلیت‌اتکا و سودمندی صورت‌های مالی در اقتصاد تورمی ایران باشد.

◀ احمد فاضلی:

این پرسش، به اعتقاد من، مهم‌ترین چالش نظام گزارشگری مالی ایران در دهه‌ی اخیر بوده است. اگر بخواهیم تنها یک عامل را که بیشترین فاصله را میان واقعیت اقتصادی شرکت‌ها و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی ایجاد کرده است معرفی کنیم، آن عامل تورم مزمن است.

صورت‌های مالی زمانی می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، اعتباردهندگان، سهام‌داران و سیاست‌گذاران قرار گیرند که تصویر منصفانه از وضعیت اقتصادی واحد تجاری ارائه دهند. اما زمانی که اقتصاد با تورم‌های سالانه ۳۰ تا ۵۰ درصد مواجه باشد، اتکای صرف به بهای تمام‌شده‌ی تاریخی موجب می‌شود بخش عمده‌ای از اطلاعات مالی قابلیت تصمیم‌گیری خود را از دست بدهد.

یکی از اصول سنتی حسابداری، ثبت دارایی‌ها بر مبنای بهای تمام‌شده‌ی تاریخی است. این رویکرد در اقتصادهای با ثبات قیمتی مزایای قابل توجهی دارد. چراکه قابلیت اتکا بالایی دارد؛ مستند و قابل رسیدگی است؛ از قضاوت‌های شخصی می‌کاهد؛ و قابلیت مقایسه‌ی دوره‌ای ایجاد می‌کند. اما همین مزایا در اقتصادهای تورمی به نقطه‌ی ضعف تبدیل می‌شوند.

فرض کنید زمینی در سال ۱۳۹۸ به مبلغ ۳۰ میلیارد ریال خریداری شده است. اگر امروز ارزش بازار همان زمین ۵۰۰ میلیارد ریال باشد، ثبت آن به مبلغ تاریخی، هیچ ارتباطی با واقعیت اقتصادی شرکت ندارد. در چنین شرایطی، ارزش دارایی‌ها کمتر از واقع گزارش می‌شود؛ حقوق صاحبان سهام کمتر از واقع نمایش داده می‌شود؛ نسبت بدهی به دارایی به صورت مصنوعی افزایش می‌یابد؛ نسبت بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) دچار تحریف می‌شوند؛ ظرفیت واقعی وثیقه‌گذاری شرکت کاهش می‌یابد؛

و قدرت تأمین مالی بنگاه محدود می‌شود. در نتیجه، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که بر مبنای اطلاعات اقتصادی صحیح نیست.

استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ این مشکل را تا حدودی شناسایی کرده و به واحدهای تجاری اجازه داده است که پس از شناخت اولیه‌ی دارایی‌های ثابت مشهود، به جای مدل بهای تمام‌شده، از مدل تجدید ارزیابی استفاده کنند. بر اساس این استاندارد، دارایی باید به مبلغ تجدید ارزیابی‌شده، یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی، پس از کسر استهلاک و کاهش ارزش انباشته، در صورت‌های مالی منعکس شود. نکته‌ی مهم استاندارد شماره‌ی ۱۱ این است که تصریح می‌کند تجدید ارزیابی باید با چنان تناوبی انجام شود که تفاوت بااهمیتی میان مبلغ دفتری و ارزش منصفانه ایجاد نشود.

این عبارت از منظر حرفه‌ای اهمیت بسیار زیادی دارد. اما متأسفانه در عمل، این الزام حرفه‌ای تحت تأثیر برخی مقررات مالیاتی به برداشت نادرستی منجر شده است که گویا تجدید ارزیابی هر پنج سال یک‌بار کافی است. در حالی که استاندارد حسابداری هیچ دوره‌ی زمانی ثابتی تعیین نکرده است. ملاک استاندارد، «بااهمیت شدن اختلاف» است، نه «پایان یافتن پنج سال».

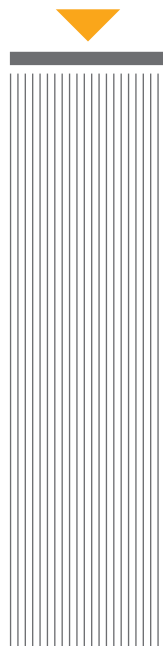
استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ که مبتنی بر IFRS 13 تدوین شده، تحول بسیار مهمی در نظام گزارشگری مالی ایران ایجاد کرده است. بر اساس این استاندارد، ارزش منصفانه عبارت است از «قیمتی که در تاریخ اندازه‌گیری، در یک معامله‌ی منظم بین مشارکت‌کنندگان بازار برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی دریافت یا پرداخت می‌شود».

این تعریف چند پیام مهم دارد: اول این که ارزش منصفانه، ارزش اقتصادی امروز دارایی است، نه قیمت خرید گذشته. دوم این که ارزش منصفانه مبتنی بر شرایط بازار در تاریخ اندازه‌گیری است. سرانجام، سوم این که فرض بر وجود مشارکت‌کنندگان آگاه، مستقل و مایل به معامله است.

بنابراین فلسفه‌ی استاندارد شماره‌ی ۴۲، نزدیک کردن صورت‌های مالی به واقعیت اقتصادی است.

به اعتقاد من تجدید ارزیابی پنج‌ساله پاسخگوی اقتصاد ایران نیست. در اقتصادی که طی پنج سال بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد تورم تجمعی ایجاد شده است، فاصله‌ی پنج‌ساله یا حتی سه‌ساله میان تجدید ارزیابی‌ها نه تنها تصویر منصفانه ارائه نمی‌کند، بلکه عملاً موجب تحریف صورت‌های مالی می‌شود. ممکن است ارزش یک نیروگاه، کارخانه یا زمین صنعتی ظرف دو سال چند برابر شود، اما همچنان با ارزش قدیمی در صورت‌های مالی منعکس گردد. این موضوع مغایر روح استاندارد شماره‌ی ۱۱ و فلسفه استاندارد شماره‌ی ۴۲ است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود معیار زمانی جای خود را به معیار



«اهمیت» بدهد. به عبارت دیگر، هرگاه اختلاف میان ارزش دفتری و ارزش منصفانه از آستانه‌ی مشخصی فراتر رود، تجدید ارزیابی باید الزامی شود.

باید پرسید آیا راه‌حل، حسابداری تورمی است؟ در بسیاری از اقتصادهای دارای تورم مزمن، استاندارد بین‌المللی IAS 29 مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف IAS 29 تعدیل تمامی اقلام صورت‌های مالی بر اساس قدرت خرید عمومی پول است. اگرچه ایران تاکنون این استاندارد را به‌طور کامل اجرا نکرده است، اما با توجه به استمرار تورم بالا، بازنگری در این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

البته باید توجه داشت که حسابداری تورمی و تجدید ارزیابی دو مفهوم متفاوت هستند:

- حسابداری تورمی اثر کاهش قدرت خرید پول را اصلاح می‌کند.

- تجدید ارزیابی ارزش اقتصادی یک دارایی مشخص را به‌روز می‌کند.

اما این دو ابزار می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

در مورد نقش ارزش‌گذاری حرفه‌ای باید تأکید کرد که تجدید ارزیابی زمانی می‌تواند منجر به ارائه اطلاعات باکیفیت شود که بر پایه‌ی ارزش‌گذاری حرفه‌ای انجام گیرد. در این زمینه رعایت استانداردهای IVS اهمیت ویژه‌ای دارد.

ارزش‌گذار باید مبنای ارزش را مشخص کند؛ مناسب‌ترین رویکرد ارزش‌گذاری را انتخاب نماید؛ مفروضات را افشا کند؛ تحلیل حساسیت ارائه دهد؛ عدم قطعیت ارزش‌گذاری را توضیح دهد؛ و سطح ارزش منصفانه را مطابق استاندارد شماره‌ی ۴۲ مشخص کند. در غیر این صورت، تجدید ارزیابی صرفاً به جابه‌جایی اعداد در ترازنامه تبدیل خواهد شد.

اجرای صحیح تجدید ارزیابی آثار مهمی بر اقتصاد خواهد داشت و به افزایش شفافیت صورت‌های مالی، افزایش قابلیت مقایسه‌ی شرکت‌ها، بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، افزایش ظرفیت واقعی تأمین مالی شرکت‌ها، اصلاح نسبت‌های مالی، بهبود اعتبارسنجی بانکی، افزایش کارایی بازار سرمایه، و کاهش فاصله میان ارزش دفتری و ارزش اقتصادی شرکت‌ها منجر می‌شود.

برای حل معضله‌های مورد اشاره در بالا، پیشنهاد می‌شود:

۱. بازنگری در مقررات مالیاتی و حذف محدودیت زمانی پنج‌ساله به‌عنوان مبنای اصلی تجدید ارزیابی و جایگزینی آن با معیار «تغییر بااهمیت ارزش».

۲. اصلاح استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ با تأکید بیشتر بر استفاده از ارزش‌گذاری حرفه‌ای منطبق با IVS.

۳. اجرای کامل الزامات استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ در خصوص اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه.

۴. تدوین دستورالعمل ویژه ارزش‌گذاری دارایی‌ها در اقتصادهای تورمی.

۵. بررسی امکان به‌کارگیری استاندارد IAS 29 یا تدوین استاندارد ملی متناظر برای شرایط اقتصاد ایران.

۶. ایجاد بانک اطلاعات معاملات دارایی‌ها به‌منظور افزایش قابلیت اتکای ارزش منصفانه.

۷. الزام به افشای تحلیل حساسیت و مفروضات کلیدی در گزارش‌های تجدید ارزیابی.

در مجموع به باور من، مسئله‌ی اصلی امروز گزارشگری مالی ایران، کمبود تجدید ارزیابی نیست، بلکه فاصله‌ی فزاینده میان ارزش‌های تاریخی و واقعیت اقتصادی دارایی‌هاست. استانداردهای حسابداری شماره‌ی ۱۱ و ۴۲ ابزارهای مناسبی برای کاهش این فاصله فراهم کرده‌اند، اما اجرای اثربخش آن‌ها مستلزم اصلاح مقررات، استفاده از استانداردهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری، بازنگری در رویکردهای مالیاتی و پذیرش این واقعیت است که در اقتصادهای تورمی، ارزش منصفانه یک مفهوم پویا و وابسته به شرایط روز بازار است، نه عددی که هر پنج سال یک‌بار به‌روزرسانی شود.

هدف نهایی گزارشگری مالی باید ارائه‌ی تصویری منصفانه، قابل‌اتکا و مرتبط از وضعیت اقتصادی واحد تجاری باشد؛ تصویری که تصمیم‌گیری آگاهانه‌ی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان را امکان‌پذیر سازد، نه آن‌که به دلیل اتکای صرف بر بهای تاریخی، واقعیت اقتصادی بنگاه را پنهان کند.

ناصر محامی:

در واقع سؤال اصلی این است که برای مقابله با تأثیر معضل تورم مستمر و مزمن بر ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها چه باید کرد؟ بهترین راه این است که از شرّ تورم مزمن مستمر رها شویم اما چنین امکانی وجود ندارد... برآورد ارزش منصفانه در اشکال مختلف خود همیشه گرفتار ریسک‌هایی همانند تورم، نوسانات ارزی، نوسانات نرخ بهره، تغییر قوانین و نرخ‌های مالیاتی و ... است. در شرایط کشور ما این فاکتورها با تأثیر مخاطراتی نظیر جنگ و تحریم با خطر مضاعف نوسانات غیرقابل پیش‌بینی هم مواجه هستند. این گونه ریسک‌ها و از جمله تورم در دانش ارزیابی به‌عنوان ریسک سیستماتیک طبقه‌بندی می‌شوند. ریسک سیستماتیک عبارت از عدم اطمینان به دلیل عدم امکان کنترل فاکتورهای اقتصاد کلان است. این عوامل ماهیت بیرونی داشته و منشأ آن‌ها نیروهای خارج از شرکت و واحد اقتصادی بوده و تحمل آن‌ها اجباری و اجتناب‌ناپذیر است و ارزیاب بایستی آن‌ها را در محاسبات و برآوردهای خود منظور نماید و چاره‌ی دیگری ندارد.

منتها یک ارزیاب دارای دانش و صلاحیت حرفه‌ای بایستی



16، تجدید ارزیابی نباید در دوره‌های زمانی ثابت و از پیش تعیین‌شده انجام شود، بلکه هر زمان که ارزش دفتری دارایی با ارزش منصفانه آن تفاوت بااهمیت پیدا کند، واحد تجاری موظف است دارایی را مجدداً تجدید ارزیابی کند. بنابراین، معیار اصلی در «IFRS» اهمیت اختلاف ارزش است، نه گذشت پنج سال یا هر دوره‌ی زمانی مشخص. همچنین IFRS13 تأکید می‌کند که ارزش منصفانه باید منعکس‌کننده‌ی شرایط بازار در تاریخ گزارشگری باشد؛ از این‌رو، در اقتصادهای تورمی، فاصله‌ی زیاد میان ارزش دفتری و ارزش بازار می‌تواند قابلیت اتکای صورت‌های مالی را کاهش دهد.

افزون بر این، IAS 29 (گزارشگری مالی در اقتصادهای ابرتورمی) راهکار تعدیل صورت‌های مالی بر اساس تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها را ارائه می‌کند. اگرچه اقتصاد ایران تاکنون به‌طور رسمی مشمول اجرای IAS 29 نشده است، اما بسیاری از ویژگی‌های تورم مزمن، ضرورت بازنگری در شیوه گزارشگری مالی را آشکار می‌سازد.

از دیدگاه استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ ایران نیز، استفاده از مدل تجدید ارزیابی مجاز است، اما در عمل اجرای آن تا حد زیادی تحت تأثیر قوانین مالیاتی و هزینه‌های اجرایی قرار دارد. بنابراین، هرچند استاندارد حسابداری بر ارائه‌ی ارزش‌های به‌روز تأکید دارد، مقررات مالیاتی می‌تواند

از طریق تحلیل حساسیت که یک روش آزمون برآوردهای ارزش منصفانه است میزان تأثیر تغییر در مفروضات و داده‌های کلیدی یک مدل برآورد را بر نتیجه‌ی نهایی ارزش یا مبلغ برآوردشده مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و میزان اهمیت آن عامل مثلاً نرخ تورم را در نتیجه‌ی برآورد به ذی‌نفع گزارش ارزیابی نشان دهد. به بیان ساده‌تر تحلیل حساسیت نشان می‌دهد که اگر برخی از فرض‌ها تعدیل شوند نتیجه‌ی برآورد چقدر تغییر می‌کند و بیش از این کار دیگری نمی‌شود کرد.

«کاظم وادی‌زاده:

در اقتصادهایی که با تورم مزمن و مستمر مواجه هستند، بهای تاریخی دارایی‌ها به تدریج ارتباط خود را با واقعیت اقتصادی از دست می‌دهد و صورت‌های مالی دیگر تصویر منصفانه‌ای از وضعیت مالی و عملکرد واحد تجاری ارائه نمی‌کنند. در چنین شرایطی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها به یکی از ابزارهای مهم حفظ مربوط بودن (Relevance) اطلاعات مالی تبدیل می‌شود. با این حال، در شرایط فعلی ایران، فاصله‌ی زمانی پنج‌ساله مقرر در برخی مقررات مالیاتی، با واقعیت‌های اقتصادی و نرخ‌های بالای تورم تناسب ندارد و می‌تواند موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود. از منظر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)، به‌ویژه IAS



انگیزه‌ی واحدهای تجاری برای تجدید ارزیابی مکرر را محدود کند. به جای الزام یا معافیت مبتنی بر دوره پنج‌ساله، بهتر است معیار انجام تجدید ارزیابی، وجود اختلاف بااهمیت بین ارزش دفتری و ارزش منصفانه باشد. این رویکرد با IAS 16 سازگارتر است و موجب می‌شود ارزش دارایی‌ها همواره به واقعیت اقتصادی نزدیک باشد. همچنین، مقررات مالیاتی باید به گونه‌ای اصلاح شوند که تجدید ارزیابی‌های انجام‌شده بر اساس استانداردهای حرفه‌ای، بدون تحمیل هزینه‌های مالیاتی یا محدودیت‌های غیرضروری، امکان‌پذیر باشد. در این صورت، واحدهای تجاری انگیزه‌ی بیشتری برای ارائه اطلاعات واقعی خواهند داشت.

در شرایط تورم بالا، برای دارایی‌هایی مانند زمین، ساختمان و سرمایه‌گذاری‌های ملکی که تغییرات قیمتی قابل‌توجهی دارند، انجام تجدید ارزیابی در فواصل کوتاه‌تر (برای مثال هر یک تا سه سال یا هر زمان که اختلاف بااهمیت ایجاد شود) می‌تواند تصویر دقیق‌تری از وضعیت مالی ارائه کند. در کنار ارزیابی کارشناسان رسمی، استفاده از شاخص‌های معتبر قیمت، بانک‌های اطلاعاتی معاملات، سامانه‌های اطلاعات بازار و فناوری‌های نوین تحلیل داده می‌تواند سرعت، دقت

و یکنواختی فرآیند ارزش‌گذاری را افزایش دهد. در صورت استمرار تورم‌های بالا، بازنگری در استانداردهای حسابداری ایران و بررسی امکان استفاده از روش‌های تعدیل آثار تورم، مشابه رویکردهای پیش‌بینی‌شده در IAS 29، می‌تواند به حفظ قابلیت مقایسه و مربوط بودن اطلاعات مالی کمک کند. به‌طور کلی در شرایط تورم مزمن، اتکای صرف به بهای تاریخی و انجام تجدید ارزیابی در فواصل زمانی طولانی، موجب فاصله گرفتن ارزش دفتری دارایی‌ها از ارزش اقتصادی واقعی آن‌ها و در نتیجه ارائه‌ی تصویری تحریف‌شده از وضعیت مالی بنگاه می‌شود. راهکار اساسی، همگرایی بیشتر مقررات ایران با استانداردهای بین‌المللی است؛ به گونه‌ای که تجدید ارزیابی بر مبنای تغییرات بااهمیت ارزش منصفانه انجام شود، نه صرفاً بر اساس یک دوره‌ی زمانی ثابت. در کنار آن، اصلاح مقررات مالیاتی، تقویت زیرساخت‌های ارزش‌گذاری و حرکت تدریجی به سمت گزارشگری مالی متناسب با شرایط تورمی، می‌تواند شفافیت، قابلیت اتکا و سودمندی صورت‌های مالی را برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران عمدتاً با استناد به استاندارد حسابداری شماره ۱۱ (دارایی‌های ثابت مشهود) تدوین شده است. بر این اساس، شرکت‌ها می‌توانند دارایی‌های خود را به ارزش منصفانه (روز) تجدید ارزیابی کرده و مازاد آن را در حقوق صاحبان سهام منظور کنند. استاندارد حسابداری شماره ۱۱ چه کاستی‌هایی در زمینه‌ی تجدید ارزیابی دارایی‌ها دارد؟

◀ غلامحسین دوانی:

استاندارد حسابداری شماره ۱۱ از این جهت که الگوی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود را به رسمیت شناخته، گامی مثبت است؛ اما در شرایط تورم مزمن ایران، به‌تنهایی نمی‌تواند تحریف صورت‌های مالی را برطرف کند. نخستین کاستی، محدود بودن دامنه‌ی آن به دارایی‌های ثابت مشهود است. تورم بر کل صورت‌های مالی اثر دارد، در حالی که تجدید ارزیابی زمین، ساختمان و ماشین‌آلات نمی‌تواند تحریف سرمایه، موجودی کالا، درآمد، هزینه و اقلام پولی را برطرف کند. دومین کاستی، نبود پیوند کافی با یک نظام جامع حسابداری تورمی است. وقتی پول به‌سرعت قدرت خرید خود را از دست می‌دهد، جمع کردن ارقام متعلق به دوره‌های مختلف از نظر اقتصادی معنای خود را از دست می‌دهد.

سومین کاستی، اختیاری بودن الگوی تجدید ارزیابی است. این اختیار می‌تواند مقایسه‌پذیری شرکت‌ها را کاهش دهد؛ زیرا یک شرکت دارایی خود را به ارزش روز و شرکت مشابه آن را به بهای تاریخی گزارش می‌کند.

چهارمین کاستی، نبود راهنمای اجرایی کافی درباره‌ی تناسوب تجدید ارزیابی است. نباید الزام به تجدید ارزیابی براساس یک فاصله‌ی ثابت زمانی تعیین شود. معیار باید تفاوت بااهمیت میان مبلغ دفتری و ارزش منصفانه باشد.

پنجمین کاستی، ضعف در تعیین شرایط ارزش‌گذار مستقل است. استاندارد باید مشخص کند چه شخصی صلاحیت ارزش‌گذاری دارد، استقلال او چگونه احراز می‌شود، تعارض منافع چگونه افشا می‌شود و چه زمانی استفاده از یک تیم چندرشته‌ای ضروری است. ارزش‌گذاری سهام و کسب‌وکار نیازمند تخصص حسابداری و مالی است، در

حالی که ارزش‌گذاری املاک، ماشین‌آلات و معادن نیازمند تخصص فنی مربوط است. راه‌حل، انحصار کامل یک حرفه نیست؛ بلکه تعریف دقیق صلاحیت‌ها و الزام به مشارکت متخصصان مناسب است. پیشنهاد و توصیه من آن است که برای شرکت‌های بورسی، ارزش‌گذاری سهام و کسب‌وکار الزاماً بهتر است با مشارکت یا بازبینی متخصصان حسابداری و مالی و یا کارشناسان رسمی دادگستری عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی انجام شود.

ششمین کاستی، افشای ناکافی درباره‌ی روش و مفروضات است. صرف اعلام مبلغ ارزش منصفانه کافی نیست. باید رویکرد ارزش‌گذاری، منابع داده، نرخ ارز، نرخ تنزیل، عمر اقتصادی و تحلیل حساسیت نیز افشا شود.

هفتمین کاستی، تفکیک ناکافی میان افزایش قیمت اسمی و افزایش واقعی ارزش اقتصادی است. ممکن است قیمت جایگزینی یک ماشین یافته باشد، اما به علت فرسودگی فناوری یا نبود بازار، منافع اقتصادی آن کاهش یافته باشد.

هشتمین کاستی، ارتباط ناکافی با آزمون کاهش ارزش است. دارایی تجدید ارزیابی‌شده نیز ممکن است به علت تعطیلی خط تولید، کاهش تقاضا، فناوری منسوخ یا محدودیت قانونی دچار کاهش ارزش شود.

نهمین کاستی، ابهام در آثار استهلاک و مالیات انتقالی است. تجدید ارزیابی هزینه استهلاک دوره‌های بعد را افزایش می‌دهد، در حالی که ممکن است این افزایش برای مقاصد مالیاتی پذیرفته نشود. آثار این تفاوت باید به‌روشنی گزارش شود.

دهمین کاستی، امکان رفتار فرصت‌طلبانه‌ی مدیریت است. ممکن است شرکت در زمانی به تجدید ارزیابی روی آورد که با زیان انباشته، نسبت بدهی بالا یا خطر عدم رعایت مقررات بازار سرمایه مواجه است. بنابراین، مدیریت باید دلایل و زمان‌بندی تجدید ارزیابی را توضیح دهد.

یازدهمین کاستی، نبود الزام کافی به ارائه‌ی اطلاعات تاریخی در کنار اطلاعات تجدید ارزیابی‌شده است. استفاده‌کننده باید بداند اگر تجدید ارزیابی صورت نمی‌گرفت، مبلغ دفتری، استهلاک و سود شرکت چه میزان بود. در نهایت، استاندارد شماره ۱۱ باید با استاندارد ارزش منصفانه، کاهش ارزش، مالیات بر درآمد و گزارش‌گیری تورمی به‌صورت یکپارچه اجرا شود.

در مجموع می‌توان گفت که استاندارد شماره ۱۱ لازم است، اما برای اقتصاد تورمی ایران به‌تنهایی کافی نیست.

◀ علی رحمانی:

در این زمینه، براساس استاندارد حسابداری شماره ۱۱

دارایی‌های ثابت می‌تواند به بهای تمام‌شده یا روش جایگزین باشد که به استناد همین امر تجدید ارزیابی امکان‌پذیر می‌شود. ولی این موضوع محدود به استاندارد ۱۱ نیست. ما تعداد زیادی استاندارد داریم که اجازه می‌دهد یا الزام می‌کند که از ارزش منصفانه استفاده شود. ولی استاندارد ۴۲ ایران است. در این ارزش‌گذار را توضیح می‌دهد استاندارد ۴۲ ایران است. در این مورد، IFRS 13 بایستی مبنا قرار بگیرد. البته براساس استاندارد ۱۱ ایران باید مازاد حاصل از تجدید ارزیابی را تحت همین عنوان به حقوق صاحبان سهام برد. ولی براساس قانون می‌توان به حساب سرمایه برد و این استاندارد مغایرت دارد. با این همه، قانون نسبت به استاندارد مرجع شمرده می‌شود.

«ولی‌اله سیف:

به نظر من، استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران در زمان تدوین، گامی مثبت و ضروری بود، زیرا برای نخستین بار امکان استفاده از مدل تجدید ارزیابی را در کنار مدل بهای تمام‌شده‌ی تاریخی به رسمیت شناخت. اما این استاندارد عمده‌تاً برای اقتصادی تدوین شده است که فرض بر ثبات نسبی سطح عمومی قیمت‌ها بوده و به همین دلیل، در شرایط تورم مزمن و نوسان شدید قیمت دارایی‌ها، با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود.

البته باید میان کاستی‌های خود استاندارد و کاستی‌های قوانین مالیاتی و مقررات اجرایی تفاوت قائل شد. بخشی از مشکلاتی که امروز مشاهده می‌کنیم، ناشی از متن استاندارد نیست، بلکه نتیجه‌ی محدودیت‌های قانونی، ضعف نظام ارزش‌گذاری و نبود استانداردهای ملی ارزش‌گذاری است. با این حال، استاندارد شماره ۱۱ نیز در شرایط امروز، قابل بازنگری است. مهم‌ترین کاستی‌ها شامل نبود معیار روشن برای تناوب تجدید ارزیابی، اتساک زیاد به قضاوت حرفه‌ای بدون ارائه‌ی راهنمای اجرایی کافی، نبود ارتباط ساختاری با استانداردهای ارزش‌گذاری، نبود راهنمای ویژه برای اقتصادهای تورمی و افشای محدود مفروضات ارزش‌گذاری است. علاوه بر این، صورت‌های مالی معمولاً نتیجه‌ی ارزش‌گذاری را نشان می‌دهند، اما اطلاعات محدودی درباره فرآیند دستیابی به آن ارائه می‌کنند.

سایر ایرادات مواردی از قبیل فقدان رویکرد مبتنی بر سطوح ارزش منصفانه، نبود الزامات مشخص برای کنترل کیفیت ارزش‌گذاری و محدود بودن نگاه به دارایی منفرد را در بر می‌گیرد.

با وجود همه‌ی این نقدها، تصور نمی‌کنم بتوان انتظار داشت استاندارد حسابداری شماره ۱۱ به‌تنهایی تمام این مسائل را حل کند. فلسفه‌ی این استاندارد، عمدتاً تعیین نحوه‌ی انعکاس دارایی‌ها در صورت‌های مالی است، نه تدوین قواعد حرفه‌ای ارزش‌گذاری. از این‌رو، بخشی از انتظاراتی که امروز از

آن داریم، در واقع باید توسط استانداردهای ملی ارزش‌گذاری، راهنماهای اجرایی و نهادهای حرفه‌ای مرتبط پاسخ داده شود. به همین دلیل، اگر ایران به یک نظام ملی ارزش‌گذاری مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی دست یابد، استاندارد شماره ۱۱ نیز کارآمدتر خواهد شد؛ زیرا در آن صورت، حسابداران به نتایجی اتکا خواهند کرد که بر اساس چارچوب‌های حرفه‌ای واحد، شفاف و قابل کنترل به دست آمده‌اند.

به‌طور کلی می‌توان گفت چالش اصلی استاندارد شماره ۱۱ آن نیست که اصل تجدید ارزیابی را پذیرفته، بلکه آن است که برای اقتصادی با ویژگی‌های امروز ایران طراحی نشده است. این استاندارد نیازمند بازنگری با در نظر گرفتن سه تحول اساسی است: نخست، پذیرش واقعیت تورم مزمن و ارائه‌ی راهنمای مناسب برای گزارشگری در چنین محیطی؛ دوم، پیوند رسمی و نظام‌مند با استانداردهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری؛ و سوم، افزایش الزامات افشا، مستندسازی و کنترل کیفیت برآورد ارزش منصفانه.

«احمد فاضلی:

استاندارد حسابداری شماره ۱۱، یکی از مهم‌ترین استانداردهای حسابداری ایران در حوزه‌ی اندازه‌گیری و گزارشگری دارایی‌های ثابت مشهود است و بدون تردید نسبت به نسخه‌های اولیه‌ی خود، گامی مهم در نزدیک شدن نظام حسابداری ایران به استانداردهای بین‌المللی محسوب می‌شود. این استاندارد، امکان استفاده از «مدل تجدید ارزیابی» را در کنار «مدل بهای تمام‌شده» فراهم کرده و بدین ترتیب به واحدهای تجاری اجازه داده است که در صورت وجود افزایش بااهمیت در ارزش دارایی‌ها، آن‌ها را بر مبنای ارزش منصفانه در صورت‌های مالی منعکس کنند.

با وجود این، باید توجه داشت که استاندارد شماره ۱۱، یک استاندارد حسابداری است، نه یک استاندارد ارزش‌گذاری. مأموریت اصلی این استاندارد، تعیین نحوه‌ی شناخت، استهلاک، کاهش ارزش، تجدید ارزیابی و افشای دارایی‌های ثابت مشهود است و نه تشریح فرآیند ارزش‌گذاری. همین تفاوت مأموریت، منشأ بسیاری از چالش‌های اجرایی در ایران شده است.

به اعتقاد این‌جانب، کاستی‌های استاندارد شماره ۱۱ را می‌توان در چند محور اساسی بررسی کرد.

۱- فقدان ارتباط ساختاری با استانداردهای ارزش‌گذاری
مهم‌ترین ضعف استاندارد شماره ۱۱ آن است که اگرچه استفاده از ارزش منصفانه را الزام می‌کند، اما چارچوب حرفه‌ای تعیین این ارزش را مشخص نمی‌کند.

در استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه پس از انتشار IFRS 13 و استانداردهای IVS، ارتباط میان حسابداری و ارزش‌گذاری کاملاً



باید از: رویکرد بازار، رویکرد درآمدی، یا رویکرد هزینه استفاده شود. در نتیجه، انتخاب روش عمدتاً به قضاوت ارزش‌گذار واگذار می‌شود. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دارایی موضوع ارزیابی، بازار فعال نداشته باشد؛ مانند نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال انرژی، معادن، زیرساخت‌ها یا تجهیزات خاص صنعتی. در چنین مواردی، نبود دستورالعمل مشخص، احتمال اختلاف در نتایج ارزش‌گذاری را افزایش می‌دهد.

۴- نبود الزامات مربوط به تحلیل حساسیت

یکی از مهم‌ترین تحولات استانداردهای بین‌المللی طی سال‌های اخیر، تأکید بر افشای عدم قطعیت اندازه‌گیری است. در ارزش‌گذاری‌های مبتنی بر مدل ارزش منصفانه مطابق استاندارد شماره ۴۲، نتایج به شدت تحت تأثیر مفروضاتی مانند نرخ تنزیل، نرخ رشد، نرخ تورم، نرخ ارز، عمر اقتصادی دارایی و ارزش اسقاط قرار دارند. در استاندارد شماره ۱۱ الزام مشخصی برای ارائه‌ی تحلیل حساسیت نسبت به این مفروضات وجود ندارد، در حالی که چنین تحلیلی می‌تواند میزان اتکالپذیری ارزش برآورد شده را برای استفاده‌کنندگان روشن کند.

۵- عدم توجه کافی به اقتصادهای تورمی

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های استاندارد شماره ۱۱ آن

تعریف شده است. حسابداری مسئول انعکاس نتایج در صورت‌های مالی است و ارزش‌گذار حرفه‌ای مسئول تعیین ارزش منصفانه. در ایران، استاندارد شماره ۱۱ این ارتباط را به صورت صریح برقرار نکرده و به همین دلیل، در عمل روش‌های متفاوتی برای تعیین ارزش منصفانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد لازم است در بازنگری آتی این استاندارد، ارجاع مستقیم به استانداردهای ارزش‌گذاری IVS یا استاندارد ملی متناظر پیش‌بینی شود تا مبنای واحدی برای تمامی ارزش‌گذاران ایجاد گردد.

۲- ابهام در مفهوم ارزش منصفانه

در نسخه‌های اولیه‌ی استاندارد شماره ۱۱، تعریف ارزش منصفانه نسبتاً کلی بود و برداشت‌های متفاوتی از آن شکل می‌گرفت. هرچند با تصویب استاندارد حسابداری شماره ۴۲، تعریف ارزش منصفانه به طور مستقل و منطبق بر IFRS 13 ارائه شده است، اما همچنان در عمل مشاهده می‌شود که برخی گزارش‌های تجدید ارزیابی میان مفاهیمی مانند ارزش بازار، ارزش منصفانه، ارزش جایگزینی و ارزش کارشناسی، تمایز روشنی قائل نمی‌شوند. در حالی که این مفاهیم از منظر حرفه‌ای دارای مبانی، کاربردها و نتایج متفاوت هستند.

۳- تعیین نکردن معیارهای انتخاب روش ارزش‌گذاری استاندارد شماره ۱۱ مشخص نمی‌کند که در چه شرایطی



ارزش‌گذار، کنترل کیفیت گزارش، بازبینی مستقل، یا ارزیابی عملکرد ارزش‌گذاران ندارد. در حالی که در بسیاری از کشورها، گزارش‌های ارزش‌گذاری قبل از استفاده در صورت‌های مالی توسط متخصصان مستقل بازبینی می‌شوند. این موضوع موجب افزایش قابلیت اتکا و کاهش اختلافات حرفه‌ای می‌شود.

۸- محدود بودن الزامات افشا

اگرچه استاندارد شماره‌ی ۱۱ مواردی از افشا را پیش‌بینی کرده است، اما در مقایسه با الزامات استاندارد شماره‌ی ۴۲، اطلاعات ارائه‌شده کافی نیست.

به‌عنوان نمونه، مناسب است شرکت‌ها اطلاعات روش ارزش‌گذاری انتخاب‌شده، دلایل انتخاب روش، سطح ارزش منصفانه، مفروضات کلیدی، منابع اطلاعات، تحلیل حساسیت، و میزان عدم قطعیت اندازه‌گیری را نیز افشا کنند. وجود این اطلاعات به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند کیفیت ارزش‌گذاری را بهتر ارزیابی کنند.

البته، بخش مهمی از خلأهای استاندارد شماره‌ی ۱۱ با تصویب استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ تا حدودی جبران شده است. استاندارد شماره‌ی ۴۲ تعریف دقیق ارزش منصفانه را ارائه می‌دهد؛ مفهوم مشارکت‌کنندگان بازار را معرفی

است که برای اقتصادهای دارای تورم مزمن، دستورالعمل ویژه‌ای ارائه نمی‌دهد. استاندارد تنها بیان می‌کند که تجدید ارزیابی باید با تناوبی انجام شود که تفاوت بااهمیتی میان ارزش دفتری و ارزش منصفانه ایجاد نشود. اما معیار مشخصی برای تشخیص این «اهمیت» ارائه نشده است. در اقتصادی مانند ایران که ارزش برخی دارایی‌ها ممکن است طی یک سال بیش از ۵۰ درصد تغییر کند، نبود چنین معیارهایی موجب برداشت‌های متفاوت و گاه سلیقه‌ای شده است.

۶- تمرکز صرف بر دارایی‌های مشهود

استاندارد شماره‌ی ۱۱ صرفاً دارایی‌های ثابت مشهود را پوشش می‌دهد. در حالی که ارزش بسیاری از شرکت‌های امروز ناشی از دارایی‌هایی نظیر برند، فناوری، نرم‌افزار، داده، سرمایه‌ی انسانی، شبکه‌ی مشتریان و مالکیت فکری است. اگرچه این دارایی‌ها در استانداردهای دیگری بررسی می‌شوند، اما در عمل، نبود یک چارچوب جامع ارزش‌گذاری موجب می‌شود تصویر اقتصادی شرکت به‌طور کامل در صورت‌های مالی منعکس نشود.

۷- نبود الزامات کنترل کیفیت ارزش‌گذاری

استاندارد شماره‌ی ۱۱ هیچ الزامی درباره‌ی صلاحیت

می‌کند؛ سلسله‌مراتب ارزش منصفانه را تبیین می‌کند؛ بر استفاده از داده‌های قابل مشاهده تأکید دارد؛ و الزامات افشای گسترده‌تری مقرر می‌کند. با این حال، حتی استاندارد شماره ۴۲ نیز جایگزین استانداردهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری نیست و صرفاً چارچوب گزارشگری مالی را تکمیل می‌کند.

با توجه به کاستی‌های اشاره شده به نظر می‌رسد بازنگری استاندارد شماره ۱۱ باید با محورهای زیر انجام شود:

۱. ارجاع مستقیم به استانداردهای ارزش‌گذاری IVS یا استاندارد ملی متناظر.
۲. الزام به استفاده از ارزش‌گذاران دارای صلاحیت حرفه‌ای.
۳. تدوین دستورالعمل انتخاب مناسب‌ترین رویکرد ارزش‌گذاری برای انواع دارایی‌ها.
۴. الزام به افشای مفروضات کلیدی و تحلیل حساسیت.
۵. تعیین معیارهای روشن برای تشخیص تغییرات بااهمیت ارزش منصفانه.
۶. تدوین دستورالعمل ویژه برای ارزش‌گذاری در اقتصادهای تورمی.

۷. پیش‌بینی نظام کنترل کیفیت و بازبینی مستقل گزارش‌های ارزش‌گذاری.

۸. همگرایی کامل با الزامات استاندارد حسابداری شماره ۴۲ و استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری.

در مجموع می‌توان گفت استاندارد حسابداری شماره ۱۱ در زمان تدوین خود، گامی مؤثر در حرکت از بهای تمام‌شده‌ی تاریخی به سمت اندازه‌گیری مبتنی بر ارزش منصفانه بود؛ اما تحولات سال‌های اخیر در حوزه‌ی گزارشگری مالی، انتشار استاندارد حسابداری شماره ۴۲، توسعه‌ی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری و پیچیده‌تر شدن دارایی‌های بنگاه‌های اقتصادی، نشان می‌دهد که این استاندارد به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای امروز اقتصاد ایران نیست.

به اعتقاد این‌جانب، آینده‌ی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران در گرو سه تحول اساسی است: نخست، بازنگری استاندارد شماره ۱۱ با رویکرد همگرایی کامل با استاندارد شماره ۴۲؛ دوم، تدوین استاندارد ملی ارزش‌گذاری بر مبنای IVS؛ و سوم، ایجاد مرکز ملی ارزش‌گذاری. تنها در چنین شرایطی می‌توان اطمینان یافت که ارزش‌های منعکس‌شده در صورت‌های مالی، بیانگر واقعیت اقتصادی دارایی‌ها بوده و مبنای تصمیم‌گیری صحیح سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان قرار خواهد گرفت.

◀ ناصر محامی:

استاندارد ۱۱ حسابداری اجازه داده که دارایی ثابت به قیمت تمام‌شده یا تجدید ارزیابی شده به ارزش روز در صورت‌های

مالی منعکس شود. همین‌طور نحوه‌ی انعکاس مزاد تجدید ارزیابی در بخش حقوق صاحبان سهام را مقرر کرده و احکامی مشابه در مورد استهلاک و موضوعات حسابداری ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها دارد.

این استاندارد ارتباطی با مسائل ارزیابی، روش‌های برآورد و نظایر آن ندارد... تجدید ارزیابی دارایی‌ها مطابق اصول و استانداردهای ارزیابی و ضوابط مربوطه انجام می‌شود نه احکام استاندارد حسابداری ۱۱ یا سایر استانداردها. از این‌رو صحبت از کاستی‌های استاندارد ۱۱ در زمینه‌ی تجدید ارزیابی فاقد وجهت و ارتباط موضوعی است.

◀ کاظم وادی‌زاده:

استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران (دارایی‌های ثابت مشهود) که تا حد زیادی بر مبنای IAS 16 تدوین شده است، امکان استفاده از مدل تجدید ارزیابی را برای اندازه‌گیری بعدی دارایی‌های ثابت مشهود فراهم کرده و گام مهمی در جهت ارائه‌ی اطلاعات مالی مربوط‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت اقتصادی محسوب می‌شود. با این حال، با توجه به شرایط خاص اقتصاد ایران، نرخ‌های بالای تورم، تحولات بازار دارایی‌ها و تجربیات عملی اجرای این استاندارد، می‌توان برخی کاستی‌ها و چالش‌های آن را شناسایی کرد.

مهم‌ترین کاستی استاندارد شماره ۱۱ آن است که فاصله‌ی زمانی مشخصی برای تجدید ارزیابی تعیین نمی‌کند و تنها بیان می‌دارد که تجدید ارزیابی باید به اندازه‌ای منظم انجام شود که ارزش دفتری تفاوت بااهمیتی با ارزش منصفانه نداشته باشد. اگرچه این رویکرد با IAS 16 همسو است، اما در عمل و به‌ویژه در اقتصادهای تورمی مانند ایران، نبود معیارهای کمی و دستورالعمل‌های اجرایی باعث شده بسیاری از شرکت‌ها تجدید ارزیابی را با تأخیر انجام دهند و ارزش‌های دفتری فاصله‌ی قابل توجهی با ارزش واقعی پیدا کنند. استاندارد شماره ۱۱ به استفاده از ارزش منصفانه اشاره می‌کند، اما روش‌های تعیین آن را با جزئیات کافی تشریح نمی‌کند.

در مقابل، IFRS 13 چارچوب جامعی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه ارائه کرده و موضوعاتی مانند سلسله‌مراتب ارزش منصفانه (Fair Value Hierarchy)، بازار اصلی، بازار با بیشترین منفعت، ورودی‌های قابل مشاهده و غیرقابل مشاهده و مفروضات فعالان بازار را به‌طور دقیق تبیین کرده است. فقدان چنین راهنمایی در استاندارد ایران موجب افزایش وابستگی به قضاوت کارشناسان و کاهش یکنواختی گزارش‌ها می‌شود.

استاندارد شماره ۱۱ بر مبنای شرایط عمومی اقتصاد تدوین شده و راهکار ویژه‌ای برای اقتصادهای دارای تورم مزمن ارائه نمی‌دهد. در کشوری مانند ایران که طی سال‌های

الزامات افشا و بازنگری در مقررات مالیاتی مرتبط با تجدید ارزیابی، می‌تواند موجب افزایش شفافیت، قابلیت مقایسه و قابلیت اتکای صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی شود.

۴

از سوی دیگر، تجدید ارزیابی دارایی‌ها ترفندی برای سوداگری مالی در بورس اوراق بهادار فراهم ساخته است. بنا به تجارب موجود، افزایش مبالغ ناشی از تجدید ارزیابی در دفاتر بنگاه‌ها بدون این که تأثیری بر سودآوری و خلق ارزش جدید در بنگاه‌ها داشته باشد به افزایش حبابی بهای سهام شرکت‌ها انجامیده و مشکلات بعدی را در بازار سهام ایجاد کرده است. برای مقابله با چنین وضعیتی چه باید کرد؟

محمد جواد تیموری:

این موضوع آسیب کلیدی بازار سرمایه ایران است. تجدید ارزیابی وقتی به‌درستی انجام شود، ابزار شفافیت است، اما در عمل به «ترفندی» برای بزرگ‌نمایی ارزش دارایی‌های شرکت‌های فعال در بازار سرمایه تبدیل شده است. که بدون خلق ارزش واقعی، قیمت سهام را حبابی می‌کند. ابعاد تخصصی این معضل را باید کارشناسان بازار سرمایه تشریح کنند.

غلامحسین دوانی:

مشکل اصلی این است که بخشی از بازار سرمایه، افزایش مبلغ دفتری دارایی را با افزایش ارزش اقتصادی شرکت اشتباه می‌گیرد. تجدید ارزیابی ممکن است دارایی‌ها، حقوق صاحبان سهام و سرمایه ثبت‌شده را افزایش دهد، اما به‌خودی‌خود موجب ورود وجه نقد، افزایش فروش، کاهش هزینه، رشد ظرفیت تولید یا ایجاد سود عملیاتی نمی‌شود.

برای مثال، اگر ارزش دفتری یک زمین از یک هزار میلیارد ریال به ده هزار میلیارد ریال افزایش یابد، شرکت از نظر حسابداری دارایی و مازاد تجدید ارزیابی بیشتری خواهد داشت؛ اما تا زمانی که زمین فروخته نشده یا به‌صورت مؤثرتر به کار گرفته نشده باشد، جریان نقد جدیدی ایجاد نمی‌شود. البته باید میان شرکت‌های عملیاتی و شرکت‌های دارایی‌محور تفکیک کرد. در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌های ملکی یا شرکت‌هایی که دارایی‌های مازاد قابل فروش دارند، خالص ارزش دارایی‌ها می‌تواند نقش مهمی در ارزش شرکت

اخیر نرخ‌های تورم بالا و مستمر را تجربه کرده است، فاصله میان ارزش دفتری و ارزش اقتصادی دارایی‌ها به‌سرعت افزایش می‌یابد. در حالی که IAS 29 برای اقتصادهای ابرتورمی راهکارهایی جهت تعدیل صورت‌های مالی ارائه می‌کند. استاندارد شماره ۱۱ صرفاً به دارایی‌های ثابت مشهود می‌پردازد. در حالی که امروزه بخش قابل توجهی از ارزش شرکت‌ها ناشی از دارایی‌های نامشهود مانند برند، نرم‌افزار، دانش فنی، مالکیت فکری و سرمایه فکری است. این دارایی‌ها عمده‌تاً تحت استاندارد شماره ۱۷ قرار می‌گیرند، اما محدودیت‌های موجود در شناسایی و تجدید ارزیابی آن‌ها موجب می‌شود ارزش واقعی بسیاری از شرکت‌ها در صورت‌های مالی منعکس نشود.

اگرچه استاندارد حسابداری از منظر گزارشگری مالی تدوین شده است، اما در عمل اجرای تجدید ارزیابی به شدت تحت تأثیر قوانین مالیاتی، به‌ویژه مقررات ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه‌های مربوط قرار دارد. این وابستگی سبب شده است که برخی واحدهای تجاری زمان و نحوه تجدید ارزیابی را بر اساس ملاحظات مالیاتی تعیین کنند، نه بر اساس نیازهای گزارشگری مالی. این موضوع با هدف اصلی استانداردهای حسابداری که ارائه‌ی تصویر مطلوب و منصفانه (True and Fair View) از وضعیت مالی واحد تجاری است، همخوانی کامل ندارد. در مقایسه با الزامات IFRS 13، استاندارد شماره ۱۱ الزامات افشای محدودتری دارد. در بسیاری از موارد اطلاعاتی نظیر روش ارزش‌گذاری، مفروضات کلیدی، منابع اطلاعات، سطح ورودی‌های ارزش منصفانه، تحلیل حساسیت و عدم قطعیت برآوردها به‌طور کامل افشا نمی‌شود و این موضوع شفافیت صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد.

به‌طور کلی استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران، با اقتباس از IAS 16، چارچوب مناسبی برای تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود فراهم کرده و نسبت به مدل بهای تمام‌شده تاریخی، اطلاعات مرتبط‌تری در اختیار استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار می‌دهد. با این حال، نبود راهنمای جامع برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، عدم ارجاع مستقیم به استانداردهای IVS، توجه ناکافی به شرایط تورمی ایران، محدود بودن الزامات افشا، وابستگی زیاد به قضاوت کارشناسان و تأثیرپذیری از مقررات مالیاتی از مهم‌ترین کاستی‌های آن به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی، لازم است استاندارد شماره ۱۱ در بازنگری‌های آینده با IAS 16، IFRS 13 و استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) هماهنگی بیشتری پیدا کند. همچنین تدوین دستورالعمل‌های تخصصی برای ارزش‌گذاری، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی معاملات، تقویت



داشته باشد. بالاین حال، در یک بنگاه عملیاتی، ارزش شرکت فقط حاصل جمع ارزش روز دارایی‌ها نیست و به سودآوری، جریان نقد، بدهی‌ها، ریسک، فناوری، مدیریت و چشم‌انداز صنعت بستگی دارد.

باید تأکید کرد بزرگ‌تر شدن ترازنامه الزاماً به معنای بزرگ‌تر شدن ارزش اقتصادی شرکت نیست. اما برای کاهش رفتارهای سوداگرانه، اقدامات زیر ضروری است: اول، درج هشدار صریح در اطلاعیه‌ها. باید به‌روشنی نوشته شود که تجدید ارزیابی موجب ورود وجه نقد، افزایش سود عملیاتی یا ایجاد ظرفیت تولیدی جدید نشده است. دوم، ارائه گزارش آثار اقتصادی. شرکت باید توضیح دهد دارایی مورد نظر چه جریان نقدی ایجاد می‌کند، چه محدودیت حقوقی یا وثیقه‌ای دارد، آیا قابلیت فروش مستقل دارد و تجدید ارزیابی چه اثری بر استهلاك و سود آینده خواهد داشت. سوم، تفکیک ارزش دارایی از ارزش شرکت. گزارش باید روشن کند که افزایش ارزش یک دارایی لزوماً به همان میزان ارزش کل سهام شرکت را افزایش نمی‌دهد. چهارم، جلوگیری از استفاده از تجدید ارزیابی برای پنهان کردن بحران عملیاتی. شرکتی که زیان‌ده است باید برنامه‌ای اصلاح فروش، هزینه، بدهی و بهره‌وری ارائه کند. تغییر ظاهر ترازنامه جایگزین اصلاح عملیات نیست. پنجم، الزام به استقلال ارزش‌گذار و چرخش دوره‌ای او.

ارزش‌گذار نباید با شرکت، سهام‌دار عمده، مدیران یا نتیجه مورد انتظار معامله ارتباط وابسته داشته باشد. ششم، بازبینی گزارش‌های بااهمیت توسط سازمان بورس یا یک هیأت تخصصی مستقل. این بازبینی باید روش، نرخ ارز، مفروضات، داده‌های مقایسه‌ای و تحلیل حساسیت را بررسی کند. هفتم، الزام به تحلیل حساسیت و دامنه ارزش. اگر نتیجه به نرخ تنزیل، نرخ ارز، قیمت محصول یا هزینه ساخت حساس است، اثر تغییر این مفروضات باید افشا شود. هشتم، محدود کردن تبلیغات گمراه‌کننده. استفاده از عباراتی مانند «خلق ثروت»، «سود بزرگ تجدید ارزیابی» یا «افزایش قطعی ارزش سهام» بدون پشتوانه اقتصادی نباید مجاز باشد. نهم، ارائه نسبت‌های مالی قبل و بعد از تجدید ارزیابی. نسبت بدهی، بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، استهلاك، سود هر سهم و جریان نقد عملیاتی باید به‌صورت مقایسه‌ای ارائه شوند. دهم، آموزش سرمایه‌گذاران. افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی مانند افزایش سرمایه نقدی نیست. تعداد سهام افزایش می‌یابد، اما مالکیت نسبی سهام‌دار و ارزش اقتصادی کل شرکت الزاماً تغییر نمی‌کند. یازدهم، شناسایی کاهش ارزش‌ها نیز باید الزامی باشد. شرکت نباید فقط دارایی‌های دارای افزایش ارزش را انتخاب کند. تجدید ارزیابی باید کل طبقه‌ای دارایی را دربرگیرد. دوازدهم، مسئولیت هیأت‌مدیره باید تصریح شود.



هیأت مدیره نمی تواند صرفاً به گزارش کارشناس استناد کند و باید درباره اطلاعات ارائه شده، مفروضات و نحوه ی اطلاعات رسانی به بازار پاسخ گو باشد.

◀ علی رحمانی:

نکته ی جالب آن که اکنون تأثیر تجدیدارزیابی بر قیمت سهام متفاوت شده است. زمانی همین که بحث تجدیدارزیابی می شد قیمت سهام افزایش پیدا می کرد اما در دو سال اخیر بسیاری از تجدیدارزیابی ها هیچ واکنشی از سوی بازار نداشته و حتی شاهد واکنش منفی بازار بوده ایم. نکته ی بسیار تأسفبار این است که گاه وقتی سهامی تجدیدارزیابی می شود حتی قیمت آن به زیر قیمت اسمی سقوط می کند. برای مثال این موضوع در مورد سهام ذوب آهن یا برخی بانک های اتفاق افتاده که بعداً حتی نمی توانند دست به تأمین مالی برنند و افزایش سرمایه بدهند، چون قیمت سهم زیر قیمت اسمی است. بنابراین سازمان بورس به درستی تدبیری اندیشیده و براساس دستورالعمل جدید، تجدیدارزیابی نباید به گونه ای باشد که قیمت سهم را به زیر قیمت اسمی بیاورد. تجدیدارزیابی و ثبت آن می تواند شرکت ها را از شمول ماده ی ۱۴۱ خارج کند، نسبت حقوق مالکانه شان را

به جمع دارایی ها بهبود بخشد و از این طریق دسترسی شان را به وام و تسهیلات بانکی تسهیل کند. البته مزیت مهم تجدیدارزیابی هم این است که از این طریق جلوی خروج پول گرفته می شود. یک نکته ی تأسفبار این است که وقتی تورم بالایی مثلاً ۵۰ درصد دارید به مفهوم آن است که سود حسابداری دچار خطای فاحش است و حداقل باید پنجاه درصد سود را اندوخته ی احتیاطی کنید برای حفظ قدرت خرید. در غیر این صورت شما در واقع سرمایه را دارید تقسیم می کنید و نه این که واقعاً بازده ایجاد کنید و سود را تقسیم کنید. این هم باز نکته ای مهم و اساسی است.

◀ ولی اله سیف:

این نکته یکی از مهم ترین چالش های عملی تجدیدارزیابی دارایی ها در ایران است. البته لازم است بین اصل تجدیدارزیابی و سوءاستفاده از نتایج آن تفکیک قائل شویم. در واقع، تجدیدارزیابی ذاتاً یک اقدام حسابداری و ارزش گذاری است که هدف آن نزدیک کردن ارزش دفتری دارایی ها به ارزش منصفانه است. مشکل زمانی ایجاد می شود که بازار سرمایه، مدیران شرکت ها یا حتی برخی سرمایه گذاران،

این افزایش ارزش دفتری را به اشتباه معادل افزایش سودآوری یا ایجاد ارزش اقتصادی تلقی کنند.

در این زمینه چند نکته را باید توضیح داد:

نخست، تفکیک ارزش دفتری از ارزش اقتصادی. قوانین و مقررات باید شرکت‌ها را ملزم کند هم‌زمان با اعلام تجدید ارزیابی، به‌طور شفاف اعلام کنند که تجدید ارزیابی هیچ جریان نقدی جدیدی ایجاد نمی‌کند. هیچ سود عملیاتی جدیدی ایجاد نشده است. توان سودآوری شرکت تغییر نکرده است و صرفاً ارزش دفتری دارایی‌ها اصلاح شده است.

این موضوع باید در اطلاعیه‌های بورس و گزارش‌های حسابرسان نیز به صورت برجسته ذکر شود.

دوم، محدود کردن آثار تجدید ارزیابی بر شاخص‌های مالی. نباید اجازه داده شود که افزایش سرمایه‌ی ناشی از تجدید ارزیابی، به‌تنهایی مبنای تبلیغات یا نشانه‌ی بهبود وضعیت اقتصادی شرکت تلقی شود. برای مثال، تحلیلگران و نهاد ناظر بهتر است تأکید کنند که نسبت‌هایی مانند بازده دارایی‌ها (ROA)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، سود هر سهم (EPS) و جریان نقد عملیاتی ملاک اصلی ارزیابی شرکت هستند، نه صرفاً افزایش ارزش دارایی‌ها.

سوم، تقویت استانداردهای ارزش‌گذاری. اگر ارزش‌گذاری دارایی‌ها بر اساس استانداردهای حرفه‌ای، کارشناسی مستقل و نظارت مؤثر انجام شود، امکان اعلام ارزش‌های غیرواقعی بسیار کاهش می‌یابد. در بسیاری از کشورها، ارزش‌گذار مسئولیت حرفه‌ای و حتی مسئولیت حقوقی در قبال گزارش خود دارد.

چهارم، افزایش شفافیت در بورس. سازمان بورس می‌تواند شرکت‌هایی را که افزایش سرمایه‌ی آن‌ها ناشی از تجدید ارزیابی است ملزم کند گزارش مستقلی منتشر کنند که نشان دهد چه مقدار از افزایش ارزش ناشی از تورم عمومی است؛ چه مقدار ناشی از بهبود واقعی دارایی‌هاست و این افزایش چه اثری بر سودآوری آینده خواهد داشت.

پنجم، ارتقای سواد مالی سرمایه‌گذاران. بخش قابل‌توجهی از حباب‌ها ناشی از برداشت نادرست سرمایه‌گذاران است. اگر فعالان بازار بدانند که تجدید ارزیابی معادل خلق ثروت نیست، انگیزه‌ی سفته‌بازی نیز کاهش خواهد یافت.

نهایت این‌که مشکل اصلی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها نیست؛ بلکه تبدیل یک ابزار حسابداری به ابزاری برای ایجاد انتظارات غیرواقعی در بازار سرمایه است. راه‌حل نیز ممنوع کردن تجدید ارزیابی نیست، بلکه تدوین استانداردهای دقیق ارزش‌گذاری، نظارت حرفه‌ای بر فرایند ارزیابی، افشای کامل آثار مالی تجدید ارزیابی، آموزش سرمایه‌گذاران و جلوگیری از هرگونه برداشت گمراه‌کننده درباره‌ی آثار اقتصادی آن است. بازار سرمایه باید میان افزایش ارزش دفتری و افزایش ارزش

اقتصادی تمایز قائل شود، زیرا تنها، دومی بیانگر خلق ثروت واقعی است.

به گمان من، یکی از اهداف اصلی استانداردهای ارزش‌گذاری، پیشگیری از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی ناشی از ارزش‌گذاری‌های غیرمنضبط و حفظ اعتماد و کارایی بازار سرمایه است. این پیوند، نشان می‌دهد که پیشنهاد نهایی صرفاً یک اصلاح فنی نیست، بلکه راهکاری برای ارتقای سلامت بازار سرمایه و ثبات مالی کشور است.

✶ احمد فاضلی:

یکی از مهم‌ترین سوءبرداشت‌هایی که طی سال‌های اخیر در بازار سرمایه ایران شکل گرفته، یکسان تلقی کردن تجدید ارزیابی دارایی‌ها با خلق ارزش اقتصادی است. در حالی که این دو مفهوم از نظر حسابداری، مالی و اقتصاد کاملاً متفاوت هستند. تجدید ارزیابی، فرآیندی حسابداری است که هدف آن نزدیک کردن ارزش دفتری دارایی‌ها به ارزش منصفانه است. این فرآیند موجب شناسایی سود عملیاتی، ایجاد جریان نقدی، افزایش بهره‌وری یا بهبود عملکرد اقتصادی شرکت نمی‌شود؛ بلکه صرفاً ارزش ثبت‌شده دارایی‌ها را با واقعیت اقتصادی روز منطبق می‌کند.

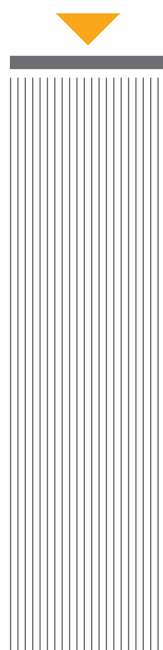
در مقابل، خلق ارزش اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که شرکت بتواند از طریق سرمایه‌گذاری، نوآوری، افزایش بهره‌وری، توسعه‌ی بازار، بهبود ساختار سرمایه یا مدیریت کارآمد، جریان‌های نقدی آتی خود را افزایش دهد. بنابراین، افزایش ارزش دفتری ناشی از تجدید ارزیابی نباید به‌عنوان افزایش ارزش ذاتی شرکت تلقی شود.

مطابق استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱، تجدید ارزیابی با هدف ارائه‌ی تصویری منصفانه‌تر از وضعیت مالی واحد تجاری انجام می‌شود. مازاد تجدید ارزیابی نیز مستقیماً در بخش حقوق صاحبان سهام تحت عنوان مازاد تجدید ارزیابی شناسایی می‌شود و وارد صورت سود و زیان نمی‌شود.

این موضوع نشان می‌دهد که استاندارد حسابداری نیز تجدید ارزیابی را درآمد یا سود تلقی نکرده است. همچنین استاندارد حسابداری شماره‌ی ۴۲ تأکید می‌کند که اندازه‌گیری ارزش منصفانه به معنای اندازه‌گیری ارزش اقتصادی دارایی در تاریخ گزارش‌گری است و نه ایجاد منفعت اقتصادی جدید. بنابراین، افزایش ارزش دارایی در ترازنامه نباید به اشتباه به‌عنوان افزایش سودآوری شرکت تفسیر شود. در عمل، اعلام خبر تجدید ارزیابی دارایی‌ها در بسیاری از موارد موجب افزایش شدید قیمت سهام می‌شود. این واکنش ناشی از چند عامل است:

۱. ضعف سواد مالی سرمایه‌گذاران

بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاران خرد تفاوت میان سود



حسابداری، سود اقتصادی، جریان نقدی و تجدید ارزیابی را به درستی درک نمی کنند. از این رو، افزایش حقوق صاحبان سهام را معادل افزایش ارزش اقتصادی شرکت می دانند.

۲. اطلاع رسانی ناقص شرکت ها

در برخی اطلاعیه ها، آثار تجدید ارزیابی به صورت کامل تشریح نمی شود و تنها بر افزایش سرمایه یا رشد ارزش دارایی ها تأکید می شود، بدون آن که توضیح داده شود این افزایش تأثیری بر سودآوری عملیاتی ندارد.

۳. رفتارهای هیجانی بازار

بازار سرمایه ایران در بسیاری از مقاطع، بیش از آن که مبتنی بر تحلیل بنیادی باشد، تحت تأثیر انتظارات و رفتارهای هیجانی قرار گرفته است. در چنین شرایطی، اخبار مربوط به تجدید ارزیابی می تواند به عنوان محرک روانی برای افزایش قیمت سهام عمل کند.

۴. محدودیت ابزارهای تحلیلی

در بسیاری از تحلیل ها، ارزش دفتری جدید شرکت پس از تجدید ارزیابی برجسته می شود، اما تأثیر آن بر شاخص هایی مانند جریان نقدی آزاد، بازده سرمایه گذاری، ارزش فعلی خالص (NPV) یا ارزش ذاتی شرکت بررسی نمی شود. البته باید تأکید کرد که تجدید ارزیابی می تواند آثار مثبت اقتصادی داشته باشد، اما این آثار غیرمستقیم هستند. تجدید ارزیابی صحیح می تواند:

- نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام را بهبود بخشد.
- ظرفیت اخذ تسهیلات را افزایش دهد.
- توان شرکت در جذب سرمایه گذار را تقویت کند.
- امکان افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی را فراهم سازد.

- شفافیت صورت های مالی را افزایش دهد.

اما هیچ یک از این آثار به معنای افزایش سودآوری یا خلق ارزش اقتصادی نیستند، مگر آن که شرکت از این ظرفیت جدید برای اجرای پروژه های سودآور استفاده کند.

استاندارد شماره ۴۲ با تأکید بر افشای گسترده اطلاعات مربوط به ارزش منصفانه، می تواند نقش مهمی در افزایش شفافیت ایفا کند. بر این اساس، شرکت ها باید روش ارزش گذاری، مفروضات کلیدی، ورودی های مدل، و حساسیت ارزش نسبت به تغییر مفروضات را افشا کنند. این افشاها به استفاده کنندگان کمک می کند تا میان افزایش ارزش دفتری و افزایش ارزش اقتصادی تمایز قائل شوند.

از سوی دیگر، به نظر می رسد سازمان بورس می تواند با اصلاح الزامات افشا، از شکل گیری انتظارات غیرواقع بینانه جلوگیری کند. برای مثال، شرکت هایی که اقدام به تجدید ارزیابی می کنند، می توانند ملزم شوند همزمان با انتشار گزارش ارزش گذاری، جدولی ارائه دهند که در آن آثار تجدید

ارزیابی بر شاخص های اصلی شرکت به صورت شفاف بیان شود. در این جدول باید از جمله، تأثیر بر سود هر سهم (EPS)، تأثیر بر جریان های نقدی، تأثیر بر سود عملیاتی، تأثیر بر ظرفیت تأمین مالی، و تأثیر بر ساختار سرمایه بازگو شود. در بسیاری از موارد، این جدول نشان خواهد داد که تجدید ارزیابی، اگرچه ساختار مالی را بهبود می دهد، اما سودآوری شرکت را تغییر نمی دهد.

یکی دیگر از عوامل شکل گیری حباب های قیمتی، تفاوت در کیفیت گزارش های ارزش گذاری است. اگر ارزش گذاری بر اساس استانداردهای حرفه ای IVS، با استفاده از داده های معتبر، مفروضات مستند و کنترل کیفیت مستقل انجام شود، احتمال برآوردهای غیرواقعی کاهش می یابد.

از این رو، استقرار استاندارد ملی ارزش گذاری و نظام بازبینی حرفه ای گزارش ها، علاوه بر ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، می تواند از رفتارهای سوداگرانه نیز جلوگیری کند.

باید تأکید کرد که هیچ اصلاح مقرراتی بدون ارتقای سواد مالی سرمایه گذاران موفق نخواهد بود. سرمایه گذاران باید بدانند که:

- افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی، به خودی خود ثروت جدید ایجاد نمی کند.
- ارزش ذاتی شرکت تابع جریان های نقدی آتی است، نه صرفاً ارزش دفتری دارایی ها.
- رشد قیمت سهام باید بر مبنای بهبود عملکرد اقتصادی شرکت باشد، نه صرفاً افزایش ارزش ثبت شده دارایی ها.

با توجه به موارد پیش گفته برای جلوگیری از سوءاستفاده از تجدید ارزیابی در بازار سرمایه، پیشنهاد می شود:

۱. سازمان بورس الزامات افشای آثار اقتصادی تجدید ارزیابی را تقویت کند.
۲. گزارش های ارزش گذاری توسط ارزش گذاران دارای صلاحیت حرفه ای و بر اساس استانداردهای IVS تهیه شوند.
۳. نظام بازبینی مستقل برای گزارش های ارزش گذاری شرکت های بورسی ایجاد شود.
۴. آموزش عمومی سرمایه گذاران درباره تفاوت میان ارزش دفتری، ارزش منصفانه و ارزش ذاتی توسعه یابد.
۵. تحلیل حساسیت و مفروضات کلیدی ارزش گذاری به صورت کامل افشا شود.
۶. ارزش گذاری دارایی ها به طور دوره ای و بر اساس تغییرات با اهمیت ارزش منصفانه انجام شود، نه صرفاً برای اهداف افزایش سرمایه.
۷. ارزیابی عملکرد شرکت ها همچنان بر مبنای شاخص های بنیادی نظیر سودآوری، جریان نقدی، بازده سرمایه و توان خلق ارزش اقتصادی صورت گیرد.



به‌عنوان جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت تجدید ارزیابی دارایی‌ها، اگر بر پایه‌ی استانداردهای حسابداری شماره‌ی ۱۱ و ۴۲، همراه با ارزش‌گذاری حرفه‌ای و افشای کامل اطلاعات انجام شود، ابزاری ارزشمند برای افزایش شفافیت و بهبود کیفیت گزارشگری مالی است. مشکل از خود تجدید ارزیابی ناشی نمی‌شود، بلکه از برداشت نادرست از آن به‌عنوان معیاری برای خلق ارزش اقتصادی و همچنین ضعف در افشای اطلاعات و آموزش سرمایه‌گذاران ناشی می‌شود.

به اعتقاد این‌جانب، راهکار مقابله با رفتارهای سوداگرانه، محدود کردن تجدید ارزیابی نیست؛ بلکه ارتقای کیفیت ارزش‌گذاری، استقرار استانداردهای حرفه‌ای، افزایش شفافیت، تقویت نظارت و توسعه‌ی سواد مالی فعالان بازار سرمایه است. تنها در این صورت، تجدید ارزیابی به جای آن‌که محرکی برای نوسانات هیجانی بازار باشد، به ابزاری برای ارائه‌ی تصویری منصفانه و قابل‌اتکا از وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تبدیل خواهد شد.

به‌عنوان جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت تجدید ارزیابی دارایی‌ها، اگر بر پایه‌ی استانداردهای حسابداری شماره‌ی ۱۱ و ۴۲، همراه با ارزش‌گذاری حرفه‌ای و افشای کامل اطلاعات انجام شود، ابزاری ارزشمند برای افزایش شفافیت و بهبود کیفیت گزارشگری مالی است. مشکل از خود تجدید ارزیابی ناشی نمی‌شود، بلکه از برداشت نادرست از آن به‌عنوان معیاری برای خلق ارزش اقتصادی و همچنین ضعف در افشای اطلاعات و آموزش سرمایه‌گذاران ناشی می‌شود.

به اعتقاد این‌جانب، راهکار مقابله با رفتارهای سوداگرانه، محدود کردن تجدید ارزیابی نیست؛ بلکه ارتقای کیفیت ارزش‌گذاری، استقرار استانداردهای حرفه‌ای، افزایش شفافیت، تقویت نظارت و توسعه‌ی سواد مالی فعالان بازار سرمایه است. تنها در این صورت، تجدید ارزیابی به جای آن‌که محرکی برای نوسانات هیجانی بازار باشد، به ابزاری برای ارائه‌ی تصویری منصفانه و قابل‌اتکا از وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تبدیل خواهد شد.

◀ کاظم وادی‌زاده:

تجدید ارزیابی دارایی‌ها ذاتاً یک اقدام حسابداری و گزارشگری مالی است و هدف اصلی آن، ارائه‌ی تصویری واقعی‌تر از وضعیت مالی واحد تجاری بر مبنای ارزش منصفانه است؛ نه ایجاد سود، افزایش ثروت اقتصادی یا ارتقای عملکرد عملیاتی شرکت. مطابق استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ ایران، IAS 16 و IFRS 13، مازاد تجدید ارزیابی در بخش

◀ ناصر محامی:

اگر تجدید ارزیابی دارایی‌ها و انتقال اندوخته‌ی تجدید ارزیابی به حساب سرمایه شرکت که «مطابق قانون» انجام می‌شود ترفندی برای سوداگری در بورس اوراق بهادار شده،



همخوانی دارد. سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند در زمان انتشار گزارش‌های تجدید ارزیابی، شرکت‌ها را ملزم کند آثار این رویداد را بر شاخص‌های مالی، سودآوری، جریان‌های نقدی و ارزش ذاتی شرکت به صورت تحلیلی افشا کنند. همچنین در صورت مشاهده‌ی نوسانات غیرعادی قیمت سهام، نظارت بر معاملات و الزام به ارائه توضیحات شفاف از سوی ناشر می‌تواند از شکل‌گیری رفتارهای هیجانی جلوگیری کند.

یکی از مهم‌ترین نکات آموزشی برای سرمایه‌گذاران این است که ارزش دفتری دارایی‌ها با ارزش ذاتی شرکت تفاوت دارد. ارزش سهام تنها به ارزش دارایی‌ها وابسته نیست، بلکه به عواملی نظیر سودآوری، جریان‌های نقدی آینده، ریسک، مزیت رقابتی، کیفیت مدیریت و چشم‌انداز صنعت نیز بستگی دارد. از این رو، افزایش ارزش دارایی‌ها لزوماً به معنای افزایش متناسب ارزش اقتصادی شرکت نیست. در ارزش‌گذاری سهام باید علاوه بر ارزش خالص دارایی‌ها (NAV)، از روش‌هایی مانند مدل جریان نقدی تنزیل‌شده (DCF)، روش درآمدی و ضرایب بازار نیز استفاده شود. این موضوع در استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اتکای صرف به ارزش خالص دارایی‌ها، به‌ویژه در شرکت‌های عملیاتی، ممکن است منجر به برآورد نادرست ارزش سهام شود. بخش مهمی از نوسانات ناشی از تجدید ارزیابی، ریشه

حقوق صاحبان سهام تحت عنوان «مازاد تجدید ارزیابی» شناسایی می‌شود و به سود و زیان دوره وارد نمی‌شود، زیرا این افزایش ناشی از خلق ارزش اقتصادی جدید یا فعالیت عملیاتی شرکت نیست. با این حال، در عمل مشاهده شده است که در برخی موارد، بازار سرمایه افزایش ارزش دفتری دارایی‌ها را با افزایش ارزش ذاتی شرکت یکسان تلقی کرده و این برداشت نادرست زمینه‌ی ایجاد رفتارهای سفته‌بازانه و شکل‌گیری حباب قیمتی را فراهم کرده است.

بنابراین، مشکل اصلی در خود تجدید ارزیابی نیست، بلکه در نحوه‌ی تفسیر و استفاده از اطلاعات تجدید ارزیابی توسط بازار و ضعف برخی سازوکارهای نظارتی و افشای اطلاعات است. شرکت‌ها باید علاوه بر مبلغ تجدید ارزیابی، آثار واقعی آن بر وضعیت مالی را نیز به صورت شفاف افشا کنند. لازم است در یادداشت‌های توضیحی به صراحت بیان شود که افزایش ناشی از تجدید ارزیابی:

- موجب ورود جریان نقدی به شرکت نشده است
 - سود عملیاتی یا سود خالص را افزایش نمی‌دهد
 - توان سودآوری شرکت را به‌تنهایی تغییر نمی‌دهد
 - صرفاً ارزش دفتری دارایی‌ها و حقوق صاحبان سهام را به ارزش منصفانه نزدیک‌تر می‌کند.
- این رویکرد با الزامات افشای IAS 16 و IFRS 13 نیز

در برداشت نادرست سرمایه‌گذاران دارد. آموزش مفاهیمی مانند تفاوت سود حسابداری، سود اقتصادی، ارزش دفتری، ارزش منصفانه، جریان نقدی و ارزش ذاتی می‌تواند از تصمیم‌گیری‌های هیجانی و سفته‌بازانه جلوگیری کند.

تجدید ارزیابی باید بر اساس گزارش‌های مستقل، مستند و منطبق با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) انجام شود. استفاده از کارشناسان دارای صلاحیت، افشای مفروضات ارزش‌گذاری، کنترل کیفیت گزارش‌ها و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی معاملات، احتمال ارزش‌گذاری‌های غیرواقعی یا خوش‌بینانه را کاهش می‌دهد. هرچند افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی می‌تواند ساختار سرمایه شرکت را بهبود بخشد، اما نباید به عنوان شاخصی از افزایش عملکرد اقتصادی شرکت تلقی شود. مناسب است مقررات افشای اطلاعات و تحلیل آثار افزایش سرمایه به گونه‌ای تقویت شود که سرمایه‌گذاران بتوانند میان بهبود ساختار مالی و افزایش سودآوری واقعی تمایز قائل شوند.

به‌طور کلی تجدید ارزیابی دارایی‌ها یکی از ابزارهای ضروری گزارشگری مالی است و در صورت اجرای صحیح، موجب افزایش شفافیت، ارائه‌ی ارزش منصفانه‌ی دارایی‌ها و بهبود قابلیت اتکای صورت‌های مالی می‌شود. با این حال، اگر نتایج آن بدون تحلیل صحیح مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران قرار گیرد، ممکن است زمینه‌ی شکل‌گیری رفتارهای سفته‌بازانه و افزایش غیرمنطقی قیمت سهام را فراهم کند. بنابراین، راهکار مقابله با این پدیده محدود کردن یا حذف تجدید ارزیابی نیست، بلکه تقویت کیفیت ارزش‌گذاری، توسعه الزامات افشا، افزایش نظارت سازمان بورس، استفاده از روش‌های جامع ارزش‌گذاری شرکت‌ها و ارتقای سواد مالی سرمایه‌گذاران است. در چنین شرایطی، تجدید ارزیابی به جای آن‌که ابزاری برای سوداگری باشد، به ابزاری مؤثر برای ارائه تصویری منصفانه از وضعیت مالی شرکت‌ها و افزایش کارایی بازار سرمایه تبدیل خواهد شد.

V

به نظر شما تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری و قانون الزامی شدن استانداردهای ارزش‌گذاری و تعیین نهاد متولی ضمانت اجرای استانداردهای مزبور تا چه میزان ضروری است و رفع‌کننده‌ی مشکلات و چالش‌های موجود در این زمینه خواهد بود؟

محمدجواد تیموری:

تدوین استانداردهای الزام‌آور ارزش‌گذاری و ایجاد نهاد متولی با ضمانت اجرا، کاملاً ضروری است، اما باید تأکید شود که این اقدام به‌تنهایی معجزه‌گر نیست و صرفاً زیرساخت و فونداسیونی برای حل ریشه‌ای مشکلات است. بدون سه رکن (استاندارد، قانون الزام‌آور، نهاد ناظر)، وضعیت فعلی (ارزش‌گذاری‌های سلیقه‌ای، اختلافات بین کارشناسان و سوءاستفاده از گزارش ارزش‌گذاری) قابل حل نیست. این سه رکن، «خط‌کش» و «دادگاه» را هم‌زمان وارد بازی می‌کنند. ارزش‌گذاری‌های سلیقه‌ای و غیریکنواخت با وجود استاندارد IVS یا بومی‌شده، رفع شده و روش‌ها و مفروضات را اجباری می‌کند و پراکندگی را از بین می‌برد همچنین با وجود ضمانت اجرا و مجازات تخلفات، اعتماد افزایش می‌یابد، اما این هدف در کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود. به دلیل ضرورت فرهنگ‌سازی نیازمند زمان است.

محدودیت‌ها و آسیب‌های مسیر ازجمله مقاومت نهادها و کارشناسان سنتی، هزینه‌ی اجرا، خطر پیاده‌سازی صرفاً صوری استانداردهای ارزش‌گذاری را باید پیش‌بینی و برای رفع آن‌ها برنامه داشت. ناهماهنگی قوانین و مقررات نیز نیازمند اصلاح هم‌زمان است.

نهایتاً این‌که تدوین استانداردهای الزام‌آور و ایجاد نهاد ناظر، «شرط لازم» است، اما «شرط کافی» نیست. این اقدام، مانند «قانون راهنمایی و رانندگی» است، جاده را منظم می‌کند، اما اگر خودروها (بنگاه‌ها) موتور سالم (سودآوری واقعی) نداشته باشند، تصادف (حباب و سقوط بازار) همچنان رخ می‌دهد. پس بهتر است به تدوین و الزام اجرای استانداردهای ارزش‌گذاری به‌عنوان «گام اول و اجباری» بنگریم، نه «راه‌حل نهایی».

غلامحسین دوانی:

تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری و الزام قانونی به رعایت آن‌ها کاملاً ضروری است؛ اما استاندارد به‌تنهایی همه‌ی مشکلات را حل نمی‌کند. استاندارد بدون داده معتبر، آموزش، استقلال، کنترل کیفیت و ضمانت اجرا ممکن است صرفاً به یک سند رسمی تبدیل شود.

نخستین ضرورت، ایجاد زبان مشترک حرفه‌ای است. اصطلاحاتی مانند ارزش بازار، ارزش منصفانه، ارزش روز، ارزش سرمایه‌گذاری و ارزش فروش اجباری باید تعریف دقیق و یکسان داشته باشند. دومین ضرورت، کاهش اختلاف‌های غیرموجه است. اختلاف میان دو ارزش‌گذاری همیشه قابل حذف نیست، زیرا ارزش‌گذاری با قضاوت حرفه‌ای همراه است. اما استاندارد باید تضمین کند که اختلاف‌ها ناشی از تفاوت موجه در داده‌ها و مفروضات باشند، نه نبود روش مشترک. سومین ضرورت، حمایت از منافع عمومی است. ارزش‌گذاری

در خصوصی سازی، وثیقه بانکی، مالیات، بورس، ورشکستگی و دعاوی قضایی بر حقوق دولت، سهام داران، سپرده گذاران و عموم مردم اثر دارد و صرفاً یک رابطه خصوصی میان کارشناس و سفارش دهنده نیست. بهترین راهکار، ایجاد یک شورای مستقل استانداردها و نظارت بر ارزش گذاری است، دست کم در حوزه شرکت های بورسی و نهادهای مرتبط با منافع عمومی. این شورا نباید در اختیار کامل یک گروه حرفه ای یا یک دستگاه دولتی باشد. اعضای شورا می توانند شامل نمایندگان سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان بورس، بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، کانون کارشناسان رسمی، دانشگاه ها و متخصصان مستقل مالی، حقوقی و فنی باشند. در طراحی این نظام باید میان چهار وظیفه تفکیک نسبی وجود داشته باشد: تدوین استاندارد، صدور و تمدید صلاحیت حرفه ای، کنترل کیفیت و بازرسی گزارش ها، و رسیدگی انتظامی به تخلفات.

نهادهای که نماینده منافع صنفی اعضاست، نباید تنها مرجع تدوین استاندارد و رسیدگی به تخلفات همان اعضا نیز باشد؛ زیرا تمرکز این وظایف می تواند تعارض منافع ایجاد کند. وظایف شورای پیشنه ای باید شامل این موارد باشد: تصویب و به روز رسانی استانداردهای ارزش گذاری، تعیین صلاحیت های تخصصی برای انواع دارایی ها، ایجاد نظام ثبت ارزش گذاران واجد صلاحیت، تعیین الزامات آموزش مستمر، بازرسی و کنترل کیفیت گزارش ها، انتشار راهنماهای اجرایی، ایجاد بانک اطلاعاتی معاملات، هماهنگی با IVS و استانداردهای حسابداری، انتشار گزارش های دوره ای درباره کیفیت ارزش گذاری ها، و ارجاع تخلفات حرفه ای به مراجع انتظامی یا قضایی.

ضمانت اجرا نیز باید متناسب، مرحله ای و مؤثر باشد. این ضمانت اجرا می تواند از الزام به اصلاح گزارش و آموزش اجباری آغاز شود و در موارد جدی تر به جریمه های حرفه ای، تعلیق یا لغو صلاحیت، مسئولیت مدنی و در صورت تقلب یا تبانی، ارجاع به مراجع قضایی منتهی شود.

مسئولیت نباید تنها متوجه ارزش گذار باشد. سفارش دهنده ای (معمولاً هیأت مدیره شرکت ها) که کارشناس را برای دستیابی به مبلغی از پیش تعیین شده تحت فشار قرار می دهد، اطلاعات ناقص یا گمراه کننده ارائه می کند یا از گزارش برای فریب بازار استفاده می کند نیز باید مسئول شناخته شود.

در کنار آن، اعتبار زمانی گزارش ارزش گذاری باید مورد توجه قرار گیرد. هر گزارش مربوط به یک تاریخ مشخص است و تغییر نرخ ارز، مقررات، شرایط بازار، فناوری یا وضعیت عملیاتی شرکت می تواند نتیجه را تغییر دهد. بنابراین، استفاده از یک گزارش قدیمی برای معامله یا تصمیم جدید، بدون بررسی ضرورت به روز رسانی آن، قابل دفاع نیست.

همچنین، در ارزش گذاری های با اهمیت باید امکان بازبینی مستقل گزارش وجود داشته باشد. بازبینی به معنای انجام مجدد کامل ارزش گذاری نیست؛ بلکه بررسی این موضوع است که آیا داده ها، روش ها، مفروضات و نتیجه گیری ها منطقی، مستند و با هدف مأموریت سازگار بوده اند یا خیر.

باین حال، استانداردها به تنهایی نمی توانند همه مشکلات را حل کنند. استاندارد نمی تواند فقدان بازار فعال، معاملات غیرشفاف، چندنرخ بودن ارز، تورم مزمن، مالکیت های مبهم، ضعف اطلاعات مالی و محدودیت دسترسی به داده ها را از بین ببرد. نقش استاندارد این است که در چنین شرایطی، ارزش گذار را ملزم کند به روشنی توضیح دهد: چه اطلاعاتی در اختیار داشته است؛ چه داده هایی در دسترس نبوده اند؛ از چه روشی استفاده کرده است؛ چرا آن روش را انتخاب کرده است؛ نتیجه تا چه اندازه به مفروضات وابسته است؛ و دامنه ی عدم قطعیت ارزش چه قدر است.

در نتیجه، تدوین استاندارد و تعیین نهاد متولی، شرط لازم اصلاح نظام ارزش گذاری است، اما شرط کافی نیست. اصلاح واقعی زمانی رخ می دهد که استاندارد گذاری، آموزش، استقلال، بانک اطلاعاتی، کنترل کیفیت، مسئولیت حرفه ای و ضمانت اجرا به صورت هم زمان برقرار شوند. نتیجه ی نهایی این که استاندارد شرط لازم است؛ اما داده های معتبر، استقلال حرفه ای و ضمانت اجرا، شرط اثربخشی آن است.

در جمع بندی بحث حاضر باید تأکید کرد مسئله ی اصلی ارزش گذاری در ایران فقدان کامل دانش، روش علمی یا نیروی متخصص نیست؛ بلکه نبود یک نظام یکپارچه و هماهنگ است. کارشناسان رسمی از ظرفیت های فنی، تجربی و قانونی مهمی برخوردارند، اما این ظرفیت باید در چارچوب استانداردهای واحد، صلاحیت های تخصصی، مستندسازی شفاف، کنترل کیفیت و مسئولیت حرفه ای به کار گرفته شود.

در اقتصاد تورمی ایران، تجدید ارزیابی دارایی ها می تواند مبلغ دفتری برخی دارایی ها را به واقعیت اقتصادی نزدیک تر کند، اما نباید با حسابداری تورمی اشتباه گرفته شود. تجدید ارزیابی زمین، ساختمان یا ماشین آلات، آثار تورم بر سرمایه، درآمد، هزینه، موجودی کالا و اقلام پولی را به طور کامل اصلاح نمی کند. به همین دلیل، در کنار تجدید ارزیابی منظم و متناسب با تغییرات ارزش منصفانه، باید موضوع گزارشگری مالی تورمی نیز به صورت جدی و جامع بررسی شود.

از سوی دیگر، تجدید ارزیابی نباید به ابزاری برای اصلاح ظاهری ترازنامه، پنهان کردن زیان دهی، اجتناب از اصلاح ساختار عملیاتی یا ایجاد هیجان در بازار سرمایه تبدیل شود. مازاد تجدید ارزیابی به خودی خود وجه نقد، سود عملیاتی یا ظرفیت تولیدی جدید ایجاد نمی کند.

در ارزش گذاری شرکت ها نیز باید میان شرکت های عملیاتی



ما نیاز داریم به سازمان و تشکیلاتی که این استانداردها را به روزرسانی کند و ترویج دهد. بدین ترتیب، بسیاری از مسائل و مشکلات را حل خواهد کرد. پس به نظر من این استانداردها این تفاوت‌های ارزیابی کارشناسان را تا حدود زیادی حل خواهد کرد اما اجرای آن مستلزم یک سری زیرساخت است و باید کمک کنیم به ایجاد و بهبود این زیرساخت‌ها.

◀ ولی‌اله سیف:

لازم است این نکته را مورد تأکید قرار دهیم که مسئله‌ی اصلی ارزش‌گذاری در ایران، کمبود کارشناس نیست؛ بلکه خلأ کمبود نظام استانداردگذاری است.

به بیان دیگر، حتی اگر بهترین کارشناسان کشور نیز فعالیت کنند، تا زمانی که استانداردهای حرفه‌ای الزام‌آور، نهاد تدوین‌کننده‌ی استاندارد و سازوکار نظارت بر اجرای آن وجود نداشته باشد، اختلاف در ارزش‌گذاری‌ها، کاهش قابلیت اتکا و حتی زمینه‌های سوءاستفاده همچنان پابرجا خواهد ماند.

به اعتقاد من، تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری و الزام قانونی به رعایت آن‌ها، نه یک اصلاح جزئی، بلکه یک اصلاح نهادی است؛ اصلاحی که می‌تواند آثار آن از حرفه‌ی ارزش‌گذاری فراتر رفته و بر نظام قضایی، شبکه‌ی بانکی، بازار سرمایه، نظام مالیاتی و حتی فضای کسب‌وکار کشور اثرگذار باشد.

و شرکت‌های دارایی‌محور تفاوت قائل شد. در یک شرکت عملیاتی، ارزش اقتصادی عمدتاً به توان ایجاد جریان نقد، سودآوری، ریسک، بدهی، فناوری و آینده‌ی فعالیت وابسته است؛ درحالی‌که در شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا ملکی، خالص ارزش دارایی‌ها می‌تواند نقش مهم‌تری داشته باشد.

راهکار پایدار برای ایران، پذیرش IVS به‌عنوان چارچوب پایه، تدوین ضمایم ملی، تعریف صلاحیت‌های تخصصی، ارتقای دانش میان‌رشته‌ای ارزش‌گذاران، ایجاد بانک اطلاعاتی معاملات، تقویت استقلال حرفه‌ای، هماهنگی مقررات حسابداری و مالیاتی و تشکیل یک سازوکار مستقل برای استانداردگذاری و کنترل کیفیت است.

◀ علی رحمانی:

تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری یا پذیرش استانداردهای ارزش‌گذاری بین‌المللی امروز ضرورت دارد. به خاطر این‌که بتوانیم ارزش‌ها را به نحو درست‌تر، شفاف‌تر و منصفانه تعیین کنیم. این نکته‌ی بسیار مهمی است. به‌هرحال این استانداردها باید اجرا بشود بنابراین نیاز است ارزش‌گذاری در کانون کارشناسان سامان‌دهی خاصی بشود. یعنی غیر از بحثی که در رابطه با خود کارشناسی ارزش‌گذاری هست، یک نظام‌نامه‌ی جداگانه لازم داریم چون استانداردها دائم تغییر می‌کنند و



استانداردها نمی‌توانند صرفاً جنبه‌ی توصیه‌ای داشته باشند، چرا که اثر آن‌ها محدود خواهد بود. حتماً باید متکی بر یک قانون مناسب باشد. زمانی استانداردها به فرهنگ حرفه‌ای تبدیل می‌شوند که رعایت آن‌ها برای همه‌ی ارزیابی‌هایی که آثار عمومی و حقوقی دارند، الزامی باشد.

به اعتقاد من، حتی مهم‌تر از تدوین استانداردها، ایجاد نهادی است که مسئولیت دائمی به‌روزرسانی آن‌ها را برعهده داشته باشد. استاندارد، یک سند ثابت و همیشگی نیست. کشور نیازمند نهادی است که وظایفی مانند تدوین استانداردهای ارزش‌گذاری؛ به‌روزرسانی مستمر آن‌ها؛ انتشار راهنماهای کاربردی؛ تفسیر استانداردها در موارد ابهام؛ آموزش حرفه‌ای؛ کنترل کیفیت؛ همکاری با نهادهای بین‌المللی؛ انجام پژوهش‌های کاربردی را برعهده داشته باشد.

نکته‌ی مهم دیگر این‌که استاندارد بدون ضمانت اجرا، بیشتر به یک توصیه‌ی اخلاقی شباهت خواهد داشت. بنابراین لازم است ضمانت اجرای به‌نحو مناسب در سطوح حرفه‌ای، حقوقی و نظارتی تعریف شود.

خلاصه این‌که، تدوین استانداردهای ملی ارزش‌گذاری، تصویب قانون الزام‌آور برای رعایت آن‌ها و ایجاد نهاد مستقلی برای تدوین، به‌روزرسانی و نظارت بر اجرای این استانداردها، سه ضلع یک مثلث اصلاحات نهادی هستند. فقدان هر یک از

در حال حاضر، ارزش‌گذاری در ایران عمدتاً بر سه پایه‌ی دانش و تجربه‌ی شخصی ارزش‌گذار، رویه‌های حرفه‌ای پراکنده و مقررات موردی دستگاه‌های مختلف استوار است. ولی این‌ها جایگزین استانداردهای ملی نمی‌شوند.

استاندارد حرفه‌ای باید به این سؤالات پاسخ دهد: مبنای ارزش چیست؟ در هر مأموریت کدام مبنای ارزش باید انتخاب شود؟ چه روشی در چه شرایطی اولویت دارد؟ مفروضات چگونه افشا شوند؟ کیفیت گزارش چگونه ارزیابی شود؟ و مسئولیت حرفه‌ای ارزش‌گذار چیست؟

در نبود پاسخ‌های واحد به این پرسش‌ها، طبیعی است که دو ارزش‌گذار برای یک دارایی واحد به نتایج متفاوت برسند، بی آن‌که الزاماً یکی از آن‌ها مرتکب خطا شده باشد. اهمیت استانداردهای ارزش‌گذاری ملی ممکن است همه‌ی مشکلات را حل نکند اما قطعاً بخش بزرگی از آن‌ها را برطرف می‌کند. نباید انتظار داشت که با تصویب یک قانون، اختلاف‌نظرهای کارشناسی از میان برود؛ زیرا ارزش‌گذاری همواره تا حدی متکی بر قضاوت حرفه‌ای خواهد بود. اما استانداردها می‌توانند دامنه‌ی اختلاف‌ها را کاهش دهند؛ کیفیت گزارش‌ها را افزایش دهند؛ قابلیت مقایسه‌ی ارزش‌گذاری‌ها را بیشتر کنند؛ مسئولیت‌پذیری ارزش‌گذاران را تقویت کنند و اعتماد استفاده‌کنندگان را افزایش دهند.

این اضلاع، کارایی دو ضلع دیگر را نیز کاهش می‌دهد. البته باید واقع‌بین بود. این اصلاحات به تنهایی تمام مشکلات ارزش‌گذاری را از میان نخواهند برد. عواملی مانند تورم مزمن، ضعف شفافیت اطلاعات، نارسایی برخی بازارها و کیفیت حاکمیت شرکتی همچنان بر فرآیند ارزش‌گذاری اثر خواهند گذاشت. این اصلاحات می‌توانند قواعد بازی را تغییر دهند؛ یعنی به جای این که تجدید ارزیابی‌های آن‌ها که در حال حاضر بر اساس تجربه و برداشت فردی انجام می‌شود، براساس اصول حرفه‌ای و مبتنی بر استاندارد، پاسخ‌گویی، شفافیت و کنترل کیفیت انجام خواهد شد.

به نظر من، این همان اصلاحی است که اکنون جای آن در نظام حقوقی و اقتصادی ایران خالی است. اگر روزی قانونی با عنوانی مانند قانون استانداردهای ملی ارزش‌گذاری دارای‌ها به تصویب برسد و نهادی مستقل و تخصصی مسئول تدوین و اجرای آن شود، این اقدام را باید هم‌تراز با استقرار استانداردهای حسابداری یا ایجاد نظام حسابرسی مستقل دانست؛ زیرا آثار آن تنها به حرفه‌ی ارزش‌گذاری محدود نخواهد شد، بلکه بر سلامت نظام بانکی، شفافیت بازار سرمایه، کارآمدی نظام مالیاتی، کیفیت گزارشگری مالی و اعتماد سرمایه‌گذاران نیز تأثیر ماندگار خواهد گذاشت. به اعتقاد من، چنین قانونی می‌تواند یکی از زیرساخت‌های مهم حکمرانی اقتصادی مدرن در ایران را ساماندهی کند.

❖ احمد فاضلی:

مهم‌ترین خلأ نظام ارزش‌گذاری ایران، نه کمبود قوانین، نه کمبود کارشناسان و نه ضعف روش‌های علمی، بلکه فقدان یک نظام حکمرانی منسجم در حوزه‌ی ارزش‌گذاری است. امروزه در اغلب کشورهای توسعه‌یافته، ارزش‌گذاری صرفاً یک فعالیت کارشناسی نیست، بلکه یک نظام حرفه‌ای است که بر چهار رکن اصلی استوار است:

۱. استانداردهای واحد ارزش‌گذاری؛

۲. ارزش‌گذاران دارای صلاحیت حرفه‌ای؛

۳. نظام کنترل کیفیت و نظارت؛

۴. ضمانت اجرای استانداردها.

در ایران، هر چهار رکن فوق به‌صورت پراکنده وجود دارند، اما میان آن‌ها ارتباط نهادی و ساختاری برقرار نشده است. در نتیجه، گزارش‌های ارزش‌گذاری، حتی اگر توسط افراد متخصص تهیه شوند، ممکن است از منظر روش‌شناسی، مفروضات، سطح افشا و کیفیت اجرا تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر داشته باشند.

آیا استاندارد حسابداری جایگزین استاندارد ارزش‌گذاری است؟ پاسخ قطعاً منفی است. یکی از برداشت‌های نادرست در ایران آن است که با تصویب استاندارد حسابداری شماره ۴۲، دیگر نیازی

به استاندارد ارزش‌گذاری وجود ندارد. در حالی که استانداردهای حسابداری و استانداردهای ارزش‌گذاری دو مأموریت کاملاً متفاوت دارند. استاندارد حسابداری شماره ۱۱ مشخص می‌کند دارایی چگونه در صورت‌های مالی منعکس شود.

استاندارد حسابداری شماره ۴۲ مشخص می‌کند ارزش منصفانه چیست و چگونه در گزارشگری مالی ارائه شود.

اما هیچ‌یک از این دو استاندارد پاسخ نمی‌دهند که:

- ارزش‌گذار چگونه باید ارزش را برآورد کند؟

- چه روشی را انتخاب کند؟

- چگونه نرخ تنزیل را تعیین کند؟

- چگونه ریسک را اندازه‌گیری کند؟

- چگونه عدم قطعیت را افشا کند؟

- چگونه کیفیت گزارش کنترل شود؟

پاسخ این پرسش‌ها در استانداردهای ارزش‌گذاری نهفته است.

بنابراین استانداردهای حسابداری و استانداردهای ارزش‌گذاری مکمل یکدیگرند، نه جایگزین یکدیگر.

طی دو دهه‌ی اخیر، ارزش‌گذاری در ایران از یک فعالیت محدود کارشناسی به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تبدیل شده است. امروزه ارزش‌گذاری در حوزه‌های بازار سرمایه، بانکداری و وثایق، خصوصی‌سازی، افزایش سرمایه، ادغام و تملیک شرکت‌ها، گزارشگری مالی، دعاوی قضایی، مالیات، بیمه، سرمایه‌گذاری خارجی، شرکت‌های دانش‌بنیان، اقتصاد دیجیتال و دارایی‌های نامشهود نقش تعیین‌کننده دارد. طبیعی است که چنین جایگاهی نیازمند یک چارچوب واحد حرفه‌ای است و از این‌رو به استاندارد ملی ارزش‌گذاری نیاز داریم.

به نظر می‌رسد استاندارد ملی ارزش‌گذاری باید بر پایه‌ی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) تدوین شود و حداقل شامل این موضوعات باشد: اصول اخلاق حرفه‌ای، استقلال ارزش‌گذار، مدیریت تعارض منافع، انواع مبانی ارزش، انتخاب مناسب‌ترین رویکرد ارزش‌گذاری، روش‌های ارزش‌گذاری، ارزش‌گذاری دارایی‌های مشهود، ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، ارزش‌گذاری شرکت‌ها و سهام، ارزش‌گذاری پروژه‌های زیرساختی، الزامات افشا، کنترل کیفیت گزارش‌ها، مسئولیت حرفه‌ای ارزش‌گذار، و رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای.

روشن است که استاندارد بدون ضمانت اجرا مؤثر نخواهد بود. تجربه‌ی کشورهای مختلف به‌خوبی گواه این امر است که استاندارد زمانی مؤثر است که رعایت آن الزام‌آور باشد.

در حال حاضر ممکن است دو گزارش ارزش‌گذاری برای یک دارایی، با روش‌های کاملاً متفاوت تهیه شوند، بدون آن که تخلف حرفه‌ای محسوب شوند. اما اگر استاندارد ملی وجود

داشته باشد، هرگونه انحراف از الزامات استاندارد قابل رسیدگی خواهد بود.

بنابراین، تدوین استاندارد باید همراه با ضمانت اجرای قانونی باشد.

به اعتقاد این جانب، ارزش گذاری حوزه های میان رشته ای است و نباید در انحصار یک دستگاه اجرایی قرار گیرد و بر این اساس پیشنهاد می شود مرکز استانداردهای ارزش گذاری ایران تشکیل شود. نهادهای مشارکت کننده در تدوین این استانداردها باید شامل سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مرکز وکلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، بیمه مرکزی، انجمن مالی ایران، دانشگاه ها و نمایندگان حرفه ای ارزش گذاری باشد. این مرکز باید نهادی مستقل، تخصصی و غیرسیاسی باشد.

همچنین ایجاد نظام کنترل کیفیت ارزش گذاری ها ضروری است. در بسیاری از کشورها، گزارش های ارزش گذاری مهم پیش از استفاده توسط متخصصان مستقل بازبینی می شوند. این فرآیند که **Peer Review** نام دارد، احتمال بروز خطا، سوگیری و اختلافات بعدی را به شدت کاهش می دهد. در ایران نیز ایجاد چنین نظامی می تواند کیفیت گزارش های ارزش گذاری را به طور چشمگیری افزایش دهد.

از سوی دیگر، تدوین استاندارد ارزش گذاری موجب تقویت اجرای استانداردهای حسابداری نیز خواهد شد. به عنوان مثال: - استاندارد شماره ۱۱ برای اجرای صحیح مدل تجدید ارزیابی به ارزش گذاری حرفه ای نیاز دارد.

- استاندارد شماره ۴۲ برای تعیین ارزش منصفانه به روش های معتبر ارزش گذاری وابسته است.

در نتیجه، وجود استاندارد ارزش گذاری، کیفیت اجرای استانداردهای حسابداری را نیز ارتقا خواهد داد.

علاوه بر این، به نظر می رسد نسل جدید استانداردهای ارزش گذاری باید استفاده از فناوری را نیز پیش بینی کند. از جمله هوش مصنوعی، تحلیل کلان داده، سامانه های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مدل های پیش بینی، بانک های اطلاعات معاملات، بلاک چین در ثبت سوابق ارزش گذاری، و سامانه های کنترل کیفیت هوشمند. این ابزارها می توانند دقت، سرعت و قابلیت اتکای ارزش گذاری را افزایش دهند.

همچنین باید تأکید کرد که تدوین استاندارد همه ی مشکلات را حل نمی کند. استاندارد، شرط لازم است اما شرط کافی نیست. اصلاح نظام ارزش گذاری نیازمند مجموعه ای از اقدامات مکمل است، از جمله اصلاح قوانین مالیاتی، توسعه ی بازارهای شفاف، ایجاد بانک اطلاعات معاملات، ارتقای آموزش حرفه ای، اصلاح نظام صلاحیت ارزش گذاران، استقرار نظام کنترل کیفیت، تقویت استقلال حرفه ای ارزش گذاران، و

افزایش سواد مالی استفاده کنندگان.

تنها در صورت تحقق این مجموعه اصلاحات، استانداردهای ارزش گذاری می توانند به اهداف خود دست یابند.

در مجموع، به اعتقاد این جانب، اقتصاد ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به استقرار یک نظام جامع حکمرانی ارزش گذاری نیاز دارد. تصویب استاندارد حسابداری شماره ۴۲ گام مهمی در توسعه ی گزارشگری مالی مبتنی بر ارزش منصفانه بوده و استاندارد شماره ۱۱ نیز امکان انعکاس واقع بینانه تر ارزش دارایی های ثابت را فراهم کرده است؛ اما این استانداردها بدون وجود استانداردهای حرفه ای ارزش گذاری، نهاد ناظر مستقل، نظام کنترل کیفیت و ضمانت اجرای مؤثر، قادر به تحقق کامل اهداف خود نخواهند بود.

از این رو، پیشنهاد می شود با الگوبرداری از تجارب موفق بین المللی و بر پایه ی استانداردهای **IVS**، «نظام ملی ارزش گذاری ایران» طراحی و اجرا شود؛ نظامی که ضمن حفظ استقلال حرفه ای ارزش گذاری، هماهنگی لازم را با استانداردهای حسابداری، مقررات بازار سرمایه، نظام بانکی و قوانین مالیاتی برقرار کند. چنین نظامی نه تنها موجب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و افزایش اعتماد سرمایه گذاران خواهد شد، بلکه یکی از زیرساخت های اساسی برای توسعه ی بازار سرمایه، بهبود فضای کسب و کار و افزایش شفافیت اقتصادی کشور نیز به شمار می آید.

به عنوان جمع بندی باید تأکید کرد ارزش گذاری دارایی ها، صرفاً یک فعالیت فنی برای تعیین قیمت نیست؛ بلکه یکی از ارکان اصلی نظام گزارشگری مالی، بازار سرمایه، نظام بانکی و تصمیم گیری اقتصادی است. هرگونه ضعف در فرآیند ارزش گذاری، مستقیماً بر کیفیت صورت های مالی، اعتبار نظام تأمین مالی، کارایی بازار سرمایه و اعتماد سرمایه گذاران اثر می گذارد.

در سال های اخیر، با تصویب استاندارد حسابداری شماره ۴۲ «اندازه گیری ارزش منصفانه»، نظام حسابداری ایران گام مهمی در همگرایی با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی برداشته است. همچنین استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با پذیرش مدل تجدید ارزیابی، امکان انعکاس واقع بینانه تر ارزش دارایی های ثابت مشهود را فراهم کرده است. با این حال، تجربه ی عملی نشان می دهد که اجرای صحیح این استانداردها بدون وجود یک نظام حرفه ای ارزش گذاری امکان پذیر نیست. اقتصاد ایران دارای ویژگی هایی است که آن را از بسیاری از اقتصادهای دنیا متمایز می کند؛ از جمله تورم مزمن، نوسانات شدید نرخ ارز، محدودیت های ناشی از تحریم، قیمت گذاری دستوری در برخی صنایع، محدود بودن بازارهای فعال برای بسیاری از دارایی ها و سهم بالای دارایی های غیر قابل مقایسه.



قابل اتکا و مبتنی بر واقعیت اقتصادی از ارزش دارایی‌ها است. هرچه این تصویر به واقعیت اقتصادی نزدیک‌تر باشد، تصمیمات سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و سیاست‌گذاران نیز دقیق‌تر و کارآمدتر خواهد بود.

به باور این‌جانب، آینده‌ی ارزش‌گذاری در ایران در گرو حرکت از «کارشناسی سنتی» به سمت حکمرانی حرفه‌ای ارزش‌گذاری است؛ نظامی که بر پایه‌ی استانداردهای بین‌المللی، شفافیت، استقلال حرفه‌ای، پاسخ‌گویی، کنترل کیفیت و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین استوار باشد. تحقق این هدف، نه تنها کیفیت گزارشگری مالی را ارتقا خواهد داد، بلکه به افزایش اعتماد عمومی، کارایی بازارهای مالی، بهبود محیط سرمایه‌گذاری و رشد پایدار اقتصاد کشور نیز کمک خواهد کرد.

◀ ناصر محامی:

پیش‌تر تأکید کردم که اجرای اصول و ضوابط IFRS در گزارشگری مالی بدون قبول استانداردهای بین‌المللی ارزیابی (IVS) امکان‌پذیر نیست و بی‌توجهی به این امر موجب تحریف وسیع صورت‌های مالی و درنهایت بی‌اعتباری صنعت گزارشگری مالی خواهد شد. فرایند ارزیابی در حال حاضر نه بر مبنای حرفه‌ای و هدایت توسط تشکیلات مدرن ارزیابی

این شرایط سبب می‌شود که فرآیند ارزش‌گذاری در ایران نیازمند چارچوبی دقیق‌تر، شفاف‌تر و بومی‌سازی شده باشد. از این‌رو، به نظر می‌رسد اصلاح نظام ارزش‌گذاری کشور باید در چند محور اساسی دنبال شود:

- تدوین استاندارد ملی ارزش‌گذاری مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی IVS؛
 - ایجاد مرکز ملی استانداردهای ارزش‌گذاری؛
 - استقرار نظام صلاحیت حرفه‌ای و آموزش مستمر ارزش‌گذاران؛
 - توسعه‌ی بانک‌های اطلاعاتی معاملات و پایگاه‌های داده تخصصی؛
 - اصلاح قوانین مالیاتی مرتبط با تجدید ارزیابی؛
 - بازنگری در استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ با تأکید بر ارتباط آن با استاندارد شماره‌ی ۴۲؛
 - توسعه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، سرمایه‌ی فکری، فناوری و اقتصاد دیجیتال؛ و
 - استفاده از فناوری‌های نوین، تحلیل کلان‌داده و هوش مصنوعی در فرآیند ارزش‌گذاری.
- در نهایت باید تأکید کرد که هدف ارزش‌گذاری، افزایش ظاهری ارقام ترازنامه یا ایجاد زمینه برای نوسانات قیمتی در بازار سرمایه نیست؛ بلکه هدف، ارائه‌ی تصویری منصفانه،



شرکت‌ها ارتباطی نداشت، بلکه عبارت از افتضاح و رسوایی در ارزیابی املاک و مستغلات بود.

در طی بحران وام‌های رهنی در اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، مؤسسات پس‌انداز و وام‌های رهنی، خصوصاً وام‌های مشکوک اعطایی به اشخاص مختلف که بر اساس ارزیابی‌های انجام شده توسط کارشناسان املاک و مستغلات اعطا شده بودند، مورد رسیدگی موشکافانه‌ی کنگره قرار گرفتند، بسیاری از این ارزیابی‌ها بیش از ارزش تحقق‌پذیر وام‌های اعطایی در مقابل دارایی‌های وثیقه، از آب درآمدند و مسبب زیان عمده‌ای در نتیجه‌ی عدم بازپرداخت وام‌ها شدند (مشابه اتفاقاتی که در ایران افتاده است). برای پاسخ به این مشکل، بنیاد ارزیابی، به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی توسط گروهی از اشخاص حقوقی متشکل از نهادهای دولتی و گروه‌های ارزیابی در سال ۱۹۸۷ تاسیس شد و هدف آن تدوین استانداردهای واحد و یکنواخت برای حل مشکل صنعت ارزیابی بود.

در سال ۱۹۸۹ این بنیاد اقدام به تدوین استانداردهای یکنواخت روش‌های ارزیابی حرفه‌ای (USPAP) نمود. در همان سال کنگره‌ی آمریکا قانون FIRREA را تصویب کرد. به‌موجب این قانون بنیاد ارزیابی به مرجع مجاز برای تدوین «استانداردهای یکنواخت روش‌های ارزیابی حرفه‌ای» (USPAP) و تعیین شرایط صلاحیت ارزیابان تبدیل شد. قانون FIRREA

دارای استاندارد و ضوابط روز جوامع حرفه‌ای ارزیابی، بلکه بر مبنای برداشتها و استنباطات شخصی کارشناس رسمی انجام می‌شود که شباهتی با سازوکار رایج در آن‌سوی آب‌ها ندارد. تشکیلات متولی یا مدعی متولی ارزیابی در کشور به نظر می‌رسد عملاً فاقد تمایل بلکه فاقد پتانسیل سازمانی و فکری لازم برای انجام چنین پروژه‌ای است که هدف آن ایجاد تشکیلات مدرن و به‌روز ارزیابی شامل نهادهای استانداردگذار، آیین رفتار حرفه‌ای، تعیین صلاحیت حرفه‌ای، کنترل کیفیت، نهاد انضباطی و ... است. برای این که ذهن خواننده روشن‌تر شود مثالی می‌زنم:

در سایت کانون کارشناسان جدول هوشمندی هست که با وارد کردن مبلغ ارزیابی بلافاصله حق‌الزحمه‌ی ارزیاب مشخص می‌شود. یعنی طبق ضوابط قانونی کانون، حق‌الزحمه‌ی ارزیاب تابعی از مبلغ ارزیابی است. در حالی که در جوامع حرفه‌ی ارزیابی در آن‌سوی آب‌ها ارتباط حق‌الزحمه‌ی ارزیاب با مبلغ ارزیابی، تخلف محسوب شده و متخلف برای مجازات به نهاد انتظامی معرفی می‌گردد. به این نیز بسنده نشده در انتهای گزارش ارزیابی از ارزیاب خواسته می‌شود که به‌صراحت قید نماید حق‌الزحمه‌ی او ارتباطی با مبلغ ارزیابی ندارد.

جالب است بدانیم حادثه‌ای که فرآیند ایجاد و تدوین استانداردهای ارزیابی را در آمریکا به‌راه انداخت به ارزیابی

بنیاد ارزیابی را به عنوان مرجع تدوین استانداردها و تعیین صلاحیت ارزیابان در موضوعات و معاملات مربوط به دولت فدرال تعیین کرد.

بنیاد ارزیابی یک سازمان و نهاد غیردولتی و غیرانتفاعی است که با مجوز کنگره ای آمریکا فعالیت می کند. حوزه ی نفوذ اصلی آن شامل صدور، تفسیر، رهنمود، بازنگری، فسخ، تعدیل استانداردهای موجود و تصویب استانداردهای جدید، تعیین شرایط و صلاحیت های ارزیابان و همکاری با نهادهای ایالتی برای اجراست.

تشکیل و تأسیس سازمانی نظیر بنیاد ارزیابی در کشور ما می تواند زمینه های ایجاد و راه اندازی تشکیلات مدرن، حرفه ای و به روز ارزیابی باشد.

◀ کاظم وادی زاده:

با توجه به گسترش کاربرد ارزش گذاری در حوزه هایی نظیر گزارشگری مالی، تجدید ارزیابی دارایی ها، بازار سرمایه، مالیات، تأمین مالی، تملک و ادغام شرکت ها، دعاوی قضایی، خصوصی سازی و وثیقه گذاری دارایی ها، تدوین استانداردهای ملی ارزش گذاری و الزام قانونی به رعایت آن ها، امروزه به یک ضرورت حرفه ای و اقتصادی تبدیل شده است. تجربه ی کشورهای توسعه یافته نیز نشان می دهد که هر چه فرآیند ارزش گذاری بر پایه ی استانداردهای مدون، شفاف و دارای ضمانت اجرا انجام شود، قابلیت اتکای گزارش های ارزش گذاری، اعتماد سرمایه گذاران و کارایی بازارهای مالی افزایش می یابد. در حال حاضر در ایران، اگرچه قوانین مختلفی مانند قانون کارشناسان رسمی دادگستری، استانداردهای حسابداری، مقررات سازمان بورس و برخی آیین نامه های مالیاتی به موضوع ارزش گذاری پرداخته اند، اما هنوز یک نظام جامع و یکپارچه ی استانداردهای ارزش گذاری که برای همه ی حوزه ها الزام آور باشد، وجود ندارد. این موضوع موجب تفاوت در روش های ارزش گذاری، اختلاف میان گزارش های کارشناسی و افزایش دعاوی و ابهامات شده است.

یکی از مهم ترین مزایای تدوین استانداردهای ارزش گذاری، ایجاد وحدت رویه میان کارشناسان، حسابداران، حسابرسان، ارزیابان و سایر متخصصان است. استانداردهای مدون مشخص می کنند که در هر نوع دارایی، چه مبنای ارزشی، چه روش ارزش گذاری و چه مفروضاتی باید مورد استفاده قرار گیرد. این امر موجب کاهش اختلاف نظر و افزایش قابلیت مقایسه گزارش ها خواهد شد. ارزش گذاری مبنای بسیاری از تصمیمات سرمایه گذاری، عرضه ی اولیه ی سهام، افزایش سرمایه، ادغام و تملک شرکت ها و معاملات عمده است. وجود استانداردهای واحد، احتمال ارزش گذاری های غیرواقعی و سوءاستفاده از ابهامات موجود را کاهش داده و به افزایش کارایی و شفافیت

بازار سرمایه کمک می کند.

تدوین استانداردها به تنهایی کافی نیست؛ الزام قانونی به رعایت آن ها و پیش بینی ضمانت اجرای مؤثر نیز ضروری است. در غیر این صورت، استانداردها صرفاً جنبه ی توصیه ای خواهند داشت و اجرای آن ها به سلیقه ی اشخاص یا نهادها وابسته می شود. وجود چنین ضمانت اجرایی، استقلال و مسئولیت پذیری ارزش گذاران را افزایش داده و اعتماد ذی نفعان را تقویت می کند.

برای موفقیت این نظام، تعیین یک نهاد تخصصی و مستقل به عنوان مرجع تدوین، تفسیر، نظارت و به روزرسانی استانداردها ضروری است. البته با توجه به گستردگی کاربرد ارزش گذاری، مناسب تر آن است که این مسئولیت به صورت شورای عالی ارزش گذاری با حضور نمایندگان نهادهای ذی ربط انجام شود، از جمله:

- سازمان حسابرسی
- جامعه ی حسابداران رسمی ایران
- کانون کارشناسان رسمی دادگستری
- مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه ی قضائیه
- سازمان بورس و اوراق بهادار
- سازمان امور مالیاتی کشور
- بانک مرکزی
- دانشگاه ها و انجمن های علمی و حرفه ای.

چنین ساختاری موجب می شود استانداردها از پشتوانه ی علمی، حقوقی و اجرایی کافی برخوردار باشند و از اعمال سلیقه های بخشی جلوگیری شود.

به طور کلی تدوین استانداردهای ملی ارزش گذاری مبتنی بر استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVS) و الزام قانونی به رعایت آن ها، یکی از مهم ترین اقدامات برای ارتقای نظام ارزش گذاری در ایران است. چنین استانداردهایی موجب وحدت رویه، افزایش شفافیت، ارتقای کیفیت گزارش های ارزش گذاری، کاهش اختلافات کارشناسی، بهبود گزارشگری مالی، افزایش اعتماد سرمایه گذاران و کارایی بیشتر بازار سرمایه خواهد شد.

با این حال، استانداردها زمانی به اهداف خود دست می یابند که در کنار آن ها نهاد ناظر مستقل، ضمانت اجرای مؤثر، آموزش حرفه ای، کنترل کیفیت، دسترسی به اطلاعات قابل اتکا و هماهنگی میان نهادهای مرتبط نیز وجود داشته باشد. بنابراین، تدوین استانداردها را باید شرط لازم برای اصلاح نظام ارزش گذاری دانست، اما شرط کافی نخواهد بود؛ موفقیت این نظام مستلزم ایجاد یک چارچوب جامع حقوقی، حرفه ای و نهادی است که بتواند اجرای صحیح و یکنواخت استانداردها را در تمامی حوزه های ارزش گذاری تضمین کند.

مروری بر استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری و ضرورت پذیرش آن در ایران

مرتضی اسدی - هانیه اخوان

چکیده

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) به‌عنوان چارچوبی جهانی برای ارزیابی دارایی‌ها و تعهدات، نقش حیاتی در تقویت شفافیت، اعتماد و کارایی بازارهای مالی ایفا می‌کند. این مقاله مروری جامع بر تاریخچه استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، اصول بنیادین، کاربردهای عملی در حوزه‌های مختلف، تجربیات کشورهای مختلف، آمار پذیرش، چالش‌ها و محدودیت‌ها و چشم‌انداز آینده ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه ایران برای اولین بار در حال بررسی پذیرش این استانداردها است، مقاله بر اهمیت بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در زمینه اقتصادی ایران تأکید دارد و پیشنهادهایی برای پیاده‌سازی ارائه می‌کند. یافته‌های این مطالعه از منابع معتبر مانند گزارش‌های شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در بیش از ۱۳۷ کشور منجر به افزایش جذب سرمایه مستقیم خارجی (FDI) تا ۲۲ درصد در کشورهای در حال توسعه، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و بهبود شفافیت حسابداری شده است. این مقاله با بررسی محدودیت‌ها و چالش‌های موجود، مسیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در ایران را ترسیم می‌کند و بر ضرورت آموزش متخصصان و همکاری با نهادهای بین‌المللی تأکید دارد.

۱- مقدمه

۱-۱- ضرورت یک چارچوب بین‌المللی

در دنیای پیچیده‌ی اقتصاد جهانی امروز، ارزش‌گذاری دارایی‌ها و تعهدات به‌عنوان پایه‌ای برای تصمیم‌گیری‌های مالی، سرمایه‌گذاری، گزارشگری حسابداری و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی عمل می‌کند. استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری توسط شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) توسعه یافته و هدف اصلی آن ایجاد یکنواختی، شفافیت و بی‌طرفی در فرآیند ارزش‌گذاری است. استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری نه تنها به‌عنوان یک چارچوب فنی عمل می‌کند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقویت اعتماد عمومی در بازارها شناخته می‌شود. ارزش‌گذاری یکی از ارکان پایه‌ای در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است: از تسهیلات بانکی و گزارشگری مالی تا معاملات تجاری و حل‌وفصل اختلافات حقوقی. فقدان چارچوبی یکنواخت و قابلیت‌کا در روش‌ها و گزارشگری ارزش‌گذاری می‌تواند به پیامدهایی نظیر عدم شفافیت بازار، دشواری در مقایسه‌ی بین‌المللی و تضعیف اعتماد سرمایه‌گذاران منجر شود. استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری به‌عنوان پاسخی حرفه‌ای و بین‌المللی به این نیاز شکل گرفته تا با ارائه اصول، روش‌ها و الزامات گزارشگری، کیفیت و مقایسه‌پذیری ارزیابی‌ها را ارتقا دهد. در حالی که استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در بیش از ۱۰۰ کشور جهان پذیرفته و اجرا شده، ایران هنوز در مراحل

اولیه‌ی بررسی این استانداردها قرار دارد. مرتفع کردن این خلأ می‌تواند فرصت‌های زیادی برای بهبود بازارهای مالی ایران ایجاد کند، اما نیازمند تحلیل دقیق چالش‌ها و مزایا است. روش‌شناسی این مقاله بر اساس مرور سیستماتیک منابع معتبر مانند گزارش‌های شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC)، مقالات ژورنالی از مجلاتی همچون «Journal of Accounting and Econom-ics» و گزارش‌های نهادهایی مانند بانک جهانی و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ است. هدف ارائه‌ی درپچه‌ای جدید برای سیاست‌گذاران، متخصصان ارزش‌گذاری و محققان ایرانی است تا استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری را به‌عنوان ابزاری برای توسعه‌ی اقتصادی بشناسند. در ادامه، بخش‌های مقاله تاریخچه، اصول بنیادین، کاربردها، تجربیات بین‌المللی، آمار پذیرش، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده ارائه می‌شود.

۱-۲- تاریخچه و سیر تکامل استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

۱-۲-۱- پیشگفتار

شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) یک نهاد مستقل و غیرانتفاعی است که به ارتقای کیفیت در حرفه ارزش‌گذاری متعهد می‌باشد. هدف اصلی ما ایجاد اعتماد و اطمینان عمومی نسبت به فرایند ارزش‌گذاری از طریق تدوین استانداردهای شفاف و منسجم و تضمین پذیرش و اجرای جهانی آنها در ارزش‌گذاری انواع دارایی‌ها در سراسر جهان است. استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری بخشی بنیادی از نظام مالی جهانی را تشکیل می‌دهد. ارزش‌گذاری‌ها به‌طور گسترده در بازارهای مالی و سایر حوزه‌ها مورد استفاده و اتکا قرار می‌گیرند؛ چه برای انعکاس در صورت‌های مالی، چه برای رعایت الزامات نظارتی و چه به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های تأمین مالی و معاملات مبتنی بر وثیقه.

هدف از تدوین استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری ارتقا و حفظ سطح بالایی از اعتماد عمومی نسبت به عملکرد حرفه‌ای ارزش‌گذاری است. بدین منظور، این استانداردها الزامات جهانی مناسبی را برای ارزش‌گذاری‌ها تعیین می‌کنند که هم بر طرف‌های دخیل در فرایند ارزش‌گذاری و هم بر نهادهای ناظر و ارزیاب این فرآیند حاکم است.

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری مبتنی بر اصول بین‌المللی بوده و چارچوب فرآیندی را ترسیم می‌کند که می‌تواند در کنار سایر استانداردها، قوانین و مقرراتی که مستلزم تعیین ارزش است به‌کار گرفته شود. استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری فرآیند ارزش‌گذاری را توصیف می‌کند؛ فرآیندی که ممکن است شامل چندین طرف از جمله

کارشناسان و سازمان‌های خدمات‌دهنده باشد. با این حال، ارزش‌گذار^۲ در نهایت مسئول اعلام انطباق ارزش‌گذاری با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری است.

پیش‌فرض تدوین استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری آن است که ارزش‌گذاران استفاده‌کننده از این استانداردها از صلاحیت حرفه‌ای لازم برخوردارند و دانش، مهارت، تجربه، آموزش و تحصیلات مورد نیاز برای انجام ارزش‌گذاری‌ها را دارا می‌باشند.

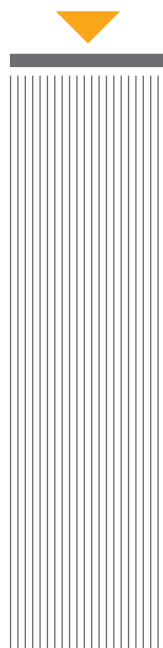
در چارچوب استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، ارزش‌گذار به فرد، گروهی از افراد، یا فردی در درون یک نهاد اطلاق می‌شود (اعم از کارکنان داخلی یا اشخاص برون‌سازمانی و قراردادی) که دارای صلاحیت، توانایی و تجربه لازم برای انجام ارزش‌گذاری به شکلی عینی، بی‌طرفانه، اخلاقی و حرفه‌ای است. در برخی حوزه‌های قضایی، پیش از آنکه فرد یا نهادی بتواند به‌عنوان ارزش‌گذار فعالیت کند، اخذ مجوز رسمی الزامی است (به آیین اصول اخلاقی ارزش‌گذاران^۳ مراجعه شود). استفاده از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری ممکن است به یکی از طرق زیر اجباری یا اختیاری باشد:

- از سوی نهادی که دارای صلاحیت قانونی در خصوص هدف ارزش‌گذاری است؛
- از سوی سازمان حرفه‌ای ارزش‌گذاری که رعایت این استانداردها را برای اعضای خود در موارد خاص الزامی می‌داند؛ یا
- بر اساس توافق میان طرفی که ارزش‌گذاری را درخواست می‌کند و ارزش‌گذار.

۱-۲-۲- پیدایش و شکل‌گیری

ریشه‌های ارزش‌گذاری مدرن به قرن بیستم بازمی‌گردد، زمانی که با رشد سریع بازارهای مالی و جهانی‌سازی اقتصاد، نیاز به استانداردسازی ارزیابی دارایی‌ها احساس شد. در اوایل قرن بیستم، ارزیابی املاک و دارایی‌های فیزیکی عمدتاً بر اساس روش‌های محلی و غیراستاندارد انجام می‌شد، که منجر به ناهمبستگی و عدم اعتماد در معاملات بین‌المللی می‌گردید. این مسئله با توسعه بازارهای سرمایه و نیاز به گزارش‌گری مالی شفاف، شدت یافت.

یکی از پیشگامان در این زمینه، مؤسسه‌ی سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره (RICS)^۴ بود که در سال ۱۸۶۸ در انگلستان تأسیس شد. این مؤسسه به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای، استانداردهای اولیه برای ارزش‌گذاری املاک را توسعه داد و نقش کلیدی در شکل‌گیری چارچوب‌های جهانی ایفا کرد. مؤسسه‌ی سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره (RICS) با تمرکز بر اصول حرفه‌ای مانند دقت و بی‌طرفی، پایه‌ای برای استانداردهای بین‌المللی فراهم آورد و بعدها با شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC)





سال ۲۰۰۷ شروع گردید. در ادامه، به مرور نسخه‌های مختلف و تغییرات کلیدی هر کدام پرداخته می‌شود:

• **نسخه ۲۰۰۷:** این نسخه بر اصول پایه‌ای مانند شفافیت و یکنواختی تمرکز داشت. تغییرات کلیدی شامل معرفی مفاهیم ارزش منصفانه^۷ و ارزش بازار^۸ بود. این نسخه عمدتاً بر ارزش‌گذاری املاک تمرکز داشت و پایه‌ای برای استانداردهای جهانی فراهم کرد. تحلیل تغییرات نشان می‌دهد که این ویرایش، پاسخ به نیازهای گزارش‌گری مالی پس از بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۹۰ بود.

• **نسخه ۲۰۱۱:** تغییرات مهم شامل گسترش دامنه به دارایی‌های نامشهود مانند مالکیت معنوی (IP)^۹ و تمرکز بر مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی (IFRS) بود. این ویرایش، روش‌های ارزش‌گذاری مبتنی بر درآمد و هزینه را تقویت کرد و الزامات گزارش‌گری را افزایش داد. تحلیل نشان می‌دهد که این تغییرات، پاسخ به رشد اقتصاد دانش‌محور بود، جایی که دارایی‌های نامشهود بیش از ۸۰ درصد ارزش شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند.

• **نسخه ۲۰۱۷:** تمرکز بر مطابقت بیشتر با استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی (IFRS) و معرفی الزامات برای ارزش‌گذاری در شرایط بحران بود. تغییرات کلیدی شامل افزودن رهنمود برای ارزش‌گذاری کسب‌وکارها و دارایی‌های

همکاری نزدیکی برقرار کرد. برای مثال، مؤسسه‌ی سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره (RICS) از طریق انتشار «کتاب قرمز»^۵ استانداردهای جهانی ارزش‌گذاری، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری را در ساختار خود ادغام کرده و به‌عنوان یکی از اعضای کلیدی شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) عمل می‌کند.

شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی جهانی تأسیس شد. ابتدا با نام کمیته استانداردهای بین‌المللی ارزش‌یابی دارایی‌ها (TIAVSC)^۶، توسط ۲۰ سازمان ملی ارزش‌گذاری حرفه‌ای در ملبورن استرالیا پایه‌گذاری گردید. هدف اولیه‌ی شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC)، ایجاد استانداردهای یکپارچه برای ارزش‌گذاری دارایی‌ها بود تا ناهمبستگی‌های ناشی از تفاوت‌های ملی را کاهش دهد. شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) از ابتدا بر اصول جهانی تمرکز داشت و با گذشت زمان، دامنه‌ی آن از ارزش‌گذاری املاک به انواع دارایی‌ها مانند کسب‌وکارها، دارایی‌های نامشهود و حتی دارایی‌های دیجیتال گسترش یافت.

انتشار نسخه‌های استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری از اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ آغاز شد، اما نسخه‌های رسمی و جامع از

مالی بود. این ویرایش، شفافیت را با الزام به افشای مفروضات ارزش گذاری افزایش داد و نقش مهمی در کاهش ریسک های مالی ایفا کرد.

• **نسخه ۲۰۲۰:** این نسخه به مسائل ناشی از همه گیری کووید-۱۹ پرداخت و روش های ارزش گذاری در شرایط عدم قطعیت را معرفی کرد. تغییرات شامل تأکید بر عوامل پایداری و ارزیابی ریسک های خارجی بود. تحلیل تغییرات نشان می دهد که این ویرایش، استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVS) را با چالش های جهانی مانند نوسانات بازار تطبیق داد.

• **نسخه ۲۰۲۲:** تمرکز بر پایداری محیطی و ادغام عوامل زیست محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG) در ارزش گذاری بود. تغییرات کلیدی شامل به روز رسانی واژه نامه و الزامات برای مدل های ارزش گذاری پایدار بود. این ویرایش، پاسخ به روند جهانی پایداری بود و استانداردهای بین المللی ارزش گذاری را به ابزاری برای سرمایه گذاری مسئولانه تبدیل کرد.

• **نسخه ۲۰۲۵ (لازم الاجرا از ژانویه ۲۰۲۵):** این نسخه ساختار جدیدی معرفی کرده و بر عوامل زیست محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG)، داده ها و ارزش گذاری دارایی های دیجیتال تمرکز دارد. تغییرات مهم شامل گسترش رهنمود برای هوش مصنوعی در ارزش گذاری و ادغام مدل های خودکار است. تحلیل نشان می دهد که این ویرایش، استانداردهای بین المللی ارزش گذاری را با انقلاب دیجیتال همگام کرده و چالش های نوظهور مانند ارزش گذاری رمزارزها را پوشش می دهد. سیر تکامل استانداردهای بین المللی ارزش گذاری نشان دهنده انطباق مستمر با تغییرات جهانی از تمرکز اولیه بر املاک تا پوشش جامع دارایی های دیجیتال و پایدار است.

۳-۲-۱- نقاط عطف تاریخی

۵ دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰: شکل گیری ساختار سازمانی اولیه و انتشار نسخه های ابتدایی استانداردها به صورت گام به گام.

۵ سال های ۲۰۰۰-۲۰۱۰: رشد جهانی شدن خدمات مالی و نیاز به همگرایی بیشتر موجب گسترش همکاریان شورای استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVSC) و توجه سیاست گذاران به موضوع ارزش گذاری شد.

۵ سال ۲۰۱۱: تقویت همکاری ها با نهادهای بین المللی گزارشگری مالی و افزایش توجه به نقش استانداردها در همگرایی با رویه های حسابداری بین المللی.

۵ سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵: انتشار و به کار گیری نسخه ی به روز رسانی شده استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (منتشر شده در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴ و لازم الاجرا از ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵) که با تأکید بر داده ها، مدل سازی و ملاحظات زیست محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG) به روز رسانی شده است. این نسخه همراه با اسناد پشتیبان از جمله نسخه redline و مبانی

نتیجه گیری^{۱۱} منتشر شد تا شفافیت فرآیند تدوین و دلایل تغییرات حفظ شود.

شورای استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVSC) امروزه بیش از ۲۰۰ سازمان عضو در بیش از ۱۳۷ کشور را در بر می گیرد و نشان دهنده وسعت شبکه حرفه ای و پتانسیل پذیرش این استانداردهاست.

۲- مفاهیم نظری و اصول بنیادین استانداردهای بین المللی ارزش گذاری

اصول بنیادین استانداردهای بین المللی ارزش گذاری بر پایه شفافیت، یکنواختی، بی طرفی و قابلیت اتکا استوار است. شفافیت به معنای ارائه اطلاعات کامل و قابل فهم در گزارش های ارزش گذاری است، که شامل افشای مفروضات، روش ها و داده های مورد استفاده می شود. یکنواختی تضمین می کند که روش های ارزش گذاری در سراسر جهان استاندارد باشند، کاهش ناهمبستگی های ملی را به همراه دارد. بی طرفی به معنای اجتناب از تعصبات شخصی یا سازمانی است و نقش کلیدی در جلوگیری از تقلب مالی ایفا می کند. این اصول، بازارهای مالی سالم را تقویت می کنند، زیرا اعتماد سرمایه گذاران را افزایش داده و ریسک سیستماتیک را کاهش می دهند. برای مثال، مطالعات نشان می دهد که کاربرد اصول استانداردهای بین المللی ارزش گذاری می تواند شفافیت حسابداری را تا ۳۰ درصد بهبود بخشد.

در مقایسه با سایر چارچوب ها، استانداردهای بین المللی ارزش گذاری با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) به ویژه در مفهوم ارزش منصفانه (IFRS 13) مطابقت دارد. با این حال، استانداردهای بین المللی ارزش گذاری گسترده تر است و انواع دارایی ها را پوشش می دهد، در حالی که استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) بیشتر بر گزارشگری مالی تمرکز دارد. استانداردهای یکپارچه اجرای حرفه ای ارزش یابی (USPAP)^{۱۲} در آمریکا، تمرکز محلی دارد و الزامات گزارشگری سخت گیرانه تری نسبت به استانداردهای بین المللی ارزش گذاری دارد، اما استانداردهای بین المللی ارزش گذاری جهانی تر است و انعطاف پذیری بیشتری برای بازارهای نوظهور ارائه می دهد. رهنمودهای شورای استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVSC) نیز مکمل استانداردهای بین المللی ارزش گذاری هستند و رهنمودهای عملی برای شرایط خاص مانند ارزش گذاری در بحران ارائه می دهند، که این امر استانداردهای بین المللی ارزش گذاری را از استانداردهای یکپارچه اجرای حرفه ای ارزش یابی (USPAP) متمایز می کند زیرا کمتر بر رهنمودهای عملی تمرکز دارد.

این مقایسه نشان می دهد که استانداردهای بین المللی ارزش گذاری به عنوان یک استاندارد مبتنی بر اصول،

انعطاف‌پذیری لازم برای بازارهای متنوع را دارد، در حالی که با استانداردهای حسابداری مانند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) همگرایی دارد.

۲-۱- اهداف استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

اهداف استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری عبارت‌اند از:

- ایجاد اعتماد و اطمینان: هیأت استانداردها الزامات و رویه‌هایی را منتشر و حفظ می‌کند که شفافیت در تدوین، اجرا و گزارش‌گری پروژه‌های ارزش‌گذاری، از جمله افشای مناسب، را تضمین می‌نماید.

- کاهش تفاوت‌ها در ارزش‌گذاری: هیأت پروژه‌هایی را برای شناسایی موضوعاتی که در ارزش‌گذاری انواع مختلف دارایی‌ها برای مقاصد گوناگون نیازمند بررسی هستند، انجام می‌دهد تا روش‌های ارزش‌گذاری پذیرفته‌شده عمومی برای انواع مختلف دارایی‌ها یا بدهی‌ها و شرایط استفاده مناسب از آنها را مشخص نماید.

- ترویج همگرایی: هیأت به بررسی هرگونه تغییر در استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری موجود ادامه خواهد داد که به افزایش استفاده و پذیرش آنها کمک کند.

در راستای این اهداف، شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) مایل است اطمینان حاصل کند که استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) به شفاف‌ترین شکل ممکن ارائه شوند.

به‌طور کلی پذیرفته شده که ارزش‌گذاری رشته‌ای است که نیازمند قضاوت حرفه‌ای است. بند آغازین چارچوب استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) بیان می‌کند: «به‌کارگیری اصول مندرج در این استانداردها در موقعیت‌های خاص مستلزم اعمال قضاوت است. این قضاوت باید به‌طور بی‌طرفانه اعمال شود و نباید برای بیش‌برآورد یا کم‌برآورد نتیجه ارزش‌گذاری استفاده شود. قضاوت باید با درنظرگرفتن هدف ارزش‌گذاری، مبنای ارزش و هر فرض دیگر مرتبط با ارزش‌گذاری به کار رود.»

استانداردها شامل الزامات مشخصی است که هنگام انجام هر کار ارزش‌گذاری مشمول دامنه استاندارد باید رعایت شوند. با این حال، اعمال قضاوت به معنای انتخاب مناسب‌ترین مسیر از میان گزینه‌های ممکن، پس از تحلیل حقایق و شرایط خاص هر کار است. استانداردها نمی‌توانند قواعدی داشته باشند که استفاده صحیح از قضاوت را محدود کنند. برای دستیابی به هدف کاهش تفاوت‌ها در ارزش‌گذاری دارایی‌های مشابه، تنها فهرستی از الزامات کافی نیست و لازم است رهنمودی در مورد قضاوت در موقعیت‌های مختلف ارائه شود. بنابراین بررسی ساختار مناسب، مستلزم توجه به نوع و دامنه اظهارنظرهایی است که باید در استانداردها گنجانده شوند.

۲-۲- ساختار استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری از دو بخش اصلی تشکیل شده‌اند:

- استانداردهای عمومی^{۱۳} که در تمامی ارزش‌گذاری‌ها کاربرد دارند، و

- استانداردهای دارایی^{۱۴} که به حوزه‌های خاص ارزش‌گذاری مربوط می‌شوند.

پیوست‌ها^{۱۵} نیز که بخشی از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری محسوب می‌شوند، اطلاعات تکمیلی در خصوص برخی مفاهیم مندرج در استانداردها ارائه می‌کنند. برای آنکه یک ارزش‌گذاری منطبق با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) تلقی شود، رعایت کلیه استانداردهای عمومی، استانداردهای دارایی و پیوست‌های مرتبط الزامی است.

۲-۲-۱- استانداردهای عمومی

استانداردهای عمومی در مورد تمامی ارزش‌گذاری‌ها کاربرد دارند. ساختار این بخش از استانداردها به شرح زیر است:

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۰ (IVS 100): چارچوب ارزش‌گذاری^{۱۶}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۱ (IVS 101): دامنه‌ی کار^{۱۷}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۲ (IVS 102): مبنای ارزش^{۱۸}

پیوست‌ها:

- مبنای ارزش تعریف‌شده^{۱۹} در استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)

- سایر مبنای ارزش^{۲۰}

- مبنای فرضی ارزش^{۲۱}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۳ (IVS 103): رویکردهای ارزش‌گذاری^{۲۲}

- پیوست: روش‌های ارزش‌گذاری^{۲۳}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۴ (IVS 104): داده‌ها و ورودی‌ها^{۲۴}

- پیوست: ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری^{۲۵}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۵ (IVS 105): مدل‌های ارزش‌گذاری^{۲۶}

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۱۰۶ (IVS 106): مستندسازی و گزارشگری^{۲۷}

۲-۲-۲- استانداردهای دارایی

علاوه بر الزامات مندرج در استانداردهای عمومی، استانداردهای دارایی به انواع خاصی از دارایی‌ها و بدهی‌ها اختصاص دارند. این استانداردها به شرح زیر می‌باشند:

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۲۰۰ (IVS 200): کسب‌وکارها و منافع در کسب‌وکار^{۲۸}



استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی (IAASB)،
 • استانداردهای بین‌المللی اجرای محاسبات بیمه‌ای (ISAPs) و
 • استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری. (GIPS)
 این چهار مجموعه به دلیل ماهیت بین‌المللی‌شان بررسی
 شده‌اند، زیرا باید در حوزه‌های قضایی و چارچوب‌های قانونی
 مختلف قابل اجرا باشند. همه آنها با ارزش‌گذاری ارتباط
 دارند؛ بنابراین ممکن است در کنار استانداردهای بین‌المللی
 ارزش‌گذاری (IVS) برای برخی کارهای ارزش‌گذاری مرتبط
 باشند. همچنین این استانداردها به حوزه‌هایی مربوط می‌شوند
 که نیازمند قضاوت حرفه‌ای است.

۱-۳-۲- ساختار استانداردهای مرتبط و مقایسه با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

مجموعه استانداردهای مرتبط، ساختارهایی بسیار متفاوت،
 همبسته به یکدیگر و همبسته به استانداردهای بین‌المللی
 ارزش‌گذاری (IVS)، دارند. با این حال، همگی شامل موضوعات
 الزام‌آور و همچنین رهنمودهای پشتیبان می‌باشند و همه
 از واژه «استانداردها» برای توصیف کل اجزای خود استفاده
 می‌کنند. به‌عنوان مثال:

• اکثر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)
 دارای پیوسته‌هایی است که برخی از آنها به‌صراحت به‌عنوان
 بخشی جدایی‌ناپذیر از استاندارد مربوط و دارای همان سطح

- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۲۱۰ (IVS 210):
 دارایی‌های نامشهود^{۲۹}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۲۲۰ (IVS 220):
 بدهی‌های غیرمالی^{۳۰}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۲۳۰ (IVS 230):
 موجودی کالا^{۳۱}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۳۰۰ (IVS 300):
 ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌ها^{۳۲}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۴۰۰ (IVS 400): منافع
 در املاک^{۳۳}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۴۱۰ (IVS 410): املاک
 توسعه‌ای^{۳۴}
- استاندارد بین‌المللی ارزش‌گذاری ۵۰۰ (IVS 500):
 ابزارهای مالی^{۳۵}

۳-۲- استانداردهای مرتبط با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

به‌عنوان بخشی از بررسی‌های اولیه، هیأت استاندارد‌گذاری
 چهار مجموعه دیگر از استانداردهای بین‌المللی مورد استفاده
 در بازارهای مالی را بررسی کرده است:

- استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRSs)،
- استانداردهای خدمات حسابرسی^{۳۶} منتشره توسط هیأت



• استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری (GIPS) شامل الزامات و توصیه‌ها است. شرکت‌هایی که این استانداردها را به کار می‌برند باید الزامات را رعایت کرده و تشویق می‌شوند تا توصیه‌ها را نیز دنبال کنند. استفاده‌کنندگان استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری (GIPS) همچنین ملزم به رعایت بیانیه‌های رهنمودی هستند که به صورت جداگانه از استانداردها منتشر می‌شوند.

۱. بیانیه‌های مربوط به قابلیت اجرا در استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و خدمات اطمینان‌بخشی (IAAS)، استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری (GIPS) و در برخی پیوست‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) همان هدف بیان شده در مقدمه استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری را دارند؛ یعنی برای آنکه یک ارزش‌گذاری مطابق با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری انجام شود، رعایت همه استانداردهای مرتبط و توجه کافی به هرگونه رهنمود پشتیبان منتشره توسط شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) به‌طور ضمنی الزامی است. به عبارت دیگر، برای اجرای قواعد باید راهنما را نیز در نظر گرفت.

۲. برخی نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای موضوعاتی را همراه با استانداردها منتشر می‌کنند که به صراحت بیان

اعتبار بیان شده‌اند. نمونه مرتبط، پیوست ب استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه است که شامل رهنمود به‌کارگیری در خصوص رویکردها و مفاهیم مختلف ارزش‌گذاری است. این رهنمود شامل ۴۷ بند بوده و از نظر طول و محتوای موضوعی با یک نشریه اطلاعات فنی (TIP) در استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) مشابه است. طبق استاندارد، این رهنمود بخشی از استاندارد محسوب می‌شود و همان اعتبار استاندارد اصلی را دارد.

• مقدمه‌ی رهنمود جامع هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌بخشی IAASB بیان می‌کند که اصول پایه و روش‌های اساسی باید در بستر توضیحات کاربردی و سایر مطالب رهنمود که برای کاربرد آنها ارائه شده‌اند درک و به کار گرفته شوند. بنابراین برای درک و اجرای صحیح اصول و روش‌های اساسی، باید کل متن استاندارد بررسی شود.

• استانداردهای بین‌المللی اجرای محاسبات بیمه‌ای (ISAP) کل محتوای هر استاندارد را به عنوان «راهنما» توصیف می‌کنند. درون هر استاندارد بین‌المللی اجرای محاسبات بیمه‌ای، برخی مقررات الزام‌آور و برخی دیگر غیرالزام‌آورند که ممکن است در شرایط خاص مناسب باشند، وجود دارد. این موارد با بیان کاربرد متمایز می‌شوند. همه این موارد بخشی از استاندارد محسوب می‌شوند.

می‌شود بخشی از استاندارد نیستند. به عنوان نمونه:

- بیشتر استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی (IFRS) همراه با پیوست «مبانی نتیجه‌گیری» منتشر می‌شوند که به عنوان «پیوست همراه اما خارج از استاندارد» معرفی شده است.

- استانداردهای بین‌المللی اجرای محاسبات بیمه‌ای ۲ (ISAP 2) دارای پیوستی است که محتوای نمونه‌ی گزارش‌ها را ارائه می‌دهد، اما تصریح شده که تنها برای اطلاع‌رسانی است و بخشی از استاندارد محسوب نمی‌شود.

- ۳. هر دو مجموعه استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (IASs) که بخشی از استانداردهای هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و خدمات اطمینان بخشی (IAASB) ۳۷ است و استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری (GIPS) از همان پروتکل استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS) در شناسایی بخش‌های حاوی اقداماتی که باید برای انطباق با استاندارد انجام شوند، تحت عنوان «الزامات» پیروی می‌کنند.
- ۴. سایر نهادهای تدوین استاندارد از عناوین مختلفی برای بخش‌هایی از استانداردهای خود که شامل موضوعات غیرالزامی است استفاده می‌کنند. برای مثال:

- استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (ISA) پس از الزامات، بخشی تحت عنوان «رهنمود به کارگیری و سایر توضیحات کاربردی» دارند.

- استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی (IFRS) اخیر شامل «رهنمود به کارگیری» شده‌اند.

- استانداردهای جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری (GIPS) شامل توصیه‌ها و همچنین پیوست‌های گسترده‌ای است که نمونه‌هایی از کارهای انطباق را ارائه می‌دهند و بخشی از استانداردها محسوب می‌شوند.

۳- کاربردها و حوزه‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در حوزه‌های متنوعی به کار گرفته می‌شود و نقش کلیدی در تسهیل معاملات مالی ایفا می‌کند. در بانکداری و اعتباردهی، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری برای ارزیابی وثیقه‌ها استفاده می‌شود و ریسک اعتباری را کاهش می‌دهد. برای مثال، بانک‌ها با استفاده از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری می‌توانند ارزش دارایی‌های وثیقه‌ای را به طور دقیق تعیین کنند، که منجر به کاهش نرخ نکول تا ۱۵ درصد می‌شود.

در حسابداری و گزارشگری مالی، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) مطابقت دارد و شفافیت را افزایش می‌دهد. شرکت‌ها می‌توانند دارایی‌ها را بر اساس ارزش منصفانه گزارش کنند، که

دقت صورت‌های مالی را بهبود می‌بخشد. در سرمایه‌گذاری‌ها و صندوق‌های بین‌المللی، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری ارزیابی دقیق دارایی‌ها را فراهم می‌کند و سرمایه‌گذاران را در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک یاری می‌رساند.

در بازارهای نوظهور، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری برای املاک، انرژی، دارایی‌های نامشهود مانند مالکیت معنوی (IP) و رمزارزها به کار گرفته می‌شود. در ارزش‌گذاری املاک، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری روش‌های مقایسه‌ای و درآمدی را استاندارد می‌کند. در انرژی، ارزش ذخایر نفتی و گاز را بر اساس عوامل ریسک ارزیابی می‌کند. برای دارایی‌های نامشهود مانند مالکیت معنوی (IP)، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری مدل‌های مبتنی بر درآمد را پیشنهاد می‌کند، که در اقتصاد دانش‌محور حیاتی است. در رمزارزها، استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری رویکردهای مبتنی بر ریسک و بازار را برای ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال ارائه می‌دهد، که با نوسانات بالای این بازارها سازگار است. این کاربردها نشان می‌دهد که استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری ابزاری چندمنظوره برای بازارهای جهانی است.

۴- تحلیل پذیرش جهانی استانداردها

۴-۱- رویکردهای متداول نحوه پذیرش استانداردهای ارزش‌گذاری

۵ ادغام کامل یا پذیرش مستقیم: ۳۸ در این رویکرد که توسط کشورهای نظیر بریتانیا و استرالیا دنبال می‌شود، متن استانداردهای بین‌المللی عیناً و بدون تغییر به عنوان استاندارد مرجع توسط نهادهای حرفه‌ای پذیرفته شده و تبعیت از آن اجباری است.

۵ همگرایی: ۳۹ این مدل که ایالات متحده و آلمان از شاخص‌ترین نمونه‌های آن هستند، به معنای حفظ استانداردهای ملی مستقل است، اما با این شرط که فرآیند اصلاح مداوم برای انطباق تعاریف و اصول با استانداردهای جهانی صورت می‌گیرد تا خروجی نهایی یکسان باشد.

۵ هماهنگ‌سازی: ۴۰ رویکردی غالب در اتحادیه اروپا است که هدف آن ایجاد بستر قانونی برای استفاده همزمان از استانداردهای ملی/منطقه‌ای و بین‌المللی است، به گونه‌ای که تضادی میان آن‌ها وجود نداشته باشد و ارزیاب بسته به هدف گزارش، یکی را انتخاب کند.

۵ پذیرش قانونی/تنظیم‌گری دولتی: ۴۱ این رویکرد عمدتاً در اقتصادهای نوظهور (مانند عربستان سعودی، مالزی و هند) مشاهده می‌شود؛ جایی که در فقدان نهادهای صنفی قدرتمند، دولت یا نهاد ناظر بازار سرمایه مستقیماً مداخله کرده و رعایت استاندارد ترجمه‌شده یا بومی‌سازی شده را به عنوان یک «الزام قانونی» دیکته می‌کند.

۲-۴- وضعیت جهانی پذیرش استانداردهای ارزش گذاری

منطقه	نام کشور	رویکرد پذیرش	سال پذیرش / همسوسازی	سطح و کیفیت اجرا و جزئیات نظارتی
آمریکای شمالی	ایالات متحده	همگرایی (Convergence)	۱۹۸۷ (USPAP)	استاندارد ملی USPAP حاکم است. همگرایی با IVS وجود دارد اما یکسان نیستند. برای گزارش های فرامرزی از «اسناد پل» استفاده می شود. نظارت بسیار سخت گیرانه دولتی و ایالتی.
	کانادا	پذیرش حرفه ای (Professional)	۲۰۰۱	مؤسسه ارزیابان کانادا (AIC) استانداردهای CUSPAP را تدوین کرده که تعاریف و اصول آن کاملاً با IVS همسو است.
	مکزیک	پذیرش ملی (National)	۲۰۰۵	استانداردها توسط FECOVAL تنظیم می شود و همسویی بالایی با IVS دارد. برای وام های بانکی الزامی است.
اروپا	بریتانیا	ادغام کامل (Full Incorporation)	۱۹۷۶ Red Book	مؤسسه RICS پیشگام جهانی است. «کتاب قرمز» شامل IVS به علاوه الزامات خاص بریتانیاست. نظارت بسیار شدید و استاندارد طلایی جهانی.
	آلمان	دوگانه/همگرایی	۲۰۰۶	استفاده از استانداردهای ملی (ImmoWertV) برای اهداف داخلی و IVS/Blue Book برای اهداف بانکی بین المللی (HypZert).
	فرانسه	هماهنگ سازی (Harmonization)	۲۰۱۵ (Charter)	«منشور تخصص در ارزیابی املاک» (Charte de l'expertise) مرجع اصلی است که با IVS و EVS (اروپایی) هماهنگ شده است.
	هلند	نظارت متمرکز	۲۰۱۶	مؤسسه NRVVT بر اساس IVS و EVS عمل می کند. تمرکز بالایی بر اخلاق حرفه ای و استقلال ارزیاب دارد.
	سوئد	داوطلبانه/صنفی	۲۰۰۷	سازمان Samhällsbyggarna استانداردهایی مبتنی بر IVS توصیه می کند، اما قوانین محلی همچنان نقش پررنگی دارند.
	سوئیس	صنفی/تخصصی	۲۰۱۲	استاندارد SVS (انجمن ارزیابان سوئیس) با IVS همسو شده است. کیفیت اجرا در بخش بانکی بسیار بالاست.
	لهستان	پذیرش ملی قانونی	۲۰۰۴	فدراسیون PFVA استانداردهای ملی (PFS) را تدوین کرده که بر اساس IVS است و رعایت آن الزام قانونی دارد.
	ایتالیا	هماهنگ سازی بانکی	۲۰۱۵	اصول ارزیابی املاک ایتالیا (ISP) توسط بانک مرکزی و انجمن های بانکی با انطباق کامل بر IVS/EVS تدوین شده است.
	استرالیا	پذیرش مستقیم (Direct)	۲۰۰۸	مؤسسه API استانداردهای IVS را دقیقاً به عنوان استاندارد ملی پذیرفته است. تمرکز بر مدیریت ریسک و انطباق کامل.
	نیوزلند	پذیرش مستقیم (Direct)	۲۰۰۸	مؤسسه PINZ دقیقاً مانند استرالیا عمل کرده و IVS را مبنای کار خود قرار داده است.
آسیا و اقیانوسیه	ژاپن	استاندارد ملی همسو	۲۰۱۴	استانداردهای ارزیابی املاک ژاپن (JVS) توسط دولت تعیین می شود. همگرایی با IVS در سال های اخیر (نسخه ۲۰۱۴) افزایش یافته است.
	کره جنوبی	قانون گذاری دولتی	۲۰۱۶ (KAB)	قانون ارزیابی قیمت املاک و مستغلات؛ هیأت ارزیابی کره (KAB) استانداردها را بر اساس IVS بومی سازی کرده است.
	چین	دولتی/اجباری	۲۰۰۱	انجمن ارزیابی چین (CAS) تحت نظارت وزارت دارایی، استانداردهای ملی را ترجمه و بومی سازی شده از IVS قرار داده است.
	هند	قانونی/شرکتی	۲۰۱۷	قانون شرکت ها (Companies Act) و قواعد ارزیابی ۲۰۱۷، استانداردهای IVS را برای ارزیابی های رسمی الزامی کرده است (تحت نظارت IBBI).

منطقه	نام کشور	رویکرد پذیرش	سال پذیرش / همسوسازی	سطح و کیفیت اجرا و جزئیات نظارتی
آسیا و اقیانوسیه	سنگاپور	پیشرو/حرفه‌ای	۲۰۱۹	مؤسسه SISV دستورالعمل‌هایی کاملاً منطبق با IVS منتشر می‌کند. به دلیل ماهیت هاب مالی بودن، کیفیت اجرا در سطح جهانی است.
	هنگ کنگ	ادغام کامل	۲۰۱۲	مؤسسه HKIS استانداردهای خود را کاملاً با IVS و RICS ادغام کرده است.
	مالزی	قانونی/نظارتی	۲۰۱۱	استانداردهای MVS توسط بورد BOVAEP (دولتی) الزامی شده و مستقیماً بر پایه IVS است. نظارت شدید بر مجوزها.
	اندونزی	پذیرش ملی	۲۰۱۳	انجمن MAPPI (تحت نظارت وزارت دارایی) استانداردهای SPI را بر اساس IVS ۲۰۱۳ و نسخه‌های بعدی تدوین کرده است.
	فیلیپین	دولتی/اداری	۲۰۰۹	دستورالعمل‌های وزارت دارایی (DOF) استفاده از IVS را برای ارزیابی‌های دولتی و مالیاتی الزامی کرده است.
خاورمیانه و آفریقا	عربستان سعودی	اجباری/دولتی	۲۰۱۳	سازمان TAQEEM (دولتی) ترجمه عربی IVS را تنها مرجع قانونی اعلام کرده است. سیستم آموزش و آزمون بسیار دقیق.
	امارات (دبی)	اجباری/محلی	۲۰۱۶	سازمان RERA (دبی) استفاده از IVS (نسخه کتاب قرمز RICS) را برای تمامی شرکت‌های ارزیابی اجباری کرده است.
	ترکیه	نظارت بازار سرمایه	۲۰۱۷	هیأت بازارهای سرمایه (CMB) استانداردهای بین‌المللی را به‌عنوان استانداردهای ارزیابی ترکیه (UDS) پذیرفته و اجباری کرده است.
	آفریقای جنوبی	قانونی/حرفه‌ای	۲۰۰۰	شورای حرفه‌ای SACPV بر اساس قانون، رعایت استانداردها را الزامی کرده و ارتباط نزدیکی با IVSC دارد.
	نیجریه	قانونی	۲۰۱۶	هیأت ESVARBON استانداردهای "Green Book" نیجریه را بر اساس IVS منتشر و نظارت می‌کند.
آمریکای جنوبی	برزیل	فنی/ملی	۲۰۱۴	استانداردهای ABNT بسیار فنی و ریاضی‌محور هستند اما در سال‌های اخیر تلاش برای همگرایی مفاهیم با IVS انجام شده است.
	آرژانتین	داوطلبانه/حرفه‌ای	۲۰۱۶	مؤسسه IANT مروج اصلی IVS است، اما هنوز الزام قانونی سراسری وجود ندارد.
	شیلی	حرفه‌ای/بانکی	۲۰۱۵	انجمن ASATCH استانداردهای IVS را ترویج می‌کند و بانک‌ها برای پروژه‌های بزرگ خواستار آن هستند.

۳-۴- جدول زمانی پذیرش ملی

بازه زمانی	تعداد کشورها (پذیرش رسمی)	توضیحات
۲۰۰۵-۲۰۰۰	۵ کشور	آغاز حرکت هماهنگی توسط RICS و API
۲۰۰۶-۲۰۱۰	۱۲ کشور	تمرکز بر استرالیا، آفریقای جنوبی، کانادا
۲۰۱۱-۲۰۱۵	۲۰ کشور	ورود اقتصادهای نوظهور
۲۰۱۶-۲۰۲۰	۴۰ کشور	هند و خاورمیانه پذیرش کردند.
۲۰۲۱-۲۰۲۵	بیش از ۶۰ کشور	اتحادیه اروپا و چند کشور آسیایی اضافه شدند.

۵- مطالعات موردی از تجارب کشورها

۱-۵- بریتانیا (RICS) و کتاب مرجع استاندارد

مؤسسه سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره انگلستان (RICS) که یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای حرفه‌ای در حوزه ارزیابی املاک و دارایی‌هاست،

نسخه Red Book خود را طوری بازنگری کرده تا با استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری جدید همسو باشد. این همسوسازی به‌معنای آن است که اعضای مؤسسه سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره انگلستان (RICS) هنگام اعلام انطباق با کتاب مرجع استاندارد، در واقع استانداردهای



۶- تحلیل مزایا و محدودیت‌ها

۶-۱- مزایا

افزایش شفافیت و مقایسه‌پذیری: گزارش‌های مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری موجب شفافیت و قابلیت مقایسه بیشتر بین بازارها می‌شوند. تسهیل جریان سرمایه: سرمایه‌گذاران خارجی با اعتماد بیشتر در بازارهایی که از استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری استفاده می‌کنند حاضر می‌شوند. پشتیبانی حقوقی قوی‌تر: گزارش‌های مستند و شفاف می‌توانند در مواجهه با دعاوی و اختلافات حقوقی قابل دفاع‌تر باشند.

۶-۲- محدودیت‌ها

○ نیاز به بومی‌سازی: برخی موضوعات استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری ممکن است با مقررات مالیاتی یا حقوقی محلی در تضاد باشند و نیاز به تطبیق و رهنمود محلی داشته باشند.

○ هزینه‌ی آموزش و ایجاد ظرفیت: برای اجرای کامل استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری لازم است سرمایه‌گذاری در آموزش، رهنمودهای عملی و سامانه‌های داده محور صورت گیرد. ○ دسترسی به داده‌های بازار: در بازارهای کم‌عمق یا

بین‌المللی ارزش‌گذاری را نیز رعایت کرده‌اند؛ این وضعیت موجب اطمینان بیشتر بازار و پذیرش گسترده گزارش‌های ارزش‌گذاری می‌شود.

۲-۵- سنگاپور - نقش نهاد تنظیم‌گری حسابداری و شرکتی (ACRA)^{۴۲}

نهاد تنظیم‌گری حسابداری و شرکتی (ACRA) با انتشار «به‌روزرسانی‌های کلیدی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری»^{۴۳} برای کارشناسان و ارزش‌یابان محلی رهنمود منتشر کرده است که نمونه‌ای از نقش فعال نهادهای تنظیم‌گر در تسریع بومی‌سازی استانداردهاست. این اقدام نشان می‌دهد که هماهنگی میان نهادهای حرفه‌ای و تنظیم‌گری می‌تواند فرایند پذیرش را تسهیل کند.

۳-۵- استرالیا / نیوزیلند - پذیرش حرفه‌ای و آموزش

انجمن‌های حرفه‌ای مانند انجمن املاک استرالیا (API)^{۴۴} و انجمن املاک نیوزیلند (PINZ)^{۴۵} با منتشر کردن رهنمودها و آموزش‌های تخصصی، توانسته‌اند ظرفیت حرفه‌ای را برای اجرای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری افزایش دهند؛ این تجربه نشان‌دهنده اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش و صدور صلاحیت برای ارزیابان است.

بازارهای نوظهور، فقدان شواهد بازار کیفیت ارزش گذاری را محدود می کند.

۷- اجرا و پیاده سازی استانداردهای ارزش گذاری در ایران

۷-۱- ضرورت اجرا و پیاده سازی استانداردهای ارزش گذاری

در دهه های اخیر، ارزش گذاری دارایی ها (اعم از مالی، مشهود، نامشهود، و سرمایه ی انسانی) به عنوان یکی از ارکان اصلی تصمیم گیری اقتصادی، گزارشگری مالی، و سیاست گذاری عمومی شناخته شده است. با این حال، در ایران فرآیند ارزش گذاری فاقد چارچوب استاندارد، نظارت حرفه ای، و نهاد متولی مشخص است. این خلاء منجر به مشکلات متعددی در حوزه هایی مانند موارد زیر شده است:

- تعیین ارزش منصفانه ی دارایی ها در گزارشگری مالی،
 - واگذاری ها و خصوصی سازی ها،
 - بازار سرمایه،
 - نظام بانکی و وثایق،
 - حسابرسی و مالیات،
 - دعاوی قضایی مربوط به ارزش گذاری دارایی ها
- بنابراین، ایجاد یک نظام جامع ارزش گذاری مطابق با

استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVS) و در چارچوب قوانین داخلی، ضرورتی حیاتی برای سلامت اقتصادی کشور است.

۷-۲- هدف از اجرا و پیاده سازی استانداردهای ارزش گذاری

- ایجاد نهاد مرجع ارزش گذاری
- تدوین و بومی سازی استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVS)
- ایجاد نظام آموزش، گواهی صلاحیت، و صدور مجوز برای کارشناسان ارزش گذاری
- ایجاد نظام تنظیم گر، ارزیابی عملکرد، و پایش نتایج ارزش گذاری ها
- استقرار سامانه ملی ارزش گذاری دارایی ها
- افزایش شفافیت، انضباط مالی و اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی

۸-۳- چارچوب حقوقی و قانونی

در جدول زیر، فهرستی از مهم ترین قوانین و مقررات مربوط که بر اهمیت و ضرورت وجود و پیاده سازی استانداردهای ارزش گذاری در ایران دلالت دارد، ارائه شده است:

ردیف	قانون مرتبط	موضوع / اهمیت	ارتباط با ارزش گذاری
۱	قانون برنامه هفتم پیشرفت ماده ۲۰ و بندهای مرتبط با تجدید ارزیابی دارایی ها	تکالیف دستگاه های اجرایی در شناسایی طرح های تملک دارایی سرمایه ای قابل مشارکت با بخش خصوصی؛ اجازه تجدید ارزیابی دارایی های ثابت برای شرکت های دولتی در شرایط مشخص و معافیت های مالیاتی موقت در برخی موارد.	تجدید ارزیابی دارایی ها و ثبت مازاد تجدید ارزیابی در حقوق صاحبان سهام نیازمند روش ها و استانداردهای شفاف ارزش گذاری است تا از آثار قانونی، مالیاتی و ترازنامه ای صحیح اطمینان حاصل شود.
۲	قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (قانون خصوصی سازی / واگذاری بنگاه ها) مواد و تبصره های کلیدی (از جمله مواد مربوط به هیأت واگذاری، آیین نامه قیمت گذاری، وظایف وزارت اقتصاد/ هیأت واگذاری)	چارچوب واگذاری بنگاه های دولتی، وظایف هیأت واگذاری و شورای عالی اجرای سیاست ها، و صراحت در «تهیه آیین نامه شیوه های قیمت گذاری بنگاه ها و نحوه اعمال آن».	صراحت قانونی در لزوم «آیین نامه قیمت گذاری» بنگاه ها نشان دهنده نیاز به استاندارد و رویه واحد ارزش گذاری برای واگذاری ها است.
۳	قانون محاسبات عمومی کشور از جمله مواد ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵ و سایر مواد درباره فروش/ واگذاری اموال دولتی و نحوه وصول وجوه	مالکیت، حفاظت و فروش اموال منقول و غیرمنقول دستگاه های دولتی؛ ضوابط مزایده/ مزایده گذاری و واریز وجوه به حساب درآمد عمومی؛ الزام به فهرست بندی و گزارش اموال دولتی.	هر گونه فروش، مزایده یا واگذاری نیازمند تعیین قیمت کارشناسی/ ارزش گذاری است. لذا وجود استانداردهای مشترک و نهاد مرجع برای تعیین ارزش اموال دولتی الزامی است.
۴	قانون بازار اوراق بهادار و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار	مقررات مربوط به افشای اطلاعات، طبقه بندی و ثبت ناشران، همچنین آیین نامه های قیمت گذاری در عرضه های بلوکی یا واگذاری سهام دولتی.	تعیین «ارزش سهام/ اوراق بهادار» در عرضه ها، گزارش های افشایی و قیمت گذاری های مرتبط با واگذاری، نیاز به معیارها و رویه های ارزش گذاری دارد.

ردیف	قانون مرتبط	موضوع/اهمیت	ارتباط با ارزش گذاری
۵	دستورالعمل اجرایی نحوه ارزش گذاری دارایی های نامشهود	موضوع جز ت بند ۲ ماده ۶ آیین نامه حمایت از تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین در حوزه اقتصاد - مصوبه شماره ۵۹۸۸۳/ت/۸۸۳۶۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ هیأت وزیران با استناد به قانون حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹	ارزش گذاری دارایی های نامشهود
۶	قانون مالیات های مستقیم - ماده ۶۴	تعیین «ارزش معاملاتی املاک» برای مقاصد مالیاتی؛ اختیار و ضوابط کار کمیسیون تقویم املاک؛ شاخص گذاری و روش های معیار گذاری ارزش معاملاتی.	اجرای استانداردهای ارزش گذاری (تعاریف روش ها، شفافیت معیارها، مرجعیت حرفه ای) عملاً بر محاسبه مالیات نقل و انتقال و مأخذهای مالیاتی تأثیر می گذارد؛ بنابراین ماده ۶۴ از مهم ترین دلایل نیاز به استاندارد ملی/قانونی برای ارزش گذاری است.
۷	قانون امور گمرکی از جمله ماده ۱۶ و مواد مربوط به ارزش گذاری گمرکی	قواعد تعیین «ارزش گمرکی» کالاها (تعاریف CIF و روش های تعیین ارزش در موارد اختلاف/عدم ارائه اسناد)	ارزش گذاری مرزی/گمرکی موضوع تخصصی ای است که معیارها و روش های خاص خود را دارد؛ همگرایی یا تطابق روش های ملی ارزش گذاری با قواعد گمرکی، مانع تشتب رویه ها خواهد شد.
۸	قانون ثبت اسناد و املاک مواد مرتبط (از جمله ماده های مربوط به ثبت، حق الثبت، و ارجاع به نرخ کارشناسی در مزایده/اجرای احکام)	مقررات ثبتی که در برخی موارد پایه حقوقی قیمت گذاری (مثلاً قیمت کارشناسی در مزایده های ثبتی) را شکل می دهد.	تعیین پایه کارشناسی در رویه های اجرای ثبت و مزایده ها مستلزم معیارهای دقیق ارزش گذاری است تا از نقایص حقوقی و اختلافات جلوگیری شود.
۹	آیین نامه اجرایی «شیوه های قیمت گذاری سهام/بنگاه ها» (آئین نامه های مرتبط با واگذاری سهام دولتی و قیمت گذاری)	ضوابط تعیین حداقل قیمت پایه، نحوه قیمت گذاری سهام برای عرضه بلوکی/مزایده و قواعد متنوع درباره نحوه تعیین قیمت برای فروش سهام دولتی.	این آیین نامه ها مشخصاً روش ها و قواعد عملی قیمت گذاری را وضع کرده اند؛ وجود استاندارد حرفه ای ارزش گذاری باعث افزایش التزام و شفافیت در اجرای این آیین نامه ها خواهد شد.
۱۰	قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری و آیین نامه های اجرایی مربوط	تشکیلات، صلاحیت و نحوه تعیین کارشناسان رسمی (از جمله کارشناسان ارزیابی/ارزش گذاری)، وظایف شورای عالی کارشناسان، و مقررات نحوه صدور پروانه و امور حرفه ای کارشناسان.	برای ایجاد نهاد مرجع ارزش گذاری ملی ضروری است که جایگاه و تکالیف کارشناسان رسمی ارتباطشان با دستگاه های دولتی/دادگستری/مالیاتی مشخص و تقویت شود؛ قانون کانون، مرجع رسمی ساماندهی حرفه ای کارشناسان است.

در متن مواد قانونی و آیین نامه های فوق الذکر بارها به «قیمت گذاری»، «قیمت پایه» و «قیمت کارشناسی» اشاره شده است، ولی مرجع فنی واحد، روش شناسی استاندارد و الزام اجرائی همگن برای ارزش گذاری تعیین نشده است که نشان از پراکندگی رویه ها و همچنین ملاحظات فنی - قانونی متعدد در زمینه ارزش گذاری است. در حال حاضر، نظام حقوقی و اجرایی ایران چارچوبی واحد و الزام آور برای ارزش گذاری دارایی ها ندارد و رویه های موجود در قوانین مختلف هر یک به طور مستقل به مفهوم «ارزش» و شیوه های تعیین آن پرداخته اند. این پراکندگی و نبود هماهنگی موجب شده تا در حوزه های مختلف از جمله مالیات، واگذاری دارایی های دولتی، تجدید ارزیابی دارایی ها، قیمت گذاری سهام و تعیین ارزش املاک و پروژه ها، معیارهای متفاوت، روش های

غیرهمسان و نتایج گاه متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. پیامد چنین وضعیتی، کاهش شفافیت، تضعیف قابلیت مقایسه و افزایش اختلافات کارشناسی و حقوقی میان دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی است. بنابراین، ایجاد و استقرار نهاد ملی تنظیم گر در تدوین استانداردهای ارزش گذاری به عنوان مبنای واحد و رسمی برای تمامی حوزه های ارزش گذاری در کشور و نظارت بر به کارگیری استانداردها در تمامی زمینه های ارزش گذاری ضرورتی انکارناپذیر است؛ اقدامی که نه تنها موجب هماهنگی میان نهادهای قانون گذار و اجرایی می شود، بلکه اعتماد ذی نفعان، کارایی نظام گزارشگری مالی و اعتبار ارزیابی های اقتصادی کشور را نیز به طور چشمگیری ارتقا خواهد داد. همچنین به ارزش گذاران در اجرای رویه های منسجم و قابل حسابرسی، به تهیه کنندگان صورت های مالی



- طراحی دوره‌های آموزشی تخصصی و گواهی‌نامه حرفه‌ای ارزش‌گذاری دارایی.
- برگزاری دوره‌های تربیت مدرس با همکاری دانشگاه‌های معتبر.

فاز سوم: اجرای آزمایشی در حوزه‌های منتخب

- انتخاب ۳ حوزه‌ی پایلوت:
- ارزش‌گذاری دارایی‌های ثابت در شرکت‌های دولتی؛
- ارزش‌گذاری شرکت‌ها در عرضه اولیه بورس؛
- ارزش‌گذاری وثایق بانکی.
- اجرای پروژه‌های پایلوت با همکاری سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی.
- ارزیابی کیفیت، شفافیت و قابلیت اتکای نتایج ارزش‌گذاری‌ها.

فاز چهارم: تعمیم، نظارت و پایش

- الزامی شدن رعایت استانداردهای ملی ارزش‌گذاری در کلیه نهادهای مالی و شرکت‌های بورسی.
- راه‌اندازی سامانه برخط ارزش‌گذاری جهت ثبت، مستندسازی و کنترل فرایندها.
- بازرسی ادواری عملکرد ارزش‌گذاران و شرکت‌های ارزش‌گذاری.
- انتشار گزارش سالانه شفافیت و کیفیت ارزش‌گذاری‌ها.
- الزام بانک‌ها به بازبینی کیفیت دارایی‌ها (AQR)

در درک الزامات ارزش‌گذاری و ارزیابی صلاحیت ارزش‌گذاران و به حساب‌رسان و کمیته‌های حسابرسی در ارزیابی قابلیت اتکا و شفافیت ارزش‌گذاری‌ها کمک به‌سزایی خواهد کرد.

۴-۸- مراحل اجرایی طرح

فاز اول: آماده‌سازی و تدوین مقررات پایه

- تشکیل کارگروه ملی ارزش‌گذاری تحت نظر وزارت اقتصاد.
- بررسی تطبیقی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، مؤسسه‌ی سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره (RICS) و استانداردهای داخلی کشورها (مانند استرالیا، هند، ترکیه).
- تدوین پیش‌نویس «آیین‌نامه ملی ارزش‌گذاری» بر اساس مواد مرتبط از قانون تجارت، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون محاسبات عمومی، قانون بازار اوراق بهادار و استانداردهای حسابداری ایران.

فاز دوم: ایجاد نهاد مرجع و زیرساخت‌های آموزشی

- تأسیس رسمی «مرکز ملی ارزش‌گذاری» با مصوبه هیأت وزیران.
- امضای تفاهم‌نامه همکاری با شورای استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVSC) و مؤسسه‌ی سلطنتی نقشه‌برداران و ارزش‌یابان املاک خبره (RICS) برای انتقال دانش فنی.



• ایجاد کمیته رسیدگی به شکایات و تخلفات حرفه‌ای.

۸- نتیجه‌گیری

استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری به‌عنوان یک چارچوب جهانی جامع، نقش محوری در تقویت شفافیت، یکنواختی و اعتماد در بازارهای مالی ایفا می‌کند و پذیرش آنها می‌تواند تحولات عمیقی در اقتصادهای نوظهور مانند کشور ایران ایجاد کند. با توجه به سیر تکامل استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری از نسخه‌های اولیه در قرن بیستم تا ویرایش ۲۰۲۵ که بر عوامل زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری (ESG)، هوش مصنوعی و ارزش‌گذاری دارایی‌های دیجیتال تمرکز دارد، این استانداردها نه‌تنها به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز جذب سرمایه مستقیم خارجی (FDI) ^{۴۷} بیشتر می‌شود، به‌طوری‌که در کشورهای در حال توسعه، پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری منجر به افزایش جذب سرمایه‌ی مستقیم خارجی (FDI) تا ۲۲ درصد شده است. در ایران پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری می‌تواند چالش‌های اقتصادی فعلی مانند نوسانات ارزی، کمبود شفافیت در گزارشگری مالی و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش دهد، زیرا استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری با فراهم کردن روش‌های استاندارد

برای ارزش‌گذاری املاک، انرژی، دارایی‌های نامشهود و حتی رمزارزها، بازارهای داخلی را با استانداردهای جهانی همخوان می‌سازد و فرصت‌های تجاری جدیدی ایجاد می‌کند. تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورهایی مانند امارات و ترکیه با پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری (IVS)، شاهد بهبود جذب سرمایه و کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری بوده‌اند، در چشم‌انداز آینده، تدوین استانداردهای ملی ارزش‌گذاری هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی و یا پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری و با ادغام هوش مصنوعی در ارزش‌گذاری خودکار و تمرکز بر دارایی‌های دیجیتال، می‌تواند ایران را در مسیر اقتصاد دانش‌محور قرار دهد، جایی که شفافیت حسابداری بهبود یافته، منجر به رشد اقتصادی پایدار، ایجاد شغل در بخش‌های مالی و فناوری، و حتی کاهش وابستگی به نفت می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران با اولویت‌بندی آموزش حرفه‌ای، همکاری بین‌المللی و آزمون‌های آزمایشی استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری در بخش‌های اصلی مانند بانکداری و انرژی، فرایند خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و ارزش‌گذاری سهام شرکت‌ها برای پذیرش در بورس، مسیر پذیرش را هموار کنند، زیرا این اقدام نه‌تنها بازارهای مالی ایران را تقویت می‌کند، بلکه جایگاه کشور را در اقتصاد جهانی ارتقا می‌دهد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری

پایدار را برای نسل‌های آینده تضمین می‌نماید. در نهایت، پذیرش استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری می‌تواند پلی به سوی یک اقتصاد مقاوم و شفاف باشد، جایی که مزایای اقتصادی مانند افزایش تجارت بین‌المللی، بهبود رتبه‌بندی

منابع:

اعتباری و جذب سرمایه‌گذاران خارجی، ایران را به یک مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کند، این تحول نیازمند تعهد جمعی از سوی دولت، بخش خصوصی و متخصصان است تا استانداردهای جهانی را با واقعیت‌های بومی کشور ادغام کنند.

- International Valuation Standards Council. (2025). International Valuation Standards 2025. London: IVSC.
- International Valuation Standards Council. (2024). Basis for Conclusions: IVS 2025. London: IVSC.
- International Valuation Standards Council. (2022). IVS Redline Comparison 2022–2025. London: IVSC.
- RICS. (2025). RICS Valuation – Global Standards (Red Book). London: RICS.
- Accounting and Corporate Regulatory Authority. (2025). Practice Guidance on IVS. Singapore: ACRA.
- CICBV. (2011). Adoption of IVS in Canada. Toronto:

Canadian Institute of Chartered Business Valuators.

- Australian Property Institute. (2007). Valuation Standards and IVS Alignment. Sydney: API.
- European Banking Authority. (2021). Guidelines on Loan Origination and Monitoring. Paris: EBA.
- South African Institute of Valuers. (2013). National Adoption of IVS. Johannesburg: SAIV.
- Ministry of Corporate Affairs, India. (2017). Implementation of IVS in Financial Reporting. New Delhi: MCA.

پی‌نوشت‌ها:

1. Organization for Economic Co-operation and Development
2. Valuer
3. IVSC Code of Ethical Principles for Valuers
4. Royal Institution of Chartered Surveyors
۵. Red Book کتاب قرمز (به دلیل جلد قرمز آن) شامل مجموعه‌ای از قوانین الزامی، رهنمودهای بهترین شیوه‌ها و تفسیرهای مرتبط برای ارزش‌یابی دارایی‌ها (مانند املاک، کسب‌وکارها، دارایی‌های نامشهود و غیره) است که بر پایه استانداردهای بین‌المللی ارزش‌گذاری تدوین شده و هدف آن اطمینان از دقت، شفافیت، بی‌طرفی و رعایت اصول اخلاقی در ارزش‌یابی‌هاست.
6. The International Assets Valuation Standards Committee
7. Fair Value
8. Market Value
9. Intellectual Property
10. Environmental, Social, and Governance
11. Basis for Conclusions
12. Uniform Standards of Professional Appraisal Practice
13. General Standards
14. Asset Standards
15. Appendices
16. Valuation Framework
17. Scope of Work
18. Bases of Value
19. IVS-Defined Bases of Value
20. Other Bases of Value
21. Premise of Value

22. Valuation Approaches
23. Valuation Method
24. Data and Inputs
25. Environmental, Social and Governance Considerations
26. Valuation Models
27. Documentation and Reporting
28. Businesses and Business Interests
29. Intangible Assets
30. Non-Financial Liabilities
31. Inventory
32. Plant, Equipment and Infrastructure
33. Real Property Interests
34. Development Property
35. Financial Instruments
36. Engagement Standards
37. International Auditing and Assurance Standards
38. Full Incorporation/Direct Adoption
39. Convergence
40. Harmonization
41. Regulatory/Mandatory Adoption
42. Accounting and Corporate Regulatory Authority
43. Key Updates of IVS Effective January 2025
44. Australian Property Institute
45. Property Institute of New Zealand
46. Asset Quality Review
47. Foreign Direct Investment

مدیریت تعارض منافع در حسابرسی

سید محمد علوی

با این که خداوند کریم است و رحیم
گندم ندهد بار چو جو می‌کاری
(مولوی)



اصطلاح تعارض، تزامم و تضاد منافع (Conflict of interest) اولین بار در سال ۱۹۷۱ در فرهنگ لغت حقوقی «بلک» درج شد و از آن زمان به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در حوزه حقوق عمومی و اداری مورد توجه قرار گرفته است. واژه «تعارض» از باب تفاعل و از ریشه «عَرَضَ» گرفته شده و در لغت دارای دو معناست: نخست به معنای اظهار و آشکار شدن، و دیگری به معنای قرار گرفتن در عرض و مقابل چیزی؛ در برابر مفهوم طول. بر این اساس، در مفهوم تعارض، این دو امر باید در یک سطح و در برابر یکدیگر قرار گیرند، نه آن که یکی بر دیگری برتری یا تقدم ذاتی داشته باشد. در تعارض، لزوماً عنصر ضدیت و نفی ماهوی وجود ندارد؛ بلکه دو امر در برابر یکدیگر ظاهر شده و مانع تحقق یا پیشروی یکدیگر می‌شوند. از این رو، تعارض بیش از آن که بر مفهوم تضاد و ناسازگاری ذاتی دلالت کند، ناظر بر برخورد و رویارویی میان دو امر است؛ به گونه‌ای که در تعارض میان دو دلیل، معمولاً یکی از آن‌ها واجد اعتبار و دیگری فاقد آن تلقی می‌شود.

«تضاد» نیز از باب تفاعل و از ریشه «ضد» مشتق شده و

به معنای قرار گرفتن دو امر در جهت مخالف یکدیگر است. در مفهوم بنیادین تضاد، نوعی تقابل ماهوی یا جهتی وجود دارد؛ چنان که نمونه‌هایی مانند شب و روز، سیاه و سفید، و گرما و سرما بیانگر این نوع تقابل هستند. بنابراین، تضاد ناظر بر مخالفت ذاتی و بنیادین میان دو مفهوم است.

«تزامم» نیز از باب تفاعل و از ریشه «زَحَمَت» گرفته شده است. این مفهوم زمانی تحقق می‌یابد که دو حکم یا دو خواسته، هر دو واجد اعتبار و مطلوبیت باشند، اما شرایط موجود امکان اجرای هم‌زمان آن‌ها را فراهم نکند. به همین دلیل، در اصول فقه، تزامم در مواردی به کار می‌رود که هر دو طرف دارای اعتبار بوده، ولی به دلیل محدودیت‌های عملی، امکان جمع میان آن‌ها وجود نداشته باشد.

بر این اساس می‌توان چنین تفکیکی ارائه کرد: تضاد بیانگر مخالفت ماهوی، تعارض بیانگر رویارویی و برخورد، و تزامم بیانگر رقابت میان امور معتبر بر سر امکان تحقق است. با وجود آن که از منظر ریشه‌شناختی و لغوی، اصطلاح «تضاد منافع» معادل مفهومی سازگارتری به نظر می‌رسد، اما در رویه حقوقی و اداری اصطلاح «تعارض منافع» به عنوان معادل پذیرفته شده و متداول مورد استفاده قرار گرفته است.

آیات و روایات متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر ضرورت پرهیز از تعارض منافع و رعایت بی‌طرفی در

تصمیم‌گیری دلالت دارند. از جمله، در آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی بقره آمده است: «وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ»؛ یعنی «کسی که حق یا دینی بر عهده‌ی اوست، باید آن را امل کند». بر اساس این دستور الهی، طرف ذی‌نفع و طلبکار نباید متن تعهد را دیکته کند؛ زیرا چنین امری می‌تواند زمینه‌ی جانب‌داری و تضییع حقوق طرف مقابل را فراهم آورد. در سیره عملی امیرالمؤمنین (ع) نیز نمونه‌ای روشن از اجتناب از تعارض منافع مشاهده می‌شود. نقل شده است که در دوران خلافت ایشان، زره آن حضرت مفقود شد و سپس در اختیار فردی مسیحی یافت گردید. امام علی (ع) با وجود آن که در جایگاه عالی‌ترین مقام سیاسی جامعه قرار داشت، از رسیدگی و قضاوت درباره‌ی این پرونده خودداری کرد و آن را نزد قاضی شهر مطرح ساخت. ایشان با رعایت کامل انصاف و پرهیز از هرگونه شائبه‌ی جانب‌داری، تصمیم‌گیری را به قاضی مستقلی واگذار کرد. قاضی نیز به دلیل فقدان ادله و شاهد کافی، به زیان امام حکم داد. با این حال، مرد مسیحی که از حقیقت ماجرا آگاه بود، پس از خروج از دادگاه تحت تأثیر عدالت اسلامی قرار گرفت و زره را به صاحب اصلی آن بازگرداند.

داستان علامه حلی نیز در این زمینه آموزنده و تأمل‌برانگیز است. نقل کرده‌اند که روزی گربه‌ای در چاه منزل ایشان افتاد و تلف شد. از آن‌جا که وی در این خصوص فتوای آماده‌ای در اختیار نداشت، قصد کرد با مراجعه به روایات و اجتهاد فقهی، حکم تطهیر آب چاه را استنباط کند. اما پیش از آغاز بررسی منابع، دستور داد چاه را پر کرده و چاه دیگری حفر کنند. هنگامی که علت این اقدام را جویا شدند، پاسخ داد: «بیم آن داشتم که اگر روایات مختلف و قابل تفسیر باشند، ناخودآگاه تحت تأثیر منفعت شخصی خود قرار گیرم و روایت آسان‌تر را برگزینم». این رفتار، نمونه‌ای برجسته از حساسیت عالمان دینی نسبت به تأثیر منافع شخصی بر فرایند استنباط و داوری است.

استاد ناصر کاتوزیان نیز در خاطرات دوران قضاوت خود به تجربه‌ای مشابه اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: «نخستین بار که میان قانون و اخلاق شخصی در تردید قرار گرفتم، زمانی بود که به پرونده‌های تخلفات رانندگی رسیدگی می‌کردم. پرونده‌ی فرزند یکی از دوستان پدرم به من ارجاع شد؛ خانواده‌ای که من و خانواده‌ام تا زمان یافتن منزل جدید، مدتی مهمان آنان بودیم. روابط عاطفی مرا به چشم‌پوشی از تخلف فرامی‌خواند، اما وجدان حرفه‌ای و التزام به قانون، مسیر دیگری را نشان می‌داد. سرانجام مطابق قانون او را جریمه کردم، اما مبلغ جریمه را شخصاً پرداختم». این روایت به‌خوبی دشواری مواجهه با موقعیت‌های تعارض منافع و ضرورت ترجیح وظیفه‌ی قانونی بر روابط شخصی را نشان می‌دهد. همچنین در برخی نقل‌ها، یکی از حکمت‌های مجرد ارکان

کلیسا در برخی شاخه‌های مسیحیت، پیشگیری از قرارگرفتن آنان در موقعیت‌های تعارض منافع و جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه شائبه‌ی جانب‌داری یا ترجیح منافع خانوادگی بر مصالح عمومی دانسته شده است.

شناخت دقیق مفهوم و مصادیق تعارض منافع در هر حوزه، پیش‌شرط اساسی برای طراحی سازوکارهای مؤثر مدیریت آن به شمار می‌رود. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) تعارض منافع را وضعیتی می‌داند که در آن «میان وظایف عمومی یک مقام رسمی و منافع شخصی وی، تعارضی ایجاد می‌شود؛ به نحوی که این وضعیت می‌تواند بر نحوه‌ی انجام وظایف و عملکرد او تأثیرگذار باشد». در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه به این مفهوم مورد تصریح قرار گرفته است. اصل چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». این اصل، مبنایی مهم برای جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات و تقدم منافع شخصی بر منافع عمومی محسوب می‌شود. همچنین، در بند (ث) ماده‌ی ۱۲ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۱)، بر ضرورت پیشگیری از تعارض منافع تأکید شده است: «دولت‌ها مکلف شده‌اند از طریق وضع محدودیت‌های مقتضی و برای دوره‌ای معقول، از فعالیت‌های حرفه‌ای مقامات دولتی پیشین یا استخدام آنان در بخش خصوصی پس از استعفا یا بازنشستگی، در مواردی که این فعالیت‌ها مستقیماً با وظایف، مسئولیت‌ها یا حوزه‌های نظارتی پیشین آنان ارتباط دارد، جلوگیری کنند».

در مجموع، تعارض منافع را می‌توان وضعیتی دانست که در آن قرار گرفتن منافع شخصی، سازمانی یا گروهی در کنار مسئولیت‌ها و وظایف عمومی، زمینه‌ای برای تأثیرگذاری ناروا بر تصمیم‌گیری، کاهش بی‌طرفی و خدشه به اعتماد عمومی ایجاد می‌کند. از این‌رو، شناسایی، پیشگیری و مدیریت آن یکی از الزامات اساسی حکمرانی مطلوب و سلامت اداری به شمار می‌آید. بر همین اساس دولت یازدهم در این زمینه لایحه‌ای را تحت عنوان «نحوه‌ی مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و آرایه‌ی خدمات عمومی» تهیه و در دی‌ماه ۱۳۹۶ به نظرخواهی عمومی گذاشت و سپس رئیس‌جمهور لایحه‌ی تهیه‌شده در ۳۹ ماده را طی دو نوبت به مجلس شورای اسلامی ارایه داد. اول طی نامه‌ی مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۴ و دوم طی نامه‌ی مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ و در هر دو نامه به قید دوفوریتی بودن لایحه تأکید کرده است. با این حال، این لایحه تاکنون تصویب نشده است. در همین زمینه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طرح مدیریت تعارض منافع را مشتمل بر ۲۷ ماده در اسفند ۱۳۹۷ تهیه و طی دو نوبت در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ و

سپس در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ اعلام وصول شده که این طرح نیز تاکنون به نتیجه‌ی قطعی نرسیده است.

در لایحه‌ی دولت تعارض منافع «موقعیتی که منفعت شخصی مشمولان این قانون در مقام انجام وظایف یا اعمال اختیارات قانونی آنان در تعارض با منافع عمومی قرار می‌گیرد و می‌تواند انجام بی‌طرفانه و بدون تبعیض وظایف مذکور را مانع شود» تعریف شده است. در مفاد اشخاص مشمول این لایحه جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، مؤسسات حسابرسی عضو آن و سازمان حسابرسی تصریح نشده لیکن حسابرسی و بازرسی قانونی از جمله مشاغلی نام برده شده است که موقعیت‌های تعارض منافع می‌تواند برای آن حادث شود.

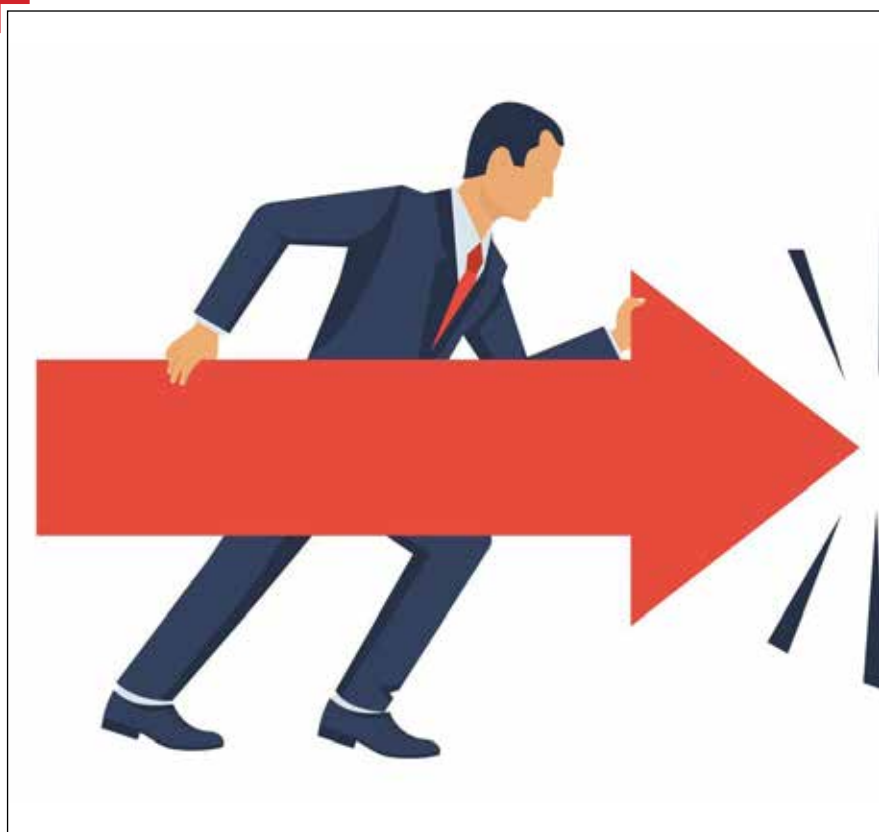
سازمان اداری و استخدامی کشور در راستای تحقق بند ۲۴ سیاست‌های کلی نظام اداری (ابلاغی ۱۳۸۹/۰۱/۳۱) و برای تسهیل و ایجاد رویه‌ی واحد برای اجرای برنامه «شناسایی و رفع گلوگاه‌های فسادخیز و موقعیت‌های تعارض منافع» ذیل محور چهارم، راهنمای شناسایی و رفع گلوگاه‌های فسادخیز و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع را طی نامه‌ی شماره‌ی ۶۳۵۳۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ به کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی ابلاغ کرده است. در این راهنما اشکال تعارض منافع فردی (با تغییر افراد تعارض منافع از بین می‌رود) مشتمل بر پذیرش هدیه، روابط، سهامداری و شراکت، اشتغال ثانویه، و ارتباطات پسا‌شغلی عنوان می‌شود. تعارض منافع ساختاری (با تغییر افراد تعارض منافع از بین نمی‌رود) نیز مشتمل بر امضای طلایی، اتحاد ناظر و منظور، اتحاد قاعده‌گذار و مجری، تعارض درآمد و هزینه و دسترسی به اطلاعات نهانی طبقه‌بندی و تشریح شده است.

وزارت امور اقتصادی و دارایی در راستای بخشنامه‌ی سازمان اداری و استخدامی کشور «دستورالعمل جامع مدیریت تعارض منافع وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه‌های تابعه و وابسته» را تدوین و ابلاغ کرده است. در ماده‌ی ۲ دامنه‌ی شمول مشتمل بر شرکت‌های تابعه (سازمان حسابرسی) و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه عنوان می‌شود. در ماده‌ی ۵ این دستورالعمل ۱۰ شکل تعارض منافع بیان شده که مشتمل بر مالی و غیر مالی، بالفعل و بالقوه، فردی و سازمانی، عامل محور و ساختار محور، قابل برگشت و غیر قابل برگشت، اشتغال بیرونی، سهامداری و مالکیت، ارتباطات پسا‌شغلی، دریافت هدیه، خویشاوندی، گروهی، اطلاعات درونی، نظارت بر خود، مقررات گذاری بر خود، و درآمد و هزینه است. بدین ترتیب، به دلیل گستردگی، نامشهود و مکتوم بودن، موضوع ارایه‌ی مصادیق همواره از ارایه‌ی تعریف جلوتر است و نتیجه آن که نمی‌توان تعریف جامع و مانع از تعارض منافع ارایه کرد. لیکن منظور مصطلح و متداول از وجود تعارض منافع بالقوه مجموعه موقعیت‌هایی است که موجب می‌شود تصمیمات و



اقدامات حرفه‌ای شخص تحت تأثیر منفعتی ثانویه قرار گیرد. در این وضعیت، معمولاً ناخواسته موقعیتی پدید می‌آید که افراد بر سر دوراهی اخلاقی انتخاب بین تأمین منافع عمومی و حفظ منافع شخصی قرار می‌گیرند. موقعیت دوگانه‌ی مزبور زمانی بالفعل می‌شود که استفاده از موقعیت شغلی به صورت ناروا در جهت منافع شخصی صورت می‌گیرد.

شکل‌گیری موقعیت‌های تعارض منافع مستلزم جمع شدن شرایطی است که بدون وجود هریک از آن‌ها نمی‌توان ادعای تعارض منافع داشت. اول وجود «مسئولیت تصمیم‌گیری»، موقعیت تعارض منافع بدون داشتن مسئولیت تصمیم‌گیری ممکن نیست. این مسئولیت می‌تواند قانونی، قراردادی و شخصی باشد. دوم وجود «منافع شخصی» که بالقوه به صورت مادی یا معنوی، مستقیم یا غیر مستقیم، عینی یا غیر عینی، فعلی یا بلندمدت، اقتصادی یا غیر اقتصادی، شخصی یا گروهی، اساسی یا غیر اساسی، محلی یا جهانی، کسب سود یا دفع ضرر و... بالفعل می‌شود. سوم وجود «روابط خاص»، شامل ارتباطات، تعاملات و تمایلات شخص تصمیم‌گیر با افراد دیگر ناشی از روابط قربات و خویشاوندی، دوستانه و عاطفی، رئیس و مرئوس، قانونی و رسمی، کارگزار و کارگزاری، سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذاری، سیاسی و هم‌حزبی، قومی و طایفه‌ای و... است. تأثیرپذیری در این خصوص ریشه در احساس وفاداری، حس قدردانی، ترس و نگرانی، انجام وظیفه و مانند آن دارد.



نظام‌مند تنظیم کند، به تصویب نرسیده است. در صورتی که امروزه در نظام حقوقی کشور، با انبوهی از مصادیق و سازوکارهای مدیریت تعارض منافع در قوانین و مقررات مختلف مواجه هستیم. این امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی، هرچند در مقاطع گوناگون و به صورت پراکنده، کم‌وبیش دغدغه‌ی صیانت از بی‌طرفی، استقلال تصمیم‌گیری و جلوگیری از جابه‌جایی ناروا و نامشروع منافع را مدنظر داشته است. از جمله، به موجب ماده‌ی ۱۱ قانون نظارت بر رفتار نمایندگان و نیز ماده‌ی ۲۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس نمی‌توانند هم‌زمان در هیچ‌یک از دو قوه‌ی دیگر دارای سمت رسمی باشند. فلسفه‌ی این ممنوعیت، پیشگیری از تعارض میان کارکردهای نظارتی و اجرایی و تضمین استقلال هر یک از این جایگاه‌ها است. همچنین، مطابق ماده‌ی ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی، قضات از رسیدگی به دعاوی و پرونده‌هایی که خود یا بستگان آنان در آن ذی‌نفع باشند منع شده‌اند و همین حکم به موجب ماده‌ی ۲۶۱ همان قانون در خصوص کارشناسان رسمی دادگستری نیز جاری است. افزون بر این، بر اساس ماده‌ی ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، داوران نیز نمی‌توانند در اختلافی که خود در آن دارای نفع شخصی هستند به داوری بپردازند. در همین راستا، ماده‌ی ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۳۱۳ قانون مدنی، اعتبار شهادت اشخاص ذی‌نفع را نفی کرده‌اند؛ زیرا وجود منفعت شخصی با اقتضای بی‌طرفی شاهد ناسازگار است. در حوزه‌ی اسناد رسمی نیز قانون‌گذار با اتخاذ رویکردی مشابه، در مواد ۲۷ و ۴۹ قانون دفاتر اسناد رسمی، سردفتران را از تنظیم اسنادی که خود یا بستگان نزدیک آنان در آن ذی‌نفع باشند منع کرده است. هدف از این ممنوعیت نیز حفظ سلامت، اعتبار و بی‌طرفی فرایند تنظیم اسناد رسمی است.

در مقررات بازار سرمایه نیز جلوه‌های متعددی از مدیریت تعارض منافع مشاهده می‌شود. به موجب ماده‌ی ۱۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، اعضای شورای عالی بورس، اعضای هیأت مدیره سازمان بورس، مدیران و شرکای مؤسسات حسابرسی طرف قرارداد سازمان و افراد تحت تکفل آنان، به دلیل نقش نظارتی و دسترسی به اطلاعات نهانی، از انجام معاملات اوراق بهادار منع شده‌اند زیرا خود وظیفه‌ی نظارت بر این معاملات را برعهده دارند. همچنین مطابق ماده‌ی ۱۶ دستورالعمل خرید اعتباری اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، شرکت‌های کارگزاری مجاز به اعطای اعتبار به مدیرعامل، اعضای هیأت مدیره، کارکنان، سهام‌داران حقیقی و اشخاص وابسته به آنان نیستند؛ زیرا این اشخاص به واسطه‌ی موقعیت سازمانی خود در تصمیمات و اقدامات مرتبط ذی‌نفع محسوب می‌شوند.

پدیدآمدن تعارض منافع، محصول کاستی‌ها و نارسایی‌های موجود در ساختارها، فرآیندها، مقررات و همچنین ضعف‌های اخلاقی و رفتاری است.

موقعیت‌های تعارض منافع ازجمله مهم‌ترین زمینه‌ها و ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش فساد به شمار می‌آیند. ازاین‌رو، مبارزه‌ی مؤثر با فساد مستلزم شناسایی دقیق منشأها، منافذ و بسترهای بروز آن و نیز طراحی و استقرار سازوکارهای کارآمد برای پیشگیری و انسداد این مجاری است. مدیریت تعارض منافع به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که شامل شناسایی، تنظیم‌گری، وضع مقررات، نظارت، پایش و اجرای الزامات قانونی با هدف پیشگیری، کنترل و کاهش موقعیت‌های تعارض منافع است. با مدیریت تعارض منافع کوشش می‌شود از تأثیرگذاری منافع شخصی، سازمانی یا گروهی بر تصمیم‌گیری‌های عمومی و حرفه‌ای جلوگیری شده سلامت و کارآمدی نظام حکمرانی تضمین گردد.

هرچند روح حاکم بر نظام حقوقی کشور بر پذیرش اصل مدیریت تعارض منافع و منع هرگونه بهره‌برداری ناروا از موقعیت‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی استوار بوده و در متون قانونی و مقررات موجود نیز احکام و قواعد متعددی با هدف مدیریت تعارض منافع پیش‌بینی شده است، با این حال تاکنون قانون مستقلی که به صورت اختصاصی به موضوع مدیریت تعارض منافع پرداخته و ابعاد مختلف آن را به‌طور



شرکت‌های تجاری نیز از مهم‌ترین کانون‌ها و آماج تعارض منافع هستند؛ زیرا بنیان و کارکرد آن‌ها بر تعارض منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع استوار است. از همین رو، وجود موقعیت‌های تعارض منافع را باید جزئی جدایی‌ناپذیر از فعالیت شرکت‌های تجاری دانست. برجسته‌ترین مصداق این وضعیت، «معامله با خود» است. قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت، برای چنین معاملاتی تشریفات ویژه‌ای مقرر کرده است؛ از جمله اخذ اجازه هیأت مدیره، عدم مشارکت مدیر ذی‌نفع در رأی‌گیری، اطلاع‌رسانی به بازرس و ارائه‌ی گزارش به نخستین مجمع عمومی. افزون بر این، مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ همان قانون، ضمانت اجرای متنوعی از جمله بطلان نسبی یا مطلق معامله و امکان ابطال آن را در موارد خاص پیش‌بینی کرده‌اند. غایت این مقررات جلوگیری از انتقال و جابه‌جایی ناروای منافع و حفظ منافع شرکت و سهام‌داران است. از این منظر، می‌توان استنباط کرد که «معامله با خود» فی‌نفسه ممنوع نبوده و در صورت فقدان تعارض واقعی منافع و رعایت تشریفات قانونی، قابلیت صحت و نفوذ دارد. موقعیت مهم دیگر، «وام و اعتبار به خود» است. بر اساس ماده‌ی ۱۳۲ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، مدیران - به استثنای اشخاص حقوقی - حق دریافت وام یا اعتبار از شرکت و یا اخذ تضمین از شرکت به نفع خود را ندارند. اهمیت این ممنوعیت تا آن‌جا است که قانون‌گذار در بند ۳ ماده‌ی ۲۵۸ همان قانون، نقض آن را جرم‌انگاری کرده است. از دیگر جلوه‌های تعارض منافع می‌توان به «رقابت با خود» اشاره کرد. مطابق ماده‌ی ۱۳۳ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی انجام دهند که متضمن رقابت با فعالیت‌های شرکت باشد و در صورت تخلف، مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود. به نظر می‌رسد فلسفه‌ی این حکم، حمایت از وفاداری مدیران به شرکت و جلوگیری از بهره‌برداری آنان از فرصت‌های تجاری متعلق به شرکت است. «تعیین حقوق، مزایا و پاداش برای خود» نیز از جمله موقعیت‌های شناخته‌شده تعارض منافع در شرکت‌ها است.

ماده‌ی ۱۳۴ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، نحوه‌ی تعیین حق‌الزحمه، حقوق و پاداش اعضای هیأت مدیره را با سازوکارهای نظارتی مشخص تنظیم کرده است. بر اساس این مقرر و ماده ۲۴۱ همان قانون، میزان پاداش هیأت مدیره نمی‌تواند در شرکت‌های سهامی عام از سه درصد و در شرکت‌های سهامی خاص از شش درصد سود قابل تقسیم میان سهام‌داران تجاوز کند. همچنین اعضای غیرموظف هیأت مدیره حق ندارند خارج از حدود مقرر قانونی، وجوهی تحت عنوان حقوق، پاداش یا حق‌الزحمه از شرکت دریافت کنند. از مفاد این مقررات چنین برمی‌آید که پاداش هیأت مدیره متعلق به عضو هیأت مدیره است و در صورت عضویت شخص حقوقی، این حق به همان شخص حقوقی تعلق خواهد داشت.

از دیگر مصادیق مهم تعارض منافع، «استفاده از اطلاعات نهانی به نفع خود» است. مدیران شرکت‌ها به سبب قرارگرفتن در موقعیت برتر اطلاعاتی و برخورداری از اطلاعاتی که در اختیار عموم نیست، در معرض تعارض میان منافع شخصی و وظایف امانی خود قرار دارند. به همین دلیل، ماده‌ی ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران استفاده از اطلاعات نهانی، افشای غیرمجاز آن‌ها، انجام معاملات مبتنی بر چنین اطلاعاتی، ایجاد ظواهر گمراه‌کننده در بازار و برخی رفتارهای مشابه را جرم‌انگاری کرده و برای مرتکبان، مجازات حبس یا جزای نقدی سنگین پیش‌بینی کرده است.

در خصوص رکن بازرسی در شرکت‌های سهامی نیز قانون‌گذار با حساسیتی ویژه به مدیریت تعارض منافع پرداخته است. ماده‌ی ۱۴۷ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، گروه‌های مختلفی از جمله مدیران، مدیرعامل، بستگان نزدیک آنان و اشخاصی را که از آنان حقوق دریافت می‌کنند از تصدی سمت بازرسی منع کرده است. افزون بر این، ماده‌ی ۱۵۶ همان قانون مقرر می‌دارد که بازرس نمی‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌شود ذی‌نفع گردد. اهمیت این ممنوعیت‌ها به اندازه‌ای است که قانون‌گذار در مواد ۲۶۶ و ۲۶۷ همان قانون، ضمانت اجرای کیفری برای نقض آن‌ها پیش‌بینی کرده است. در نهایت، ماده‌ی ۱۴۸ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، وظیفه‌ای خاص برای کشف تعارض منافع بر

و ضوابط حسابداری، حسابرسی و الزامات حرفه‌ای و اخلاقی حاکم بر فرآیند حسابرسی اشراف کامل ندارند؛ در حالی که حسابداران رسمی از دانش، تجربه و صلاحیت حرفه‌ای لازم برای انجام وظایف نظارت مالی برخوردارند. همچنین پیشنهاد شد که دست‌کم ریاست هیأت نظار به اقتصاددانان واگذار نشود. این موضوع مورد تأکید و پیگیری قرار گرفت، اما در نهایت مورد پذیرش قرار نگرفت و همان ترکیب مصوب اجرایی شد. پس از ابلاغ اساسنامه‌ی جدید، وزیر امور اقتصادی و دارایی یکی از همکاران هم‌دانشکده‌ای خود را که دانشیار اقتصاد بود، به‌عنوان عضو و رئیس هیأت نظار معرفی کرد و ایشان فعالیت خود را در این سمت آغاز نمود. مدتی بعد، وزیر امور اقتصادی و دارایی مورد استیضاح قرار گرفته و از سمت خود برکنار شد؛ اما پس از گذشت مدتی، به سمت رئیس کل بانک مرکزی منصوب گردید. پس از آغاز به کار ایشان در بانک مرکزی، رئیس هیأت نظار استعفای خود را تقدیم نمود و اظهار داشت که ادامه‌ی حضور وی در این جایگاه از منظر اخلاقی محل اشکال است؛ زیرا تداوم این حضور می‌تواند زمینه‌ساز موقعیت‌های تعارض منافع شود و با اصرار استعفای ایشان پذیرفته شد. در مقابل خاطره‌ی وزیر امور اقتصادی و دارایی در این زمینه بابت برخی اقدامات قابل تأمل است: ایشان عنوان نمودند (نقل به مضمون) در مقطع دوران تصدی‌ام تمامی پیشنهادهای ارائه‌شده برای انتصاب رئیس هیأت عالی نظارت یکی از سازمان‌های زیرمجموعه، از میان مستخدمان همان سازمان بوده است. ایشان اظهار داشتند که از این موضوع متعجب شدند که به من گفتند این رویه همیشگی بوده است. در صورتی که بدیهی است که در وضعیتی که انتخاب ناظر از میان مدیران مجموعه‌ی تحت نظارت انجام شود نمی‌توان انتظار نظارت مستقل و بی‌طرفانه داشت. از این‌رو، این پیشنهادها را نپذیرفته و یکی از نمایندگان ادوار مجلس را که خارج از ساختار سازمان قرار داشت، برای این مسئولیت انتخاب کردم. به گفته‌ی ایشان، در فرآیند این انتخاب نیز فشارهایی وجود داشت و توصیه می‌کردند که خارج از سازمان انتخاب نکنید و اگر اصرار دارید حداقل فرد مورد نظر به‌عنوان عضو هیأت منصوب شود و ریاست هیأت را بر عهده نگیرد؛ اما برای اولین بار در تاریخ سازمان با توجه به ضرورت جلوگیری از شکل‌گیری تعارض منافع و علی‌رغم میل باطنی ارکان اجرایی، این پیشنهاد را نپذیرفتم.

سکه‌ی مدیریت تعارض منافع دو رو دارد؛ روی نخست، ناظر بر شناسایی موقعیت‌های تعارض، تدوین مقررات، استقرار نظام‌های نظارتی و پایشی و اعمال مؤثر ضوابط است؛ و روی دیگر، به جاری‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و الزامات اخلاقی و رفتاری در سازمان و جامعه بازمی‌گردد. تعارض منافع پدیده‌ای چندوجهی است که اگرچه ابعاد حقوقی، مدیریتی و ساختاری



عهده‌ی بازرس نهاده و مقرر می‌دارد که وی باید اطمینان حاصل کند حقوق صاحبان سهام در حدود قانون و اساسنامه به‌طور یکسان رعایت شده است. بنابراین، بازرس مکلف است موارد تعارض منافع میان سهام‌داران را شناسایی، گزارش و درباره‌ی رعایت حقوق آنان اطمینان‌بخشی نماید. این جایگاه ممتاز، رکن بازرسی را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت تعارض منافع در شرکت‌های سهامی تبدیل کرده است.

به عنوان مثالی از مقابله با تضاد منافع در بخش دولتی ایران، رفتار رئیس هیأت نظار بانک مرکزی در این زمینه ستودنی و آموزنده است. در سال ۱۴۰۱، در جریان بررسی کارشناسی اصلاح اساسنامه‌ی بانک مرکزی در کمیسیون اقتصادی، یکی از مباحث مهم، ترکیب رکن «هیأت نظار» بود. در اساسنامه‌ی اولیه، این هیأت متشکل از پنج نفر حسابرِس پیش‌بینی شده بود؛ اما دیدگاه غالب اعضای کمیسیون بر این بود که به‌منظور بهره‌گیری از تخصص‌های متنوع‌تر، ترکیب هیأت به سه نفر حسابرِس و دو نفر اقتصاددان تغییر یابد و ریاست هیأت نیز از میان اقتصاددانان انتخاب شود. این پیشنهاد پس از بررسی و رأی‌گیری به تصویب رسید و در نهایت در متن قانون درج شد. در جریان این مباحث، دیدگاه دیگری نیز مطرح شد که بر حفظ ترکیب پنج‌نفره از میان حسابداران رسمی تأکید داشت. استدلال مطرح‌کنندگان این دیدگاه آن بود که اقتصاددانان، علی‌رغم دانش تخصصی در حوزه‌ی اقتصاد، الزاماً بر اصول

آن اهمیت فراوانی دارد، اما بنیان و شالوده‌ی تمامی این ابعاد، وجه اخلاقی آن است. اخلاق، برخلاف بسیاری از مهارت‌ها، صرفاً از مسیر آموزش مستقیم و انتقال کلامی آموخته نمی‌شود؛ بلکه بیش از آن که شنیدنی باشد، دیدنی است. فضایل اخلاقی باید در رفتار و کردار انسان‌ها تجلی یابد تا مشاهده، سرمشق‌گیری، تکثیر و در نهایت نهادینه شود. همان گونه که فضایل طبیعی موجب حاصلخیزی زمین و باروری آن می‌شوند، فضایل اخلاقی نیز زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت‌های اخلاقی و استوار می‌گردند. از این منظر، مدیریت تعارض منافع صرفاً با تعریف مفاهیم، تدوین قوانین و وضع مقررات محقق نمی‌شود؛ زیرا اگر اخلاق و رفتار مسئولانه در تاروپود فعالیت‌های اجتماع جاری نشود، نظام مدیریت تعارض منافع صرفاً به مجموعه‌ای از فرآیندهای شکلی و ظاهری تبدیل خواهد شد. تمرکز یک‌جانبه بر ضابطه‌گذاری، بدون توجه به فرهنگ اخلاقی، در نهایت به «مهندسی تعارض منافع» می‌انجامد؛ یعنی کنترل ظاهری موقعیت‌ها بدون آن که ریشه‌های شکل‌گیری آن‌ها از میان برود. از این رو، مدیریت اثربخش تعارض منافع نیازمند آن است که اصول اخلاقی و رفتاری در تمامی سطوح جامعه و سازمان جاری و نهادینه شود. خداوند متعال در سوره مبارکه شمس می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (به‌راستی رستگار شد آن کس که نفس خویش را پاکیزه ساخت، و زیانکار گردید آن کس که آن را به پلیدی آلود). این آیه‌ی شریفه بر اهمیت تزکیه و پرورش درونی انسان تأکید دارد؛ چراکه اصلاح رفتارهای اجتماعی و حرفه‌ای، پیش از هر چیز از اصلاح شخصیت و منش فردی آغاز می‌شود. پرورش فضایل اخلاقی در افراد، شخصیت‌هایی اخلاق‌مدار می‌سازد که خود به الگوهای الهام‌بخش برای دیگران تبدیل می‌شوند و زمینه‌ی گسترش رفتارهای صحیح را فراهم می‌کنند. الگوبرداری از شخصیت‌های اخلاقی، در حوزه‌ی مدیریت تعارض منافع نقشی اساسی و کاربردی دارد. در آموزه‌های اسلامی نیز بر این حقیقت تأکید شده است: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اُلْسِنَتِكُمْ» مردم را با کردار خویش به سوی نیکی دعوت کنید، نه صرفاً با زبان. زیرا انسان صرفاً از طریق شنیدن، به فضیلت اخلاقی دست نمی‌یابد؛ بلکه اخلاق را در رفتار و منش انسان‌های اخلاقی مشاهده می‌کند و از آنان می‌آموزد. ما درستکاری، بی‌طرفی، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، رازداری و آداب رفتار حرفه‌ای را زمانی به‌درستی درک و به کار می‌بندیم که این ارزش‌ها را در عملکرد مقامات، مدیران، همکاران، پیشکسوتان و خود مشاهده و درک کنیم و آن‌ها را به‌صورت عملی تجربه نماییم. بنابراین، وجود الگوهای اخلاقی در محیط‌های حرفه‌ای ضرورتی انکارناپذیر است؛ چراکه افراد برای رشد اخلاقی نیازمند مشاهده نمونه‌های عینی و ملموس از رفتار درست هستند. بی‌توجهی به موقعیت‌های تعارض

منافع توسط حاکمیت و مسئولان ذیربط، به‌تدریج موجب توجیه و قبح زدایی و رسوب آن می‌شود. از این رو، مقابله با تعارض منافع مستلزم ترکیبی متوازن از قانون‌گذاری، نظارت و مهم‌تر از همه، تقویت فرهنگ اخلاقی است.

در حوزه‌ی حسابرسی صورت‌های مالی، مدیریت تعارض منافع در دو بخش خصوصی (جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران) و دولتی (سازمان حسابرسی) به شرح زیر قابل بررسی است:

الف (جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران):

نخستین گام در مدیریت تعارض منافع، شناسایی دقیق موقعیت‌های ایجادکننده تعارض و تدوین مقررات و سازوکارهای مناسب برای پیشگیری و پایش آن است. در آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی، «بی‌طرفی» به‌عنوان یکی از اصول بنیادی رفتار حرفه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل مقرر می‌دارد: «اعمال قضاوت حرفه‌ای یا تجاری بدون اثرپذیری از جانب‌داری، تعارض منافع، نفوذ نابجا یا اتکای نابجا بر افراد، سازمان‌ها، فناوری یا سایر عوامل». از منظر مفهومی، بی‌طرفی (Objectivity) به معنای رهایی از جانب‌داری، تعصب و پیش‌داوری و برخورداری از رویکردی واقع‌بینانه و منصفانه است؛ در مقابل، جانب‌داری، تعصب، طرفداری و تأثیرپذیری ناروا، در تضاد آشکار با این اصل قرار دارند. در این چارچوب، نقض بی‌طرفی می‌تواند ناشی از جانب‌داری، تعارض منافع و نفوذ نابجای دیگران باشد که همگی از مصادیق خدشه به استقلال حرفه‌ای محسوب می‌شوند.

استقلال و بی‌طرفی دو مفهوم به‌هم‌پیوسته و مکمل یکدیگرند؛ به‌گونه‌ای که تحقق یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. بی‌طرفی، وصفی ذهنی است و به معنای نداشتن تمایل یا گرایش خاص نسبت به اشخاص، موضوعات یا منافع معین است؛ در حالی که استقلال، وصفی عینی بوده و به معنای مصونیت از نفوذ، فشار و وابستگی‌هایی است که می‌تواند قضاوت حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، استقلال پیش‌شرط و زمینه‌ساز بی‌طرفی است و همچون ابزاری برای صیانت از آن عمل می‌کند. استقلال ممکن است بدون ظهور کامل بی‌طرفی وجود داشته باشد، اما بی‌طرفی واقعی بدون برخورداری از استقلال امکان تحقق ندارد. در حقیقت، بی‌طرفی، نتیجه و نمود عملی استقلال است؛ زیرا فرد وابسته نمی‌تواند قضاوتی کاملاً بی‌طرفانه و فارغ از تأثیرات بیرونی ارائه کند.

با توجه به نقش و کارکرد اساسی حسابرسی در اظهارنظر نسبت به مطلوبیت و منصفانه بودن صورت‌های مالی، مدیریت تعارض منافع در حسابرسی از اهمیتی بنیادین برخوردار است؛ چراکه هرگونه خلل در این زمینه می‌تواند اعتبار قضاوت حرفه‌ای حسابرس و در نهایت قابلیت اتکای صورت‌های مالی را مخدوش سازد. تعارض منافع در حسابرسی مفهومی دو سویه دارد: از یک سو، حرفه‌ی حسابرسی و شخص حسابرس

باید خود از هرگونه موقعیت تعارض منافع مصون باشد؛ و از سوی دیگر، باید توانایی شناسایی، ارزیابی و گزارش آثار تعارض منافع موجود در فعالیت‌ها و تصمیمات صاحب‌کار را داشته باشند. از این‌رو، همان‌گونه که در حکمت مشهور آمده است: «رطب خورده، منع رطب چون کند؟»؛ تسلط عمیق بر چارچوب‌های نظری، درک صحیح مبانی آن و به‌کارگیری دقیق الزامات اخلاقی، ضرورتی مضاعف برای اعضای حرفه‌ای حسابرسی به شمار می‌آید.

نقض اصول بنیادی آیین رفتار حرفه‌ای و بی‌توجهی به الزامات اخلاقی آن، صرفاً یک تخلف حرفه‌ای تلقی نمی‌شود؛ بلکه نشانه‌ای از کاستی اخلاقی است که پیامد نهایی آن، تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی و زوال اعتماد عمومی نسبت به حرفه‌ی حسابرسی خواهد بود. حفظ اعتماد عمومی، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی این حرفه است و پاسداری از آن جز از مسیر استقلال، بی‌طرفی و پایبندی مستمر به اصول اخلاقی امکان‌پذیر نیست.

شناسایی و مقررات‌گذاری تعارض منافع در آیین رفتار حرفه‌ای مصوب جامعه حسابداران رسمی ایران در جدول یک ارائه شده است.

طبق اساسنامه‌ی جامعه ارایه‌ی سایر خدمات حرفه‌ای و تخصصی هم‌زمان با ارایه‌ی خدمات حسابرسی صورت‌های مالی و بازرسی قانونی (موضوع ماده واحده) کلاً ممنوع می‌باشد. بنابراین مصادیق و نمونه‌های ذکر شده در بخش ۳۱۰ آیین رفتار حرفه‌ای طبق اساسنامه جامعه نیز ممنوعیت دارد و به‌صورت دوقبضه مقررات‌گذاری و تحدید شده است.

سایر مصادیق تعارض منافع متداول در بخش استقلال آیین رفتار حرفه‌ای طبقه بندی شده است (جدول دو).

بنابراین به‌نظر می‌رسد مصادیق اصلی تعارض منافع شناسایی و مقررات‌گذاری شده است. حال قدم بعدی ضمانت اجرای این ضوابط است. در بخش ضمانت اجرای آیین رفتار حرفه‌ای آمده است:

۱. بیشتر حسابداران رسمی بدون نیاز به اجبار یا نگرانی

جدول یک - تعارض منافع در آیین رفتار حرفه‌ای

بخش	تعریف و مصادیق تضاد منافع
۳۱۰۲	تضاد منافع، خطر نقض اصل واقع‌بینی را پدید می‌آورد و می‌تواند خطر نقض دیگر اصول بنیادی را نیز سبب شود. چنین خطرهایی می‌تواند در موارد زیر پدید آید: الف) ارائه‌ی یک خدمت حرفه‌ای مربوط به یک موضوع خاص به دو یا چند صاحب‌کار که درباره‌ی موضوع مورد نظر با یکدیگر تضاد منافع دارند؛ یا ب) منافع حسابدار حرفه‌ای نسبت به یک موضوع خاص با منافع صاحب‌کاری که حسابدار حرفه‌ای، یک خدمت حرفه‌ای مربوط به آن موضوع را برای آن انجام می‌دهد، در تضاد است.
۳۱۰۳	این بخش، الزامات خاص و توضیحات کاربردی مرتبط با به‌کارگیری چارچوب نظری برای تضاد منافع را بیان می‌کند. هنگامی که خدمات حسابرسی، بررسی اجمالی یا سایر خدمات اطمینان‌بخشی ارائه می‌شود، استقلال حسابدار حرفه‌ای نسبت به صاحب‌کار نیز بر طبق استانداردهای بین‌المللی استقلال، لازم است.
۳۱۰۴	یک حسابدار حرفه‌ای نباید اجازه دهد که یک مورد تضاد منافع، قضاوت حرفه‌ای یا تجاری وی را خدشه‌دار کند.
۳۱۰۴	نمونه‌هایی از وضعیت‌هایی که در آن، تضاد منافع می‌تواند پدید آید: ارائه‌ی خدمات مشاوره درباره‌ی معامله‌ای به صاحب‌کاری که در پی تحصیل یکی از صاحبکاران مؤسسه است و مؤسسه در جریان حسابرسی خود به اطلاعات محرمانه‌ای دست یافته است که می‌تواند به آن معامله، مربوط باشد. مشاوره‌ی هم‌زمان به دو صاحب‌کاری که بر سر تحصیل یک شرکت با هم رقابت دارند و نظر مشورتی حسابدار حرفه‌ای می‌تواند بر وضعیت رقابتی آن‌ها اثر داشته باشد. ارائه‌ی خدمات، هم به فروشنده و هم به خریدار در یک معامله. ارائه‌ی خدمات ارزیابی دارایی‌ها برای دو طرفی که در مورد آن دارایی‌ها، باهم رقابت دارند. نماینده‌ی دو صاحب‌کار در یک دعوای حقوقی بر سر یک موضوع، مانند تشریفات طلاق یا انحلال یک مشارکت تضامنی. ارائه‌ی گزارش خدمت اطمینان‌بخش در باره‌ی حق امتیاز دریافتی براساس قرارداد مربوط به صاحب‌امتیاز به‌طور هم‌زمان با ارائه‌ی خدمات مشاوره به امتیاز گیرنده درباره‌ی درستی مبالغ پرداختنی. ارائه‌ی مشاوره به یک صاحب‌کار برای سرمایه‌گذاری در بنگاهی که، مثلاً، همسر حسابدار حرفه‌ای شاغل در حرفه، در آن بنگاه دارای منافع مالی است. ارائه‌ی مشاوره‌ی راهبردی به صاحب‌کاری در زمینه‌ی وضعیت رقابتی آن در حالی که با یکی از رقبای عمده‌ی صاحب‌کار، مشارکت خاص یا ترتیبات مشارکتی مشابه دارد. ارائه‌ی مشاوره به صاحب‌کاری برای تحصیل بنگاهی که مؤسسه نیز خواهان تحصیل آن است. ارائه‌ی مشاوره به صاحب‌کاری درباره‌ی خرید کالا یا خدمت درحالی که قرارداد حق امتیاز یا کمیسیون با یکی از فروشندگان بالقوه‌ی آن کالا یا خدمت دارد.

جدول دو - سایر مصادیق تعارض منافع

بخش	هدایا و پذیرایی
۱-۲۶۰	گاه، صاحب‌کاری ممکن است به حسابدار رسمی شاغل، اعضای خانواده یا بستگان نزدیک وی، پیشنهاد هدیه یا پذیرایی بدهد. چنین پیشنهادی می‌تواند خطر نقض اصول بنیادی را در پی داشته باشد. برای مثال، پذیرش هدیه می‌تواند به دلیل توجه به منافع شخصی یا قرابت، خطر نقض اصل واقع بینی را پدید آورد؛ خطر تهدید فاش شدن این‌گونه پیشنهادات می‌تواند سبب نقض اصل واقع بینی را فراهم آورد.
بخش	اشتغال در بنگاه صاحب‌کار حسابرسی
۱۲۹-۲۹۰	در مواردی که عضو هیأت مدیره یا مدیر اجرایی صاحب‌کار حسابرسی یا یکی از کارمندان آن بنگاه که می‌تواند بر تهیه اسناد و مدارک حسابداری صاحب‌کار یا صورت‌های مالی مورد حسابرسی مؤسسه، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، پیش‌تر عضو گروه حسابرسی یا شریک مؤسسه بوده است، خطرهای قرابت یا تهدید می‌تواند پدید آید.
۱۳۲-۲۹۰	چنانچه یکی از شرکای سابق مؤسسه به یک بنگاه اقتصادی و در یکی از سمت‌های یاد شده در بند ۱۲۹-۲۹۰ بالا پیوسته باشد و آن بنگاه سپس جزء صاحب‌کاران حسابرسی مؤسسه درآید، تعیین خدشه‌دار شدن یا نشدن استقلال، مستلزم قضاوت حرفه‌ای است. در هر حال، پذیرش این‌گونه صاحب‌کاران تنها پس از سپری شدن دو سال از تاریخ خروج آن شریک، مجاز است.
۱۳۴-۲۹۰	هنگامی که یکی از شرکا با سمت‌های زیر به یکی از صاحب‌کاران حسابرسی که شرکت سهامی عام است می‌پیوندد، خطرهای قرابت یا تهدید پدید می‌آید: (الف) عضو هیأت مدیره یا مدیر اجرایی؛ یا (ب) کارمند با سمتی که بتواند بر تهیه اسناد و مدارک حسابداری یا صورت‌های مالی مورد حسابرسی مؤسسه تأثیر قابل ملاحظه داشته باشد. در چنین حالتی، استقلال خدشه‌دار محسوب می‌شود مگر آن که پس از خارج شدن آن شریک از جمع شرکای مسئول کار، آن شرکت سهامی عام صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را دست‌کم برای سه دوره دوازده ماهه‌ای منتشر کرده باشد که شریک مزبور، عضو گروه حسابرسی آن صورت‌های مالی نبوده باشد.
۱۳۵-۲۹۰	هنگامی که شریک یا مدیر عامل مؤسسه (یا هم سطح آن) با سمت‌های زیر به یکی از صاحب‌کاران حسابرسی که شرکت سهامی عام است می‌پیوندد، خطر تهدید پدید می‌آید: الف- کارمند با سمتی که بتواند بر تهیه اسناد و مدارک حسابداری یا صورت‌های مالی صاحب‌کار تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد؛ یا ب- عضو هیأت مدیره یا مدیر اجرایی. در چنین حالتی، استقلال خدشه‌دار محسوب می‌شود مگر آن که سه سال از شریک یا مدیر عامل مؤسسه (یا هم سطح آن) بودن آنان، سپری شده باشد.
بخش	استفاده از خدمات شاغلان سابق در بنگاه صاحب‌کار حسابرسی
۱۳۷-۲۹۰	اشتغال یکی از اعضای سابق هیأت مدیره، مدیران اجرایی یا کارکنان بنگاه صاحب‌کار حسابرسی در گروه حسابرسی همان بنگاه می‌تواند خطرهای منافع شخصی، خودبینی در تجدید نظر یا قرابت را پدید آورد. چنین مخاطراتی در مواردی ایجاد می‌شود که مثلاً، عضو مزبور ملزم به ارزیابی عنصری از صورت‌های مالی بنگاه صاحب‌کار حسابرسی است که وی در دوران خدمت در آن بنگاه، اسناد و مدارک حسابداری آن را تهیه کرده است.
۱۳۸-۲۹۰	چنانچه در دوره مورد گزارش، یکی از اعضای سابق هیأت مدیره، مدیران اجرایی یا کارکنان بنگاه صاحب‌کار حسابرسی که توانایی تأثیر قابل ملاحظه بر تهیه اسناد و مدارک حسابداری یا صورت‌های مالی مورد حسابرسی مؤسسه را داشته است به عضویت گروه حسابرسی همان بنگاه درآمده باشد، خطر پدیدآمده در حدی است که هیچ تدبیر ایمن‌سازی نمی‌تواند آن را به سطحی پذیرفتنی، کاهش دهد. از این‌رو چنین افرادی نباید در گروه حسابرسی آن بنگاه، به کار گرفته شوند.
۱۳۹-۲۹۰	چنانچه پیش از دوره مورد گزارش، یکی از اعضای سابق هیأت مدیره یا مدیران اجرایی یا یکی از کارکنان سابق صاحب‌کار حسابرسی که در سمتی شاغل بوده که توانایی تأثیرگذاری قابل ملاحظه بر تهیه اسناد و مدارک حسابداری یا صورت‌های مالی مورد حسابرسی مؤسسه داشته است به عضویت گروه حسابرسی همان بنگاه درآمده باشد، خطرهای منافع شخصی، خودبینی در تجدید نظر یا قرابت می‌تواند پدید آید. برای مثال، چنانچه قرار باشد تصمیم گرفته شده یا کار انجام شده توسط فرد مزبور در دوره گذشته و در زمان اشتغال وی در بنگاه صاحب‌کار، به‌عنوان بخشی از کار حسابرسی دوره جاری مورد ارزیابی قرار گیرد، چنین مخاطراتی پدید خواهد آمد. وجود و اهمیت این‌گونه مخاطرات به عواملی چون موارد زیر بستگی دارد: سمت آن فرد در بنگاه صاحب‌کار؛ فاصله زمانی سپری‌شده از خروج آن فرد از بنگاه صاحب‌کار؛ و نقش آن فرد در گروه حسابرسی. اهمیت این‌گونه مخاطرات باید ارزیابی و تدابیر ایمن‌ساز مقتضی برای رفع یا کاهش آن به سطحی پذیرفتنی، به کار گرفته شود. بازبینی کار انجام شده توسط آن فرد به عنوان عضوی از گروه حسابرسی، نمونه‌ای از این‌گونه تدابیر ایمن ساز است.

از تنبیه انضباطی، اصول و ضوابط رفتار حرفه‌ای را رعایت می‌کنند. اما مواردی پیش می‌آید که این ضوابط، آشکارا یا به دلیل اشتباه یا برداشت نادرست از آن، نقض می‌شود. اطمینان یافتن عموم ذی‌نفعان از این که قصور در رعایت آیین رفتار، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اعمال مقررات صورت می‌پذیرد به نفع حرفه و اعضای آن است. بنابراین، حسابداران رسمی باید آگاه باشند که قصور در رعایت آیین رفتار یا عدم توانایی در توجیه منطقی انحراف از آن، ممکن است تخلف حرفه‌ای تلقی شود و تنبیه انضباطی را به همراه داشته باشد.

۲) تنبیه‌های انضباطی در موارد زیر اعمال می‌شود:

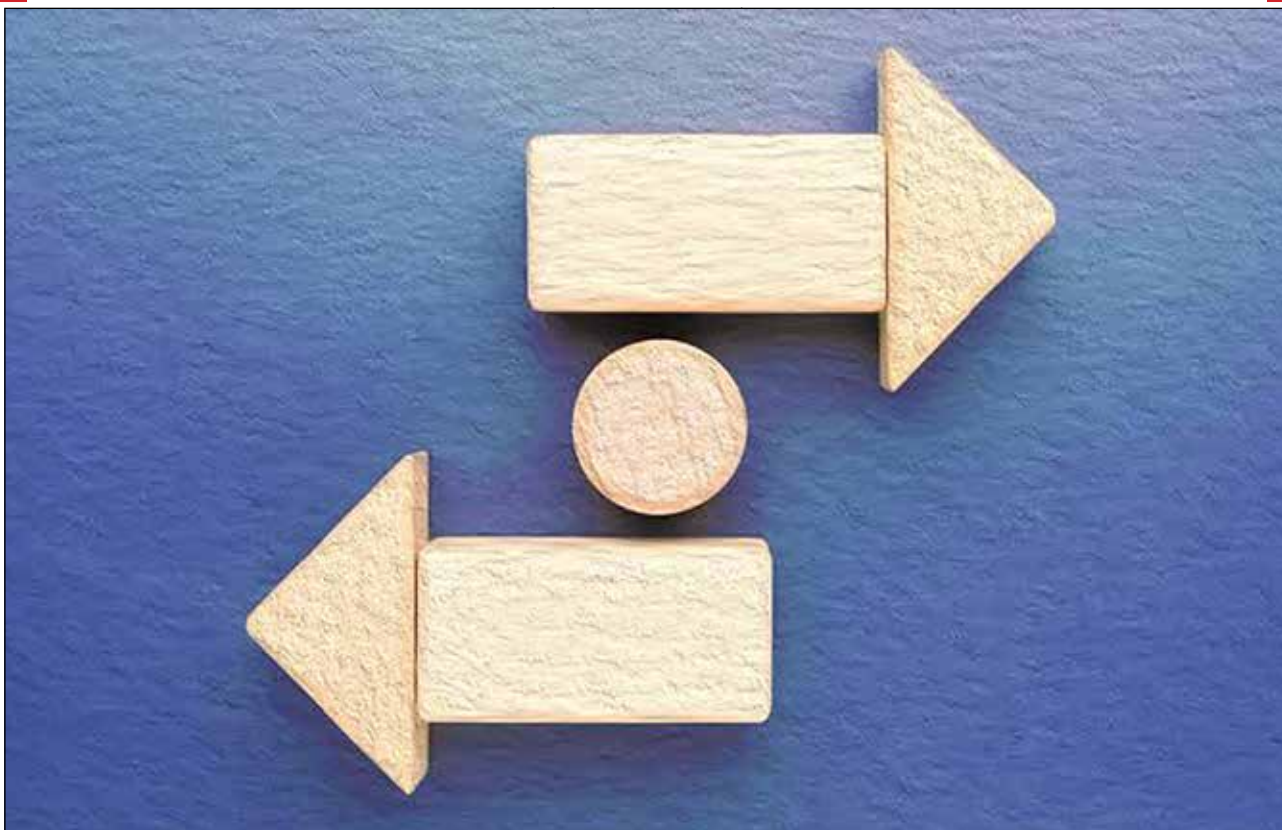
الف) کوتاهی در رعایت اصول و ضوابط حرفه‌ای، به‌ویژه، ضوابط مربوط به صلاحیت و مراقبت‌های حرفه‌ای. ب) رعایت نکردن احکام آیین رفتار. پ) رفتار خلاف شئون. ت) رعایت نکردن مفاد ماده واحده «قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار

رسمی» و آیین‌نامه‌های مربوط. ث) رعایت نکردن مفاد اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و مؤسسات حسابرسی و آیین‌نامه‌های مربوط. ج) رعایت نکردن سایر مقررات و آیین‌نامه‌های جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران (شامل مصوبات شورای عالی، هیأت مدیره، کارگروه‌های تخصصی و...). چ) رعایت نکردن سایر قوانین و مقررات مربوط. ۳) ترتیب رسیدگی به تخلفات در فصل پنجم اساسنامه‌ی

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران بیان شده است. ۴) تنبیه‌های انضباطی ۲۵۹ تخلف احصاء شده وفق جدول تخلفات آیین‌نامه‌ی اجرایی هیأت‌های انتظامی، مشتمل بر این موارد است: ۱- اخطار بدون درج در پرونده، ۲- توبیخ با درج در پرونده، ۳- ممنوعیت انعقاد هرگونه قرارداد خدمات حرفه‌ای و تخصصی و پذیرش بازرسی قانونی و حسابرسی در دوره‌ی معین، ۴- تعلیق عضویت تا یکسال، ۵- تعلیق عضویت از یک تا پنج سال و ۶- لغو عنوان حسابدار رسمی.

جدول ۳. مدیریت تعارض منافع در اساسنامه‌ی جامعه حسابداران رسمی ایران

شماره تبصره و ماده	اساسنامه‌ی جامعه
تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۵	اعضای کارگروه‌های تخصصی پایش (کنترل) کیفیت و آیین رفتار حرفه‌ای نباید از دو سال گذشته تا تاریخ انتخاب، مسئولیتی از منظر حسابرسی و یا بازرسی قانونی شرکت‌ها در مؤسسات حسابرسی داشته باشند. همچنین این اعضا نباید سهام‌دار یا از شرکای مؤسسات حسابرسی باشند.
تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۱۵	اعضای کارگروه‌های تخصصی پایش (کنترل) کیفیت و آیین رفتار حرفه‌ای، در صورت وجود موارد زیر، نمی‌توانند اقدام به رسیدگی به موضوع نمایند: الف - بین عضو کارگروه با یکی از مدیران، شرکا و حساب‌رسان مؤسسات حسابرسی یا شاغل انفرادی، قرابت نسبی یا سببی درجه‌سوم از هر طبقه وجود داشته باشد. ب - عضو کارگروه، قیم یا مخدوم یکی از مدیران، شرکا و حساب‌رسان مؤسسات حسابرسی یا شاغل انفرادی باشد و یا یکی از آن‌ها مباشر یا متکفل امور عضو کارگروه یا همسر او باشد. پ - عضو کارگروه یا همسر یا فرزندان او، وارث یکی از مدیران، شرکا و حساب‌رسان مؤسسات حسابرسی یا شاغل انفرادی باشد. ت - عضو کارگروه یا همسر یا فرزندان او دارای نفع شخصی در موضوع مطرح باشند. ث - عضو کارگروه دارای رابطه‌ی استخدامی اعم از دائم، موقت، مشاوره و غیره با مؤسسات حسابرسی باشد.
تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۶	سه نفر اعضای هیأت {عالی نظارت} به شرح صدر ماده‌ی (۱۶) این اساسنامه باید از دو سال قبل تا تاریخ انتخاب، مسئولیتی از بابت حسابرسی و بازرسی قانونی در مؤسسات حسابرسی نداشته باشند و همچنین نباید با سهام‌داران یا شرکا، مدیران و حساب‌رسان مؤسسات حسابرسی یا شاغل انفرادی قرابت سببی و نسبی داشته باشند.
تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۶	کلیه‌ی اعضای هیأت عالی نظارت در حین مسئولیت و تا دو سال پس از اتمام مسئولیت در هیأت مذکور نمی‌توانند به‌عنوان حسابرس و یا بازرس قانونی شرکت‌ها و یا سهام‌داران یا شرکا، مدیران و حساب‌رسان مؤسسات حسابرسی یا شاغل انفرادی باشند و یا با آن‌ها قرابت سببی و نسبی داشته باشند.
تبصره‌ی ۶ ماده‌ی ۳۳	اعضای هیأت‌های انتظامی مشمول تبصره‌ی (۳) ماده‌ی (۱۵) این اساسنامه می‌باشند.
ماده‌ی ۳۴	هیأت عالی انتظامی مرکب از سه عضو اصلی و سه عضو علی‌البدل است. هیأت یاد شده با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: یک نفر حسابدار رسمی غیرشاغل (عدم‌داشتن مسئولیت حسابرسی و یا بازرسی قانونی در مؤسسات حسابرسی و همچنین عدم شراکت و یا سهام‌داری در مؤسسات حسابرسی از دو سال گذشته تا تاریخ انتخاب) به انتخاب هیأت عالی نظارت، یک نفر حسابدار رسمی غیرشاغل (عدم‌داشتن مسئولیت حسابرسی و یا بازرسی قانونی در مؤسسات حسابرسی و همچنین عدم شراکت و یا سهام‌داری در مؤسسات حسابرسی از دو سال گذشته تا تاریخ انتخاب) به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی، یک نفر متخصص رشته‌ی حقوق به انتخاب وزیر دادگستری.
تبصره‌ی ۶ ماده‌ی ۳۴	اعضای هیأت عالی انتظامی یا همسر یا فرزندان وی، دارای نفع شخصی در موضوع مطرح نباشند.
تبصره‌ی ۷ ماده‌ی ۳۴	اعضای هیأت عالی انتظامی دارای رابطه‌ی استخدامی اعم از دائم یا موقت، مشاوره و غیره با مؤسسه‌ی حسابرسی نباشند.



۵) تنبیه های انتظامی ردیف های ۳ به بعد در روزنامه‌ی کثیرالانتشار جامعه چاپ و به اطلاع عموم می‌رسد. مدیریت تعارض منافع در اساسنامه‌ی جامعه حسابداران رسمی ایران در جدول سه ارائه شده است.

به نظر می‌رسد در حوزه‌ی حسابرسی بخش خصوصی مدیریت تعارض منافع (شناسایی، مقررات گذاری، نظارت و پایش و اعمال مقررات) کفایت لازم و کافی را دارد.

ب) سازمان حسابرسی:

سازمان حسابرسی همواره در عرصه‌ی افکار عمومی، خود را پیشگام مبارزه با تعارض منافع و فساد معرفی کرده و بر ضرورت استقرار نظام حاکمیت شرکتی تأکید ورزیده است. با این حال، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا این سازمان در عمل نیز به همان معیارهایی پایبند است که دیگران را به رعایت آن فرا می‌خواند؟ بر اساس بند (ح) ماده‌ی (۷) اساسنامه‌ی سازمان حسابرسی، یکی از وظایف این سازمان «تدوین موازین اخلاقی و رفتار حرفه‌ای حسابرسان سازمان بر اساس اصول و موازین اسلامی» تعیین شده است. در اجرای این تکلیف قانونی، متن «آیین رفتار حرفه‌ای» در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان حسابرسی منتشر شده که مشتمل بر ۳۷ بخش بوده و بخش شانزدهم آن به موضوع تعارض منافع اختصاص یافته است. با بررسی محتوای این آیین‌نامه، به نظر می‌رسد که عمدتاً برگرفته از

نسخه‌ی سال ۱۹۹۶ آیین اخلاق حرفه‌ای فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) باشد؛ متنی که نه تنها با چارچوب نظری، ساختار و الزامات مندرج در «کد بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای حسابداران» (IESBACode) همخوانی ندارد، بلکه با نسخه‌های متأخر و روزآمد این مقررات نیز فاصله‌ی چشمگیر دارد. این در حالی است که آیین‌های اخلاقی منتشرشده توسط هیأت بین‌المللی استانداردهای اخلاقی برای حسابداران (IESBA) از زمان انتشار اولیه در سال ۲۰۰۵ تاکنون، به‌طور مستمر مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته و در سال ۲۰۲۴ نیز دستخوش تحولات بنیادین و بازطراحی‌های گسترده شده است. بدیهی است اتکال به متنی منسوخ و انتشار آن - آن هم صرفاً به‌صورت نسخه‌برداری - نمی‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی آخرین تحولات، الزامات و رویکردهای حرفه‌ای در حوزه‌ی تعارض منافع باشد. از این رو، انتظار می‌رود سازمان حسابرسی، به‌عنوان مرجع رسمی و متولی تدوین استانداردهای حرفه‌ای در کشور، نسبت به بازنگری و به‌روزرسانی این آیین‌نامه اقدام کرده و ضمن تطبیق آن با آخرین نسخه‌های معتبر بین‌المللی، ملاحظات و تکالیف مقرر در اساسنامه‌ی خود (دال بر رعایت موازین اسلامی) را نیز به‌نحو شایسته در آن منعکس سازد تا انطباق آن با استانداردهای روز اخلاق حرفه‌ای تضمین شود.

به‌رغم ملاحظات بالا، مفاد منتشرشده در این آیین‌نامه به شرح زیر است:

۱۶. تضاد منافع

۱-۱۶- حسابداران حرفه‌ای اغلب در فرایند ارائه خدمات حرفه‌ای خود با موضوع تضاد منافع روبرو می‌شوند. این گونه موارد تضاد منافع ممکن است به شکل‌های بسیار متفاوت، از موارد نسبتاً ساده تا مسائل پیچیده‌ای چون تقلب و اعمال غیرقانونی بروز کند. هرچند ارائه‌ی فهرستی جامع از کلیه‌ی مواردی که ممکن است در آن‌ها تضاد منافع پیش آید مقدور نیست، اما حسابداران حرفه‌ای باید همواره نسبت به شرایطی که منجر به بروز تضاد منافع می‌شود، هوشیار باشند.

۱۶-۲- مسئولیت‌های حسابداران حرفه‌ای گاه با انتظارات درون و برون‌سازمانی در تضاد است. از این رو:

الف - خطر اعمال فشار می‌تواند از سوی مدیریت صاحب‌کار، همکاران ارشد حسابدار حرفه‌ای یا به واسطه‌ی روابط خانوادگی یا شخصی بروز کند. درواقع حسابدار حرفه‌ای باید از ایجاد روابط یا منافعی که می‌تواند بر کار او تأثیر نامطلوب بگذارد و به درستکاری حرفه‌ای وی لطمه وارد کند، بپرهیزد.

ب - ممکن است از حسابدار حرفه‌ای خواسته شود تا مغایر با اصول و ضوابط حرفه‌ای عمل کند.

پ - حسابدار حرفه‌ای ممکن است بین وفاداری نسبت به مافوق و رعایت اصول و استانداردهای حرفه‌ای با تضاد روبرو شود. ت - ارائه یا انتشار اطلاعات گمراه‌کننده‌ای که ممکن است در جهت منافع صاحب‌کار یا کارفرما باشد از مصادیق مفهوم تضاد منافع است، صرف‌نظر از این‌که ارائه یا انتشار چنین اطلاعاتی در جهت منافع حسابدار حرفه‌ای باشد یا نباشد.

۱۶-۳- حسابداران حرفه‌ای ممکن است در تشخیص یا نحوه‌ی برخورد با موارد خلاف شئون حرفه‌ای با مشکل روبرو شوند. اگر چنین مواردی بااهمیت باشد، حسابدار حرفه‌ای باید از خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های داخلی سازمان مربوط پیروی کند. در صورت حل‌نشدن مشکل، توجه به موارد زیر ضروری است:

الف - موضوع با مافوق مستقیم مطرح شود. چنانچه مشکل از این طریق برطرف نشد و حسابدار حرفه‌ای تصمیم به طرح آن با رده‌ی بالاتری از مدیریت گرفت، مافوق باید در جریان امر قرار گیرد. در صورتی که به نظر برسد مافوق مذکور، خود درگیر و ذی‌نفع در این موضوع است، مراتب باید به رده‌ی بالاتری از مدیریت ارجاع شود.

ب - موضوع به‌طور محرمانه با یک مشاور مستقل یا تشکل حرفه‌ای مربوط مطرح و پس از کسب نظر مشورتی، در جهت حل موضوع اقدام شود.

پ - اگر علی‌رغم انجام موارد فوق راهکار مناسب برای حل موضوع حاصل نشد به‌عنوان آخرین راه‌حل، در موارد بااهمیت (برای مثال تقلب) احتمالاً راهی جز استعفا یا کناره‌گیری همراه با ارائه‌ی یادداشتی حاوی دلایل موضوع به بالاترین

مقام مربوط وجود نخواهد داشت.

۱۶-۴- علاوه بر این، در مواردی ممکن است قوانین، مقررات یا اصول و ضوابط حرفه‌ای، گزارش برخی از موارد حادث را به مراجع ذی‌صلاح خارج از شرکت یا سازمان نظارت‌کننده‌ی مربوط پیش‌بینی کرده باشد. در این شرایط، حسابدار حرفه‌ای باید حسب مورد اقدام کند.

۱۶-۵- حسابداران حرفه‌ای که دارای سمت کلیدی در سازمان‌ها هستند باید از کفایت خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های تدوین‌شده در جهت حل‌وفصل تناقضات مربوط به رفتار حرفه‌ای اطمینان یابند.

۱۶-۶- تشکل‌های حرفه‌ای باید اطمینان یابند اعضای که با تناقضات مربوط به رفتار حرفه‌ای روبرو می‌شوند، به نظرات مشورتی و رهنمودهای قابل اطمینان دسترسی دارند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مبانی نظری، تعاریف و مصادیق تعارض منافع، چنان‌که بایسته است، متناسب محیط مقرراتی سازمان نیست.

ضمانت اجرای احکام:

در بخش ضمانت اجرای احکام آن آمده است:

۳۵. رسیدگی انضباطی هنگامی آغاز می‌شود که حل‌وفصل موضوع به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز میسر نباشد. احکام صادره معمولاً عبارت است از:

الف- اخطار (شفاهی یا کتبی) ب - توبیخ (شفاهی یا کتبی) پ - آموزش بیشتر ت - جریمه، جبران هزینه، استرداد حق‌الزحمه‌ی دریافتی یا تکمیل کار توسط عضو دیگر به هزینه‌ی عضو خاطی ث - جلوگیری از فعالیت مستقل حرفه‌ای ج - تعلیق عضویت چ - اخراج از تشکل حرفه‌ای.

با عنایت به مراتب پیش‌گفته، ادبیات به‌کاررفته در این بخش ناظر بر یک تشکل حرفه‌ای است و ارتباطی با مؤسسه‌ی حسابرسی عضو، که موضوع اعمال مقررات بر آن مطرح است، ندارد. به بیان دیگر، مؤسسه‌ی حسابرسی به‌عنوان واحد تحت نظارت، واجد اختیار و صلاحیت اعمال مقررات انتظامی بر خویش نیست؛ بلکه این وظیفه ذاتاً بر عهده‌ی مرجع بالادستی، نهاد ناظر و تشکل حرفه‌ای ذی‌صلاح قرار دارد. از این رو، اجرای مفاد بندهای «ت»، «ث»، «ج» و «چ» توسط خود مؤسسه‌ی حسابرسی از حیث ماهیت و سازوکار اجرایی امکان‌پذیر نبوده و با اصول حاکم بر نظام نظارتی و انتظامی حرفه منافات دارد. افزون بر این، سازمان حسابرسی عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران نیست و در نتیجه، مشمول مقررات انتظامی حاکم بر اعضای آن جامعه نیز نمی‌شود. بنابراین، انتساب یا تسری کامل مفاد این بخش به سازمان حسابرسی، از منظر حقوقی و حرفه‌ای فاقد مبنای متقن است. چنانچه این بخش آگاهانه و با هدف القای برداشت نادرست به ذی‌نفعان تدوین و منتشر شده باشد، اقدامی گمراه‌کننده و مغایر با اصول اخلاقی

تلقی می‌شود؛ و اگر از روی سهو و بی‌دقتی تهیه و بارگذاری شده باشد، باز هم از منظر رعایت موازین تخصصی و حرفه‌ای، خطای جدی و غیر قابل‌اغماض به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد منشأ چنین کاستی‌هایی را باید در اتکای صرف به ترجمه و فقدان ظرفیت تألیفی جست‌وجو کرد؛ رویکردی که بدون توجه به اقتضائات حقوقی، ساختاری، حرفه‌ای و محیط بومی، صرفاً به انتقال ظاهری مفاهیم بسنده می‌کند. نهایتاً باید یادآور شد که سازمان حسابرسی، به دلیل برخورداری از جایگاه قانونی مستقل و عدم شمول مقررات انتظامی تشکل حرفه‌ای بر فعالیت آن، در وضعیتی استثنایی قرار دارد؛ وضعیتی که آن را در زمره‌ی معدود مؤسسات حسابرسی جهان قرار می‌دهد که عملاً خارج از چارچوب نظارت حرفه‌ای مستقل فعالیت می‌کند و از این حیث، نمونه‌ای کم‌نظیر از خودانظامی در عرصه‌ی حرفه‌ی حسابرسی محسوب می‌شود.

پس از ابلاغ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی در اواخر سال ۱۳۸۶، سازمان حسابرسی نیز در زمره‌ی بنگاه‌های مشمول واگذاری قرار گرفت. در پی این امر، مدیرعامل وقت سازمان حسابرسی طی نامه‌ی مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۸، با استمداد از محضر مقام معظم رهبری، خاطرنشان ساخت که سازمان حسابرسی ماهیتی بنگاه‌گونه و اقتصادی نداشته و از این رو مشمول واگذاری موضوع اصل ۴۴ نیست. متعاقب این درخواست، مقام معظم رهبری با صدور ابلاغی مقرر فرمودند: «سازمان حسابرسی با همین مأموریت‌های کنونی بماند؛ با اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، اهمیت این سازمان به حال خود باقی است یا حتی بیش از گذشته خواهد بود». این فرمان راهگشا، افزون بر تثبیت جایگاه قانونی و حرفه‌ای سازمان حسابرسی، مؤید نقش حاکمیتی و اعتماد عمومی نهفته در مأموریت‌های آن نیز هست. از این منظر، شاغلان سازمان حسابرسی را می‌توان برخورداری از جایگاهی هم‌تراز با مفهوم «حسابدار چارترد» دانست؛ چراکه خاستگاه تاریخی این عنوان در کشورهای پیشگام حرفه‌ی حسابداری نیز مبتنی بر اعطای اعتبار، اعتماد و تأیید رسمی از سوی حاکمیت به اعضای این حرفه بوده است. بر این اساس، هرگونه رویکرد تقلیل‌گرایانه نسبت به جایگاه و مأموریت‌های سازمان حسابرسی، یا استمرار سازوکارها و موقعیت‌هایی که به تعارض منافع دامن می‌زند، نه تنها موجب تضعیف منزلت حرفه‌ای این سازمان می‌شود، بلکه در کم‌ترین تعبیر، نادیده‌انگاشتن روح و مفاد آن حکم حکومتی و اجحاف در حق جایگاه راهبردی حرفه حسابرسی در نظام نظارت مالی کشور محسوب می‌شود.

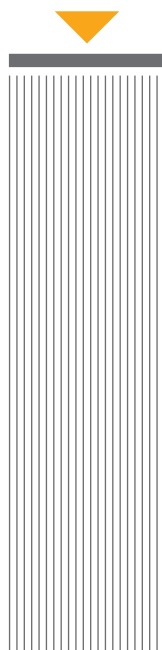
در منشور اخلاقی و رفتاری کارکنان سازمان حسابرسی، در خصوص موضوع تعارض منافع، در بند (۱۴) تصریح شده است: «در مأموریت‌های نظارتی، در مقام بازرس، آگاهیم و

متعهد می‌باشیم که منافع شخصی ما یا منافع اشخاص وابسته، آشنایان و نزدیکان مان نباید به هیچ‌وجه مانعی در مسیر اجرای دقیق قوانین و مقررات ایجاد کند». این حکم، در چارچوب سیاست‌های کلان و به‌عنوان یک جهت‌گیری اصولی، اقدامی صحیح و ضروری به شمار می‌آید؛ با این حال، تحقق عملی و اثربخشی آن مستلزم تدوین دستورالعمل‌های اجرایی روشن، دقیق و قابل پایش و سنجش است تا مصادیق، حدود و ثغور، نحوه‌ی شناسایی، گزارش و شیوه‌ی مدیریت تعارض منافع به‌صورت مشخص تبیین و از برداشته‌های متفاوت در فرآیند اجرا جلوگیری شود.

اساسنامه‌ی سازمان، نه تنها فاقد هرگونه حکم یا سازوکار مشخص در خصوص شناسایی، پیشگیری و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع است، بلکه برخی از مفاد و ساختارهای پیش‌بینی‌شده در آن، به‌گونه‌ای است که خود زمینه‌ساز بروز تعارض منافع می‌باشد. بر اساس «راهنمای شناسایی و مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع» ابلاغی سازمان اداری و استخدامی کشور به شماره ۶۳۵۳۷ مورخ ۱۳۸۷/۰۷/۱۴، موارد و مصادیق مرتبط با این موضوع به شرح زیر ارائه می‌گردد:

اتحاد قاعده‌گذار و مجری (مقررات‌گذاری بر خود):

سازمان، به موجب بند (ز) ماده (۷) اساسنامه، عهده‌دار وظیفه‌ی خطیر تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در سطح کشور است. افزون بر این، بر اساس بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د) و (هـ) همان ماده، مسئولیت انجام حسابرسی و بازرسی قانونی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها، مؤسسات بیمه‌ای و سایر اشخاص مشمول را نیز بر عهده دارد. با توجه به مبانی و معیارهای ناظر بر موقعیت‌های تعارض منافع، هرگاه یک سازمان یا شخص، هم‌زمان اختیار وضع قواعد و مقرراتی را داشته باشد که خود مجری و ناظر بر اجرای آن‌هاست، زمینه‌ی بالقوه‌ای برای تأثیرگذاری منافع شخصی یا سازمانی در فرآیند قاعده‌گذاری پدید می‌آید. چراکه ممکن است در مرحله‌ی تدوین مقررات، ملاحظات به‌گونه‌ای لحاظ شود که در زمان اجرا، از ورود زیان به خود یا مجموعه‌ی سازمانی جلوگیری کرده و حتی زمینه‌ی بهره‌مندی از نتایج آن را فراهم آورد. این در حالی است که در بسیاری از نظام‌های حرفه‌ای سایر کشورها، دو مأموریت و وظیفه‌ی یادشده به‌طور کامل از یکدیگر تفکیک شده و به نهادهای مستقل واگذار شده‌اند. در چنین نظام‌هایی، مسئولیت تدوین و تصویب استانداردها معمولاً بر عهده‌ی یک نهاد عمومی یا حاکمیتی قرار دارد، در حالی که اجرای این استانداردها و انجام امور حرفه‌ای مرتبط، به نهادی دیگر — غالباً از بخش خصوصی — سپرده می‌شود. اگرچه قانون‌گذار در مقررهای مورد اشاره از واژه‌ی «تدوین» استفاده کرده است، اما در عمل، فرآیند انجام‌شده عمدتاً ناظر



بر ترجمه و «پذیرش» استانداردهای بین‌المللی با اعمال اندک ملاحظات داخلی بوده است. با این حال، باید توجه داشت که حتی در فرضی که جمع این دو وظیفه در مقام عمل الزاماً به تعارض منافع بالفعل منجر نشود، صرف قرار گرفتن اختیار استانداردگذاری و اجرای استانداردها در یک ساختار واحد، از منظر ناظر بیرونی می‌تواند شائبه‌ی تعارض منافع را ایجاد کرده و ضرورت بازنگری در تفکیک نهادی این مسئولیت‌ها را مطرح سازد.

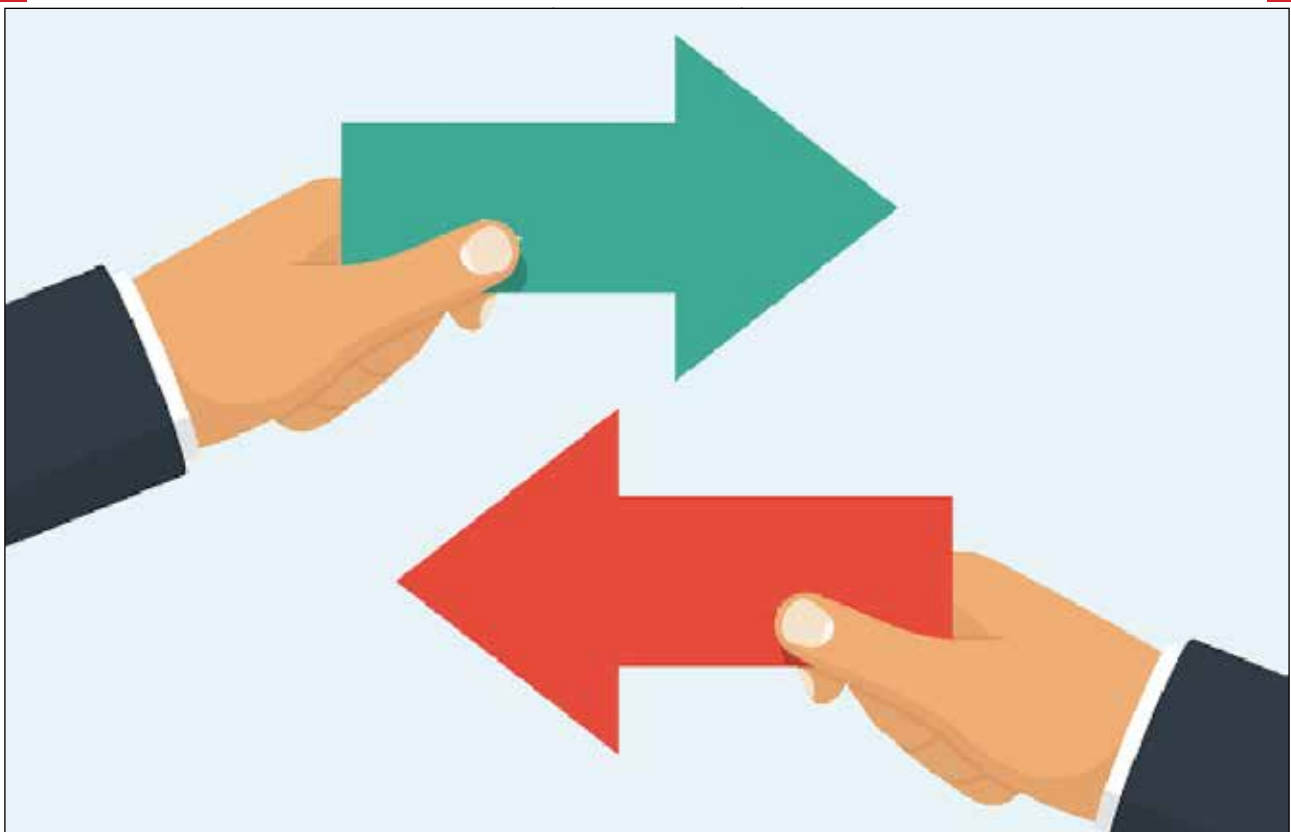
ارتباطات شغلی (پیشینی و پسینی):

اشتغال اعضای پیشین هیأت مدیره و مدیران اجرایی صاحب‌کار در گروه حسابرسی همان صاحب‌کار، زمینه‌ساز شکل‌گیری تعارض منافع ناشی از روابط شغلی پیشین بوده و می‌تواند مخاطراتی همچون تهدید منافع شخصی و خدشه به اصل بی‌طرفی را به همراه داشته باشد. هیأت عالی نظارت، مسئولیت حسابرسی و بازرسی سازمان را نیز برعهده دارد. با این حال، در شرایطی که یکی از اعضای فعلی هیأت عالی نظارت از میان کارکنان سازمان حسابرسی منصوب شده و عضو دیگر نیز سابقاً سمت مدیرعاملی سازمان را بر عهده داشته و پس از آن به عضویت هیأت عالی نظارت درآمده است، شائبه‌ی وجود تعارض منافع ناشی از ارتباطات شغلی پیشین مطرح می‌شود. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که در آیین رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی، قرار گرفتن در چنین موقعیت‌هایی که استقلال، بی‌طرفی و قضاوت حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی همراه است. متأسفانه این رویه از زمان تأسیس سازمان تاکنون استمرار یافته و به یک چالش ساختاری تبدیل شده است. در خصوص روابط پس‌اشغلی نیز این نگرانی وجود دارد که برخی افراد، به‌ویژه در سال‌های پایانی خدمت و یا نزدیک استعفا، در تعامل با شرکت‌های مورد حسابرسی به گونه‌ای رفتار کنند که زمینه‌ی جذب آنان پس از پایان خدمت فراهم شود؛ یا با ایجاد و توسعه‌ی ارتباطات، مسیر ارجاع کارهای حسابرسی و خدمات مالی به آنان پس از خروج از سازمان یا در دوران فعالیت در مؤسسات حسابرسی خصوصی هموار گردد. در برخی موارد نیز این درخواست از سوی شرکت‌های مورد حسابرسی مطرح می‌شود.

بر این اساس، نمی‌توان چنین روابطی را خارج از چارچوب تعارض منافع تلقی کرد، مگر آن‌که این موارد به‌صورت شفاف شناسایی، برای آن‌ها مقررات مشخص تدوین، سازوکارهای نظارتی تعریف و فرآیندهای مستمر پایش و کنترل برقرار شود. در بسیاری از مؤسسات بزرگ حسابرسی بین‌المللی، برای پیشگیری از چنین مخاطراتی، در قراردادهای حسابرسی شروطی درج می‌شود که بر اساس آن، صاحب‌کار حسابرسی تا مدت معینی (معمولاً سه سال) پس از خروج اعضای گروه

حسابرسی از مؤسسه، مجاز به جذب یا استخدام آنان تحت هیچ عنوانی نیست. این محدودیت با هدف حفظ استقلال حسابرس، صیانت از اعتماد عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری روابط ناسالم حرفه‌ای اعمال می‌شود. در مقابل، در سازمان حسابرسی، موارد متعددی مشاهده شده است که مدیرعامل، اعضای هیأت عامل، مدیران ارشد، مدیران فنی، سرپرستان و سایر کارکنان پس از خروج از سازمان، بلافاصله جذب صاحب‌کاران پیشین خود شده‌اند یا در مؤسسات حسابرسی خصوصی، ارائه‌ی خدمات حسابرسی و مالی مرتبط با همان صاحب‌کاران را بر عهده گرفته‌اند. استمرار چنین روندی می‌تواند اعتبار حرفه‌ای، استقلال سازمانی و اعتماد ذی‌نفعان به فرآیند حسابرسی را با چالش جدی مواجه سازد و ضرورت بازنگری در نظام‌های مدیریت تعارض منافع، مقررات خروج از خدمت و سازوکارهای نظارتی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. اتحاد ناظر و منظور (نظارت بر خود):

مدیریت کنترل کیفیت حسابرسی در ساختار سازمانی، تحت نظارت مستقیم مدیرعامل سازمان فعالیت می‌نماید. این مدیریت مسئولیت بررسی و کنترل کیفیت گزارش‌های حسابرسی صادره را بر عهده داشته و فرآیند ارزیابی آن عمدتاً بر مبنای چک‌لیست‌های مربوط به پرونده‌های حسابرسی انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نتایج حاصل از این بررسی‌ها در قالب امتیازدهی منعکس و امتیاز مربوطه در محاسبه‌ی کارانه‌ی کارکنان اعمال می‌گردد. در عمل، این سازوکار ماهیتی مشابه نظام بررسی هم‌پیشگان دارد. با این حال، تجربه و تحولات حرفه‌ای در عرصه‌ی حسابرسی نشان می‌دهد که اتکای صرف بر نظام خودانقضایی و نظارت درون‌سازمانی، سال‌هاست در نظام‌های حرفه‌ای جهان منسوخ شده و جای خود را به سازوکارهای نظارت مستقل حرفه‌ای داده است. بر اساس مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، هرگونه قصور، تخلف یا کوتاهی حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه در انجام وظایف حرفه‌ای، توسط هیأت عالی نظارت جامعه مورد رسیدگی قرار گرفته و در صورت صدور رأی انضباطی، موضوع مطابق مقررات از طریق انتشار در روزنامه‌ی کثیرالانتشار اطلاع‌رسانی می‌شود. این در حالی است که سازمان حسابرسی، به‌عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی حسابرسی کشور، از منظر نظارت مستقل حرفه‌ای، فاقد سازوکاری مشابه سایر مؤسسات حسابرسی بزرگ جهان است. همچنین، مواردی از قبیل اشکالات و شکایات واصله درباره‌ی گزارش‌های حسابرسی ناشران بوری که در سازمان بورس و اوراق بهادار و در کمیته‌ی پذیرش و نظارت بر مؤسسات حسابرسی معتمد (با حضور نماینده‌ی سازمان حسابرسی) مطرح و بررسی می‌شود، در نهایت به خود سازمان حسابرسی ارجاع شده و فرآیند رسیدگی به آن خارج از یک چارچوب



معدن و تجارت، وزیر دادگستری، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و رئیس کل بانک مرکزی نیز به‌عنوان اعضای مجمع عمومی سازمان حسابرسی حضور دارند؛ در حالی که برخی از این وزارتخانه‌ها و نهادها از مهم‌ترین صاحب‌کاران و ذی‌نفعان خدمات حرفه‌ای سازمان حسابرسی به شمار می‌روند. مجموعه‌ی این روابط سازمانی و مدیریتی، زمینه‌ی شکل‌گیری وضعیتی پیچیده از هم‌پوشانی نقش‌ها و در نتیجه، بروز تعارض منافع ساختاری را فراهم می‌سازد؛ تعارضی که بررسی دقیق ابعاد آن از منظر حکمرانی مطلوب و استقلال حرفه‌ای ضروری است.

به‌عنوان مثال، در اواخر سال ۱۳۹۴، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اقدامی کم‌سابقه، صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک‌ها را به شبکه‌ی بانکی کشور ابلاغ کرد. در این الگو، دو صورت مالی جدید با عناوین «صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری» و «صورت تغییرات در حقوق صاحبان سهام» ارائه شد. همچنین «حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری» از طبقه‌ی بدهی‌ها تفکیک و به صورت مستقل در صورت‌های مالی منعکس گردید و یادداشت جداگانه‌ای برای تشریح ریسک‌های بانک‌ها نیز به مجموعه‌ی افشاها افزوده شد. این بدعت، موجب بروز اختلاف‌نظر حرفه‌ای میان بانک مرکزی و سازمان حسابرسی شد؛ چرا که مطابق اساسنامه‌ی قانونی، سازمان حسابرسی مرجع رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در کشور شناخته می‌شود. با این

نظارتی مستقل، ادامه می‌یابد. بدیهی است حتی به‌فرض که تمامی بررسی‌ها و اعمال مقررات مربوط، با نهایت دقت، بی‌طرفی و بدون هرگونه سوگیری انجام پذیرد، همچنان امکان ایجاد شائبه‌ی تعارض منافع در این ساختار وجود خواهد داشت؛ چراکه نهاد مورد ارزیابی، خود در فرآیند نظارت و رسیدگی به عملکرد خویش نقش مستقیم دارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد به‌منظور تقویت استقلال نظارت حرفه‌ای، افزایش اعتماد عمومی و همسویی با رویه‌های پذیرفته‌شده‌ی بین‌المللی، شایسته است به روش میانبر نماینده‌ی مربوط در مراجع نظارتی خارج از ساختار اجرایی سازمان حسابرسی و از سوی هیأت عالی نظارت سازمان معرفی گردد و تمامی فرآیندهای بررسی، رسیدگی و ارزیابی‌های حرفه‌ای نیز تحت نظارت و مسئولیت آن هیأت انجام پذیرد.

تعارض منافع ناشی از روابط خاص:

بر اساس وظایف و اختیارات مقرر در قوانین و مقررات، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزیر مربوطه، متولی و ناظر عالی بر بخش قابل توجهی از امور شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و مجموعه‌هایی با مدیریت دولتی محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، سازمان حسابرسی که به موجب قانون، مسئولیت حسابرسی، بازرسی قانونی و اظهارنظر حرفه‌ای نسبت به صورت‌های مالی بسیاری از این واحدها را بر عهده دارد، مطابق اساسنامه، زیرمجموعه‌ی همین وزارتخانه است. در عین حال، وزیر صنعت،

حال، از آن جا که بانک مرکزی نیز عضو مجمع عمومی سازمان حسابرسی بود، در نهایت بر اساس تفاهم‌نامه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ میان وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی، بخش عمده‌ای از موارد اختلافی به نفع دیدگاه بانک مرکزی حل و فصل شد. همچنین تعهداتی برای سازمان حسابرسی ایجاد گردید تا موضوعات مورد اختلاف باید در دستور کار تدوین استانداردهای حسابداری قرار گیرد و باید در استانداردهای حسابداری پذیرفته شوند! این نوع ادبیات و نحوه‌ی مصالحه بر سر یک موضوع حرفه‌ای و تخصصی، از سوی مدیرعامل، اعضای هیأت عامل و مدیر تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی، بدون آن که اعتراضی، قهری و استعفا‌یی در پی داشته باشد، پرسش‌های جدی در افکار عمومی حرفه‌ی درباره استقلال حرفه‌ای، ساختار تصمیم‌گیری و مرز میان الزامات حرفه‌ای و ملاحظات سازمانی ایجاد می‌کند. این جاست که مفهوم «تعارض منافع» بیش از پیش اهمیت می‌یابد؛ مفهومی که صرفاً به وجود منفعت شخصی محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه وضعیتی را دربرمی‌گیرد که در آن روابط سازمانی، جایگاه‌های مدیریتی یا وابستگی‌های نهادی بتواند بر استقلال تصمیم‌گیری اثرگذار باشد. زیرا در نظام حقوقی و حکمرانی، اصل بر آن است که همگان در برابر قانون برابر باشند؛ هرچند در عرصه‌ی عمل، چنین به نظر می‌رسد که همه نزد قانون برابرند، اما همه نزد قاضی برابر نیستند و ما ادراک ما تعارض منافع!

اشتغال بیرونی

اشتغال در سازمان، هم‌زمان با ایفای فعالیت به‌عنوان عضو هیأت علمی و مدرس دانشگاه، کارشناس رسمی دادگستری، عضو کمیته‌ی حسابرسی و سایر مسئولیت‌های حرفه‌ای مشابه، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری موقعیت‌های تعارض منافع باشد. از این رو، شواهد و تجارب عملی در این حوزه بر ضرورت استقرار سازوکارهای مؤثر برای افزایش شفافیت، تقویت نظارت و پایش مستمر، همچنین تدوین و اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های لازم به‌منظور پیشگیری و مدیریت این گونه موقعیت‌ها تأکید دارند.

روابط خویشاوندی:

چنانچه اعضای خانواده یا سایر خویشاوندان مدیران و کارکنان سازمان در شرکت‌های تحت حسابرسی دارای فعالیت شغلی باشند، یا مدیران و کارکنان سازمان از شرکت‌های مذکور درخواست کنند که بستگان آنان را به استخدام درآورند، زمینه‌ی بروز تعارض منافع فراهم خواهد شد. همچنین، فرآیند انتخاب اشخاص حقیقی توسط هیأت عالی نظارت به‌منظور انجام خدمات حسابرسی دست دوم نیز می‌تواند متأثر از گونه‌های مختلف روابط و مناسباتی باشد که مصادیقی از تعارض منافع را در پی دارد.

سخن پایانی

تعارض منافع یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده‌ی استقلال، بی‌طرفی و اعتماد عمومی به حرفه‌ی حسابرسی است و در صورت عدم مدیریت مناسب، می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف کارکردهای نظارتی آن، کاهش کیفیت گزارشگری مالی و بروز فساد مالی شود. بررسی مبانی نظری، قانونی، مقرراتی، حرفه‌ای و اخلاقی نشان می‌دهد که تعارض منافع صرفاً یک مسئله‌ی فردی نیست، بلکه ریشه در ساختارها، فرآیندها، روابط سازمانی و فرهنگ‌ها دارد. از این رو، مدیریت مؤثر آن مستلزم اتخاذ رویکردی یکپارچه است.

بررسی مقررات ذی‌ربط حرفه‌ی حسابرسی بیانگر آن است که در بخش خصوصی و در قلمرو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، سازوکارهای نسبتاً قابل قبولی برای شناسایی، نظارت و پایش و اعمال مقررات مرتبط با مدیریت تعارض منافع وضع و جاری شده است. با این حال در حسابرسی بخش دولتی همچنان خلأهای ساختاری، مقرراتی و فردی قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری و استمرار موقعیت‌های تعارض منافع را فراهم کند. مواردی همچون اتحاد ناظر و منظور (نظارت بر خود)، اتحاد قاعده‌گذار و مجری (مقررات‌گذاری بر خود)، ارتباطات شغلی پیشینی و پسینی، اشتغال بیرونی و روابط خاص و خویشاوندی و... از جمله مهم‌ترین چالش‌های موجود در این زمینه به شمار می‌روند.

در عین حال، تجربه‌های حرفه‌ای، تعلیم علمی و آموزه‌های اخلاقی همگی بر این واقعیت تأکید دارند که وضع قانون و مقررات ضرورت دارد ولی به‌تنهایی برای مدیریت تعارض منافع کافی نیستند. هرچند شناسایی موقعیت‌های تعارض منافع، تدوین ضوابط و اعمال نظارت مستمر ضرورتی انکارناپذیر است، اما موفقیت این اقدامات در گرو پرورش ارزش‌های اخلاقی، صداقت، راستگویی، فرهنگ پاسخ‌گویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، فروتنی و تواضع و... در سطح ملی است. به بیان دیگر، مدیریت تعارض منافع زمانی به اثربخشی واقعی دست می‌یابد که در کنار سازوکارهای قانونی و نظارتی، شخصیت‌های متعهد و اخلاق‌مدار نیز تربیت و تقویت شوند. بنابراین، ارتقای اعتماد عمومی به حرفه‌ی حسابرسی مستلزم آن است که مدیریت تعارض منافع به‌عنوان یک راهبرد دائمی و فراگیر مورد توجه قرار گیرد؛ راهبردی که از یک سو بر مقررات‌گذاری و شفافیت، نظارت مؤثر و پاسخ‌گویی استوار باشد و از سوی دیگر بر ترویج فضایل اخلاقی و الگوسازی رفتاری در تمامی سطوح حرفه تأکید کند. تنها در چنین بستری می‌توان انتظار داشت که حرفه‌ی حسابرسی نقش اساسی خود را در حمایت از منافع عمومی، ارتقای سلامت مالی و اقتصادی و تقویت نظام حاکمیت شرکتی به نحو مطلوب ایفا کند.

حسابرسی سیستمی مالیاتی

ضرورت تحول دیجیتال یا خطر فاصله گرفتن از قانون؟

محمد افخمی

مقدمه

در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین موضوعات اصلاح نظام اقتصادی کشور، حرکت به سمت حکمرانی هوشمند و استفاده‌ی گسترده‌تر از فناوری اطلاعات در فرآیندهای دولتی بوده است. نظام مالیاتی نیز از این قاعده مستثنی نیست. افزایش حجم فعالیت‌های اقتصادی، پیچیده‌تر شدن روابط تجاری، توسعه‌ی ابزارهای پرداخت و گسترش زنجیره‌های تأمین، باعث شده است که روش‌های سنتی رسیدگی مالیاتی به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای یک نظام مالیاتی کارآمد نباشد. در چنین شرایطی، استفاده از داده‌های بزرگ، سامانه‌های اطلاعاتی، تحلیل‌های هوشمند و ابزارهای مبتنی بر فناوری، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. هیچ نظام مالیاتی مدرنی نمی‌تواند بدون بهره‌گیری از فناوری، به اهدافی مانند کاهش فرار مالیاتی، افزایش شفافیت اقتصادی، شناسایی مؤدیان پرریسک و توزیع عادلانه‌تر بار مالیاتی دست پیدا کند. از

این منظر، حرکت سازمان امور مالیاتی به سمت استفاده از حسابرسی سیستمی و تحلیل داده‌ها، اقدامی در راستای تحول ساختاری نظام مالیاتی محسوب می‌شود و اصل استفاده از فناوری، نه تنها قابل دفاع، بلکه ضروری است. اما در کنار این ضرورت، یک پرسش اساسی و مهم وجود دارد:

آیا هر نتیجه‌ای که یک سامانه یا الگوریتم محاسبه می‌کند، الزاماً بیانگر واقعیت اقتصادی یک مؤدی است؟ پاسخ به این پرسش، تعیین‌کننده‌ی مرز میان «هوشمندسازی صحیح نظام مالیاتی» و «خطر تصمیم‌گیری صرفاً مبتنی بر داده‌های خام» است. محاسبه‌ی مالیات، برخلاف بسیاری از محاسبات ساده‌ی اقتصادی، صرفاً یک فرآیند مبتنی بر اعداد نیست. تعیین مالیات نیازمند شناخت واقعیت اقتصادی فعالیت یک بنگاه است. پشت هر عدد مالیاتی، یک رویداد اقتصادی قرار دارد که باید ماهیت آن شناخته شود. یک مبلغ واریزی به

حساب بانکی، لزوماً درآمد نیست. ممکن است دریافت تسهیلات بانکی، افزایش سرمایه، پیش‌دریافت مشتری، انتقال داخلی وجوه یا تسویه‌ی یک بدهی گذشته باشد. یک خرید انجام‌شده، لزوماً به معنای فروش در همان دوره‌ی مالی نیست. ممکن است مواد اولیه‌ای باشد که هنوز در انبار باقی مانده، در فرآیند تولید مصرف نشده یا محصول حاصل از آن هنوز به فروش نرسیده باشد. یک هزینه‌ی بالاتر از میانگین صنعت نیز الزاماً نشانه‌ی غیرواقعی بودن آن نیست. ممکن است ناشی از شرایط خاص فعالیت اقتصادی، افزایش هزینه‌ی انرژی، تعمیرات اساسی، تغییر فناوری، شرایط بازار یا عوامل خارج از کنترل مدیریت باشد.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که واقعیت اقتصادی، همیشه در اعداد خام قابل مشاهده نیست. تشخیص صحیح مالیات نیازمند تحلیل، بررسی اسناد و مدارک، شناخت شرایط فعالیت اقتصادی و اعمال قضاوت حرفه‌ای است. فناوری

می‌تواند حجم عظیمی از اطلاعات را در مدت کوتاهی پردازش کند، الگوهای غیرعادی را شناسایی نماید و نقاط پربریک را به مأمور مالیاتی معرفی کند؛ اما فناوری به تنهایی نمی‌تواند جایگزین درک ماهیت معاملات، استانداردهای حسابداری، اصول حسابرسی و بررسی شرایط خاص هر مؤدی شود.

تجربه‌ی نظام‌های مالیاتی پیشرفته نشان می‌دهد که سامانه‌های هوشمند عمدتاً نقش «ابزار تصمیم‌یار» دارند، نه «جایگزین تصمیم‌گیر». در این نظام‌ها، داده‌ها مسیر رسیدگی را هوشمندتر می‌کنند، اما تصمیم نهایی همچنان بر مبنای قانون، شواهد قابل‌اتکا و بررسی حرفه‌ای اتخاذ می‌شود. چالش زمانی آغاز می‌شود که خروجی یک سامانه، بدون بررسی ماهیت اقتصادی اطلاعات، به‌عنوان مبنای قطعی تعیین مالیات مورد استفاده قرار گیرد. در چنین شرایطی، احتمال دارد یک ابزار کمکی که برای افزایش دقت طراحی شده است، خود به عاملی برای افزایش خطا تبدیل شود. زیرا الگوریتم‌ها نیز مانند هر ابزار انسانی، بر اساس داده‌ها، مفروضات و قواعدی عمل می‌کنند که ممکن است در برخی موارد با واقعیت‌های متنوع اقتصادی فاصله داشته باشند. اگر یک فرض نادرست وارد یک مدل محاسباتی شود، این خطا می‌تواند نه در یک پرونده، بلکه در تعداد زیادی از پرونده‌ها تکرار شود.

از سوی دیگر، نظام مالیاتی تنها وظیفه‌ی تأمین درآمدهای عمومی دولت را بر عهده ندارد؛ بلکه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار نیز محسوب می‌شود. فعال اقتصادی برای سرمایه‌گذاری، تولید و توسعه‌ی فعالیت خود نیازمند ثبات، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی مقررات است. وقتی معیارهای تعیین مالیات برای مؤدی روشن نباشد، وقتی روش محاسبه‌ی درآمد یا هزینه برای او قابل‌فهم نباشد

و وقتی نتواند منطق تصمیم مالیاتی را ارزیابی و نسبت به آن دفاع کند، امنیت حقوقی و اعتماد اقتصادی آسیب خواهد دید. بنابراین، بحث اصلی در خصوص حسابرسی سیستمی، مخالفت با فناوری یا بازگشت به روش‌های سنتی نیست. مسئله‌ی اصلی، تعیین جایگاه صحیح فناوری در نظام مالیاتی است. فناوری باید به کمک قانون بیاید، نه جایگزین قانون شود. الگوریتم باید به کشف واقعیت کمک کند، نه این‌که خود به تعریف‌کننده‌ی واقعیت اقتصادی تبدیل شود.

نظام مالیاتی موفق، نظامی نیست که صرفاً بتواند با سرعت بیشتری مالیات تعیین کند؛ بلکه نظامی است که بتواند مالیات را با دقت بیشتر، عدالت بالاتر و بر اساس واقعیت اقتصادی مطالبه نماید.

آینده‌ی نظام مالیاتی هوشمند، در گرو ایجاد تعادل میان سه عنصر اساسی است: قانون و مقررات شفاف، فناوری کارآمد و قضاوت حرفه‌ای. هرگاه این سه عنصر در کنار یکدیگر قرار گیرند، فناوری می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای تحقق عدالت مالیاتی تبدیل شود؛ اما اگر یکی از این عناصر حذف شود، حتی پیشرفته‌ترین سامانه‌ها نیز نمی‌توانند جایگزین اصول بنیادین یک نظام مالیاتی عادلانه شوند.

هوشمندسازی مالیاتی، گامی اجتناب‌ناپذیر برای اصلاح نظام مالیاتی

تحولات گسترده‌ی اقتصادی در دهه‌های اخیر، شیوه‌ی اداره‌ی نظام‌های مالیاتی را در سراسر جهان تغییر داده



مالیاتی؛

• کاهش وابستگی به رسیدگی‌های

سلیقه‌ای؛

• افزایش شفافیت در مبادلات

اقتصادی؛

• تمرکز منابع نظارتی بر مؤدیان

پرریسک.

در واقع، یکی از مهم‌ترین مزایای هوشمندسازی آن است که می‌تواند نظام مالیاتی را از یک نظام مبتنی بر «رسیدگی گسترده و عمومی» به سمت یک نظام مبتنی بر «مدیریت ریسک» هدایت کند. در نظام مالیاتی مبتنی بر مدیریت ریسک، هدف این نیست که همه‌ی مؤدیان با یک روش و شدت یکسان مورد رسیدگی قرار گیرند؛ بلکه هدف آن است که منابع نظارتی به سمت مواردی هدایت شود که احتمال عدم‌رعایت قوانین در آن‌ها بیشتر است. این رویکرد علاوه بر افزایش کارایی سازمان مالیاتی، می‌تواند موجب بهبود رابطه میان دولت و مؤدیان نیز شود؛ زیرا مؤدیان قانون‌مدار کمتر درگیر فرآیندهای طولانی رسیدگی خواهند شد و تمرکز نظام نظارتی بر فعالیت‌هایی قرار خواهد گرفت که نیازمند بررسی دقیق‌تر هستند.

با این حال، تحقق واقعی این اهداف نیازمند توجه به یک نکته اساسی است: **هوشمندسازی مالیاتی زمانی موجب عدالت می‌شود که بر پایه‌ی اطلاعات صحیح، قواعد شفاف و چارچوب‌های قانونی مشخص بنا شود.** داده به خودی خود حقیقت نیست؛ بلکه ابزاری برای رسیدن به حقیقت است. اطلاعات موجود در سامانه‌ها باید تفسیر شوند، اعتبارسنجی شوند و در چارچوب واقعیت اقتصادی مورد ارزیابی قرار گیرند. یک رقم ثبت‌شده در یک پایگاه اطلاعاتی، بدون شناخت ماهیت اقتصادی آن، نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای تصمیم مالیاتی قرار گیرد. به همین دلیل، در نظام‌های

از یک سو امکان بررسی دقیق حجم عظیم اطلاعات اقتصادی وجود نداشت و از سوی دیگر، احتمال تمرکز بیش از حد بر برخی مؤدیان شفاف و دور ماندن برخی فعالیت‌های پنهان افزایش می‌یافت. فناوری‌های نوین این امکان را فراهم کرده‌اند که سازمان‌های مالیاتی بتوانند به‌جای اتکا صرف بر روش‌های سنتی، از ظرفیت داده‌ها برای شناخت بهتر رفتارهای اقتصادی استفاده کنند. هوشمندسازی مالیاتی می‌تواند دستاوردهای مهمی به همراه داشته باشد، از جمله:

- شناسایی دقیق‌تر الگوهای فرار مالیاتی؛
- کاهش هزینه‌های رسیدگی برای دولت و مؤدیان؛
- افزایش سرعت ارائه‌ی خدمات

است. افزایش حجم مبادلات اقتصادی، توسعه‌ی تجارت الکترونیکی، گسترش ابزارهای پرداخت، پیچیده‌تر شدن ساختار شرکت‌ها و افزایش سرعت گردش اطلاعات، باعث شده است که روش‌های سنتی مالیاتی دیگر به‌تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای دولت‌ها و اقتصادها نباشد. در چنین شرایطی، هوشمندسازی نظام مالیاتی نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی برای حرکت به سمت یک نظام مالیاتی کارآمد، عادلانه و شفاف است.

نظام مالیاتی سنتی عمدتاً بر رسیدگی‌های دستی، بررسی تعداد محدودی از اسناد و انتخاب نمونه‌های محدود برای حسابرسی استوار بود. این روش علاوه بر زمان‌بر بودن، با محدودیت‌های جدی مواجه بود؛ زیرا

مالیاتی پیشرفته، فناوری جایگزین مأمور مالیاتی، حسابرس یا فرآیند رسیدگی نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان ابزاری برای افزایش کیفیت تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هوشمندسازی واقعی به معنای حذف انسان از فرآیند تشخیص نیست؛ بلکه به معنای استفاده از فناوری برای کمک به تصمیم‌گیری بهتر، دقیق‌تر و منصفانه‌تر است.

نظام مالیاتی آینده باید بتواند میان دو هدف مهم تعادل برقرار کند: از یک سو، استفاده از ظرفیت فناوری برای افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی و بهبود کارایی؛ و از سوی دیگر، حفظ اصول بنیادینی مانند قانونی بودن مالیات، حق دفاع مؤدی، بررسی واقعیت اقتصادی و رعایت عدالت مالیاتی. اگر این تعادل برقرار شود، هوشمندسازی می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری نظام مالیاتی کشور باشد. اما اگر فناوری بدون توجه به اصول حقوقی و حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، ممکن است به جای کاهش اختلافات مالیاتی، موجب افزایش آن شود.

بنابراین، مسئله‌ی اصلی امروز اقتصاد ایران، انتخاب میان «روش سنتی» و «فناوری نوین» نیست؛ بلکه انتخاب میان هوشمندسازی صحیح و هوشمندسازی ناقص است. آینده‌ی نظام مالیاتی متعلق به سیستمی است که بتواند از قدرت داده‌ها استفاده کند، اما همچنان به قانون، منطق اقتصادی و اصول حرفه‌ای پایبند بماند.

مرز میان تحلیل داده و تشخیص مالیات: جایی که فناوری نباید جای قانون را بگیرد

یکی از مهم‌ترین مباحث در مسیر هوشمندسازی نظام مالیاتی، تعیین مرز میان «تحلیل داده» و «تشخیص مالیات» است؛ مرزی که رعایت آن می‌تواند تفاوت میان یک نظام مالیاتی

هوشمند و یک نظام مالیاتی صرفاً ماشینی را رقم بزند. داده‌ها بدون تردید از زمره‌ی ارزشمندترین منابع تصمیم‌گیری در اقتصاد امروز هستند. سازمان‌های مالیاتی در سراسر جهان تلاش می‌کنند با استفاده از اطلاعات مالی، تجاری، بانکی و عملیاتی، تصویر دقیق‌تری از فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان به دست آورند. اما نکته‌ی مهم این است که داده، خود واقعیت اقتصادی نیست؛ بلکه نشانه‌ای برای رسیدن به واقعیت اقتصادی است. این تفاوت، از نظر حقوق مالیاتی و اصول حسابداری اهمیت بسیار زیادی دارد. تحلیل داده وظیفه دارد الگوها را شناسایی کند، روابط میان اطلاعات مختلف را بررسی نماید و مواردی را که احتمال وجود ریسک مالیاتی در آن‌ها بیشتر است، مشخص کند.

به عنوان مثال، اگر نسبت سود یک شرکت نسبت به سال‌های گذشته تغییر قابل توجهی داشته باشد، یا حجم معاملات آن با الگوهای معمول صنعت تفاوت داشته باشد، سامانه‌ی هوشمند می‌تواند این موضوع را به‌عنوان یک نشانه برای بررسی بیشتر مطرح کند. اما مرحله‌ی بعد، یعنی تشخیص این‌که آیا واقعاً تخلفی رخ داده است یا خیر، نیازمند بررسی حرفه‌ای و حقوقی است. در واقع، میان این دو گزاره تفاوت اساسی وجود دارد: «این اطلاعات نیازمند بررسی است» و «این اطلاعات مبنای قطعی تعیین مالیات است». تبدیل گزاره‌ی اول به گزاره‌ی دوم، همان نقطه‌ای است که می‌تواند موجب ایجاد چالش‌های جدی شود.

مالیات بر اساس واقعیت اقتصادی تعیین می‌شود، نه صرفاً داده‌های ثبت‌شده

در نظام مالیاتی، موضوع اصلی شناسایی درآمد واقعی مؤدی است. درآمد واقعی مفهومی اقتصادی است که

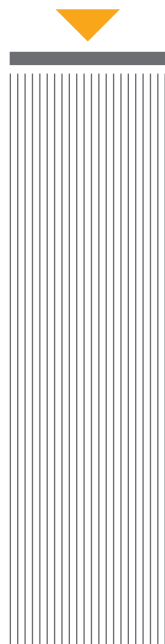
باید از طریق بررسی ماهیت معاملات، اسناد، قراردادهای، شرایط فعالیت و سایر شواهد قابل‌اتکا احراز شود. برای مثال، فرض کنیم یک شرکت در طول سال مالی مبالغ قابل‌توجهی دریافت کرده است. یک سامانه ممکن است بر اساس گردش حساب بانکی، این مبالغ را شناسایی کند؛ اما آیا همه‌ی این وجوه درآمد محسوب می‌شوند؟ پاسخ منفی است. زیرا بخشی از این وجوه ممکن است مربوط باشد به:

- دریافت تسهیلات بانکی،
 - افزایش سرمایه توسط سهام‌داران،
 - دریافت پیش‌پرداخت مشتریان،
 - انتقال بین حساب‌های شرکت،
 - دریافت تضمین یا ودیعه، و
 - تسویه‌ی مطالبات سنوات گذشته.
- بنابراین، عدد مشاهده‌شده در سامانه، تنها یک «داده‌ی اولیه» است و برای تبدیل شدن به درآمد مشمول مالیات، نیازمند بررسی ماهیت اقتصادی آن است.

الگوریتم نمی‌تواند جایگزین قضاوت حرفه‌ای شود

حسابداری و حسابرسی، برخلاف برخی فرآیندهای کاملاً عددی، بر پایه‌ی قضاوت حرفه‌ای شکل گرفته‌اند. استانداردهای حسابداری و حسابرسی نیز بر این موضوع تأکید دارند که تصمیم‌گیری مالی نیازمند ارزیابی شرایط، شواهد و اوضاع و احوال هر موضوع است. یک الگوریتم می‌تواند تشخیص دهد که:

- میزان هزینه‌ی یک شرکت افزایش یافته است؛
 - گردش مالی یک مؤدی رشد کرده است؛
 - نسبت سود یک واحد اقتصادی با میانگین صنعت تفاوت دارد.
- اما نمی‌تواند به تنهایی تشخیص دهد که:
- دلیل افزایش هزینه چه بوده است؛
 - آیا هزینه برای فعالیت شرکت



ضروری بوده است؛

- آیا تفاوت عملکرد شرکت ناشی از شرایط خاص اقتصادی بوده است؛
 - آیا یک معامله دارای ماهیت درآمدی است یا خیر.
- این موارد نیازمند تحلیل انسانی، دانش تخصصی و بررسی مستندات است.

خطر تبدیل ابزار کمکی به تصمیم گیر نهایی

فناوری زمانی ارزشمند است که کیفیت تصمیم گیری را افزایش دهد. اما اگر ابزار تحلیلی به جای تصمیم گیر اصلی قرار گیرد، ممکن است نتیجه ای برخلاف هدف اولیه خود ایجاد کند. به عبارت دیگر، سامانه ای که برای کاهش خطا طراحی شده است، اگر بدون کنترل حرفه ای مورد استفاده قرار گیرد، می تواند خطاها را با سرعت و دامنه ی بیشتری تکثیر کند. این موضوع به ویژه در نظام های مالیاتی اهمیت دارد؛ زیرا یک اشتباه انسانی ممکن است یک پرونده را تحت تأثیر قرار دهد، اما یک خطای موجود در یک الگوریتم می تواند هزاران مؤدی را هم زمان تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل، در طراحی نظام های مالیاتی هوشمند، اصل مهمی وجود دارد: هر چه نقش فناوری در تصمیم گیری بیشتر می شود، ضرورت شفافیت، کنترل انسانی و امکان اعتراض مؤدی نیز باید افزایش یابد.

تجربه ی جهانی: فناوری جایگزین حسابرس نیست

در بسیاری از نظام های مالیاتی پیشرفته، استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل داده توسعه یافته است، اما این فناوری ها عمدتاً برای موارد زیر به کار گرفته می شوند:

- شناسایی ریسک،
- انتخاب پرونده های مناسب برای رسیدگی،

- کشف الگوهای غیرعادی، و
 - افزایش سرعت پردازش اطلاعات.
- هدف اصلی این فناوری ها حذف رسیدگی نیست؛ بلکه افزایش کیفیت رسیدگی است. زیرا مالیات یک تصمیم صرفاً فنی نیست، بلکه تصمیمی با آثار مستقیم بر حقوق مالی اشخاص و فعالیت اقتصادی آن هاست.

ضرورت حفظ تعادل میان فناوری و قانون

هوشمندسازی واقعی نظام مالیاتی زمانی محقق می شود که میان سه عنصر تعادل برقرار شود: نخست، قدرت تحلیل داده ها برای افزایش شفافیت و کاهش فرار مالیاتی؛ دوم، چارچوب قانونی روشن برای جلوگیری از ایجاد تکالیف جدید خارج از قانون؛ سوم، قضاوت حرفه ای انسانی برای درک واقعیت اقتصادی هر پرونده. نادیده گرفتن هر یک از این سه عنصر می تواند نظام مالیاتی را از هدف اصلی خود، یعنی تحقق عدالت مالیاتی، دور کند.

بنابراین، مرز میان تحلیل داده و تشخیص مالیات باید همواره روشن باقی بماند: داده باید مسیر رسیدگی را مشخص کند، اما نباید جایگزین رسیدگی شود.

الگوریتم باید به کشف واقعیت کمک کند، اما نباید خود به تعریف کننده ی واقعیت اقتصادی تبدیل شود.

آینده ی نظام مالیاتی هوشمند، در گرو استفاده از فناوری نیست؛ بلکه در گرو استفاده ی درست از فناوری در چارچوب قانون و اصل عدالت مالیاتی است.

ایرادات فنی قواعد سیستمی: وقتی داده های خام جای واقعیت اقتصادی را می گیرند

یکی از مهم ترین چالش های نظام های مالیاتی هوشمند، نحوه ی استفاده

از داده ها و تبدیل آن ها به مبنای تصمیم گیری مالیاتی است. داده ها می توانند تصویر بسیار ارزشمندی از فعالیت های اقتصادی ارائه دهند، اما تنها زمانی قابل اتکا هستند که در چارچوب اصول حسابداری، استانداردهای حسابرسی و واقعیت اقتصادی تفسیر شوند. مشکل از جایی آغاز می شود که برخی قواعد سیستمی، به جای آن که اطلاعات را به عنوان «تشریحی» برای رسیدگی مورد استفاده قرار دهند، آن ها را مستقیماً به مبنای تعیین درآمد، فروش یا هزینه های قابل قبول تبدیل می کنند. در چنین شرایطی، یک داده ی خام که ممکن است نیازمند بررسی بیشتر باشد، به یک نتیجه ی قطعی مالیاتی تبدیل می شود؛ در حالی که میان این دو مرحله، فاصله ای مهم به نام «رسیدگی حرفه ای» وجود دارد. بررسی برخی روش های مورد استفاده در حسابرسی سیستمی نشان می دهد که تعدادی از این قواعد از منظر فنی و حسابداری نیازمند بازنگری جدی هستند.

۱- تعیین فروش بر اساس بیشترین رقم شناسایی شده در سامانه ها

یکی از روش هایی که در برخی فرآیندهای سیستمی مورد استفاده قرار می گیرد، مقایسه ی اطلاعات موجود در منابع مختلف و انتخاب بالاترین رقم به عنوان فروش واقعی است. در نگاه نخست، این روش ممکن است با هدف جلوگیری از کتمان درآمد طراحی شده باشد، اما از منظر حسابداری و مالیاتی، یک اشکال اساسی دارد: بیشترین رقم ثبت شده الزاماً معادل فروش واقعی نیست.

اطلاعات موجود در سامانه ها ممکن است به دلایل مختلف با واقعیت اقتصادی فاصله داشته باشد؛ از جمله:

- ثبت معاملات تکراری،
- عدم اعمال اصلاحات و برگشت از

فروش،

- ثبت پیش‌دریافت‌ها به عنوان معامله‌ی قطعی،
- اشتباه در اطلاعات ارسالی اشخاص ثالث، و
- اختلاف زمانی میان وقوع معامله و ثبت اطلاعات.

در حسابداری، فروش زمانی شناسایی می‌شود که درآمد تحقق یافته باشد و شرایط لازم برای شناسایی آن وجود داشته باشد، نه صرفاً زمانی که عددی در یک سامانه ثبت شده است. بنابراین، انتخاب بالاترین رقم از میان اطلاعات مختلف، بدون بررسی ماهیت آن، می‌تواند منجر به شناسایی درآمدهایی شود که در واقعیت اقتصادی تحقق نیافته‌اند.

۲- ایراد اساسی به برآورد فروش بر مبنای خرید

یکی دیگر از چالش‌های فنی قواعد سیستمی، فرض ارتباط مستقیم میان خرید و فروش است. در فرآیندهای اقتصادی، خرید مقدمه‌ی فعالیت است، نه نتیجه‌ی آن. یک شرکت ممکن است در یک سال مالی:

- مواد اولیه بیشتری خریداری کند.
- موجودی انبار خود را افزایش دهد.
- برای توسعه‌ی تولید آینده سرمایه‌گذاری کند. و
- تجهیزات یا قطعات مورد نیاز سال‌های بعد را تهیه نماید.

هیچ‌یک از این موارد به معنای تحقق فروش در همان دوره‌ی مالی نیست. اصول حسابداری بر این مبنا استوار است که درآمد و هزینه باید در دوره‌ای شناسایی شوند که از نظر اقتصادی تحقق یافته‌اند. به‌عنوان نمونه، یک کارخانه‌ی تولیدی ممکن است در پایان سال مقدار قابل‌توجهی مواد اولیه خریداری کرده باشد، اما این مواد هنوز وارد فرآیند تولید نشده یا محصول تولیدشده هنوز به فروش نرسیده باشد. در چنین شرایطی،

تبدیل خرید به فروش، موجب ایجاد درآمد فرضی و افزایش غیرواقعی درآمد مشمول مالیات خواهد شد.

۳- تلقی گردش حساب بانکی به‌عنوان درآمد و خطای ناشی از نادیده گرفتن ماهیت معاملات

استفاده از اطلاعات بانکی یکی از مهم‌ترین ابزارهای کشف ریسک مالیاتی در جهان است؛ اما تفاوت مهمی میان «بررسی گردش حساب» و «تلقی اقلام گردش حساب به‌عنوان درآمد» وجود دارد. تمام وجوهی که وارد حساب یک شخص یا شرکت می‌شود، ماهیت درآمدی ندارد. یک شرکت ممکن است مبالغی را دریافت کند که مربوط به موارد زیر باشد:

- تسهیلات بانکی،

- آورده سهام‌داران،
 - انتقال بین حساب‌های متعلق به شرکت،
 - دریافت ضمانت یا سپرده،
 - پیش‌دریافت قراردادهای و
 - تسویه‌ی مطالبات سنوات گذشته.
- اگر سامانه صرفاً ورود وجه را مشاهده کند و بدون تحلیل ماهیت اقتصادی آن، مبلغ را درآمد تلقی نماید، نتیجه‌ی حاصل با اصول حسابداری و مالیاتی فاصله خواهد داشت. باید یادآوری کرد که در حسابداری، «ماهیت اقتصادی» بر «شکل ظاهری» مقدم است.

۴- استفاده از ضرایب سود و میانگین‌های صنعتی برای تعیین درآمد واقعی

یکی دیگر از ایرادات فنی برخی

خاص اقتصادی مجبور به تحمل هزینه‌های بیشتری می‌شود. برای مثال:

- یک کارخانه ممکن است به دلیل خرابی تجهیزات، هزینه‌ی تعمیرات بالایی داشته باشد؛
- یک شرکت حمل‌ونقل ممکن است به دلیل افزایش قیمت قطعات، هزینه‌ی نگهداری بیشتری پرداخت کند؛
- یک واحد تولیدی ممکن است به دلیل شرایط بازار، هزینه‌های بازاریابی بیشتری انجام دهد.

رد یا محدود کردن این هزینه‌ها صرفاً به دلیل عدم تطابق با شاخص‌های سیستمی، می‌تواند موجب فاصله گرفتن از واقعیت اقتصادی شود.

۶- مشکل شفافیت در منطق محاسبات الگوریتمی

یکی از الزامات اساسی هر نظام تصمیم‌گیری مدرن، شفافیت است. اگر یک تصمیم مالیاتی بر اساس یک مدل سیستمی اتخاذ می‌شود، مؤدی باید بتواند از موارد زیر آگاه باشد:

- چه اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است؛
- وزن هر اطلاعات در تصمیم‌گیری چقدر بوده است؛
- چه فرمولی به کار رفته است؛
- دلیل تفاوت نتیجه‌ی سامانه با اطلاعات اظهارشده چیست.

عدم شفافیت در الگوریتم‌ها، امکان دفاع مؤدی را کاهش می‌دهد. در نظام مالیاتی عادلانه، مؤدی باید بتواند منطق تصمیم مالیاتی را درک کند و نسبت به آن امکان ارائه‌ی پاسخ داشته باشد.

۷- خطر ایجاد خطاهای گسترده در مقیاس بزرگ

یکی از تفاوت‌های مهم میان خطای انسانی و خطای الگوریتمی، میزان انتشار اثر آن است. خطای یک مأمور مالیاتی ممکن است یک پرونده را تحت تأثیر قرار دهد، اما خطای یک

قابل توجه در حاشیه‌ی سود شود. بنابراین، مقایسه‌ی عملکرد یک شرکت با یک میانگین آماری، بدون بررسی شرایط خاص آن شرکت، نمی‌تواند معیار دقیقی برای تعیین درآمد مشمول مالیات باشد.

۵- محدود کردن هزینه‌های قابل قبول بر اساس الگوهای سیستمی

یکی از مهم‌ترین حقوق مؤدیان مالیاتی، پذیرش هزینه‌هایی است که واقعاً برای فعالیت اقتصادی آن‌ها انجام شده و دارای اسناد و مدارک معتبر است. هزینه‌های واقعی شرکت‌ها همیشه مطابق با میانگین‌های تاریخی یا الگوهای آماری نیست. گاهی یک شرکت به دلیل شرایط

روش‌های سیستمی، استفاده از ضرایب سود یا میانگین‌های آماری برای ارزیابی عملکرد مؤدیان است. استفاده از شاخص‌های آماری برای شناسایی ریسک می‌تواند مفید باشد، اما تبدیل آن به مبنای تعیین مالیات با چالش جدی مواجه است. زیرا سودآوری شرکت‌ها حتی در صنعت مشابه نیز می‌تواند متفاوت باشد. تفاوت در عواملی مانند موارد زیر است:

- فناوری تولید،
 - قدمت ماشین‌آلات،
 - بهره‌وری نیروی انسانی،
 - قراردادهای خرید مواد اولیه،
 - هزینه‌ی انرژی،
 - شرایط بازار، و
 - موقعیت جغرافیایی.
- این عوامل می‌توانند موجب تفاوت



قاعده‌ی سیستمی می‌تواند تعداد زیادی از مؤدیان را هم‌زمان تحت تأثیر قرار دهد. اگر یک فرض نادرست وارد مدل محاسباتی شود، همان فرض می‌تواند در هزاران پرونده تکرار شود. به همین دلیل، هر مدل سیستمی باید قبل از اجرای گسترده:

- آزمون شود؛
- آثار آن بر صنایع مختلف بررسی شود؛
- امکان اصلاح و اعتراض فراهم باشد؛
- کنترل انسانی بر خروجی آن وجود داشته باشد.

جمع‌بندی

حسابرسی سیستمی می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحول نظام مالیاتی باشد، اما موفقیت آن وابسته به این است که جایگاه واقعی خود را حفظ کند. سامانه باید به مأمور مالیاتی در شناخت بهتر واقعیت کمک کند، نه این که خود به جای واقعیت اقتصادی تصمیم بگیرد. داده‌های مالیاتی باید تفسیر شوند، نه این که صرفاً محاسبه شوند. فروش باید بر اساس تحقق اقتصادی شناسایی شود، نه بزرگ‌ترین عدد موجود در سامانه‌ها. هزینه باید بر اساس ارتباط واقعی با فعالیت اقتصادی بررسی شود، نه صرفاً مقایسه با میانگین‌ها و در نهایت، فناوری باید موجب افزایش عدالت مالیاتی شود، نه این که به عاملی برای فاصله‌گرفتن از اصول بنیادین حسابداری، حسابرسی و حقوق مالیاتی تبدیل شود. هوشمندسازی زمانی موفق است که هوش مصنوعی در خدمت قضاوت حرفه‌ای قرار گیرد، نه این که جایگزین آن شود.

آثار قواعد سیستمی بر محیط کسب‌وکار: ضرورت حفظ امنیت اقتصادی و اعتماد فعالان بازار

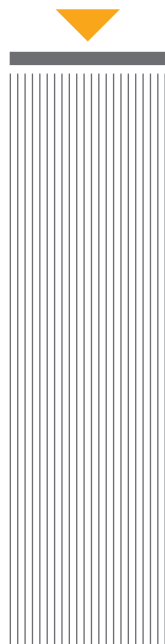
نظام مالیاتی تنها یک ابزار برای تأمین درآمدهای عمومی دولت نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین اجزای محیط کسب‌وکار

و از عوامل اثرگذار بر تصمیم‌های اقتصادی فعالان بازار است. هر تغییری در شیوه‌ی تشخیص و مطالبه‌ی مالیات، به‌طور مستقیم بر رفتار بنگاه‌ها، میزان سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی تولید و حتی تصمیم‌های مدیریتی شرکت‌ها اثرگذار خواهد بود. فعال اقتصادی زمانی می‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند که قواعد حاکم بر فعالیت اقتصادی برای او روشن، شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. سرمایه‌گذاری، توسعه‌ی ظرفیت تولید، استخدام نیروی انسانی، خرید تجهیزات و ورود به بازارهای جدید، همگی بر پایه‌ی ارزیابی ریسک‌های مختلف انجام می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ریسک مالیاتی است. در یک محیط اقتصادی سالم، مؤدی باید بداند که مالیات بر چه اساسی تعیین می‌شود، چه هزینه‌هایی قابل پذیرش است، درآمد چگونه محاسبه خواهد شد و در صورت اختلاف، چه امکان دفاعی برای او وجود دارد. زمانی که معیارهای تشخیص مالیات از چارچوب‌های روشن قانونی فاصله بگیرد و به مدل‌ها، ضرایب یا فرمول‌های سیستمی تبدیل شود که منطق آن‌ها برای فعال اقتصادی کاملاً مشخص نیست، یکی از مهم‌ترین پایه‌های محیط کسب‌وکار یعنی «امنیت حقوقی» دچار آسیب می‌شود. این موضوع برای بنگاه‌های تولیدی اهمیت بیشتری دارد. فعالیت تولیدی برخلاف بسیاری از فعالیت‌های ساده‌ی تجاری، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متغیر قرار دارد؛ عواملی مانند قیمت مواد اولیه، نرخ ارز، هزینه‌ی انرژی، محدودیت‌های تأمین، هزینه‌ی حمل‌ونقل، تعمیرات تجهیزات، شرایط بازار داخلی و خارجی و سیاست‌های اقتصادی. به عنوان نمونه، یک شرکت فولادی ممکن است در یک دوره‌ی مالی با افزایش قابل توجه هزینه‌ی انرژی، مواد اولیه یا حمل‌ونقل مواجه شود. افزایش هزینه‌ها در چنین شرایطی لزوماً به معنای ناکارآمدی یا

غیرواقعی بودن هزینه‌ها نیست، بلکه ممکن است نتیجه‌ی مستقیم شرایط اقتصادی حاکم بر صنعت باشد. بنابراین، استفاده از الگوهای ثابت، میانگین‌های صنعتی یا نسبت‌های عمومی برای ارزیابی همه‌ی بنگاه‌ها، بدون توجه به شرایط واقعی هر واحد اقتصادی، می‌تواند موجب ایجاد فاصله میان محاسبات سیستمی و واقعیت فعالیت اقتصادی شود. از سوی دیگر، افزایش ریسک مالیاتی می‌تواند آثار اقتصادی گسترده‌تری نیز به همراه داشته باشد. هنگامی که مدیران اقتصادی نتوانند میزان تعهدات مالیاتی آینده خود را با اطمینان بیشتری پیش‌بینی کنند، تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت دشوارتر می‌شود.

سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، پیش از ورود به یک فعالیت اقتصادی، علاوه بر بازار، منابع انسانی، تأمین مالی و زیرساخت‌ها، به ثبات مقررات و نحوه‌ی اجرای قوانین نیز توجه می‌کند. تغییرپذیری یا غیرقابل پیش‌بینی بودن فرآیندهای مالیاتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل افزایش‌دهنده‌ی ریسک اقتصادی تلقی شود. البته این موضوع به معنای حمایت از فرار مالیاتی یا مخالفت با شفافیت اقتصادی نیست. اتفاقاً یکی از مهم‌ترین اهداف هوشمندسازی مالیاتی باید ایجاد رقابت عادلانه میان فعالان اقتصادی باشد؛ به گونه‌ای که مؤدیان قانون‌مدار متضرر نشوند و فعالیت‌های غیرشفاف شناسایی شوند. اما عدالت مالیاتی زمانی محقق می‌شود که ابزارهای هوشمند در مسیر صحیح مورد استفاده قرار گیرند. هدف از استفاده از داده‌ها باید کشف واقعیت اقتصادی باشد، نه ایجاد واقعیت جدید بر اساس محاسبات ماشینی.

نظام مالیاتی باید بتواند میان دو هدف مهم تعادل برقرار کند: از یک سو، افزایش توانایی دولت در شناسایی فرار مالیاتی، جلوگیری از فعالیت‌های



غیرشفاف و تأمین درآمدهای پایدار؛ و از سوی دیگر، حفظ حقوق مؤدیان، حمایت از تولید، افزایش اعتماد اقتصادی و ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری. اگر قواعد سیستمی به گونه‌ای طراحی شوند که مؤدیان شفاف و قانون‌مدار نیز با عدم قطعیت و ریسک غیرقابل پیش‌بینی مواجه شوند، نتیجه‌ی آن می‌تواند برخلاف هدف اولیه‌ی هوشمندسازی باشد. در نهایت، باید توجه داشت که مالیات یکی از اجزای تصمیم اقتصادی است. همان‌گونه که نرخ بهره، نرخ ارز و سیاست‌های تجاری بر رفتار بنگاه‌ها اثر می‌گذارند، نحوه‌ی تشخیص مالیات نیز بر انگیزه‌ی تولید و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد. بنابراین، موفقیت نظام مالیاتی هوشمند تنها با سرعت بیشتر در صدور برگ تشخیص یا پردازش حجم بالای اطلاعات سنجیده نمی‌شود؛ بلکه معیار اصلی، توانایی آن در ایجاد تعادل میان کارایی دولت، عدالت مالیاتی و امنیت اقتصادی فعالان کسب‌وکار است. هوشمندسازی واقعی زمانی محقق خواهد شد که فعال اقتصادی احساس کند فناوری نه ابزاری برای افزایش عدم‌اطمینان، بلکه ابزاری برای ایجاد شفافیت، عدالت و اعتماد بیشتر در نظام اقتصادی است.

راهکار پیشنهادی: ضرورت حرکت از «مالیات‌ستانی الگوریتمی» به «هوشمندسازی قانون‌محور»

بحث درباره‌ی چالش‌های حساسی سیستمی نباید به این برداشت منجر شود که راه‌حل، بازگشت به روش‌های سنتی و کنار گذاشتن فناوری است. چنین رویکردی نه امکان‌پذیر است و نه با نیازهای اقتصاد امروز سازگار خواهد بود. آینده‌ی نظام مالیاتی بدون استفاده از فناوری، داده و ابزارهای هوشمند قابل تصور نیست. اما مسئله‌ی اصلی این است که هوشمندسازی باید در مسیر صحیح

طراحی و اجرا شود؛ مسیری که در آن فناوری موجب افزایش دقت، عدالت و شفافیت شود، نه این‌که به عاملی برای ایجاد تشخیص‌های غیرقابل پیش‌بینی تبدیل گردد. برای دستیابی به این هدف، چند اقدام اساسی ضروری است:

۱- تعیین جایگاه صحیح سامانه‌های هوشمند در فرآیند مالیاتی

نخستین اصل آن است که سامانه‌های سیستمی باید نقش «ابزار تحلیل و کشف ریسک» داشته باشند، نه جایگزین فرآیند رسیدگی مالیاتی. سامانه باید بتواند موارد غیرعادی را شناسایی کند، پرونده‌های پرریسک را مشخص نماید و به مأمور مالیاتی در انجام رسیدگی دقیق‌تر کمک کند؛ اما خروجی سامانه نباید بدون بررسی ماهیت اقتصادی اطلاعات، مستقیماً به درآمد مشمول مالیات تبدیل شود. به عبارت دیگر، داده باید آغاز فرآیند رسیدگی باشد، نه پایان آن.

۲- ایجاد شفافیت در قواعد و الگوریتم‌های محاسباتی

یکی از مهم‌ترین الزامات نظام مالیاتی هوشمند، شفافیت در نحوه‌ی تصمیم‌گیری است. مؤدی باید بداند که:

- چه اطلاعاتی در ارزیابی او استفاده شده است؛
- چه شاخص‌هایی در تعیین ریسک مؤثر بوده‌اند؛
- چگونه یک رقم یا نتیجه‌ی نهایی محاسبه شده است؛
- چرا نتیجه‌ی سامانه با اطلاعات اظهارشده تفاوت دارد.

عدم شفافیت در منطق محاسباتی، امکان دفاع مؤدی را کاهش می‌دهد و می‌تواند موجب افزایش اختلافات مالیاتی شود. در نظام حقوقی عادلانه، هیچ تصمیمی نباید برای شخصی که آثار آن متوجه اوست، غیرقابل فهم و غیرقابل

اعتراض باشد.

۳- تفکیک میان «شاخص ریسک» و «مبنای تشخیص مالیات»

یکی از مهم‌ترین اصلاحات مورد نیاز، تفکیک روشن میان شاخص‌های تحلیلی و مبانی قانونی تعیین مالیات است. برای مثال، گردش حساب بانکی، نسبت سود، میزان خرید یا مقایسه با میانگین صنعت می‌تواند نشانه‌ای برای بررسی بیشتر باشد؛ اما به تنهایی نباید مبنای قطعی تعیین درآمد یا رد هزینه قرار گیرد. زیرا هر شاخص آماری ممکن است در شرایط خاص اقتصادی، تفسیر متفاوتی داشته باشد. استفاده‌ی صحیح از این شاخص‌ها آن است که سؤال ایجاد کنند، نه این‌که پاسخ نهایی باشد.

۴- مشارکت دادن فعالان اقتصادی و کارشناسان حرفه‌ای در طراحی مدل‌ها

مدل‌های هوشمند مالیاتی زمانی موفق خواهند بود که با واقعیت فعالیت‌های اقتصادی هماهنگ باشند. برای این منظور، لازم است قبل از اجرای گسترده قواعد سیستمی، دیدگاه متخصصان حوزه‌های مختلف مانند:

- حسابداری،
- حسابرسی،
- مالیات،
- صنایع تولیدی،
- تشکلهای اقتصادی، و
- فعالان بخش خصوصی.

در فرآیند طراحی و ارزیابی مدل‌ها مورد توجه قرار گیرد. زیرا یک مدل آماری ممکن است در سطح داده‌ها منطقی به نظر برسد، اما در عمل با واقعیت یک صنعت خاص فاصله داشته باشد.

۵- انجام آزمون‌های آزمایشی و ارزیابی آثار اقتصادی قبل از اجرای گسترده

هر نظام هوشمند پیشرفته‌ای قبل از

اجرای کامل، نیازمند آزمون، ارزیابی و اصلاح است. قواعد سیستمی مالیاتی نیز باید پیش از استفاده‌ی گسترده، از جنبه‌های مختلف زیر بررسی شوند:

- میزان دقت تشخیص،
 - درصد خطا،
 - تأثیر بر صنایع مختلف،
 - میزان ایجاد اختلافات مالیاتی، و
 - آثار آن بر مؤدیان کوچک و بزرگ.
- اجرای گسترده‌ی یک مدل بدون ارزیابی کافی، می‌تواند موجب انتقال خطاهای احتمالی به تعداد زیادی از پرونده‌ها شود.

۶- تقویت حق دفاع و فرآیند اعتراض مؤدیان

هرچه نقش سامانه‌ها در فرآیند مالیاتی افزایش می‌یابد، اهمیت حق دفاع مؤدی نیز بیشتر می‌شود. اگر یک برگ تشخیص مالیاتی بر اساس تحلیل سیستمی صادر می‌شود، مؤدی باید امکان دسترسی به مبانی تشخیص، ارائه‌ی توضیحات و اثبات واقعیت اقتصادی فعالیت خود را داشته باشد. اصل اساسی این است که فناوری نباید موجب کاهش حقوق قانونی مؤدی شود.

۷- حرکت به سمت هوشمندسازی مبتنی بر اعتماد

مهم‌ترین سرمایه‌ی هر نظام مالیاتی، اعتماد میان دولت و مؤدیان است. هوشمندسازی نباید صرفاً به‌عنوان ابزاری برای افزایش وصول مالیات دیده شود؛ بلکه باید ابزاری برای ایجاد رابطه‌ای شفاف‌تر و منطقی‌تر میان دولت و فعالان اقتصادی باشد. در یک نظام مالیاتی پیشرفته، مؤدی قانون‌مدار باید احساس کند که فناوری موجب کاهش هزینه‌های او، تسهیل فرآیندها و افزایش عدالت شده است؛ نه این‌که به دلیل عدم شفافیت قواعد، با ریسک‌های جدید مواجه شود.

جمع‌بندی راهکارها

مسیر صحیح آینده‌ی نظام مالیاتی، نه در تقابل میان روش سنتی و فناوری، بلکه در ترکیب هوشمندانه‌ی این دو قرار دارد. فناوری باید قدرت تحلیل را افزایش دهد؛ قانون باید چارچوب تصمیم‌گیری را مشخص کند؛ و قضاوت حرفه‌ای باید تضمین‌کننده‌ی درک صحیح واقعیت اقتصادی باشد. بهترین مدل مالیاتی، مدلی نیست که بیشترین حجم داده را پردازش کند یا سریع‌ترین برگ تشخیص را صادر نماید؛ بلکه مدلی است که بتواند با کم‌ترین خطا، بیشترین عدالت را ایجاد کند. هوشمندسازی واقعی زمانی محقق خواهد شد که الگوریتم‌ها به جای آن‌که جایگزین قانون و تخصص شوند، در خدمت آن‌ها قرار گیرند.

آینده‌ی نظام مالیاتی متعلق به سیستمی است که هم هوشمند باشد و هم عادلانه؛ هم داده‌محور باشد و هم واقعیت‌محور.

سخن آخر: هوشمندسازی مالیاتی نیازمند بازنگری در مرز میان داده و تشخیص

تحول دیجیتال در نظام مالیاتی، مسیری اجتناب‌ناپذیر و ضروری برای اقتصاد امروز است. هیچ نظام مالیاتی کارآمدی نمی‌تواند بدون استفاده از داده، فناوری و ابزارهای هوشمند، به اهدافی مانند افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی و تحقق عدالت مالیاتی دست پیدا کند. با این حال، موفقیت هوشمندسازی مالیاتی صرفاً به میزان اطلاعات جمع‌آوری‌شده یا سرعت پردازش داده‌ها وابسته نیست، بلکه



به نحوه‌ی استفاده از این اطلاعات در فرآیند تشخیص مالیات بستگی دارد. بررسی رویکردهای جدید حسابرسی سیستمی، از جمله چارچوب‌های مطرح‌شده در بخشنامه‌های شماره‌ی ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ مورخ ۲۰۰۵/۵/۱۹۵۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی و ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ مورخ ۲۳۵/۲۶۷۶۳ دفتر حسابرسی سیستمی و مدیریت ریسک سازمان امور مالیاتی کشور، نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوع مورد بحث، اصل استفاده از فناوری نیست، بلکه جایگاه حقوقی و حرفه‌ای خروجی‌های سامانه‌ای در فرآیند تعیین مالیات است. سامانه‌های هوشمند می‌توانند حجم عظیمی از اطلاعات را تحلیل کنند، الگوهای غیرعادی را شناسایی نمایند و مسیر رسیدگی را هدفمندتر سازند؛

اما نمی‌توانند بدون بررسی ماهیت اقتصادی معاملات، جایگزین فرآیند رسیدگی حرفه‌ای شوند. واقعیت اقتصادی یک بنگاه، همیشه در یک عدد، یک نسبت یا یک رکورد اطلاعاتی خلاصه نمی‌شود. گردش حساب بانکی، اطلاعات خرید و فروش، نسبت‌های سودآوری و داده‌های اشخاص ثالث، هرچند ابزارهای ارزشمندی برای تحلیل ریسک هستند، اما به‌تنهایی نمی‌توانند بیانگر درآمد واقعی، هزینه‌ی قابل قبول یا وضعیت اقتصادی یک مؤدی باشند. از این منظر، آن قاعده‌ی سیستمی که بتواند بدون بررسی شرایط خاص هر فعالیت اقتصادی، مستقیماً مبنای تعیین فروش، درآمد، هزینه‌های قابل قبول یا درآمد مشمول مالیات قرار گیرد، نیازمند ارزیابی دقیق

از منظر اصول حسابداری، حسابرسی و حقوق مالیاتی است. زیرا مالیات باید بر مبنای واقعیت اقتصادی و در چارچوب قانون تعیین شود، نه صرفاً بر اساس محاسبات ماشینی. تجربه‌ی نظام‌های مالیاتی پیشرفته نیز نشان می‌دهد که فناوری زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که در نقش «دستیار تصمیم‌گیری» عمل کند، نه «جایگزین تصمیم‌گیری». الگوریتم باید به کشف واقعیت کمک کند، اما نباید خود به تعریف‌کننده‌ی واقعیت اقتصادی تبدیل شود. بنابراین، پیشنهاد اصلی در مسیر توسعه‌ی حسابرسی سیستمی، بازنگری در جایگاه قواعد الگوریتمی و تفکیک روشن میان دو مفهوم اساسی است: تحلیل داده برای شناسایی ریسک مالیاتی و تشخیص نهایی مالیات بر اساس رسیدگی قانونی و حرفه‌ای. حفظ این مرز، نه تنها به نفع مؤدیان است، بلکه به نفع نظام مالیاتی نیز خواهد بود؛ زیرا موجب افزایش دقت تشخیص‌ها، کاهش اختلافات مالیاتی، افزایش اعتماد فعالان اقتصادی و ارتقای مشروعیت تصمیمات مالیاتی می‌شود. در نهایت، هدف از هوشمندسازی نباید صرفاً افزایش سرعت صدور برگ تشخیص باشد؛ بلکه باید ایجاد نظامی باشد که در آن دولت بتواند مالیات عادلانه و واقعی را وصول کند و فعال اقتصادی نیز اطمینان داشته باشد که حقوق او در فرآیند تشخیص مالیات رعایت می‌شود. آینده‌ی نظام مالیاتی متعلق به ترکیب هوشمندانه سه عنصر است: داده‌های دقیق، قانون شفاف و قضاوت حرفه‌ای. هرگاه فناوری در خدمت این سه اصل قرار گیرد، حسابرسی سیستمی می‌تواند به یکی از مهم‌ترین ابزارهای عدالت مالیاتی تبدیل شود؛ اما اگر از این چارچوب فاصله بگیرد، ممکن است به جای کاهش اختلافات، منبع جدیدی از عدم اطمینان در محیط کسب‌وکار ایجاد کند.

گفته‌ی گیج، حتی صحبت‌های ساده درباره‌ی مسائل روز (مانند دانشگاه رفتن فرزند مشتری) می‌تواند به کشف اهداف مالی واقعی بینجامد. نکته‌ی مهم این است که تبادل اطلاعات باید دوسویه باشد؛ حسابدار نباید فقط نقش یک ربات پاسخگو را بازی کند. وقتی حسابدار بخشی از داستان خود را نیز به اشتراک می‌گذارد، اعتماد شکل می‌گیرد و مشتری او را به‌عنوان یک «انسان» می‌بیند، نه یک «انجام‌دهنده».

راهکارهای شخصی‌سازی شده: فراتر از تراکنش

هوش مصنوعی توانایی درک اضطراب یا آسیب‌پذیری مشتری را ندارد. وقتی مشتری از شکست کسب‌وکارش در سال گذشته می‌گوید، هوش مصنوعی تنها می‌تواند اعداد را تحلیل کند، اما حسابدار می‌تواند این اضطراب را حس کند. ابراز همدلی و پرسیدن سؤالاتی مانند «من درک می‌کنم که چه‌قدر دوران سختی است؛ قبلاً چه زمانی چنین تجربه‌ای داشتید؟» باعث می‌شود رابطه از حالت صرفاً «تراکنشی» به یک «مشارکت» عمیق تغییر کند. ساندرا وایلی، استراتژیست کسب‌وکار، تأکید می‌کند که وقتی مشتری احساس کند حسابدارش او را کاملاً می‌فهمد و با او همدل است، وفاداری او دوچندان شده و رقبا نمی‌توانند جایگاه حسابدار را تهدید کنند.

قضاوت انسانی در تقابل با داده‌های هوش مصنوعی

هوش مصنوعی می‌تواند تحلیل‌های ریاضی دقیقی برای کاهش ریسک ارائه دهد (مثلاً پیشنهاد تعدیل نیرو یا افزایش قیمت). اما این راهکارها ممکن است پیامدهای مخربی برای برند یا روحیه‌ی تیم مشتری داشته باشند. حسابدار با استفاده از قضاوت انسانی، این داده‌ها را فیلتر کرده و راهکاری می‌سازد که با محدودیت‌ها و شرایط عاطفی مشتری سازگار باشد. به گفته‌ی وایلی، هوش مصنوعی برای حل مسائل پیچیده که نیاز به ملاحظات اخلاقی و درک بافت انسانی دارد، کافی نیست.

تاثیرگذاری بدون دستکاری

گیل کراسلی، استراتژیست رشد درآمد، تأکید می‌کند که «مهارت‌های متقاعدسازی» در حسابداری عمومی حیاتی هستند. داشتن دانش و استراتژی کافی نیست؛ اگر مشتری به پیشنهادات شما متقاعد نشود، آن دانش عملاً بی‌فایده است. متقاعدسازی مؤثر نیازمند گوش دادن فعال، مذاکره و اعتمادبه‌نفس است. خودآگاهی در این‌جا به معنای این است که بدانید چه زمانی باید گوش دهید و چگونه با زبان بدن و اعتمادبه‌نفس، رهبری گفت‌وگو را در دست بگیرید.

پیام نهایی به متخصصان این است: حسابداران باید ابزارهای جدید (AI) را نه به‌عنوان جایگزین، بلکه به‌عنوان «کمک‌کار» ببینند. هوش مصنوعی می‌تواند مهارت‌های انسانی را تقویت کند، مشروط بر این‌که حسابداران دیگر پشت اسناد و مدارک پنهان نشوند. سرمایه‌گذاری بر روی نقاط ضعف رفتاری و پرورش نقاط قوت انسانی، همان «مزیت رقابتی» است که حسابداران را در دنیای فردا ماندگار می‌کند.

Journal of Accountancy، می ۲۰۲۶

مهارت‌های انسانی؛ فراتر از «انجام‌دهنده» بودن در عصر هوش مصنوعی



در گذشته، ظهور نرم‌افزارهای حسابداری و فناوری ابری، به منزله جهشی بزرگ بود که به حسابداران کمک کرد کار خود را با دقت و سرعت بیشتری انجام دهند. اما گای گیج، مشاور حرفه‌ای و از مالکان مؤسسه‌ی PartnersCoach، معتقد است که هوش مصنوعی (AI) با تمام فناوری‌های قبلی متفاوت است. تفاوت در این‌جاست که هوش مصنوعی اکنون برای همه در دسترس است و هر فردی می‌تواند اسناد مورد نیاز خود را تولید کند. این یعنی مشتریان دیگر مانند گذشته به «تهیه‌کنندگان اسناد» (صرفاً برای تنظیم صورت‌های مالی یا اظهارنامه) نیازی ندارند.

گذار از «تخصص فنی» به «مهارت‌های انسانی»

حسابداران رسمی (CPAs) همواره به دلیل مهارت‌های سخت (تخصص فنی) (Hard Skills) که حاصل سال‌ها تحصیل و تجربه است، مورد اعتماد بوده‌اند. اما در عصر هوش مصنوعی، ارزش واقعی یک حسابدار دیگر صرفاً در تحویل خروجی‌های کاغذی خلاصه نمی‌شود. تمایز حسابدار امروزی در توانایی او برای «خواندن زبان بدن»، «درک احساسات»، «حل چالش‌های پیچیده» و «ایجاد روابط عمیق» نهفته است؛ مواردی که زیرمجموعه «مهارت‌های نرم یا انسانی» (People Skills) قرار می‌گیرند. گیج تأکید می‌کند که برخلاف مهارت‌های فنی که جنبه‌ی شناختی دارند، مهارت‌های انسانی «رفتاری» هستند: «مانند رانندگی می‌ماند؛ شما می‌توانید تمام قوانین راهنمایی و رانندگی را از کتاب حفظ کنید، اما تا زمانی که پشت فرمان ننشینید و پدال گاز را لمس نکنید، رانندگی را یاد نمی‌گیرید.»

کنجکاوی: کلید گشودن درهای اعتماد

کنجکاوی ابزاری حیاتی برای درک داستان، انگیزه‌ها و اهداف مشتری است. حسابداران باید از سؤالات باز (Open-ended) استفاده کنند. به

راه اندازی «سندباکس (جعبه شنی)» هوش مصنوعی» توسط شورای گزارشگری مالی انگلستان



با اقدام شورای گزارشگری مالی انگلستان (FRC)، سندباکس هوش مصنوعی (سندباکس (Sandbox) که یک محیط مجازی و ایزوله است برای اجرای برنامه‌ها، کدها یا فایل‌های ناشناخته به صورت امن، طراحی شده است. این فناوری با جداسازی فرآیندها از سیستم اصلی، امکان بررسی و آزمون نرم‌افزارها را بدون خطر آسیب به داده‌ها یا عملکرد سیستم فراهم می‌کند، و به این ترتیب بار سنگین رعایت سخت‌گیرانه‌ی قوانین حسابرسی در حال فروپاشی است. برای شرکای مؤسسات و نسل بعدی رهبران، این اتفاق پیام‌آور یک تغییر جهت بزرگ است، آینده‌ی رهبری مؤسسات متعلق به متخصصان فناوری است، نه فقط کارشناسان انطباق و مقررات فنی.

تلاقی تسهیل مقررات با طرح نوین جذب استعدادها

در طول هفته‌ی اول ژوئن، دو تحول به ظاهر بی‌ربط با یکدیگر تلاقی پیدا کردند تا برجسته‌ترین روند صنعت در این ماه را شکل دهند. در تاریخ ۴ ژوئن، شورای گزارشگری مالی (FRC) به‌طور غیرمنتظره‌ای برنامه‌ی نوآوری خود را گسترش داد و یک «سندباکس جدید هوش مصنوعی و فناوری حسابرسی» (Audit Tech & AI Sandbox) را در کنار دومین دوره از سندباکس «ساده‌سازی گزارشگری سالانه» راه‌اندازی کرد.

هم‌زمان حرفه با موضوع «جذب استعدادها و رهبران آینده»، روبه روست. مؤسسات حاضر در بین ۵۰ مؤسسه‌ی برتر (Top 50) با یک بحران ساختاری متمایز دست‌وپنجه نرم می‌کنند، وعده‌ی رسیدن به جایگاه شریک، زیر بار سنگین وظایف اداری سنتی در حال فروپاشی است. نیروهای جوان و تازه‌کار به ساعت‌های کاری طاقت‌فرسای الزامی برای رعایت قوانین خشک و سخت‌گیرانه نگاه می‌کنند و از خود می‌پرسند: «آیا واقعاً رسیدن به آن اتاق مدیریت ارزشش را دارد؟»

نهاد ناظر (FRC) با گشودن درهای این سندباکس‌ها (محیط‌های آزمایشی) صرفاً به دنبال مدرن‌سازی گزارشگری شرکتی نیست، بلکه ناخواسته ابزاری قدرتمند در اختیار مؤسسات پیشرو قرار می‌دهد تا بحران طولانی‌مدت استعدادهای خود را حل کنند.

۱. شکستن «فرهنگ چک‌لیست» در حسابرسی

سال‌هاست که حسابرسان تازه‌کار غرق در کارهای مستندسازی شده‌اند. شوخی رایج در مؤسسات رتبه‌ی متوسط این است که حسابرسان امروز کمتر «مشاور کسب‌وکار» هستند و بیشتر به «ماشین‌های تیک زدن گزینه‌های انطباق» تبدیل شده‌اند.

هدف ابتکار جدید سندباکس شورای گزارشگری مالی این است که با تشویق فعالانه‌ی مؤسسات به آزمون مدل‌های هوش مصنوعی پیش‌بین و اتوماسیون، بدون ترس از جریمه‌های نظارتی، این روند مخرب را متوقف کند. در کنار این اقدام، شورای گزارشگری مالی داده‌های مربوط به پروژه‌ی سندباکس مجزا درباره‌ی «اهمیت در حسابرسی بنگاه‌های کوچک و متوسط» (SMEs) را منتشر کرد و پذیرفت که مؤسسات حسابرسی کوچک اغلب مشمول آستانه‌های اهمیت بیش از حد محافظه‌کارانه و اعمال سخت‌گیرانه‌ی استانداردهای حسابرسی می‌شوند که این امر ریسک تحمیل کار بیهوده را در پی دارد.

• **دیدگاه تاکتیکی:** این رویکرد نشان‌دهنده‌ی تغییر اساسی در لحن نهاد نظارتی است. FRC از طریق همکاری مستقیم با ارائه‌دهندگان روش‌شناسی، عملاً اعتراف می‌کند که مدل انطباق «نسخه‌ی واحد برای همه»، هم به‌رهوری و هم نوآوری در بازار را از بین می‌برد.

• **زاویه‌ی دید رهبران آینده:** برای رهبران فردا، این یک چراغ سبز است. شرکای آینده اعتبار خود را بر این اساس نخواهند ساخت که چه کسی می‌تواند سریع‌تر فرمول‌های یک فایل اکسل را بررسی کند؛ بلکه اعتبار آن‌ها بر اساس میزان اثربخشی در پیاده‌سازی سیستم‌های حسابرسی الگوریتمی برای شناسایی موارد غیرعادی شکل خواهد گرفت.

۲. مطالعه‌ی موردی: بازتعریف مسیر رسیدن به شراکت در مؤسسه BDO

برای درک این که چرا این موضوع اهمیت دارد، کافی است نگاهی به سرخط خبرهای مربوط به جریمه‌های انضباطی بیندازید. درست قبل از معرفی این سندباکس، FRC یک ابلاغیه‌ی انضباطی علیه مؤسسه‌ی BDO LLP و یکی از شرکای درگیر در پرونده به دلیل عدم کفایت حسابرسی صادر کرد که منجر به جریمه‌های سنگین مالی و غیرمالی شد.

این چرخه‌ی مداوم «شکست در حسابرسی و به دنبال آن جریمه‌های سنگین»، دیدگاه استعدادهای جوان را نسبت به ریسک به‌شدت تغییر داده است:

• **مسیر سنتی:** ریسک بالا + فرسودگی شغلی بالا = کاهش شدید صف متقاضیان برای تبدیل شدن به شرکای آینده

• **مسیر مدرن سندباکس:** به‌کارگیری فناوری هوش مصنوعی + تسهیل مقررات انطباق = کسب‌وکار مشاوره‌ای به‌شدت مقیاس‌پذیر
وقتی مؤسسات متوسط مدام در چرخه‌ی رفع و رجوع مشکلات مربوط به قوانین انطباق گیر می‌افتند، بهترین مدیران ارشد جوان آن‌ها، مؤسسه را به مقصد ایفای نقش در بخش صنعت ترک می‌کنند. مؤسسات پیشرو در بخش میانی بازار می‌توانند با تکیه بر سندباکس فناوری جدید FRC به ستاره‌های نوظهور خود بگویند «به ما در ایجاد ساختار اتوماسیون در مؤسسه کمک کنید، و ما مسیر شما را برای رسیدن به شراکت (حقوق

صاحبان سهام) هموار و سریع می‌کنیم؛ چرا که شما در حال خلق یک دارایی هستید، نه فقط ثبت ساعت کار قابل‌وصول.»

۳. کانال گذار «کارآموز به قهرمان هوش مصنوعی»

پرو فایل استعدادهای مورد نیاز برای هدایت یک مؤسسه در سال ۲۰۲۶ به‌طور اساسی متحول شده است. به مؤسساتی مانند Buzzacott نگاه کنید که فعالانه مسیرهای جذب نیروی ماه سپتامبر خود را هم برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و هم برای کارآموزان حسابداری باز کرده است. مؤسسات، دیگر به دنبال مدارک تحصیلی صرف در ریاضی یا حسابداری نیستند؛ آن‌ها فعالانه به دنبال کارآموزان سطح ۳ و ۴ هستند که هم‌زمان «قهرمانان هوش مصنوعی» یا متخصصان حوزه‌ی اتوماسیون باشند.

• **تحلیل موضوع:** اگر یک مؤسسه بتواند از سندباکس FRC برای پیاده‌سازی قانونی ابزارهای خودکار استفاده کند که کارهای سنگین مربوط به «شناسایی درآمد» یا «تأیید تراکنش‌ها» را انجام می‌دهند، مدت‌زمان رسیدن به صلاحیت حرفه‌ای و مهارت برای یک کارآموز ۱۸ ساله به‌شدت کاهش می‌یابد.

• **دیدگاه متمایز:** ما شاهد پایان دوره‌ی مسیر ۱۰ ساله برای رسیدن به شریک شدن هستیم. با حذف اصطکاک‌های ناشی از بررسی‌های سنتی مقررات، یک کارآموز مسلط به فناوری می‌تواند ظرف مدت چهار تا پنج سال از اجرای کارهای ابتدایی انطباق به بخش مشاوره استراتژیک کارفرما منتقل شود و گلوگاه سنتی این مسیر را به‌طور کامل دور بزند.

accountancyage.com، ۸ ژوئن ۲۰۲۶

آینده‌ی هوش مصنوعی در حرفه‌ی حسابداری



در این مطلب از یک گفت‌وگوی تخصصی، درباره‌ی تأثیر و آینده‌ی هوش مصنوعی در حرفه‌ی حسابداری صحبت می‌شود؛ از اتفاقات کوتاه‌مدت در ماه‌های پیش رو تا مسیر بلندمدت تحول.

سرعت‌گرفتن هوش مصنوعی در حوزه‌های مالیات، حسابرسی و خدمات مشاوره‌ای به مشتری ادامه‌ی همان روندی است که پیش‌تر با گسترش «رایانش ابری» رخ داد. تأکید می‌شود برای موفقیت در این تحول، صرفاً خرید ابزار کافی نیست و باید هم‌زمان به نیروی انسانی، فرایندها و فناوری توجه کرد. یکی از نکات کلیدی این است که همان‌طور که رایانش ابری باعث شد مدل ارائه‌ی خدمات در مؤسسات تغییر کند و خدمات جدیدی شکل بگیرد، هوش مصنوعی هم می‌تواند موج بعدی تحول باشد؛ اما برای بهره‌برداری از آن، فقط «استفاده از یک ابزار» کافی نیست. تأکید می‌شود

که تحول واقعی زمانی رخ می‌دهد که سه ضلع با هم جلو بروند؛ نیروی انسانی (مهارت‌ها و نقش‌ها)، فرایندها (روش انجام کار)، و فناوری (ابزارها و پلتفرم‌ها). به زبان ساده، هوش مصنوعی باید در روش کار و ساختار خدمات جا بیفتد، نه این‌که فقط به‌عنوان یک قابلیت جانبی به آن نگاه شود.

یکی از محورهای اصلی بحث، این است که چرا مالیات به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نوآوری با هوش مصنوعی تبدیل شده است؛ از بهبود و تسریع «رسیدگی‌های مالیاتی» تا خودکارسازی ورود اطلاعات و شکل‌گیری ابزارهای جدید تهیه و آماده‌سازی اظهارنامه. رسیدگی‌های مالیاتی، ذاتاً مبتنی بر حجم زیادی از متن و قواعد مشخص است (قوانین، آیین‌نامه‌ها، تحلیل‌ها و سوابق) و همین باعث می‌شود، مدل‌های زبانی بتوانند با سرعت بالا، خلاصه‌سازی و استخراج نکات، پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیچیده را انجام دهند. در نتیجه، تمرکز خدمات مالیاتی کم‌کم می‌تواند از «کارهای تکراری و اجرایی» به سمت برنامه‌ریزی مالیاتی، تحلیل سناریوها، پیش‌بینی چندساله، و مشاوره تصمیم‌محور جابه‌جا شود.

هوش مصنوعی، کسب و کار مؤسسات کوچک و متوسط را نیز متحول نموده است. گفته می‌شود بهترین نقطه‌ی شروع این است که مؤسسه ابتدا مشخص کند کدام خدمت یا کدام بخش از کار بیشترین ظرفیت را برای بهبود دارد (مثلاً مالیات، مشاوره، حسابرسی یا مدیریت اسناد و داده‌ها). بعد از آن، به جای ساختن راهکار از صفر، می‌توان از راهکارهای آماده و ارائه‌دهندگان راهکار معتبر استفاده نمود؛ اما باید انتخاب‌ها را با دقت انجام داد، یعنی ارزیابی امنیتی و قراردادی، بررسی نحوه‌ی استفاده از داده‌ها، کنترل دسترسی‌ها، و روشن بودن مسئولیت‌ها را جدی گرفت. همچنین توصیه می‌شود اجرای هوش مصنوعی مرحله‌ای باشد، با یک پروژه‌ی کوچک شروع شود، نتایج سنجیده شود، سپس به بخش‌های دیگر گسترش پیدا کند و هم‌زمان آموزش تیم و بازطراحی فرایندها انجام شود.

در مورد فرصت‌ها و ریسک‌های مرتبط با هوش مصنوعی، هم نگاه واقع‌گرایانه وجود دارد و هم نگاه امیدوارانه. از یک سو، فرصت بزرگ این است که هوش مصنوعی می‌تواند کیفیت خروجی، سرعت انجام کار و قدرت تحلیل را افزایش دهد و در نهایت باعث شود مؤسسات خدماتی ارائه دهند که برای مشتری «نتیجه‌ی بهتر» می‌سازد. همچنین تأکید می‌شود که با خودکار شدن بخش‌هایی از کارهای اجرایی، مؤسسات می‌توانند بیشتر به سمت خدمات مشاوره‌ای با ارزش افزوده بالاتر حرکت کنند؛ مثل برنامه‌ریزی، تحلیل مالی، تصمیم‌سازی مدیریتی و همراهی راهبردی با مشتری.

از سوی دیگر، گفته می‌شود مؤسسات باید ریسک‌ها را هم به شکل جدی مدیریت کنند. امنیت و محرمانگی داده‌ها، صحت و یکپارچگی اطلاعات، کنترل کیفیت خروجی‌های هوش مصنوعی، و داشتن چارچوب راهبری مشخص برای این‌که مشخص باشد چه کاری مجاز است، چه داده‌ای قابل استفاده است، چه کسی مسئول بازبینی است و خروجی‌ها چگونه مستندسازی می‌شوند. پیام این بخش این است که هوش مصنوعی اگر درست پیاده‌سازی نشود می‌تواند ریسک ایجاد کند، اما اگر با قواعد روشن، امکان سنجی مناسب و آموزش همراه باشد، می‌تواند یک مزیت رقابتی واقعی بسازد.

رد می‌کند. در عوض، فناوری به‌عنوان یک تقویت‌کننده عمل می‌کند و ظرفیت را برای برنامه‌ریزی سناریوها، گزارشگری زیست محیطی و کارهای مشاوره‌ای با ارزش بالا آزاد می‌کند.

با این حال، تهدید واقعی، پیچیدگی نرم‌افزار نیست؛ همان‌طور که تام هود، معاون اجرایی تعامل و رشد کسب‌وکار در AICPA و CIMA، صریحاً اشاره کرد:

«اختلال به‌تنهایی بزرگ‌ترین تهدید نیست؛ این مقاومت در برابر تغییر است که ریسکی فوری‌تر از خود هوش مصنوعی دارد.»

در انگلستان، این مقاومت به تغییر به‌طور ویژه خطرناک است. مؤسسات کوچک و متوسط در کنار پذیرش دیجیتال، با فشارهای نظارتی بی‌سابقه‌ای مواجه هستند. اگر مؤسسات، فعالانه نیروی کار فعلی خود را به سمت خدمات مشاوره‌ای استراتژیک سوق ندهند، در معرض ریسک منسوخ شدن قرار می‌گیرند. اما این چرخش نیازمند نیروی کاری است که چابک، باسواد در حوزه‌ی فناوری و دارای دیدگاه تجاری باشد؛ یعنی همان ویژگی‌هایی که در حال حاضر در بازار کار به‌شدت رقابتی، با قیمتی بالا خریدار دارند.

بهره‌برداری از تغییر نسل زد (Gen-Z)

این جاست که مداخله‌ی نهاد حرفه‌ای حیاتی می‌شود. در حالی که کارکردهای مالی مؤسسات می‌توانند سرمایه‌ی زیادی را صرف ارتقای مهارت در هوش مصنوعی و افزایش حقوق‌های اولیه کنند، مؤسسات کوچک و متوسط (SMP) انگلستان - یعنی همان مؤسساتی که میلیون‌ها کسب‌وکار کوچک و متوسط (MSMEs) این کشور را زنده نگه می‌دارند - در حال حذف شدن از بازار هستند.

با این حال، داده‌های ACCA یک جنبه‌ی مثبت جذاب را نشان می‌دهد. آنچه داوطلبان مدرن از شغل خود می‌خواهند، تقریباً به‌طور کامل با ساختار ذاتی یک مؤسسه‌ی مستقل همخوانی دارد:

- تأثیر تجاری مستقیم به جای تیک زدن بی‌معنی در شرکت‌های بزرگ.
- گستردگی تجربه در بخش‌های متنوع.
- روابط انسان‌محور به جای پردازش تراکنش‌محور.

مؤسسات کوچک‌تر اغلب در بازاریابی برای «مشاور مورد اعتماد بودن» شکست می‌خورند و صرفاً به این دلیل که در فرآیندهای ورود به کار، هدایت و نحوه‌ی ارتباط با فناوری، قدیمی به نظر می‌رسند، رقابت را به بازیگران بزرگ‌تر صنعت می‌بازند.

انسان در جایگاه رهبر

آنچه هر دو نهاد جهانی به‌طور مستقل اعلام می‌کنند این است که مبنای فنی حسابداری به یک کالا تبدیل شده است.

اندرو هاردینگ، مدیر اجرایی حسابداری مدیریت در AICPA و CIMA، چشم‌انداز انگلستان را به‌وضوح ترسیم کرد و اشاره کرد که مربوط بودن دیگر توسط اعداد روی یک صفحه تعیین نمی‌شود، بلکه توسط «توانایی افراد آن برای تفکر انتقادی، عملکرد اخلاقی و رهبری قاطعانه» تعیین می‌شود.

اگر گزاره‌ی ارزش در مؤسسه‌ی شما، هنوز فقط تهیه‌ی اظهارنامه‌ی مالیاتی بی‌نقص یا حسابرسی قانونی گذشته نگر برای مشتری است، شما در حال از دست دادن زمان هستید زیرا هوش مصنوعی می‌تواند این

در نهایت، حرفه‌ی حسابداری وارد دوره‌ای شده که در آن، هوش مصنوعی فقط یک «روند» نیست؛ بلکه یک تغییر ساختاری است که هم شیوه‌ی انجام کار را دگرگون می‌کند و هم مسیر حرکت مؤسسات را به سمت خدمات مشاوره‌ای، تصمیم‌محور و مبتنی بر تحلیل سرعت می‌دهد. به شرطی که هم‌زمان با بهره‌گیری از فرصت‌ها، ریسک‌های مرتبط با داده و امنیت و کیفیت نیز مدیریت شود.

accountancy.com، ۲۸ می ۲۰۲۶

مشکل حرفه هوش مصنوعی نیست!



در حالی که نهادهای حرفه‌ای جهانی در حال ترسیم چشم‌انداز حرفه مبتنی بر فناوری پیشرفته برای سال ۲۰۴۰ هستند، مؤسسات کوچک و متوسط در حال مبارزه برای جذب استعدادها در زمان حال هستند. واقعیت سال ۲۰۲۶ ایجاب می‌کند که مؤسسات حسابرسی، شکاف میان جاه‌طلبی‌های مربوط به هوش مصنوعی و واقعیت‌های جذب نیروی حرفه‌ای را پر کنند.

حرفه‌ی حسابداری در حال حاضر از نوعی ناهماهنگی ساختاری حاد رنج می‌برد. نهادهای حرفه‌ای جهانی تصویری درخشان از آینده‌ای مبتنی بر فناوری ترسیم می‌کنند و صنعت به‌سرعت در حال گذار «از متخصصی گذشته نگر به آینده‌نگر» است. وظایف انطباق در حال بلعیده شدن توسط زیرساخت‌های خودکار هستند و حسابدار را به یک «معمار اعتماد» و «مشاور پیش‌بین» ارتقا می‌دهند.

این موضوع باشکوه به نظر می‌رسد، اما در عمل و در انگلستان، شرکای مؤسسات حسابرسی با مشکلی بسیار فوری‌تر و غیرجذاب‌تر روبرو هستند: فردا صبح واقعاً چه کسی قرار است کار را انجام دهد؟

روایت واقعی سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد، این صنعت در یک گلوگاه ساختاری گرفتار شده است. ما در مورد مسیری که حرفه باید طی کند به اجماع رسیده‌ایم، اما به شدت با کمبود نیرو و مهارت‌های خاص برای رسیدن به آن‌جا مواجه هستیم.

فناوری یک تقویت‌کننده است، اما سکون و ایستایی خطرناک است
چارچوب Rise2040 (اخیراً توسط انجمن حسابداران خبره‌ی انگلستان و انجمن حسابداران رسمی آمریکا ایجاد شده است) پنج محرک کلان را شناسایی می‌کند که به این صنعت شکل می‌دهند و در صدر آن‌ها به‌طوری که قابل پیش‌بینی بود، زیرساخت فناوری/داده و پویایی استعدادها قرار دارد. نکته‌ی مهم این است که این گزارش روایت خسته‌کننده‌ی «آمدن هوش مصنوعی برای گرفتن شغل حسابدار» را

کارها را انجام دهد. ارزش شما در تفسیر آن داده‌ها نهفته است.

برنامه‌ی عملیاتی برای شرکا

برای رهبران حرفه که این مطلب را می‌خوانند، استراتژی اجرایی به دو الزام فوری تقسیم می‌شود:

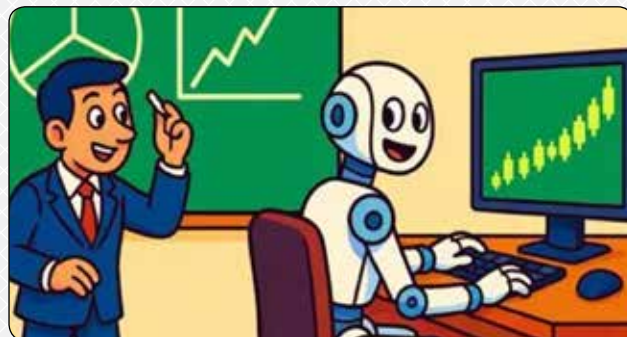
۱. **مقاومت در برابر تغییر را کاهش دهید:** اگر کارکنان ارشد شما هنوز در برابر ابزارهای هوش مصنوعی مولد یا پلتفرم‌های تحلیل داده‌ی پیشرفته مقاومت می‌کنند، شما فقط کارایی را از دست نمی‌دهید، بلکه به‌طور فعال به استعدادهای برتر آینده سیگنال می‌دهید که انتهای کار با مؤسسه‌ی شما، بن‌بست حرفه‌ای است.

۲. **شرح شغل را بازتعریف کنید:** دیگر برای استخدام «پردازشگرهای انطباق» تلاش نکنید. در عوض، به بازسازی مسیرهای شغلی مبادرت ورزیده و نقش‌های موجود را به فارغ التحصیلان و افرادی اختصاص دهید که نه به‌عنوان «دفتردار»، بلکه به‌عنوان هدایت‌گر کسب و کار عمل می‌کنند.

چشم‌انداز حرفه تحت پیشرفت فناوری، یک سناریوی علمی-تخیلی دور نیست، بلکه یک دستورالعمل عملیاتی برای همین لحظه است. فناوری، زیرساخت را فراهم خواهد کرد، اما همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهند، مؤسساتی که معادله‌ی استعداد انسانی را حل کنند، همان‌هایی خواهند بود که واقعاً آینده را در اختیار خواهند داشت.

accountancyage.com، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶

چرا قضاوت انسانی اهمیت دارد؟



پژوهش انجمن حسابداران خبره‌ی اسکاتلند (ICAS) درباره‌ی رابطه‌ی میان قضاوت حرفه‌ای و هوش مصنوعی مولد (Gen AI) به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی «شکل‌دهی به حرفه» انجام شده است. متخصصان در سراسر جهان به‌طور فزاینده‌ای نسبت به پیامدهای حقوقی، مالی و اعتباری خطاهای ایجادشده توسط هوش مصنوعی نگران هستند. جهانی که در آن اتکای بی‌چون و چرا به هوش مصنوعی مولد وجود داشته باشد، می‌تواند باعث شود متخصصان، مسئول اشتباهاتی شوند که بدون قضاوت شخصی خودشان رخ داده است. در چنین شرایطی، اعتماد، رشد و حتی جذابیت آینده‌ی این حرفه ممکن است به خطر بیفتد.

با این حال، این حرفه می‌تواند آینده‌ای روشن و موفق داشته باشد. باید از خود به‌رسمیم: وقتی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری ادغام می‌شود، آیا می‌توان آینده‌ی ساخت که در آن هوش مصنوعی به‌جای تضعیف قضاوت

حرفه‌ای، آن را تقویت کند؟ به بیان ساده، اگر متخصصان ابزارهای مناسبی برای تعامل انتقادی با هوش مصنوعی داشته باشند، آیا می‌توانند از فناوری بهره ببرند و در عین حال کنترل اصلی را در دست خود نگه دارند؟

در همین راستا، انجمن حسابداران خبره‌ی اسکاتلند (ICAS) پژوهش جدیدی با عنوان «هوش مصنوعی مولد و قضاوت حرفه‌ای در حسابداری» منتشر کرده است. این پژوهش تلاش می‌کند بایدها و نبایدها، پیامدهای اخلاقی، کاربردهای عملی، مزایا و خطرات این فناوری که به‌سرعت در حال تغییر است را روشن‌تر کند.

این پروژه با استفاده از نظرسنجی‌های گسترده در سطح مؤسسات از بیش از ۲۰۰ متخصص حسابداری، بررسی می‌کند که حسابداران چگونه از این فناوری در کارهای روزمره استفاده می‌کنند و این موضوع چگونه بر قضاوت حرفه‌ای آن‌ها تأثیر می‌گذارد. یافته‌های گزارش نشان می‌دهد:

- **هوش مصنوعی مولد در حال افزایش بهره‌وری است:** نزدیک به سه‌چهارم حسابداران مورد بررسی (۷۴٪) می‌گویند این فناوری سرعت انجام کارها را افزایش داده است، به‌ویژه در استخراج داده‌ها، تحلیل اسناد و تطبیق اطلاعات. با این حال، کمتر از یک‌چهارم (۲۲٪) می‌گویند این موضوع به افزایش قابل ملاحظه در میزان کلی کار آن‌ها منجر شده است.
- **حسابداران نسبت به دقت محتاط هستند:** بیش از دوسوم پاسخ‌دهندگان (۷۲٪) نگران‌اند که هوش مصنوعی مولد ممکن است خطا ایجاد کند یا به تصمیم‌های نادرست منجر شود؛ بنابراین نیاز به بازبینی دقیق و نظارت قوی بر خروجی‌ها وجود دارد.

- **نگرانی درباره‌ی مسائل اخلاقی و نظارتی:** بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۲٪) درباره‌ی حریم خصوصی داده‌های مشتریان و محرمانگی اطلاعات، ابراز نگرانی کرده‌اند. همچنین پژوهش تأکید می‌کند که متخصصان باید نسبت به سوگیری‌های شناختی پنهان که ممکن است قضاوت آن‌ها را منحرف کند، هوشیار باشند.

- **کارهای معمول همچنان رایج‌ترین کاربرد هستند:** بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۳٪) از هوش مصنوعی مولد برای نوشتن ایمیل و ویرایش متن استفاده می‌کنند، ۴۶٪ برای خلاصه‌سازی جلسات یا اسناد، و حدود یک‌سوم (۳۳٪) برای کمک به کار با صفحات گسترده و سایر نرم‌افزارها.

در نهایت، این گزارش بر ضرورت اتخاذ رویکرد روشن و پاسخگویی در راستای استفاده‌ی مسئولانه از هوش مصنوعی در حرفه‌ی حسابداری و سایر حوزه‌ها تأکید می‌کند. این گزارش از مؤسسات می‌خواهد اخلاق و قضاوت انسانی را در مرکز استفاده از هوش مصنوعی قرار دهند، سازوکارهایی برای محدود کردن سوگیری و وابستگی بیش از حد به خروجی‌های هوش مصنوعی ایجاد کنند و چارچوب‌های مشخصی برای زمان و نحوه‌ی استفاده از این فناوری تعیین نمایند. همچنین بر نظارت قوی، مسئولیت‌پذیری شفاف در تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از افزایش شکاف مهارتی یا محدود شدن دسترسی به این حرفه تأکید شده است.

در حالی که هوش مصنوعی مولد می‌تواند به حسابداران کمک کند سریع‌تر کار کنند و بسیاری از وظایف معمول را کارآمدتر انجام دهند، این

فناوری تنها به اندازه‌ی کیفیت اطلاعات ورودی، نظارت و کنترل انسانی مؤثر است. ورودی‌های ضعیف به خروجی‌های ضعیف منجر می‌شوند و در طول زمان می‌توانند اعتماد را که مبنای کار حرفه‌ای حسابداری و حتی جامعه گسترده‌تر است تضعیف کنند. خروجی‌های عالی زمانی به دست می‌آیند که انسان‌ها همچنان پشت فرمان باقی بمانند.

این پژوهش بخشی از برنامه‌ی گسترده‌تر «شکل‌دهی به حرفه» است که شامل تحقیقات درباره‌ی مهارت‌های آینده، کارکردها و نقش اجتماعی حرفه‌ی حسابداری می‌شود. با پشتوانه‌ی بینش‌هایی که از چنین پژوهش‌هایی به دست می‌آید، حرفه‌ی حسابداری و همه‌ی بخش‌هایی که از هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کنند می‌توانند چالش‌های انتقادی و اخلاقی استفاده از فناوری را بپذیرند تا قضاوت حرفه‌ای را تقویت کنند، نه این که آن را تضعیف نمایند.

www.ifac.org، ۳ ژوئن ۲۰۲۶

آیا حسابداران بالاخره آماده‌اند تا به سوی گردش‌های کاری دیجیتال جهش کنند؟



فشار برای دیجیتالی شدن در دنیای حسابداری مدتی است که وجود دارد؛ ترکیبی از خواسته‌های مشتریان، مهلت‌های زمانی سخت‌گیرانه‌ی نهادهای نظارتی و ابزارهای بهتر برای مدیریت اسناد، باعث شده است این تغییر سرعت بگیرد.

در دهه‌ی گذشته، بخش حسابداری انگلستان در زمینه‌ی تحول دیجیتال کند حرکت کرده است. بسیاری از مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات حسابداری حتی با وجود در دسترس‌تر شدن ابزارهای آنلاین، همچنان به فرآیندهای مبتنی بر کاغذ چسبیده‌اند. برای مدت طولانی، شکاف بزرگی بین آنچه مردم می‌خواستند و آنچه واقعیت اجازه می‌داد، وجود داشت.

اما اکنون آن شکاف در حال بسته شدن است؛ این امر ناشی از ترکیبی از عوامل است که برای اولین بار به‌طور مؤثری در کنار هم قرار گرفته‌اند و تاثیر واقعی دارند.

چگونه گذار به کار «هیبریدی» نقص‌های فرآیندهای کاغذی را آشکار کرد؟

تغییر بزرگ به سمت کار از راه دور و ترکیبی در اوایل دهه‌ی ۲۰۲۰، مشکل ناکارآمدی گردش‌های کاری کاغذی را واقعاً برجسته کرد، به‌ویژه به این دلیل که تیم‌ها دیگر نمی‌توانستند کاغذها را به سادگی از دفتر به دست یکدیگر برسانند. مشتریانی که به تجربه‌های دیجیتال بی‌وقفه با بانک، وکیل و ارائه‌دهندگان خدمات درمانی خود عادت کرده بودند، شروع به اعمال همان انتظارات از حسابدار خود کردند.

درخواست برای «امضای دستی» یا درخواست از مشتری برای اسکن یک سند و ارسال مجدد آن، در نگاه مشتری چیزی شبیه به عقب‌ماندگی به نظر می‌رسید؛ نشانه‌ای از این که، مؤسسه‌ی ارائه‌دهنده‌ی خدمات حسابداری به نوعی در حال عقب افتادن است.

مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات حسابداری که به راحتی با این وضعیت سازگار شدند، لزوماً بزرگ‌ترین یا مجهزترین نبودند؛ بلکه آن‌هایی بودند که واقعاً هر مرحله از چرخه‌ی عمر اسناد خود را بررسی کردند و این سؤال ساده را پرسیدند: «آیا واقعاً در این جا نیاز به استفاده از کاغذ داریم؟»

موانع پذیرش دیجیتال کجا هنوز مانع پیشرفت هستند؟

پیشرفت در این بخش ناهمگون بوده است. برخی مشتریان همچنان به سوابق کاغذی متکی هستند و بسیاری از مؤسسات با ترکیبی از افراد مسلط به دیجیتال و کسانی که در این زمینه تردید دارند، گرفتار شده‌اند. در داخل مؤسسات، هنوز سیستم‌های قدیمی وجود دارند که باید با آن‌ها کنار آمد، سطوح مختلفی از اعتماد به دیجیتال دیده می‌شود و چندین تن از شرکای ارشد همچنان در پذیرش فناوری‌های جدید کمی محتاط هستند.

نباید قدرت مقاومت فرهنگی را دست کم گرفت. حسابداری، حرفه‌ای است که برای دقت و فرآیند دقیق ارزش قائل است؛ تمام این‌ها ویژگی‌های بسیار خوبی هستند، اما باعث می‌شوند گردش‌های کاری تثبیت‌شده در برابر تغییر مقاوم باشند. اگر فرآیندی به نظر کارآمد می‌رسد، متقاعد کردن افراد به تغییر آن دشوار است، حتی اگر مزایای انجام این کار واضح باشد.

الزامات قانونی نیز کمی مانع پیشرفت بوده‌اند. قوانین مربوط به نگهداری اسناد، مسیرهای حسابرسی و حفاظت از داده‌های مشتری بسیار سخت‌گیرانه هستند. برخی مؤسسات این دیدگاه را اتخاذ کرده‌اند که بهترین راه برای جلوگیری از مشکلات، پایبندی به ابزارهای قدیمی همچون سند است، زیرا آن‌ها به سادگی امن‌تر هستند. این موضوع در یک سطح منطقی به نظر می‌رسد، اما به‌طور فزاینده‌ای با آنچه ما درباره‌ی گردش‌های کاری دیجیتال می‌دانیم، در تضاد است.

قانون‌گذاری به‌عنوان محرک واقعی تغییر

مهم‌ترین عامل محرک تغییر در گردش‌های کاری اسناد در حسابداری انگلستان در حال حاضر، طرح «مالیات دیجیتال» (Making Tax Digital) است. از آوریل ۲۰۲۶، مشاغل انفرادی و صاحب‌خانه‌ها با درآمد مشمول مالیات بالای ۵۰,۰۰۰ پوند، ملزم خواهند بود سوابق دیجیتالی نگه دارند و به‌روزرسانی‌های فصلی را با استفاده از نرم‌افزارهای سازگار به ادارهی دارایی‌ها و گمرکات سلطنتی انگلستان (HMRC) به‌عنوان مرجع مالیاتی ارسال کنند؛ که این امر برای حدود ۷۸۰,۰۰۰ نفر الزامی خواهد بود و این سقف در سال ۲۰۲۷ به ۳۰,۰۰۰ پوند کاهش خواهد یافت.

برای مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات حسابداری، این موضوع چیزی

شدن به بخش اصلی معنای «حرفه‌ای بودن» در این رشته است، به‌ویژه در حالی که رقابت در بازار بیشتر می‌شود.

مؤسساتی که واقعاً بر گردش‌های کاری اسناد با رویکرد «دیجیتال» مسلط شده‌اند، مزایای واقعی را می‌بینند: مشتریان سریع‌تر جذب می‌شوند، خطاها کمتر است و افراد زمان کمتری را صرف پیگیری کاغذبازی‌ها می‌کنند. در نتیجه، آن‌ها روابط قوی‌تری با مشتریان خود می‌سازند که مبتنی بر پاسخگویی و شفافیت است. و این مزایا به مرور زمان مانند گلوله برفی بزرگ‌تر می‌شوند و ظرفیت را برای کارهای مشاوره‌ای با ارزش بالا که مشتریان واقعاً می‌خواهند و برای مؤسسه درآمد واقعی ایجاد می‌کند، آزاد می‌کنند.

برای مؤسساتی که با مشتریان در چندین زبان یا حوزه‌ی قضایی کار می‌کنند، امکان استفاده از «مترجم آنلاین» برای کار در زبان‌های مختلف، مانع عملی را از بین می‌برد و تضمین می‌کند که مستندات بدون توجه به محل استقرار مشتری، قابل دسترسی هستند.

با توجه به این‌که بسیاری از مؤسسات خدمات حسابداری انگلستان «رشد» را اولویت استراتژیک اصلی خود می‌دانند و با توجه به این‌که مشتریان خواسته‌های بیشتری از حسابداران خود در زمینه‌ی ارائه‌ی بینش‌های لحظه‌ای و ارتباطات دیجیتال بی‌وقفه دارند، مدیریت زیرساخت اسناد دیگر فقط یک مسئله‌ی عملیاتی نیست، بلکه مسئله‌ی استراتژیک است. مؤسساتی که با آن این‌گونه برخورد می‌کنند، در موقعیت بسیار بهتری برای برآورده کردن انتظارات مشتریان هستند.

شرایط قانونی، تجاری و فنی اکنون برای تغییر فراهم است. ابزارها در دسترس هستند. انتظارات مشتری واضح است. آنچه هنوز مفقود است، تعهد به تبدیل گردش‌های کاری اسناد دیجیتال به یک اولویت اصلی است، نه فقط چیزی که قرار است «وقتی فرصت کردید» به آن برسید. accountancyage.com، ۲۲ ژوئن ۲۰۲۶

افزایش استفاده از هوش مصنوعی در امنیت سایبری و افزایش ریسک‌ها



شکاف میان به‌کارگیری ابزارهای هوش مصنوعی در امنیت سایبری، و میزان اعتماد به این ابزارها در حال افزایش است، زیرا سازمان‌ها برای استقرار مؤثر هوش مصنوعی در این زمینه، با مشکل راهبری و نظارت مناسب روبه‌رو هستند.

فراتر از یک الزام قانونی ساده است. این طرح یک بازنگری اساسی در نحوه‌ی گردش اطلاعات در مؤسسه را اجباری می‌کند. اگر نیاز دارید که هر فصل به‌روزرسانی‌ها را ارسال کنید، به سیستمی نیاز دارید که برای تکرارپذیری، قابلیت حساسرسی و کارایی طراحی شده باشد. چرخه‌های سالانه و بازسازی اسناد در دقیقه‌ی نود، اساساً در این دنیای جدید به پایان رسیده‌اند.

تحقیقات خود مرجع ملی مالیات انگلستان نشان داده است که نگهداری سوابق دیجیتال می‌تواند نرخ خطا را کاهش دهد. در حقیقت نگهداری سوابق به شکل دیجیتال بهتر از پوشه‌ای پر از پی‌دی‌اف‌های اسکن‌شده یا اسنادی است که در یک فایل انباشته شده‌اند.

از نگهداری اسناد تا انجام کار با آن‌ها: گردش‌های کاری اسناد به چه سمتی می‌روند؟

فاز اول پذیرش دیجیتال در حسابداری مربوط به ذخیره‌ی اسناد بود؛ صرفاً اسکن کردن و آپلود کردن آن‌ها بدون تغییر واقعی فرآیند زیربنایی. این نقطه‌ی شروع مفیدی بود، اما به خودی خود تحول محسوب نمی‌شود. تغییر جالب‌تر که اکنون در تعداد فزاینده‌ای از مؤسسات شاهد آن هستیم، حرکت به سمت اسنادی است که واقعاً مشارکتی و عملیاتی هستند. این بدان معناست که مشتریان می‌توانند در زمان واقعی از هر سیستمی، توافق‌نامه‌ها را بررسی کنند، نظر بدهند و امضا کنند. وقتی سندی پس از امضا بازمی‌گردد، همه چیز مرتب است و سوابق حاصل، کامل و غیرقابل دستکاری است.

«ادوبی آکروبات ریدر» (Adobe Acrobat Reader) یکی از ابزارهایی است که از این رویکرد یکپارچه‌تر پشتیبانی می‌کند. این ابزار امکان به اشتراک‌گذاری فایل‌های PDF و مدیریت بازبینی، نظردهی و امضا را در یک محیط امن فراهم می‌کند، نه این‌که فقط مدام فایل‌های ایستا را ایمیل کنید. برای کارهای مشتری‌محور مانند پذیرش مشتری جدید، کارهای مالیاتی و سالانه، مزایا به سرعت ظاهر می‌شوند. زمان‌های گردش کار کاهش می‌یابد، انتقال‌های دستی کم می‌شود و نقاط شکست فرآیندهای کاغذی از بین می‌روند. تیم‌هایی که با حجم زیادی از مستندات کار می‌کنند می‌توانند از ابزار «خلاصه‌کننده‌ی هوش مصنوعی» بهره واقعی ببرند؛ این ابزار به آن‌ها اجازه می‌دهد اسناد طولانی را به خلاصه‌های موجز و ساختاریافته تبدیل کنند، بدون این‌که جزئیات مهمی که باید برای دلایل انطباق و مشاوره وجود داشته باشند، از دست بروند.

امنیت در مورد اطلاعات حساس مالی بسیار مهم است. نگهداری همه‌ی آن‌ها در یک محیط رمزگذاری‌شده که فقط افراد مجاز به آن دسترسی دارند، قابلیت انطباق بسیار قوی‌تری نسبت به ارسال فایل‌های پیوست از طریق ایمیل به شما می‌دهد و اگر زمانی اختلاف یا سؤالی قانونی پیش بیاید، شما یک مسیر حساسرسی شفاف برای اتکا دارید.

تسلط دیجیتال: کلید متمایز شدن به‌عنوان یک متخصص حرفه‌ای

در دنیای حسابداری، توانایی کار در محیط دیجیتال و کمک به مشتریان برای سازماندهی سوابق خود و بهره‌برداری حداکثری از فناوری، دیگر فقط یک ویژگی «خوب برای داشتن» نیست، بلکه در حال تبدیل

نظرسنجی AICPA درباره‌ی مهم‌ترین مسائل حرفه: تمرکز مؤسسات بر فناوری افزایش یافته است

بر اساس تازه‌ترین نظرسنجی درباره‌ی مهم‌ترین مسائل مؤسسات حسابرسی، مدیریت تغییرات مرتبط با فناوری، از جمله رشد هوش مصنوعی (AI)، به‌عنوان مهم‌ترین مسئله‌ای شناخته شد که انتظار می‌رود در پنج سال آینده بیشترین اثر را بر مؤسسات حسابرسی بگذارد.



البته با توجه به فضای جاری فناوری، این موضوع چندان هم غافلگیرکننده نیست؛ اما مؤسساتی با اندازه‌های مختلف، در این نظرسنجی که توسط بخش خدمات حرفه‌ای مؤسسات خصوصی (PCPS) انجمن حسابداران رسمی آمریکا انجام شده، در کنار فناوری و هوش مصنوعی، مسائل گوناگون دیگری را نیز در اولویت قرار داده‌اند.

طبق بیانیه‌ی خبری، تقسیم مؤسسات به شش گروه بر اساس اندازه (گروه اول: شاغلان انفرادی - گروه دوم: مؤسسه با ۲ تا ۱۰ نفر - گروه سوم: مؤسسه با ۱۱ تا ۳۰ نفر - گروه چهارم: مؤسسه با ۳۱ تا ۱۰۰ نفر - گروه پنجم: مؤسسه با ۱۰۱ تا ۵۰۰ نفر - گروه ششم: مؤسسه با بیش از ۵۰۰ نفر)، با این هدف انجام شده است که دیدگاه شاغلان در مؤسسات کوچک اغلب تفاوت چشمگیری با حسابداران رسمی شاغل در مؤسسات متوسط یا بزرگ دارد. با وجود تفاوت در اولویت‌های این گروه‌ها، نتایج این نظرسنجی اغلب روندها و نگرانی‌های نوظهور در سراسر حرفه را مشخص می‌کند.

در نظرسنجی دو سال پیش، مسائل مربوط به فناوری فقط در کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین گروه‌های مؤسسات دیده می‌شد و در آن زمان، تنها رتبه‌ی چهارم یا پنجم را داشت. اما امسال، تغییرات فناوری / افزایش پذیرش هوش مصنوعی در پنج گروه از شش گروه در میان دو رتبه‌ی اول قرار گرفت (به‌جز مؤسساتی با ۲ تا ۱۰ کارمند که آن را در رتبه سوم قرار دادند). در دو گروه بزرگ‌تر، مسائل مرتبط با فناوری هر دو جایگاه اول و دوم را به خود اختصاص دادند:

- در مؤسسات دارای ۱۰۱ تا ۵۰۰ کارمند، پذیرش/یکپارچه‌سازی فناوری کمی بالاتر از تغییرات فناوری/هوش مصنوعی قرار گرفت.
- در مؤسسات دارای بیش از ۵۰۰ کارمند، این ترتیب برعکس بود. با این حال، در سایر اندازه‌های مؤسسات، مسائل دیگری در رتبه‌ی اول قرار گرفتند:
- پیچیدگی قوانین مالیاتی در میان شاغلان انفرادی و مؤسسات دارای ۱۰ کارمند رتبه‌ی اول را داشت.
- استخدام کارکنان باتجربه در مؤسسات دارای ۱۱ تا ۳۰ نفر در رتبه‌ی

بر اساس «نتایج نظرسنجی هوش مصنوعی SANS 2026» از سوی مؤسسه‌ی SANS، که یک مؤسسه‌ی آموزش امنیت سایبری و اطلاعات است، استفاده‌ی فعال از هوش مصنوعی در امنیت سایبری توسط متخصصان امنیت و فناوری اطلاعات، در یک سال از ۵۰ درصد به ۷۸ درصد رسیده است. این در حالی است که هم‌زمان با افزایش به‌کارگیری هوش مصنوعی در امنیت سایبری، تعداد شکست‌ها نیز بیشتر شده است.

۶۳٪ از فعالان این حوزه از کاستی‌های جدی هوش مصنوعی در کشف تهدیدها و واکنش به آن گزارش داده‌اند؛ این رقم در سال ۲۰۲۵ برابر ۴۵ درصد بود. همچنین دو سوم گفته‌اند که رهنمودهای هوش مصنوعی دست‌کم یک‌بار در سال گذشته آن‌ها را به مسیر اشتباه برده است. فقط ۲۷٪ از متخصصان، استقرار هوش مصنوعی خود را در مرحله‌ی بلوغ توصیف کرده‌اند و بیشتر آن‌ها گفته‌اند این فناوری هنوز در نقش پشتیبان یا در مرحله‌ی آزمایشی است.

یکی از پاسخ‌دهندگان ناشناس با جمله‌ای که نشان‌دهنده‌ی فقدان اعتماد به هوش مصنوعی برای کارهای مهم بود، اذعان داشت: «ما معمولاً با هوش مصنوعی مان مثل یک کارآموز دیجیتال رفتار می‌کنیم و کارش را دوباره بررسی می‌کنیم.»

این ضعف‌ها، سازمان‌ها را در برابر مهاجمان آسیب‌پذیر می‌کند. طبق این نظرسنجی، ۷۸٪ از سازمان‌ها در سال گذشته حملات تأییدشده یا مشکوک مبتنی بر هوش مصنوعی را تجربه کرده‌اند. با این‌که ۹۵٪ از مدیران معتقدند مهاجمان سایبری همین حالا هم از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند.

مؤسسه‌ی SANS از ۵۳۶ متخصص امنیت و فناوری اطلاعات در سراسر جهان و ۵۷ مدیر ارشد امنیتی دیگر، از جمله مدیران ارشد امنیت اطلاعات (CISO)، نظرسنجی کرده است.

نیمی از مدیران گفتند سازمان‌شان برنامه‌ی رسمی برای مدیریت ریسک هوش مصنوعی دارد؛ اما در سطح متخصصان، فقط ۳۶٪ این موضوع را تأیید کرده‌اند. در این گزارش آمده است: «برنامه‌ای که افرادی که کار را انجام می‌دهند نتوانند آن را مشاهده کنند، در عمل چندان به معنای راهبری نیست.»

آیا هوش مصنوعی کارآمد است؟ بله، نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که این فناوری با کاهش کار دستی باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه شده است. اما یک شاخص کمتر رصدشده این است: چه سهمی از تهدیدهای واقعی توسط هوش مصنوعی شناسایی می‌شود؟

در این نظرسنجی آمده است: «ساده‌ترین فایده‌ای که می‌توان دید، بهره‌وری است و این ساده‌ترین چیزی است که می‌توان در آن اغراق کرد. یک سیستم هوش مصنوعی می‌تواند بار کاری تحلیل‌گران را به‌شدت کاهش دهد، در حالی که همچنان بخش قابل ملاحظه‌ای از تهدیدهای واقعی را از دست بدهد؛ و تیمی که فقط به بهره‌وری نگاه می‌کند ممکن است تا زمانی که یک حادثه رخ ندهد، متوجه این موضوع نشود.»

accountancy.com، ۲۱ جولای ۲۰۲۶

اول قرار گرفت.

• توسعه‌ی رهبران نسل بعدی در مؤسسات دارای ۳۱ تا ۱۰۰ نفر مهم‌ترین مسئله بود.

همچنین، در حالی که شاغلان انفرادی و گروه مؤسسات تا ۱۰ نفر، چالش‌های مالیاتی و امنیت داده‌ها را در میان چهار اولویت نخست خود قرار دادند، هر چهار گروه بزرگ‌تر، مدیریت حجم کاری کارکنان را در میان چهار اولویت اصلی خود گنجانده‌اند.

بگذارید، در کانون توجه قرار داشت، حفظ کارکنان نیز در میان پنج اولویت اصلی همه‌ی اندازه‌های مؤسسات قرار گرفت (البته به‌جز شاغلان انفرادی). تغییرات در مهارت‌های شغلی نیز در میان چهار اولویت نخست همه‌ی گروه‌ها به‌جز دو گروه کوچک‌تر قرار داشت. همچنین جذب نیروی انسانی و تقویت سیستم‌های مدیریت کیفیت (QM) در چهار گروه از شش گروه در فهرست مسائل اصلی دیده شد.

www.journalofaccountancy.com، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶

جدول رتبه‌بندی مهم‌ترین مسائل مؤسسات حسابرسی در سال ۲۰۲۶

رتبه	شاغل انفرادی	۱۰-۲ نفر	۱۱-۳۰ نفر	۳۱-۱۰۰ نفر	۱۰۱ تا ۵۰۰ نفر	بیش از ۵۰۰ نفر
۱	پیچیدگی قوانین مالیاتی	پیچیدگی قوانین مالیاتی	استخدام کارکنان باتجربه	توسعه رهبری نسل بعدی	پذیرش/یکپارچه سازی فناوری	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی
۲	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی	چالش‌های مالیاتی (IRS)	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی	پذیرش/یکپارچه سازی فناوری
۳	امنیت داده	تغییرات فناوری/هوش مصنوعی	مدیریت حجم کاری	مدیریت حجم کاری	بهبود خدمات با فناوری	حفظ کارکنان
۴	چالش‌های مالیاتی (IRS)	امنیت داده	چالش‌های مالیاتی (IRS)	استخدام کارکنان باتجربه	مدیریت حجم کاری	مدیریت حجم کاری
۵	بهبود خدمات با فناوری	بهبود خدمات با فناوری	توسعه رهبری نسل بعدی	بهبود خدمات با فناوری	توسعه رهبری نسل بعدی	توسعه رهبری نسل بعدی
سایر	-	-	-	مدیریت گردش کار	-	مدیریت گردش کار

آیا برای شریک شدن باید ۱۵ سال صبر کرد؟ نسل جدید علاقه‌ای ندارد



در حالی که ورود سرمایه‌های خصوصی (Private Equity) و فشارهای ساختاری بر نیروی کار، مدل‌های سنتی کسب‌وکار را مختل کرده است، مسیر ۱۵ ساله و قدیمی برای رسیدن به جایگاه شریک، از یک نقطه‌ی عطف به ریسکی بزرگ در حفظ استعدادهای تبدیل شده است. در این مطلب بررسی می‌کنیم که چگونه مؤسسات پیشرو در انگلستان در حال فشرده‌سازی این بازه‌های زمانی، جدا کردن سرمایه از بدهی‌های شخصی و بازطراحی ساختارهای رهبری برای تضمین آینده خود هستند.

«قرارداد ضمنی در حرفه‌ی حسابداری ساده بود: ساعت‌های کاری طاقت‌فرسا را تحمل کن، به اهداف میزان بهره‌وری دست پیدا کن، سختی‌های مربوط به انطباق را مدیریت کن و پس از ۱۲ تا ۱۵ سال، شاید دعوتی برای خرید سهام شراکت دریافت کنی». این مدلی مبتنی بر فرسایش بود که به شدت به صبر و احترام بین‌نسلی متکی بود.

اما در سال ۲۰۲۶، «صبر» کالایی کمیاب است. جبران بحران حاد کمبود نیروی انسانی و موج عظیم سرمایه‌گذاری‌های شرکتی، مؤسسات ارائه دهنده‌ی خدمات حسابداری را وادار کرده تا این پرسش صریح را بپرسند: اگر مسیر رسیدن به اوج، همچنان به یک نقشه‌ی راه قدیمی و دست‌وپاگیر زنجیر شده باشد، آیا کسی باقی می‌ماند که سکان هدایت را به دست بگیرد؟

کنش‌گرها: سرمایه‌ی خصوصی و فشار عرضه

مدل سنتی شراکت فقط در حال تکامل نیست؛ بلکه به شکلی تهاجمی توسط ساختارهای شرکتی جایگزین، در حال کنار زده شدن است. یکی از محرک اصلی، هجوم سرمایه‌های خصوصی است که بازار میانی را بازسازی می‌کند. ما شاهد بودیم که مؤسسات تحت حمایت سرمایه‌ی خصوصی (PE)، قوانین مربوط به سهام، سرمایه و چابکی شرکتی را بازنویسی کرده‌اند. برای مثال، انتقال مؤسسه‌ی کوپر پری (Cooper Parry) به مؤسسه‌ی لی اکویتی و شرکا (Lee Equity Partners) نشان می‌دهد که

لیزا سیمپسون، حسابدار رسمی و معاون بخش خدمات حرفه‌ای مؤسسات خصوصی در AICPA، طی بیانیه‌ی خبری اظهار داشت، مهم‌ترین مسائل مؤسسات با تحولاتی که در فناوری، مهارت‌های انسانی و مدل‌های عملیاتی می‌بینیم، ارتباط مستقیم دارد.

ما می‌دانیم که همگام شدن با پیشرفت‌های سریع در هوش مصنوعی و قابلیت‌های فناوری می‌تواند دشوار باشد، اما این نظرسنجی همچنین نشان داد که در یکپارچه‌سازی فناوری و استفاده از آن برای بهبود خدمات نیز چالش‌هایی وجود دارد. او افزود، از منظر نیروی انسانی، شاهد تمرکز بیشتر بر بازتعریف مهارت‌های شغلی، مدیریت حجم کار کارکنان، توسعه رهبران و تکامل خدمات متناسب با انتظارات مشتریان هستیم. صرف‌نظر از قابلیت‌های فناوری، حسابداری همچنان یک حرفه مبتنی بر انسان است.

نگاه مؤسسات به آینده

در حالی که هوش مصنوعی برای همه‌ی گروه‌های مؤسسات در پاسخ به این پرسش که چه مسائلی ممکن است در پنج سال آینده بر آن‌ها اثر

چگونه بازیگران با رشد سریع و تحت حمایت سرمایه‌ی خصوصی، در حال یکپارچه‌سازی بازار هستند. زمانی که مؤسسات به جای توافق‌نامه‌های شراکت سنتی، تحت قوانین حاکمیت شرکتی فعالیت می‌کنند، می‌توانند به مدیران ارشد چیزی را ارائه دهند که شراکت‌های سنتی قادر به آن نیستند؛ گزینه‌های سهام شرکتی شفاف، اهداف شرکتی مشخص و خلق ثروت معنادار، بدون نیاز به انتظار چند دهه‌ای.

از سوی دیگر، تأمین استعدادها با فشاری ساختاری و بی‌سابقه مواجه است. داده‌های صنعت نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از حسابداران ۵۵ ساله و بالاتر، در حال برنامه‌ریزی برای بازنشستگی هستند که این موضوع تهدیدی برای تخلیه‌ی دانش نهادی عظیم از مؤسسات است. اگرچه افزایش اخیر جذب دانشجویان ACA (حسابداران خبره) کمی تسکین‌دهنده است، اما کاهش ۵ ساله در میزان ثبت‌نام دانشجویان حسابداری بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲، شکاف آشکاری را در توانمندی‌های سطوح میانی تا ارشد ایجاد کرده است.

در تحلیل اخیر «Accountancy Age» توسط مارگارت لیدلا (مدیر استعداد و فرهنگ در Forvis Mazars) در مورد کمبود استعدادها، تأکید شد در پاسخ به این بحران گسترش دسترسی و ایجاد مسیرهای پیشرفت انعطاف‌پذیر و شفاف، برای تضمین یک روند پایدار، ضروری است. مدیران ارشد با عملکرد بالا دیگر حاضر نیستند در مسابقه‌ای بی‌انتهای بدون، در حالی که صنایع رقیب، از جمله فین‌تک، مؤسسات مالی و شرکت‌های مشاوره‌ی فناوری، بسیار زودتر، استقلال استراتژیک را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهند.

کالبدشکافی مسیر شراکت نسل جدید

برای بقا، مؤسسات پیشرو در حال حرکت به سمت مسیرهای پیشرفت فشرده و بسیار ساختاریافته هستند. این چارچوب‌های مدرن حول سه رکن اصلی بنا شده‌اند:

۱. خرید سهام به صورت مرحله‌ای و تأمین مالی شده

الزام سنتی برای یک شریک تازه منصوب شده جهت دریافت وام بانکی سنگین برای تأمین سرمایه‌ی اولیه، یک عامل بازدارنده جدی است. در محیط کلان اقتصادی بی‌ثبات، متخصصان جوان‌تر که با نرخ‌های بهره بالا و هزینه‌های زندگی مدرن مواجه هستند، از پذیرش بدهی‌های شخصی بزرگ هراس دارند. ساختارهای نسل جدید از «خرید سهام تدریجی»، مدل‌های مشارکت در سود شرکتی یا سهام وابسته به عملکرد استفاده می‌کنند تا رهبران آینده بتوانند به جای بدهی اولیه، از طریق خلق ارزش در مؤسسه، سهم خود را ایجاد کنند.

۲. پلی به نام «شریک حقوق‌بگیر» (Salaried Partner)

در گذشته، نقش شریک حقوق‌بگیر به عنوان وضعیت تعلیقی یا جایگاهی موقت برای متخصصان ارشدی تلقی می‌شد که هنوز نتوانسته بودند پرونده‌ی کاری کافی برای خود بسازند. امروزه، مؤسسات این موقعیت را به یک مرکز پرورش رهبری، در بازه‌ی زمانی ۲۴ تا ۳۶ ماهه تبدیل کرده‌اند. مؤسسات به جای درخواست صرف ساعات کاری بیشتر، از این پنجره‌ی زمانی برای آموزش صریح متخصصان در زمینه‌های مذاکره‌های تجاری، روانشناسی مشتری و بهینه‌سازی پیشینه‌ی فناوری استفاده می‌کنند.

به اقدامات بازیگران بزرگ در این زمینه نگاه کنید، استراتژی توسعه‌ی شراکت تهاجمی مؤسسه‌ی گرن تورتون با هدف رسیدن به ۱۶۰ شریک دارای سهم تا سال ۲۰۲۷، رهبران جدید را از همان ابتدا بر مبنای سهام وارد می‌کند، مگر این که مسیر خاص دیگری انتخاب شده باشد.

۳. تغییر از «مدت خدمت» به «ارزش خلق شده»

زمان شریک شدن از ۱۵ سال به ۷ تا ۹ سال کاهش یافته است. این پیشرفت به‌طور فزاینده‌ای با شاخص‌های کسب‌وکار شفاف و عینی گره خورده است. این موضوع، شامل پیشگامی در گذار به حسابرسی مبتنی بر هوش مصنوعی، ایجاد جایگاه برای خدمات مشاوره‌ی نوآورانه، یا مقیاس‌پذیری حاشیه‌ی سود خدمات مشاوره‌ی مشتری (CAS) در سبد خدمات مؤسسه است.

شاخص	مسیر شراکت نسل جدید	شراکت سنتی
میانگین زمان	۷ تا ۹ سال (نقاط عطف دارای شتاب)	۱۲ تا ۱۵ سال
مدل خرید سهم	خرید تدریجی، سهام شرکتی، یا افزایش سود	وام شخصی بزرگ و پیش‌پرداخت
معیارهای ارتقا	مشاوره‌ی استراتژیک، پذیرش فناوری و رشد کسب‌وکار	ارائه‌ی فنی و ساعات کاری درج شده در تایم شیت
ساختار سهام	سهام وابسته به عملکرد و سهام شرکتی	ساختار سخت‌گیرانه (امتیازدهی بر اساس ارشد بودن)

چرخش به سمت مشاوره استراتژیک

این بازنگری ساختاری با تغییر بنیادی در آنچه مشتریان واقعاً به آن علاقه‌مند هستند، مطابقت دارد. با توجه به این که کارهای معمول انطباق و گزارشگری پایه، به‌طور فزاینده‌ای توسط سیستم‌های فناوری یکپارچه و خودکار انجام می‌شود، ارزش واقعی یک شریک مدرن در توانایی او برای ایفای نقش به‌عنوان مدیر مالی (CFO) پاره‌وقت یا مشاور رشد است. فرانچسکا لاگربرگ، مدیرعامل بیکر تیلی (Baker Tilly)، با اشاره به این واقعیت خاطرنشان کرد که حسابداران جوان‌تر انتظار محرک‌های فکری و انعطاف‌پذیری‌ای را دارند که چند دهه‌ی پیش وجود نداشت. اگر مؤسسات می‌خواهند تیم‌های ارشدشان مانند مشاوران کسب‌وکار استراتژیک فکر کنند، چارچوب‌های داخلی آن‌ها باید به تفکر کارآفرینانه به جای میزان خالص ساعات کاری، پاداش دهند.

برنامه‌ی عملیاتی برای شرکای مدیریت

اگر مؤسسه‌ی شما به دنبال تضمین جذب استعدادهای رهبری خود است، این گذار باید آگاهانه باشد:

- **کتاب‌ها را زودتر باز کنید:** مدیران با عملکرد بالا را در مراحل اولیه‌ی حضور حرفه‌ای‌شان با اقتصاد مؤسسه آشنا کنید. دقیقاً به آن‌ها نشان دهید که کسب‌وکار چگونه حاشیه‌ی سود ایجاد می‌کند و آن‌ها در تصویر سهام آینده‌ی مؤسسه چه جایگاهی دارند.
- **تعریف «شریک» را متنوع کنید:** بپذیرید که معماران فناوری، مدیران عملیات و مدیران مرکز ارائه‌ی خدمات، ارزش سازمانی عظیمی به همراه می‌آورند. از اجبار هر رهبر آینده برای تبدیل شدن به یک

جذب‌کننده‌ی سنتی مشتری خودداری کنید.

• سرمایه‌گذاری سنگین در ارتقای مهارت‌های کسب و کار:

شکاف بین یک مدیر فنی عالی و یک شریک کسب و کار، بسیار زیاد است. بودجه‌های توسعه‌ی حرفه‌ای را به سمت رهبری اجرایی، استراتژی شرکتی و مهارت‌های مشاوره‌ی مشتری تغییر دهید.

نکته‌ی کلیدی: منتظر نمانید تا مدیران ارشد شما استعفانامه‌شان را تحویل دهند تا تازه مسیر رسیدن به سهام را برایشان توضیح دهید. حفظ نیروی انسانی مدرن نیازمند شفافیت جدی از همان روز اول است.

ضرورت بازار

بحران کنونی استعداد، تنها یک چرخه‌ی کلان موقت نیست و نیازمند اصلاح دائمی بازار است. مؤسسات که به مدل‌های شراکت قدیمی، سرمایه‌محور و محدود به زمان وابسته‌اند، احتمالاً خود را با انبوهی از کارهای مشتری اما کمبود شدید رهبر برای مدیریت آن‌ها مواجه خواهند دید. مهندسی مجدد مسیر شراکت دیگر یک آزمون فرهنگی نیست؛ بلکه ضرورتی برای بقای کسب و کار است.

accountancyage.com، ۲ ژوئن ۲۰۲۶

ثبات، امنیت و هدف: راز جذب نسل زد

نسل زد (متولدین اواسط دهه‌ی ۹۰ میلادی تا سال ۲۰۱۰)، گروهی است که حفظ آن‌ها در محیط کار مدرن، چالشی جدی به شمار می‌آید. نظرسنجی اخیر (Randstad) از متخصصان نسل زد نشان می‌دهد که میانگین مدت زمان



ماندگاری این نسل در یک شغل، تنها ۱.۱ سال است. آن‌ها از تغییرات شغلی افقی (تغییر جایگاه در همان سطح) هراسی ندارند، به‌ویژه اگر این کار به آن‌ها امکان دهد تعادل و استقلال خود را در اولویت قرار دهند؛ در واقع، مسیرهای شغلی خطی و سنتی برای نسل زد جذابیت کمتری دارد. فناوری نقش مهمی در نگرش نسل زد نسبت به کار، ایفا می‌کند. نسل‌های پیشین، فناوری‌هایی را ساخته‌اند که نسل زد اکنون در آن محیط‌ها فعالیت می‌کند و زندگی می‌گذراند. اما نسل زد در این دنیای دیجیتالی‌شده، بزرگ شده است و در نتیجه، رفتارهایی متفاوت از نسل‌های قبلی، مانند نسل هزاره (متولدین دهه‌ی ۸۰ تا اواسط دهه‌ی ۹۰ میلادی) دارد؛ نسل هزاره توانایی مقایسه دنیای نسبتاً آنالوگ گذشته با دنیای دیجیتال امروز را دارد، اما نسل زد چنین تجربه‌ای ندارد.

نسل زد از ابزارهای دیجیتال نه تنها برای برقراری ارتباط، بلکه برای حل کارآمد مشکلات در محیط کار استفاده می‌کند. نظرسنجی سال ۲۰۲۵ (Randstad) اشاره می‌کند که ۷۵٪ از نسل زد برای ارتقای مهارت‌های خود از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند که رقمی به‌مراتب بالاتر از سایر نسل‌هاست. این مواجهه با فناوری‌های دیجیتال پرشتاب،

باعث شده که نسل زد به دریافت بازخوردهای مداوم عادت کند. رشد مهارت و پیشرفت شغلی ممکن است باعث شود آن‌ها سریع‌تر از نسل‌های قبل به دنبال فرصت‌های جدید باشند.

البته فناوری تنها عاملی نیست که نسل زد را به تغییر سریع شغل سوق می‌دهد. فشارهای اقتصادی، از جمله تورم و بدهی‌های دانشجویی، تصمیمات این نسل را در دنیایی که روزبه‌روز گران‌تر می‌شود، تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، همه‌گیری کرونا و تحولات اخیر اقتصادی و سیاسی، هشداری جدی برای نسل زد بوده است. احتمال دارد که این رویدادها، اهمیت تعادل میان کار و زندگی، تجربیات واقعی و نقشی که دنیای آنالوگ در جلوگیری از فرسودگی شغلی ایفا می‌کند را به آن‌ها یادآوری کرده باشد.

باید توجه داشت که «ثبات» (برنامه‌ی شغلی با اهداف روشن و دست‌یافتنی)، «امنیت» (پایداری و راطمینان خاطر در روابط) و «هدف» (کار در حرفه‌ای که به منافع عمومی خدمت می‌کند)، از مزایای شغلی در حوزه‌ی حسابداری است که نهادهای حرفه‌ای حسابداری می‌توانند و باید بر آن تأکید کنند.

برای نسل زد، ترک یک شغل به معنای شکست نیست؛ بلکه راهبردی است برای ارزیابی گزینه‌هایی که ممکن است چشم‌اندازهای بهتری برای حفظ سلامت روان و برقراری تعادل میان زندگی شخصی و حرفه‌ای ارائه دهند. در دنیای حرفه‌ای که اغلب به صورت ترکیبی است، نسل زد برای تعادل میان تجربیات مجازی و دنیای واقعی ارزش قائل است.

این نسل نمی‌خواهد مانند نسل‌های پیشین تنها برای کار زندگی کند، بلکه می‌خواهد برای چیزی فراتر از آن زندگی کند. ۸۶٪ از نسل زد بر نیاز به منتورینگ (مربی‌گری) و راهنمایی در حین کار تأکید کرده‌اند که نشان‌دهنده‌ی اولویت آن‌ها برای روابط انسانی و کسب تجربیات عملی است. دقیقاً در همین جاست که فرصتی طلایی برای نهادهای حرفه‌ای حسابداری در سراسر جهان وجود دارد: استقبال از فرصت شکل‌دهی و پرورش برترین افراد؛ کسانی که در چند سال آینده، تعیین‌کننده‌ی مسیر حرفه‌ی ما خواهند بود.

با درک ارزش این فرصت حساس، نهادهای حرفه‌ای حسابداری در سراسر جهان می‌توانند هماهنگی مؤثری برای به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی دانش حسابداری، با هدف همگامی با تحولات اجتماعی، ایجاد کنند. این کار تحول چشمگیری در آموزش متخصصان آینده ایجاد خواهد کرد و رویکرد مبتنی بر توسعه‌ی مهارت‌ها را جایگزین مدل سنتی خواهد ساخت.

برنامه‌های آموزشی جدید می‌تواند به‌گونه‌ای ساختار یابد که پاسخگوی نیازهای بازاری باشد که روزبه‌روز پویاتر و فناورانه‌تر می‌شود و بر اصول پایداری و راهبری شرکتی استوار است. علاوه بر تقویت دانش فنی همسو با استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی، این نوع برنامه‌های آموزشی می‌توانند موضوعاتی نظیر تحول دیجیتال، مسائل زیست محیطی، اجتماعی و راهبری، مدیریت ریسک و تصمیم‌گیری استراتژیک را در بر گیرند تا دانشجویان را برای فعالیت در محیطی یکپارچه‌تر و همسو با نیازهای جامعه و سازمان‌ها آماده کنند. یکی از پیشرفت‌های اصلی در این مدل جدید، ارزش نهادن به مهارت‌های نرم است که برای فعالیت در حرفه‌ی

حسابداری معاصر ضروری تلقی می‌شود.

تمام این مهارت‌ها، آموزش فنی را تکمیل می‌کنند و به متخصصان اجازه می‌دهند در محیط‌های پیچیده‌تر، به شکلی تعاملی‌تر، تحول‌آفرین‌تر و سازگارتر عمل کنند. نسل زد نیز مانند هر فرد دیگری برای رهبری اخلاق مدار ارزش قائل است و می‌خواهد بخشی از محیط‌های کاری باشد که در آن به رهبری سازمان اعتماد دارد و می‌تواند بدون پنهان کردن هویت واقعی‌اش، احساس راحتی کند. این موضوع، فراتر از یک به‌روزرسانی ساده در برنامه‌ی درسی، و تحول اساسی در حرفه‌ی حسابداری است که حسابداران آینده را به بازیگران اصلی در ساختن آینده‌ی نوآورانه‌تر، اخلاق‌مدارتر و پررونق‌تر تبدیل خواهد کرد.

۲۵ ژوئن ۲۰۲۶، www.ifac.org

ورود به فضاهای جدید: حرفه‌ی حسابداری چگونه در حال تحول است



فدراسیون بین‌المللی حسابداران در گزارش تحلیلی اخیر خود، تصویری جهانی از حرفه‌ی حسابداری ارائه نموده است. این که این حرفه از چه افرادی تشکیل شده، چگونه در حال تحول است، و چه چالش‌ها و فرصت‌هایی آینده‌ی آن را شکل می‌دهد.

برای بیشتر دوران کاری ما، مرزهای حسابداری روشن و تثبیت شده به نظر می‌رسد. حسابرسی می‌کردیم، گزارش می‌دادیم، درباره‌ی مالیات و امور مالی مشاوره می‌دادیم. استانداردها و فناوری تغییر می‌کردند، اما قلمرو کار همچنان به‌طور کلی، همان می‌ماند. اما دیگر این‌طور نیست!

کار در حرفه‌ی حسابداری در حال گسترش به حوزه‌های واقعاً جدید است و حسابداری که این موضوع را تشخیص می‌دهند، دریافته‌اند که مهارت‌های بنیادین‌شان بسیار فراتر از آنچه تصور می‌کردند، قابل استفاده است. آنچه این امکان را فراهم می‌کند، این است که بنیان حرفه‌ی ما در حال گذار است.

اندازه‌گیری، تأیید کردن، قضاوت حرفه‌ای، تعیین سطح اهمیت، و مهم‌تر از همه، اعتمادی که از انجام این امور با استقلال و درستی حاصل

می‌شود، هیچ‌یک به موضوعی خاص وابسته نیستند. این‌ها را می‌توان هر جا که اطلاعات قابل‌اتکا اهمیت دارد به کار برد، و امروز اطلاعات قابل‌اتکا در زمینه‌هایی اهمیت پیدا کرده است که حسابداران سنتی در آن‌جا حضور نداشتند.

حرفه‌ای که دامنه‌اش در حال گسترش است

اکنون مشاهده می‌شود که کار حرفه‌ی حسابداری هم‌زمان به چند جهت در حال حرکت است. حسابداری دادگاهی از موضوعی حاشیه‌ای، به یک تخصص شناخته‌شده تبدیل شده است، زیرا تقلب، اختلافات و جرایم مالی به مهارت‌های بازرسی نیاز دارند که بر درک عمیق کنترل‌های مالی استوار است. تحلیل داده، حسابرس را به فردی تبدیل کرده که باید داده‌های بزرگ و آشفته را بررسی کند و درستی سیستم‌هایی را که آن داده‌ها را تولید می‌کنند، تضمین کند. امنیت سایبری و اطمینان بخشی اطلاعات نیز به تدریج با کار حسابداری در حوزه‌های راهبری، ریسک و قابلیت اتکا، تلاقی پیدا می‌کنند. کار مشاوره‌ای هم همچنان در حال گسترش است، زیرا مشتریان بیش از پیش انتظار دارند حسابداران نه فقط متخصص کار با اعداد، بلکه مشاور باشند.

هر یک از این‌ها موضوعی متفاوت است، اما الگو یکی است: زمانی که مجموعه‌ای از اطلاعات آن قدر مهم می‌شود که باید اندازه‌گیری، کنترل، گزارش و اعتباربخشی شود، حرفه‌ای که دقیقاً برای همین کار آموزش دیده است، وارد می‌شود.

هیچ نمونه‌ای این را روشن‌تر و قوی‌تر از پایداری نشان نمی‌دهد.

پایداری: واضح‌ترین نمونه

پایداری مهم‌ترین فضای جدیدی است که حرفه در حال ورود به آن است، و باید از ابتدا صادق بود: این حوزه فقط متعلق به حسابداران نیست. این یک میدان باز است، و محققان، مهندسان و متخصصان پایداری در آن کارهای حیاتی انجام می‌دهند و بسیاری از آنان مدت‌ها پیش از حسابداران در این حوزه فعال بوده‌اند.

سؤال منصفانه‌ای از حسابداران پرسیده می‌شود: چرا حسابداران این‌جا هستند، وقتی ما کارمان را با گزارشگری مالی آغاز کرده‌ایم؟

پاسخ در این است که اطلاعات تصمیم‌ساز مرتبط با پایداری، ناگزیر در حال تبدیل شدن به رشته‌ی گزارشگری، انطباق و اطمینان بخشی است، حوزه‌هایی که حسابداران طی دهه‌های متمادی در آن‌ها تخصص ایجاد کرده‌اند.

این یک گذار جهانی است: از اتحادیه‌ی اروپا تا ژاپن و خلیج فارس، حوزه‌های قضایی در حال حرکت به سمت الزام به افشای پایداری و، به تدریج، حسابرسی/اطمینان بخشی آن هستند. هند نیز به‌طور جدی بخشی از این موج است، مدت‌ها پیش از آن که افشای پایداری اجباری شود، بسیاری از شرکت‌های هندی بر اساس چارچوب‌هایی مانند ابتکار گزارش‌دهی جهانی، هیات استانداردهای حسابداری پایداری و کارگروه افشای مالی مرتبط با اقلیم (SASB، GRI و TCFD)، در پاسخ به انتظارات سرمایه‌گذاران گزارش می‌دادند و برخی نیز برای آن گزارش‌ها خدمات اطمینان بخشی دریافت می‌کردند. حسابداران از همان آغاز درگیر این فرایند بودند.

سپس مقررات، این تحول را رسمی کرد. هیات استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB) استانداردهای IFRS S1 و IFRS S2 را در سال

۲۰۲۳ صادر کرد، و تا آوریل ۲۰۲۶، ۲۸ حوزه‌ی قضایی این استانداردها را پذیرفته بودند و ۱۲ حوزه‌ی دیگر نیز در حال برنامه‌ریزی برای پذیرش آن‌ها بودند. زبان این استانداردها (راهبری، ریسک، اهمیت، سنج‌ها و اطمینان‌بخشی) به‌شدت از گزارشگری مالی الهام گرفته است و می‌کوشد اطلاعاتی شفاف، قابل‌مقایسه و قابل‌اتکا را برای سرمایه‌گذاران همسو با چشم‌انداز منافع عمومی آیفک فراهم کند.

هند این موضوع را به‌صورت عینی نشان می‌دهد. سازمان بورس و اوراق بهادار هند (SEBI) از طریق الزام به تهیه‌ی گزارش مسئولیت کسب‌وکار و پایداری، چارچوب (BRSR) را معرفی کرد که مجموعه‌ای از سنج‌های پایداری است که نیازمند اطمینان‌بخشی یا ارزیابی هستند و به‌صورت مرحله‌ای برای ۱۰۰۰ شرکت برتر بورسی تا سال مالی ۲۰۲۶-۲۷ اعمال می‌شود. نکته‌ی قابل‌توجه این است که سازمان بورس و اوراق بهادار هند ارائه‌دهنده‌ی خدمات اطمینان‌بخشی یا ارزیابی را حرفه‌محور نکرد، یعنی لازم نبود ارائه‌دهنده حتماً حسابدار رسمی باشد. میدان باز گذاشته شد اما بسیاری از شرکت‌ها همچنان برای این مأموریت‌ها از حسابداران رسمی استفاده می‌کنند، که نشان‌دهنده اعتمادی است که در طول نسل‌ها از طریق گزارشگری و خدمات اطمینان‌بخشی مالی به این حرفه شکل گرفته است.

حرفه‌ای که خودش این کار را انتخاب می‌کند

این حرکت، گامی از سر اجبار نیست؛ حرفه خودش آن را انتخاب می‌کند. انجمن حسابداران خبره‌ی هند، هیات استانداردهای گزارشگری پایداری را تأسیس کرد، استانداردهای اطمینان‌بخشی مبتنی بر چارچوب‌های بین‌المللی را منتشر کرد، و ظرفیت‌های لازم برای بازآموزی اعضا از طریق دوره‌های اعطای گواهی‌نامه‌های آنلاین و حضوری را ایجاد کرد. این مقیاس نشان نمی‌دهد که نهادی دارد اعضای بی‌ رغبت را به جلو می‌راند؛ بلکه نشان‌دهنده‌ی اشتیاق واقعی از درون است.

ما اکنون با حسابداران رسمی روبه‌رو هستیم که آگاهانه می‌خواهند در این حوزه کار کنند، چون می‌بینند آینده‌ی گزارشگری شرکت‌ها به کدام سمت می‌رود. هند در این زمینه استثنا نیست، نهادهای حرفه‌ای و مؤسسات در سراسر جهان برای این گذار در حال بازآموزی هستند. اما هند نمونه‌ای بسیار روشن از این است که حرفه چگونه می‌تواند به‌سرعت تکامل را انتخاب کند.

جایی که پایداری با مالی تلاقی می‌کند

دلیل عمیق‌تر دیگری هم برای تناسب این حرفه با این کار وجود دارد: پایداری برای یک کسب‌وکار مهم است، چون در طول زمان بر وضعیت مالی آن اثر می‌گذارد. شدت انتشار کربن می‌تواند ریسک، هزینه‌های تأمین مالی و مواجهه با مقررات را افزایش دهد؛ ریسک فیزیکی اقلیم به عملیات و در نهایت به حساب‌ها سرایت می‌کند. پایداری، بسیار فراتر از مالی است؛ ابعاد زیست محیطی، اجتماعی و راهبری را در بر می‌گیرد اما در یک الزام عملی متعادل می‌شود: کسب‌وکار باید از نظر مالی زنده بماند. همین بُعد اقتصادی جایی است که حسابداران کار می‌کنند. این موضوع همچنین بارها به اعداد قابل محاسبه تبدیل می‌شود. شرکتی که به‌سوی کربن خالص صفر حرکت می‌کند باید تصمیم بگیرد کجا سرمایه‌گذاری کند، بودجه ببندد، هزینه‌ی انرژی پاک‌تر را بسنجد،

و درباره‌ی تعهدات مالی کربنی گزارش دهد. این موارد مفاهیم حسابداری بهای تمام‌شده، بودجه‌بندی و اندازه‌گیری را در بر می‌گیرد. سرمایه از طریق اوراق قرضه‌ی سبز و وام‌های مرتبط با پایداری در حال جریان است، و رتبه‌بندی‌های زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی (ESG) نیز به‌طور فزاینده بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارند، همه‌ی این‌ها بر داده‌هایی تکیه دارند که باید به درستی اندازه‌گیری و ارائه شوند.

در عمل، شرکت‌هایی که در سطوح بالای بلوغ قرار دارند، به‌طور فزاینده پایداری را نه هزینه، بلکه سرمایه‌گذاری می‌بینند. مثلاً حرکت به‌سوی انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند هم هزینه‌ی انرژی و هم ردپای کربن را کاهش دهد و در طول زمان ارزش ایجاد کند. هرچه مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر نسبت به رفتار شرکت‌ها حساس‌تر می‌شوند، این محاسبه نیز قوی‌تر می‌شود. و سنجش چنین موازنه‌هایی دقیقاً همان نوع قضاوتی است که حسابداران برای آن آموزش دیده‌اند.

رشته‌ای که تمام فضاهای جدید را به هم وصل می‌کند

اگر از پایداری فاصله بگیریم، رشته‌ی حسابداری در تمام فضاهای جدید دیده می‌شود.

حسابداری دادگاهی، تحلیل داده، امنیت سایبری و پایداری، همگی از جایی آغاز می‌شوند که اطلاعات اهمیت پیدا می‌کند و کسی باید اعتبار آن را تأیید کند. نقش حسابدار جایگزین مهندس، متخصص داده یا متخصص پایداری نیست؛ بلکه همکاری در کنار آنان است. ترجمه‌ی فنی واقعیت به اطلاعات قابل اندازه‌گیری، قابل‌اتکا، گزارشگری باکیفیت و اطلاعات تصمیم‌ساز که ذی‌نفعان بتوانند به آن اعتماد کنند. بهترین نتایج زمانی به دست می‌آید که هر حرفه تخصص خود را به تیم بیاورد. اما هیچ‌یک از این‌ها خودبه‌خود رخ نمی‌دهد، و اگر غیر از این گفته شود، نادرست خواهد بود. این‌ها حوزه‌هایی نیستند که حسابدار بتواند صرفاً با دانش موجود واردشان شود. این حوزه‌ها به یادگیری جدی و مستمر درباره‌ی استانداردهای جدید، روش‌های جدید و کسب مهارت در موضوع تخصصی، نیاز دارند.

وقتی حسابداران رسمی را آموزش می‌دهیم، اغلب کنجکاوی واقعی را همراه با شکاف‌هایی در دانش موضوعی می‌بینیم که فقط با مطالعه‌ی عمیق‌تر پر می‌شوند. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش Future of Jobs تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۳۰ نزدیک به نیمی از نیروی کار جهان نیازمند بازآموزی خواهد بود.

برای حرفه‌ی ما، این تهدید نیست؛ بلکه فرصت ورود به حوزه‌های جدید است. فرصت، از راه یادگیری به‌دست می‌آید، نه این‌که به‌صورت ذاتی فرض شود.

حرفه متوقف نشده است

به‌عنوان حسابدار رسمی، وقتی وارد حوزه‌ی جدید می‌شویم؛ نخستین پرسش این است که چه میدان تازه‌ای برای یادگیری باقی می‌ماند. حس آزمودن یک عدد و پرسیدن این‌که داده از کجا آمده، نیازی به بازسازی ندارد؛ اما موضوعی که پیرامون آن قرار دارد، باید از نو آموخته شود. این، در مقیاسی کوچک، داستان کل حرفه‌ی امروز است.

۱۳ جولای ۲۰۲۶ www.ifac.org

بازنگری در مدل فعالیت برای نسل جدید حسابداران

بخش حسابداری انگلستان با گلوگاهی بحرانی در زمینه‌ی استعدادها مواجه است. گریس هاردی، مدیرعامل و بنیان‌گذار مؤسسه خدمات حسابداری هاردی، به این موضوع می‌پردازد که چگونه تغییر مسیر به سمت کارآموزی، کنار گذاشتن سیستم‌های سفت‌وسخت ثبت ساعت کاری (تایم شیت) و مشارکت دادن کارکنان جوان، می‌تواند آینده‌ی نسل بعدی متخصصان را تضمین کند.

بخش حسابداری انگلستان با یک بحران بی‌سابقه در زمینه‌ی استعدادها مواجه است. «شاخص استعداد حسابداری» در سال ۲۰۲۶ واقعیت تلخی را آشکار می‌کند: ۷۳ درصد از مؤسسات به دلیل نداشتن نیروی انسانی کافی برای ارائه‌ی خدمات، از پذیرش مشتریان بالقوه خودداری می‌کنند. کمبود استعدادها به محدودیتی مستقیم برای رشد درآمد و مقیاس‌پذیری مؤسسات تبدیل شده است.

برای درک این که مؤسسات چگونه می‌توانند این شکاف فزاینده را پر کنند، این مطلب از «گریس هاردی»، مدیرعامل و بنیان‌گذار «هاردی اکانتینگ» تهیه شده است. هاردی که با دور زدن مسیر دانشگاهی، مؤسسه‌ی خود را در ۲۱ سالگی تأسیس کرد، نماینده‌ی همان نسلی است که مؤسسات سنتی در جذب آن با مشکل مواجه‌اند. سفر شغلی او نقشه‌ی راهی واقعی برای فاصله گرفتن از سنت‌های سفت و سخت و بستن شکاف استعدادهای «نسل زد» ارائه می‌دهد.

عبور از مسیر دانشگاه و قدرت مسیر کارآموزی

برای دهه‌ها، نقطه‌ی ورود استاندارد به حرفه‌ی حسابداری، مدرک دانشگاهی و به دنبال آن طرح‌های جذب فارغ‌التحصیلان بوده است. با این حال، اتکال سفت‌وسخت به این مسیر واحد دیگر کارآمد نیست. بسیاری از متخصصان جوان در حال انتخاب مسیر جایگزین هستند: کارآموزی AAT (انجمن تکنسین‌های حسابداری) در سن ۱۸ سالگی.

هاردی که در دوران دبستان متوجه شد که ساختارهای آموزشی سنتی با سبک یادگیری او سازگار نیستند، با وجود قبولی در رشته‌ی سیاست‌گذاری اجتماعی در مدرسه اقتصاد لندن (LSE)، او این پیشنهاد را رد کرد.

هاردی توضیح می‌دهد: «من نمی‌خواستم به دانشگاه بروم، چون احساس می‌کردم ادامه‌ی همان مدرسه است. اما نمی‌دانستم چه مسیرهای جایگزین دیگری وجود دارد.»

با این حال، مسائل سیستماتیک در نظام آموزشی انگلستان همچنان پابرجاست. وقتی هاردی به مشاور تحصیلی مدرسه مراجعه کرد تا بپرسد در چه سطحی از کارآموزی باید تحصیل کند، پاسخ مشاور گویای همه چیز بود: «من اصلاً نمی‌دانستم که سطوح مختلفی وجود دارد!» این فقدان آگاهی با گزارش اخیر «گرت تورنتون» درباره‌ی دیدگاه نسل زد نسبت به حسابداری همخوانی دارد؛ گزارشی که نشان می‌دهد ۶۵ درصد از جوانان مورد بررسی، هرگز مشاوره‌ی شغلی درباره‌ی حرفه‌ی حسابداری در مدرسه دریافت نکرده‌اند و ۵۷ درصد به اشتباه تصور می‌کردند که مدرک دانشگاهی برای ورود به این حرفه الزامی است.

معیار شغلی	مسیر مدرن کارآموزی	مسیر سنتی فارغ‌التحصیلی
بازه زمانی (۱۸ تا ۲۲ سالگی)	۳ تا ۴ سال کارآموزی حرفه‌ای	۳ سال دانشگاه، به علاوه ۳ سال طرح جذب فارغ‌التحصیلان
تأثیر مالی	دریافت حقوق کامل از همان روز اول	انباشت بدهی دانشجویی (شهریه و هزینه‌های زندگی)
تجربه‌ی عملی	۳ تا ۴ سال تمرین مداوم و عملی	صفر تا حداقل مواجهه با محیط کار در حین تحصیل
آمادگی بازار	متخصص کاملاً واجد شرایط با تجربه‌ی مستقیم کار با مشتری	ورود به بازار کار و رقابت برای نقش‌های ورودی

دوره‌ی کارآموزی اکنون تا سطح کارشناسی ارشد گسترش یافته است و به استعدادهای جوان اجازه می‌دهد در حین کسب درآمد، مهارت‌های عملی حیاتی را بیاموزند. یافته‌های اخیر انجمن حسابداران خبره‌ی انگلستان و ولز (ICAEW) در مؤسسات متوسط نشان می‌دهد که پیش‌بینی می‌شود جذب فارغ‌التحصیلان سنتی کاهش یافته و استخدام نیروهای تازه‌فارغ‌التحصیل از مدارس افزایش یابد.

مواجهه با کار عملی در این مسیر بی‌نظیر است. همان‌طور که هاردی درباره‌ی آموزش اولیه‌ی خود می‌گوید:

«کارآموزان را در شرایط سخت (در عمق میدان) رها می‌کنند. در طول دو هفته‌ی اول، وی یک جلسه یک‌به‌یک با مشتری داشته است. وی علی‌رغم عدم آگاهی، نهایتاً با پرسیدن سؤال و بزرگسالانه رفتار کردن، یاد گرفته و سازگار شده است.»

ذهنیت کارآموزان مدرن چالش کاملاً جدیدی را برای مؤسسات سنتی ایجاد می‌کند. بر اساس بررسی‌های انجام شده با «تغییر چهره‌ی حرفه‌ی حسابداری»، حدود ۷۵ درصد از دانشجویان حسابداری در انگلستان به‌جای دهه‌ها بالارفتن از نردبان‌های سنتی ارتقای شغلی، مشتاق راه‌اندازی کسب‌وکارهای خود هستند.

نسل زد به‌طور فزاینده‌ای به مهارت‌های فنی یک حسابدار به چشم سکوی پرتابی برای استقلال و کارآفرینی نگاه می‌کند. برای جذب این انگیزه‌ی کارآفرینانه، مؤسسات باید نحوه‌ی معرفی کارکنان جوان به بازار را تغییر دهند. مؤسسات پیشرو در حال حرکت به سمت برندسازی دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی هستند و به اعضای جوان تیم خود قدرت می‌دهند تا شبکه‌های مدرنی بسازند که مستقیماً با صاحبان کسب‌وکارهای امروزی ارتباط برقرار کند.

شکاف فرهنگی بین سبک‌های مدیریتی قدیمی و انتظارات استعدادهای جدید، عمدتاً ناشی از اتکال تاریخی این صنعت به اهداف سفت‌وسخت «ساعت‌های قابل صورت‌حساب» (Billable-hour) و جداول زمانی است. این محدودیت‌های سنتی، استعدادهای جوان را به سمت بخش‌های پیشروتر سوق می‌دهد.

هاردی با تکیه بر تجربه‌ی خود در رهبری نیروی کار نسل زد، سه استراتژی عملیاتی مشخص را پیشنهاد می‌کند که مؤسسات می‌توانند از فردا برای بهبود نرخ حفظ کارکنان پیاده‌سازی کنند:

۱. تمرکز بر خروجی، نه حضورگرایی: شاخص‌های عملکرد را از

قیمت‌گذاری ساعتی، متغیری است که بیش از هر چیز دیگری علیه حاشیه سود شما کار می‌کند



مؤسسه‌های حسابرسی انگلستان که در حال سرمایه‌گذاری روی هوش مصنوعی و اتوماسیون هستند، به‌زودی با یک حقیقت ناخوشایند دربارۀ مدل قیمت‌گذاری خود روبه‌رو خواهند شد. در تازه‌ترین برنامه‌ی Leading Voice Broadcast، دو فعال حرفه‌ای توضیح دادند که چرا قیمت‌گذاری ساعتی که به بخشی از مدل تجاری تبدیل شده، در حال زیان‌ده شدن است.

در سال‌های اخیر، ساعت‌های درج شده در صورت‌حساب، جایگاه منطقی را در محاسبه‌ی بهای خدمات رعایت/انطباق داشته است. این واحد اندازه‌گیری بوده است که همه‌چیز بر محور آن سازمان‌دهی شده است؛ از بهره‌وری تیم گرفته تا گفت‌وگوهای مربوط به سودآوری در پایان سال. این مدل سال‌هاست که در حال فرو ریختن است، و اکنون هوش مصنوعی این فروپاشی را آشکار کرده است.

رایان دیلکس-سیتو از مؤسسه‌ی Johnstons Carmichael مسئله‌ی قیمت‌گذاری را با صریح‌ترین لحن به شکل زیر مطرح کرد:

«چرا باید به خاطر کارآمدتر شدن، به خاطر سرمایه‌گذاری بیشتر روی آموزش کارکنان، یا به خاطر سرمایه‌گذاری بیشتر روی فناوری‌تان مجازات شوید؟ این که کارها را سریع‌تر انجام می‌دهید، نباید علیه شما باشد. شما باید بابت آنچه از رهگذر تجربه، دانش، بینش و کارایی خود به ارمغان می‌آورید، پاداش بگیرید.»

نکته‌ای که در پشت این جمله نهفته است، از آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، تجاری‌تر است. هر ساعتی که یک مؤسسه از طریق اتوماسیون، هوش مصنوعی، سیستم‌های بهتر یا آموزش دقیق‌تر کارکنان از فرایند ارائه خدمت کم می‌کند، ساعتی است که دیگر نمی‌تواند بابت آن صورت‌حساب صادر کند. در نظام قیمت‌گذاری ساعتی، هر بهبود عملیاتی به کاهش درآمد تبدیل می‌شود. مؤسسه‌هایی که بیشترین تلاش را برای مدرن‌سازی می‌کنند، در عمل می‌بینند که همین پیشرفت، درآمد بالای آن‌ها را کوچک‌تر می‌کند.

این همان مشکل ساختاری است که بیشتر مؤسسات هنوز آن را در نظر نگرفته‌اند. صورت‌حساب ساعتی برای دوره‌ای طراحی شده بود که در آن ساعات بیشتر برابر بود با کار بیشتر و درآمد بیشتر. این معادله دیگر برقرار

ساعت‌های ثبت‌شده در صفحه گسترده (اکسل) به سمت اهداف تحویل کار مبتنی بر خروجی شفاف تغییر دهید.

۲. **پرورش جامعه‌ی فیزیکی:** از آن‌جا که زندگی نسل زد اساساً دیجیتال است، آن‌ها برای خنثی کردن اختلالات آموزشی دوران همه‌گیری، برای حضور در دفتر و محیط‌های کاری مشارکتی ارزش زیادی قائل هستند.

۳. **اجرای مربی‌گری معکوس:** چرخه‌های بازخورد فصلی ایجاد کنید که در آن کارکنان جوان بتوانند سیستم‌های مؤسسه و سبک‌های مدیریتی را با امنیت نقد کنند. در «هاردی اکانتینگ»، هاردی جلسات فصلی برگزار می‌کند که در آن کارکنان درباره‌ی سبک مدیریتی او بازخورد می‌دهند. دادن تریبون به کارکنان جوان برای نشانه‌گذاری گردش کارهای ناقص، از انباشته شدن ناامیدی‌های کوچک داخلی تا حدی که باعث خروج استعدادها از مؤسسه شود، جلوگیری می‌کند.

استراتژی متعادل برای یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی

روایتی غالب وجود دارد که هوش مصنوعی فوراً تمام وظایف پایه (انطباق و حسابداری پایه) را حذف می‌کند تا کارکنان جوان را راضی نگه دارد. با این حال، حذف کامل وظایف سطح ورودی، آسیب‌پذیری ساختاری خطرناکی ایجاد می‌کند.

تحقیقات انجمن حسابداران خبره نشان می‌دهد که اگرچه ۸۰ درصد از نسل زد با فناوری بسیار راحت هستند، بیش از نیمی از آن‌ها نگران این هستند که چگونه اتوماسیون فوری، آموزش‌های سطح ورودی را مختل می‌کند. علاوه بر این، هاردی خاطر نشان می‌کند که اتکالی بیش از حد به خودکارسازی وظایف بنیادی، خطر «مهارت‌زدایی» کارکنان جوان را به همراه دارد. بدون پایه‌ی عملی اولیه، حسابداران جوان نمی‌توانند «قضاوت حرفه‌ای» لازم برای شناسایی ناهنجاری‌ها در خروجی‌های هوش مصنوعی را در مراحل بعدی حرفه‌ی خود توسعه دهند.

در «هاردی اکانتینگ»، انتخاب نرم‌افزار یک فرآیند دموکراتیک است. هنگام آماده‌سازی برای تغییرات نظارتی مانند «دیجیتالی‌سازی مالیاتی»، درگیر کردن کل تیم در بررسی تضمین می‌کند که کسانی که روزانه از نرم‌افزار استفاده می‌کنند، در انتخاب آن نقش دارند.

گام‌های عملی برای آزادسازی ظرفیت مؤسسه و حفظ استعدادها

کمبود استعدادها صرفاً با افزایش حقوق پایه یا ارائه‌ی مزایای سطحی حل نخواهد شد. برای تثبیت حفظ کارکنان و کسب سهم بازار جدید، رهبران مؤسسات باید فعالانه به سمت چارچوب‌های مشارکتی‌تر حرکت کنند:

- **کاهش ریسک جریان استعدادیابی:** کارآموزی‌ها را در کنار جذب فارغ‌التحصیلان ادغام کنید تا کارکنان آماده برای کار را سریع‌تر در میدان داشته باشید.

- **مدرن‌سازی معیارها:** اندازه‌گیری‌های «ساعت قابل صورت‌حساب» را با اهداف خروجی جایگزین کنید تا خستگی محیط کار کاهش یابد و با اخلاق کاری مدرن همسو شود.

- **دادن حق انتقاد به کارکنان جوان:** ساختارهای مربی‌گری معکوس را برای شناسایی نقاط اصطکاک عملیاتی و باگ‌های فنی قبل از این که باعث ترک کارکنان شود، ایجاد کنید.

accountancy.com، ۱۷ جولای ۲۰۲۶

مؤسسه‌هایی که اکنون این تغییر را انجام می‌دهند، همان‌هایی هستند که سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی را به‌عنوان مبنای تجاری تغییر مدل قیمت‌گذاری خود تلقی می‌کنند.

ساعت قابل محاسبه در صورت‌حساب هنوز هم در بیشتر مؤسسات جایگاه دارد. اما اکنون این همان بخشی از مدل تجاری است که بیش از هر جزء دیگر، برخلاف تمام چیزهایی عمل می‌کند که مؤسسه در تلاش است تا انجام دهد.

accountancyage.com، ۱۳ جولای ۲۰۲۶

برون سپاری حسابرسی، زیر ذره بین شورای گزارشگری مالی انگلستان

شورای گزارشگری مالی انگلستان (FRC) اخیراً توجه خود را به مؤسسات ارائه دهنده خدمات حرفه‌ای خارج از کشور معطوف کرده، از این رو، شرکای حسابرسی در انگلستان در حال ثابت کردن این موضوع هستند که صرفاً ساعات کاری را منتقل نمی‌کنند، بلکه ریسک را نیز به‌طور فعال مدیریت می‌کنند.



شورای گزارشگری مالی انگلستان (FRC) رسماً به بخش حسابرسی این کشور هشدار داده است، از این پس نظارت شدیدتری بر نحوه استفاده مؤسسات بزرگ حسابرسی از مؤسسات ارائه دهنده خدمات حرفه‌ای خارج از کشور اعمال خواهد کرد؛ مؤسساتی که معمولاً در هند، فیلیپین و آفریقای جنوبی قرار دارند و بخشی از کار حسابرسی قانونی را انجام می‌دهند.

در حالی که چهار مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی (PwC, Deloitte, EY و KPMG) و همچنین مؤسسات حسابرسی متوسط سال‌هاست برای جبران کمبود نیروی انسانی در انگلستان به این مؤسسات متکی هستند، پیام نهاد ناظر کاملاً روشن است: شما می‌توانید کار را برون‌سپاری کنید، اما پاسخگویی را خیر.

برای شرکای مؤسسات، مجریان حسابرسی رعایت، و حساب‌رسان ارشد در سراسر انگلستان، این تغییر فقط یک خبر مهم نیست. بلکه نشان‌دهنده‌ی تغییری آشکار در نحوه‌ی انجام بررسی‌های کیفیت حسابرسی (AQR) در آینده است.

چرا نهاد ناظر اکنون وارد عمل شده است؟

یک دهه پیش، وظایف تیم‌های حسابرسی از مؤسسات خارج از کشور عمدتاً به ورود داده‌های ساده، تهیه‌ی صورت‌های مالی، یا تطبیق‌های استاندارد محدود می‌شد. اما امروز، تیم‌های حسابرسی برون‌مرزی به‌طور معمول آزمون‌های پیچیده‌ی محتوا، ارزیابی کنترل‌ها، و بررسی‌های اولیه‌ی تحلیلی را انجام می‌دهند و در بسیاری از مأموریت‌های حسابرسی معمول، ۳۰

نیست. هوش مصنوعی زمان لازم برای انجام کار را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد، و دقیقاً همان بخش‌هایی از کار را هدف گرفته که از قبل نیز بیش از همه قابلیت ساده‌سازی و خودکارسازی داشته‌اند.

آنتونی لویسن از Intuit QuickBooks نیز این نکته را از منظر پلتفرم تأیید کرد. او توضیح داد که لایه‌ی هوش مصنوعی تحت هدایت حسابدار، کاری را که مؤسسات قبلاً بر اساس آن ساعت قابل محاسبه در صورت‌حساب ثبت می‌کردند، در چند دقیقه انجام می‌دهد.

برداشت طبیعی از این تحول آن است که ارزش حسابدار در حال فرسایش است. اما استدلالی که توسط این دو فعال حرفه‌ای مطرح شد، متفاوت بود.

دیپلکس‌سیتو، بُعد انسانی موضوع را مستقیماً بیان کرد: «بگذارید ربات را از انسان بیرون بیاوریم تا انسان بتواند رشد کند و ارزش بیافریند.» آنگاه حسابدار چیزی را به ارمغان می‌آورد که هوش مصنوعی هرگز قادر به ارائه‌ی آن نیست؛ یعنی بینش انسانی که از تجربه می‌آید و پلتفرم فاقد آن است.

دیپلکس‌سیتو درباره‌ی هوش مصنوعی گفت: «هوش مصنوعی نمی‌داند چه چیزی در زندگی حرفه‌ای مشتری‌ها به آن‌ها انگیزه می‌دهد. نمی‌داند محرک‌های آن‌ها چیست. ما در موقعیت مناسبی هستیم که می‌توانیم با همدلی و قضاوت حرفه‌ای، به مشتریان مان کمک کنیم تصمیم‌هایی بگیرند که واقعاً برای آن‌ها درست است.»

این تمایز مهم است، زیرا مشخص می‌کند مؤسسه دقیقاً چه چیزی را می‌فروشد. مدل ساعتی برای زمان صورت‌حساب صادر می‌کند و قضاوت حرفه‌ای را همچون مزیتی جانبی و همراه آن حساب می‌کند. اما مدلی که هر دو سخنران از آن دفاع می‌کردند، این رابطه را وارونه می‌کند. قضاوت حرفه‌ای به قلم اصلی صورت‌حساب تبدیل می‌شود و پلتفرم زیرساختی، کارداده محوری را انجام می‌دهد که قبلاً صفحات تایم‌شیت را پر می‌کرد. پیامد قیمت‌گذاری این مسئله کاملاً مستقیم است. اگر ارزش در قضاوت حرفه‌ای نهفته باشد نه در ساعات کار، منطق قیمت‌گذاری نیز باید از همان ارزش پیروی کند. دیپلکس‌سیتو از قیمت‌گذاری ثابت و مبتنی بر ارزش دفاع کرد؛ یعنی قیمتی که بر اساس مسئولیتی که مؤسسه بر عهده می‌گیرد تعیین شود، نه بر مبنای تعداد ساعت‌هایی که صرف تحلیل شده است. وی تأکید نمود:

«چیزی که باید بابت آن پاداش بگیریم، بینش ماست، نه میزان تلاش ساعتی ما.»

این تغییر مستلزم آن است که مؤسسات از آنچه معمولاً هستند، جسورتر باشند.

دیپلکس‌سیتو گفت:

«ما باید کمی شجاع‌تر باشیم. ما باید واقعاً شریک باشیم. در یک شراکت، همه برنده می‌شوند.»

ریاضیات پشت همه‌ی این گفت و گوها ساده است. هوش مصنوعی زمان ارائه‌ی خدمت را فشرده می‌کند، و در مدل قیمت‌گذاری ساعتی، این فشرده‌سازی مستقیماً به کاهش درآمد ترجمه می‌شود. اما قیمت‌گذاری مبتنی بر ارزش، همین بهبود عملیاتی را به حاشیه‌ی سود تبدیل می‌کند.

تا ۵۰ درصد از کل ساعات قابل صورتحساب را به خود اختصاص می دهند. اگرچه این الگو به مؤسسات کمک می کند تا حاشیه سود محدود حسابرسی و فشار کمبود ظرفیت در فصل های شلوغ را مدیریت کنند، اما ریسک های مشخصی برای کیفیت حسابرسی ایجاد می کند که FRC دیگر حاضر نیست آن ها را نادیده بگیرد:

ریسک «مهر تأیید صوری»:

شرکای کار حسابرسی و مدیران مستقر در انگلستان، کاربرگ های تهیه شده در خارج از کشور را بدون شواهد کافی از بررسی دقیق یا طرح پرسش های لازم تأیید می کنند.

درک محیط کار و تردید حرفه ای:

تیم های حسابرسی برون مرزی که هزاران کیلومتر دورتر فعالیت می کنند، اغلب تماس مستقیمی با مدیریت واحد مورد رسیدگی ندارند. بدون درک عمیق از عملیات روزمره مشتری یا ظرفیت های صنعت، رویه های حسابرسی به راحتی می توانند به یک فعالیت مکانیکی و صرفاً «تیک زدنی» تبدیل شوند.

شکاف های ارتباطی و اختلاف زمانی:

پرسش های حیاتی حسابرسی، ممکن است در مسیر ارتباطات گم شوند یا با تأخیر منتقل شوند و در نتیجه، بررسی ها درست پیش از مهلت گزارشگری با عجله انجام شوند.

این نگرانی صرفاً محدود به انگلستان نیست. نهادهای ناظر خارجی، مانند هیات نظارت بر حسابداری شرکت های سهامی عام آمریکا (PCAOB)، نرخ بالاتری از نواقص را در حسابرسی هایی گزارش کرده اند که بخش بزرگی از کار آن ها به شبکه های خدمات حرفه ای جهانی واگذار شده است. شورای گزارشگری مالی به صورت پیشگیرانه وارد عمل شده تا اطمینان حاصل کند استانداردهای حسابرسی انگلستان دچار افت کیفیت مشابه نشوند.

استانداردها چه می گویند و مؤسسات کجا دچار مشکل می شوند؟

بر اساس استاندارد بین المللی حسابرسی شماره ۲۲۰ (ISA) (اصلاح شده) درباره ی مدیریت کیفیت در حسابرسی صورت های مالی و همچنین استاندارد بین المللی مدیریت کیفیت شماره ۱ (ISQM)، حسابرس مستقر در انگلستان مسئولیت کامل هدایت، نظارت و اجرای مأموریت حسابرسی را بر عهده دارد.

نهادهای ناظر در حال مشاهده ی شکافی میان سیاست ها و اجرا هستند:

ردپای ناکافی شریک:

تیم های بازرسی معمولاً به دنبال شواهد روشن هستند که نشان دهد شریک کار حسابرسی در انگلیس، به طور فعال تیم برون مرزی را در حوزه های پرریسک مانند شناسایی درآمد، بی اثر کردن کنترل های داخلی توسط مدیریت، یا تداوم فعالیت هدایت کرده است. صرفاً علامت زدن یک کاربرگ به عنوان «بررسی شد» در نرم افزار حسابرسی، بدون یادداشت های درون متنی بررسی یا مستندات آموزشی، در بازرسی های شورای گزارشگری مالی یک علامت هشدار جدی محسوب می شود.

ابهام میان مؤلفه و مؤسسه ی خدمات حرفه ای خارجی:

گاهی مؤسسات، تیم های داخلی در خارج از کشور را به اشتباه به عنوان اشخاص ثالث مستقل طبقه بندی می کنند، نه به عنوان امتداد تیم اصلی

مأموریت، و این موضوع موجب خلأهایی در رعایت الزامات استاندارد بین المللی حسابرسی شماره ۶۰۰ (ملاحظات خاص در حسابرسی صورت های مالی گروه) می شود.

مؤسسات حسابرسی در انگلیس چگونه باید واکنش نشان دهند؟ چه مؤسسه ی شما یکی از چهار مؤسسه ی بزرگ حسابرسی باشد و چه یک مؤسسه ی متوسط که برای مدیریت فصل شلوغ از مدل های برون سپاری برون مرزی استفاده می کند، در این جا توصیه های عملی برای اطمینان از عبور موفق فرآیند برون سپاری حسابرسی از آزمون مقررات آمده است:

۱. یک زنجیره ی پیوسته و بدون انقطاع از نظارت ایجاد کنید

وقتی بازرس شورای گزارشگری مالی یک پرونده ی حسابرسی را باز می کند، می خواهد ببیند چه کسی کار را انجام داده، چه کسی آن را بررسی کرده و چه پرسش هایی مطرح شده است. اطمینان حاصل کنید که مدیران مؤسسه در انگلستان روی کاربرگ های تهیه شده در خارج از کشور، یادداشت های روشن و مستند را با بررسی دقیق ثبت می کنند و کارها را بی سروصدا تأیید نمی کنند.

پیش از شروع کار میدانی، جلسات برنامه ریزی ویدئویی اجباری میان مسئولان مأموریت در انگلستان و سرپرستان تیم های خارج از کشور برگزار کنید تا انتظارات در مورد حوزه های ریسک به وضوح تعیین شود.

۲. فقط در نرم افزار به تیم های برون مرزی آموزش ندهید؛

چارچوب های انگلستان را هم آموزش دهید.

- کارکنان خارج از کشور معمولاً در ابزارهای نرم افزاری خوب آموزش دیده اند، اما ممکن است با ظرفیت های بازرسی توسط FRC، هماهنگی با قوانین مالیاتی انگلستان، یا به روزرسانی های اخیر FRC در استانداردهای حسابرسی مربوط به تقلب و تداوم فعالیت آشنایی عمیقی نداشته باشند.
- برای کارکنان ثابت برون مرزی خود، در آموزش های فنی اختصاصی سرمایه گذاری کنید.

- از جابه جایی اعضای تیم خارج از کشور در میانه ی حسابرسی پرهیز کنید؛ تداوم همکاری به طور چشمگیری تردید حرفه ای را تقویت می کند.

۳. کنترل های کیفیت را در چارچوب استاندارد بین المللی

مدیریت کیفیت شماره ۱ (۱) تعبیه کنید

بر اساس استاندارد بین المللی مدیریت کیفیت شماره ۱ (ISQM) (۱)، مؤسسات باید ریسک های ناشی از مدل عملیاتی خود را ارزیابی کنند. اگر مؤسسه ی شما به منابع برون مرزی متکی است، سیستم مدیریت کیفیت شما باید ابزارهای نظارتی مشخصی را شامل شود:

- سالانه روی نمونه ای از پرونده هایی که وابستگی زیادی به مشارکت خارج از کشور دارند، بررسی های داخلی کیفیت انجام دهید.
- نرخ خطاها و زمان بازگشت بررسی کارهای ارجاع شده به تیم های برون مرزی را رصد کنید تا گلوگاه ها زودتر شناسایی شوند.

۴. با مشتریان شفاف باشید و الزامات داده را رعایت کنید

مشتریان بیش از پیش می پرسند داده های مالی آن ها کجا پردازش می شود.

- نامه های قرارداد با مشتریان را بازبینی کنید تا افشای مربوط به اشتراک گذاری داده ها به صراحت به مؤسسات ارائه ی خدمات حرفه ای

خارج از کشور اشاره کند و با الزامات قانون حفاظت از داده‌های انگلستان سازگار باشد.

• کنترل‌های سخت‌گیرانه‌ی دسترسی ابری را حفظ کنید. داده‌ها باید از طریق زیرساخت دسکتاپ مجازی (VDI) به‌صورت امن در دسترس باشند، نه این‌که روی دستگاه‌های محلی تیم‌های خارج از کشور ذخیره شوند.

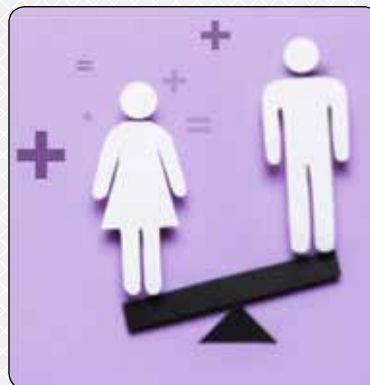
واقعیت مقرراتی برای مؤسسات حسابرسی در انگلستان

برون‌سپاری به خارج از کشور اکنون به بخشی دائمی از ساختار صنعت حسابداری تبدیل شده و برای مدیریت حجم کار و حفظ ظرفیت ضروری است. اما فضای مقرراتی تغییر کرده است. شورای گزارشگری به‌صراحت اعلام می‌کند که صرفه‌جویی در هزینه‌ها هرگز نباید به بهای افت کیفیت حسابرسی تمام شود.

مؤسساتی که تیم‌های خارج از کشور را به‌عنوان امتداد واقعی کار اصلی خود در انگلستان در نظر می‌گیرند و این رویکرد را با بررسی دقیق، آموزش مستمر، و نظارت قوی پشتیبانی می‌کنند، می‌توانند با اطمینان از این نظارت‌های مقرراتی عبور کنند. اما آن دسته که به برون‌سپاری سریع و بدون مشارکت فعال شرکا تکیه دارند، ممکن است گزارش بازرسی بعدی شورای گزارشگری مالی را چندان خوشایند نیابند.

accountancy.com، ۲۳ جولای ۲۰۲۶

حسابداری رکورددار بدترین شکاف دستمزد جنسیتی در میان فریلنسره‌های جهان



آیا فکر می‌کنید فریلنسری (آزادکار) شدن، راه گریزی بی‌دردسر از نابرابری‌های رایج در مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات حسابداری سنتی است؟ داده‌های جدید نشان می‌دهد که متخصصان امور مالی و حسابداری که به‌صورت فریلنس

کار می‌کنند، با بزرگ‌ترین شکاف دستمزد جنسیتی در اقتصاد گیگ (gig economy) نوعی بازار آزاد است، در این بازار، افراد بدون این‌که به‌شکل ثابت یا برای طولانی مدت به استخدام یک کسب و کار و کارفرما در بیایند، در ازای انجام یک پروژه یا کار کوتاه‌مدت، دستمزد می‌گیرند) جهانی مواجه هستند و معاملات ساختاری که عامل این وضعیت است، پیامدهای عظیمی برای رهبران آینده‌ی انگلستان دارد.

اگر زنی در یک مؤسسه‌ی حسابداری سنتی باشید، بالا رفتن از نردبان ترقی برای رسیدن به جایگاه شریک، شبیه دویدن در یک ماراتن با پوتین‌های سربی است. در مواجهه با اهداف سخت‌گیرانه برای ساعت‌های قابل محاسبه و سیاست‌های مؤسسه، مسیر خروج به سمت زندگی

فریلنسری بسیار وسوسه‌انگیز به نظر می‌رسد. روایت زیبایی است؛ رئیس خودتان باشید، نرخ‌هایتان را در یک پلتفرم تعیین کنید و اجازه دهید بازار صرفاً بر اساس شایستگی به شما پاداش دهد. هیچ سقف شیشه‌ای وجود ندارد، فقط استعداد خالص است.

این شرایط، رویایی به نظر می‌رسد، اما طبق داده‌های جدید و تکان‌دهنده، بازار فریلنسری نه یک موقعیت شایسته‌سالاری، بلکه همان دنیای قدیمی با ظاهری جدید است.

مطالعه‌ای جهانی و گسترده توسط Remitly for Freelancers بر روی بیش از ۵۸ هزار پیمانکار مستقل در پلتفرم Upwork، پرده از این واقعیت برداشت. آن‌ها ده صنعت بزرگ را بررسی کردند تا ببینند شکاف دستمزد جنسیتی در کجا بیشترین آسیب را وارد می‌کند.

نتایج نشان داد، در سطح جهانی، زنان فریلنسر در صنعت حسابداری و مالی به‌طور متوسط ۲۶.۱ درصد کمتر از مردان در هر ساعت دستمزد دریافت می‌کنند. برای درک بهتر این موضوع، محققان «روز-دستمزد فریلنسرها» را در این صنعت در تاریخ ۵ آوریل محاسبه کردند. نتایج نشان داد زنان حسابدار فریلنسر، در مقایسه با هم‌تایان مرد خود، عملاً ۹۵ روز اول سال را رایگان کار می‌کنند.

این وضعیت آن اقتصادی نیست که قرار بود «برابری نهایی» را به ارمغان بیاورد! وقتی به عناوین شغلی خاص نگاه می‌کنید، اعداد عجیب‌تر هم می‌شوند. ممکن است فکر کنید که با حرکت به سمت نقش‌های بسیار تخصصی و فرآیندمحور، این شکاف کمتر می‌شود؛ اما نه، در واقع شکاف عمیق‌تر هم می‌شود.

بررسی واقعیت در انگلستان

سال‌هاست که مؤسسات بزرگ حسابرسی انگلستان هر زمان که آمار سالانه‌ی شکاف دستمزد جنسیتی منتشر می‌شود، به یک دفاعیه‌ی خاص متوسل می‌شوند. اگر به چهار مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی (Big Four) یا مؤسسات برتر اول نگاه کنید، پاسخ تقریباً همیشه این است؛ «ببینید، این مشکل زنجیره تأمین نیروی کار است. ما در سطح فارغ‌التحصیلان نسبت ۵۰/۵۰ را استخدام می‌کنیم، اما بدنه‌ی شرکای قدیمی ما عمدتاً مرد هستند. با بازنشستگی آن‌ها و ارتقای بیشتر زنان، این شکاف بسته خواهد شد.»

(برای درک بهتر، به آخرین آمار سال ۲۰۲۵ مؤسسه‌ی KPMG در انگلستان نگاه کنید؛ شکاف میانه ساعتی آن‌ها حدود ۱۵.۷ درصد بود، اما وقتی توزیع کلان سود شرکا را در نظر بگیرید، شکاف واقعی درآمد به میزان قابل توجهی جهش می‌کند).

اما بازار فریلنسری، بهانه‌ی «زنجیره تأمین نیروی کار» را کاملاً از بین می‌برد.

وقتی شما یک پیمانکار مستقل هستید، هیات مدیره‌ای وجود ندارد که مانع ترفیع شما شود. هیچ «اجماع مردانه‌ای» هم وجود ندارد که کنترل پاداش‌ها را در دست داشته باشد. شما خودتان آن عدد را در پروفایلتان تایپ کرده‌اید. پس چرا زنان حسابدار واجد شرایط در انگلستان، قیمت خدمات خود را پایین‌تر از حد واقعی اعلام می‌کنند؟

چرا ما ارزش ساعت کاری خود را پایین می‌آوریم؟

اگر با متخصصان مستقل در انگلستان صحبت کنید، متوجه می‌شوید

یک غول جدید در میان پنج مؤسسه‌ی برتر خدمات حسابداری: گرنت تورنتون در حال

خرید CBIZ

گرنت تورنتون در حال خرید مؤسسه‌ی هم‌رده‌ی خود از میان ۱۰ مؤسسه‌ی برتر ارائه دهنده‌ی خدمات حسابداری یعنی CBIZ است تا مؤسسه‌ای شکل بگیرد که از نظر درآمد در آمریکا، تنها از بیگ فور (۴ مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی) پایین‌تر باشد.

بر اساس اخبار منتشر شده، انتظار می‌رود این معامله در سه‌ماهه‌ی چهارم سال ۲۰۲۶ نهایی شود، و به این صورت انجام خواهد شد که گرنت تورنتون، CBIZ را در قالب یک معامله‌ی تمام‌نقدی خریداری می‌کند. طبق اطلاعات به‌دست آمده، مؤسسه‌ی ادغام‌شده با بیش از ۵ میلیارد دلار درآمد سالانه‌ی داخلی، به پنجمین ارائه‌دهنده‌ی بزرگ خدمات حرفه‌ای، مالیاتی و مشاوره‌ای در ایالات متحده تبدیل خواهد شد.

این در حالی است که این معامله، بزرگ‌ترین معامله از این نوع در بیش از ۲۵ سال گذشته است و فقط در سال ۱۹۹۸، پرایس واترهایوس کوپرز از ادغام Coopers & Lybrand و Price Waterhouse شکل گرفت.

شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی New Mountain Capital که در سال ۲۰۲۴ سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در گرنت تورنتون انجام داده بود، برای پشتیبانی از معامله CBIZ نیز سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهد. گفتنی است، گرنت تورنتون قصد دارد پس از تکمیل معامله، بخش خدمات بیمه و مزایا CBIZ را به‌عنوان یک نهاد مستقل جدید، با پشتوانه New Mountain Capital، جدا کند.

جیم پکو، مدیرعامل گرنت تورنتون و رهبر پلتفرم چندملیتی این مؤسسه، در بیانیه‌ای اظهار داشت:

«با ترکیب پلتفرم چندملیتی خود و حضور قدرتمند CBIZ در بازار، توانایی خود را برای حمایت از کسب‌وکارها در تمام مراحل رشد گسترش می‌دهیم؛ از مراحل اولیه‌ی توسعه تا مقیاس جهانی. ما با همکاری یکدیگر، کیفیت، گستره‌ی خدمات و قابلیت‌هایی را ارائه خواهیم کرد که مشتریان برای حرکت در محیط کسب‌وکار پیچیده و به‌سرعت در حال تحول به آن نیاز دارند.»

با نهایی شدن این معامله، مؤسسه‌ی جدید بیش از ۳۴۵۰۰ کارمند در بیش از ۲۰ کشور قلمرو خواهد داشت و درآمد جهانی آن از ۷.۵ میلیارد دلار فراتر خواهد رفت.

جری گریسکو، مدیرعامل CBIZ نیز در واکنش به این خبر اظهار داشت: «این یک ادغام تاریخی با رعایت مناسبات فرهنگی و راهبردی شکل گرفته است. CBIZ طی سال‌های متمادی به‌سرعت رشد کرده و به یکی از ارائه‌دهندگان پیشرو خدمات حرفه‌ای تبدیل شده است. پیوستن به گرنت تورنتون تحقق این چشم‌انداز را شتاب می‌بخشد. ...»

مطابق مفاد این توافق، از آن‌جاکه CBIZ بورسی است، سهام‌داران آن به ازای هر سهم، ۵۵ دلار نقدی دریافت خواهند کرد؛ رقمی که حدود ۵۴ درصد بالاتر از میانگین موزون حجمی قیمت سهام این شرکت در ۳۰ روز گذشته است. پس از تکمیل معامله، CBIZ به‌طور کامل تحت مالکیت گرنت تورنتون قرار خواهد گرفت و سهام عادی CBIZ دیگر معامله نخواهد شد و از فهرست بورس نیویورک نیز خارج می‌شود.

www.journalofaccountancy.com، ۲۹ جولای ۲۰۲۶

که این موضوع واقعاً ناشی از کمبود اعتمادبه‌نفس نیست، بلکه یک «معامله‌ی ساختاری» است.

به این سناریوی واقعی که دائماً در بازار بریتانیا می‌بینیم توجه کنید؛ یک مدیر ارشد زن پس از تولد فرزند دومش، به دلیل این که مؤسسه حاضر نیست با حق او برای چهار روز کار در هفته موافقت کند، مؤسسه را ترک می‌کند و او، فریلنسر می‌شود. اما وقتی به دلیل این که همچنان بار اصلی مراقبت از فرزند یا کارهای خانه بر دوش شماسست به انعطاف‌پذیری نیاز دارید، اغلب مجبور می‌شوید در موقعیت‌های «قیمت‌گذاری تدافعی» قرار بگیرید.

• **تخفیف «قطعیت»:** برای تضمین قراردادی که دقیقاً در ساعات مدرسه (مثلاً ۱۰ صبح تا ۲ بعدازظهر) باشد، زنان فریلنسر اغلب نرخ پیشنهادی خود را پایین می‌آورند تا مطمئن شوند فوراً قرارداد را نهایی می‌کنند، به‌جای این که هفته‌ها برای مذاکره بر سر یک نرخ بهتر وقت صرف کنند.

• **تله‌ی انطباق:** کارهای فریلنسری با حاشیه سود بالا (مانند ایفای نقش مدیر مالی موقت برای شرکتی که در حال ادغام یا تحصیل است) نیازمند در دسترس بودن ۲۴ ساعت از شبانه روز و در تمام ۷ روز در هفته است. به دلیل توزیع نابرابر کارهای خانگی، بسیاری از زنان به کارهای با حاشیه‌ی سود پایین‌تر (مانند حسابداری ساده یا مالیات) روی می‌آورند که در آن ساعت‌ها قابل پیش‌بینی هستند اما نرخ‌ها سقف دارند.

دانستن ارزش واقعی خود

اگر صنعت ما می‌خواهد درباره‌ی پرورش «رهبران آینده» صحبت کند، باید درک کنیم که انعطاف‌پذیری بدون برابری، فقط یک تله است. در حال حاضر، ما اساساً به زنان می‌گوییم، مطمئناً، می‌توانید استقلال داشته باشید، اما این استقلال ۲۶ درصد از کل درآمد کم می‌کند. یعنی آزادی بیشتر، قیمت دارد و آن قیمت، کاهش درآمد است.

هم‌زمان با رشد بازار فریلنسری در انگلستان، اصلاح این وضعیت فقط به این معنا نیست که به زنان بگوییم «ارزش خود را بدانید» یا «برای خدمات خود بیشتر قیمت بدهید». این موضوع مستلزم آن است که مشتریان کسب‌وکارهای کوچک و پلتفرم‌ها به این نگاه کنند که چرا انتظار دارند تخصص زنان را با قیمت ارزان بخرند. تا زمانی که روانشناسی قیمت‌گذاری را اصلاح نکنیم، زندگی فریلنسری فرار از کار خسته‌کننده‌ی شرکتی نیست، بلکه صرفاً آینه‌ای از آن است.

نگاهی به تفکیک نرخ ساعتی در این گزارش:

شکاف (زنان نسبت به مردان)	نقش فریلنسری
زنان ۳۵.۳٪ کمتر دریافت می‌کنند	مدیران حساب‌های پرداختنی (Accounts Payable)
زنان ۲۴.۴٪ کمتر دریافت می‌کنند	دفترداران (Bookkeepers)
زنان ۲۲.۸٪ کمتر دریافت می‌کنند	مشاوران مدیریت
زنان ۲۲.۴٪ کمتر دریافت می‌کنند	حسابداران (Accountants)
زنان ۰.۴٪ بیشتر دریافت می‌کنند	مشاوران جذب سرمایه

accountancyage.com، ۴ ژوئن ۲۰۲۶

پانزدهمین و شانزدهمین جلسات شورای عالی دوره نهم جامعه حسابداران رسمی ایران



مرکزی به عنوان ذی نفعان اصلی حرفه‌ی حسابرسی، تعجب فراوان خود را ابراز کرده و از نمایندگان وزارت اقتصاد خواستند ترتیبات حضور این نهادها در جلسات بعدی فراهم شود.

در بخش دیگری از جلسه، آقای اسدی در خصوص لزوم تحقیقات مربوط به نهادهای ناظر در جهان، بررسی تطبیقی آن با ایران، مدل حق الزحمه‌ی خدمات حرفه‌ای و حسابرسی فناوری اطلاعات توسط مرکز آموزش و تحقیقات حسابداران رسمی و همکاری اعضای شورا در تهیه‌ی گزارش سالانه شورای عالی، مطالبی را بیان نمود.

با توجه به مباحث مطرح‌شده مقرر شد که گزارش شرکت در جلسات طرح نهاد ناظر به‌صورت کتبی جهت درج در سوابق جامعه تهیه و ارائه گردد تا در سنوات بعدی و حتی هنگام طرح موضوع در نهادهای قانون‌گذار، امکان پیگیری نظرات کارشناسی بیان‌شده و اعمال‌نشده در طرح نهایی، میسر باشد. همچنین، با توجه به اظهارات آقای اکرمی و رأی‌گیری از اعضای شورا، نمایندگان شورا در تمامی جلسات طرح نهاد ناظر به‌طور فعال حضور و مشارکت داشته و نظرات کارشناسی خود را به صراحت بیان نمایند.

به منظور بهره‌مندی از خرد جمعی، پیشنهاد شد یک نسخه رونوشت نامه به معاونت امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال و در اختیار اعضای حاضر در جلسه سازمان حسابرسی قرار گیرد. همچنین نامه‌ای در خصوص ضرورت بررسی «طرح نهاد ناظر»، توسط رئیس و دبیر شورا تهیه و به معاونت‌های وزارت اقتصاد و اعضای کارگروه طرح نهاد ناظر ارسال گردد.

با پیشنهاد تنی چند از اعضای شورای عالی، مرکز آموزش و تحقیقات حسابداران رسمی موظف شد تحقیقات لازم را در خصوص نهادهای ناظر در جهان، مطالعه تطبیقی با ایران، مدل حق الزحمه‌ی خدمات حرفه‌ای و

پانزدهمین جلسه‌ی شورای عالی دوره‌ی نهم جامعه حسابداران رسمی ایران، روز سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۵، با حضور اعضای شورا و ناظران بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس و اوراق بهادار، به‌صورت حضوری در محل ساختمان جامعه حسابداران رسمی ایران (میرداماد) برگزار شد.

در ابتدای این نشست، نمایندگان حاضر در جلسه «سازمان حسابرسی»، گزارشی از موارد مطرح‌شده در خصوص «طرح نظام جامع حسابرسی ایران» ارائه کردند که منعکس‌کننده‌ی نظرات سازمان حسابرسی درباره‌ی تغییر در ساختار نهاد ناظر و نحوه‌ی فعالیت سازمان حسابرسی به‌عنوان یک نهاد خصوصی غیردولتی بود. پس از ارائه‌ی گزارش، هر یک از اعضای شورا و ناظر، دیدگاه‌های خود را در این خصوص بیان کردند.

رئیس شورا با اشاره به این‌که سازمان حسابرسی نمی‌تواند خود به‌عنوان رقیبی برای جامعه حسابداران رسمی عمل کند و از سوی دیگر، امور حاکمیتی قابل واگذاری به مؤسسات خصوصی نیست، «طرح نظام حسابرسی» را دارای نقص در مفاهیم بنیادی و موجب اختلال در حوزه‌ی فعالیت دانست. همچنین دبیرکل جامعه و سایر اعضای شورا نیز طرح این موضوع را غیرضروری دانسته و آن را عاملی برای انحراف از اهداف کلان حرفه‌ی حسابرسی عنوان کردند.

در ادامه، آقای اکرمی، نماینده‌ی وزارت اقتصاد، اظهار داشت که عدم حضور شورای عالی مانع طرح موضوع نخواهد شد و با مشارکت یا عدم مشارکت جامعه، تصمیمات نهایی اتخاذ شده و در نهایت با تصویب در هیأت دولت و مجلس، تبدیل به قانون لازم‌الاجرا می‌شود. بنابراین شورا باید با حضور مستمر و پررنگ در جلسات، نظرات کارشناسی خود را بیان نماید. اعضای شورا نسبت به دعوت از تعدادی افراد خاص از برخی نهادها انتقاد جدی داشتند. همچنین بابت دعوت نشدن سازمان بورس و بانک

حسابرسی فناوری اطلاعات انجام داده و نتیجه را به شورای عالی گزارش نماید.

در بخش پایانی جلسه، مقرر شد اعضای شورای عالی نظرات خویش را در خصوص نحوه‌ی ارائه‌ی گزارش سالانه شورای عالی و مطالب محتوایی موردنظر، به دبیر شورا ارائه نمایند.

شانزدهمین جلسه‌ی شورای عالی

شانزدهمین جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی شورای عالی دوره‌ی نهم جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵، رأس ساعت ۱۵ با حضور اعضای شورا و ناظران بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان بورس و اوراق بهادار، به‌صورت حضوری در محل ساختمان جامعه حسابداران رسمی ایران در میرداماد برگزار شد. این جلسه به دلیل اهمیت موضوعات مطروحه و لزوم بررسی فوری برخی موارد، یک هفته زودتر از زمان معمول و به‌صورت فوق‌العاده تشکیل شد. در این نشست، موضوعات زیر در دستور کار قرار گرفت:

۱. بررسی پیشنهادهای هیأت‌مدیره در خصوص دستورالعمل نحوه‌ی تعیین حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی معتمد بانک مرکزی برای اشخاص تحت نظارت

۲. تعیین کارگروه‌های تخصصی با معاونت‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی

۳. ارائه‌ی گزارش نمایندگان از دومین جلسه طرح نظام جامع حسابداری و حسابرسی

۴. بررسی اصلاحات پیشنهادی هیأت‌مدیره درباره‌ی برخی مواد دستورالعمل رتبه‌بندی حسابرسان و نحوه تطابق آنان با شرایط اشخاص در ابتدای جلسه، هیأت‌مدیره و دبیرکل جامعه، آقای دکتر حسینی، گزارشی درباره‌ی وضعیت خرید ساختمان جدید و نتایج اقدامات و مذاکرات انجام‌شده ارائه کردند. بر اساس این گزارش، ساختمان مورد نظر کارشناسی شده و ارزش آن حدود ۸۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است. همچنین دو ساختمان فعلی جامعه با ارزش تجمیع کارشناسی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان قرار است به‌صورت تهاوری در معامله لحاظ شود، اما به دلیل کمبود نقدینگی به میزان ۱۵۰ میلیارد تومان، انجام معامله در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست. در این راستا، مکاتباتی نیز با بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی برای تأمین مالی و همکاری در این زمینه انجام شده، اما متأسفانه همراهی لازم صورت نپذیرفته است. بنابراین، با وجود پیگیری‌ها و تلاش‌های انجام‌شده، در حال حاضر امکان خرید ساختمان جدید فراهم نشده است.

در ادامه، دستور جلسه‌ی نخست با موضوع نحوه‌ی تعیین حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی معتمد بانک مرکزی برای اشخاص تحت نظارت مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. اعضای شورا و ناظران، دیدگاه‌های خود را در این خصوص مطرح کردند. اکثریت اعضای شورا نسبت به دخالت بیش از حد بانک مرکزی در فرآیند انتخاب حسابرس، عدم شفافیت در معرفی حسابرسان معتمد و نیز ایجاد استانداردهای چندگانه انتقاد و با این روند مخالفت کردند. در همین زمینه، دکتر پوربهرامی، عضو هیأت مدیره، اظهار داشت که در سال ۱۳۹۸ با حضور در بانک مرکزی اعلام شد که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با معتمدسازی در حوزه‌ی حسابرسی بانک‌ها و هر سازمان دیگری مخالف است؛ هرچند که تمامی مؤسسات حسابرسی پتانسیل و شرایط رسیدگی به بانک‌ها را با توجه به حجم کار و

پیچیدگی در رسیدگی ندارند و رسیدگی‌هایی از این دست باید با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات (IT) صورت بگیرد. از سوی دیگر این امر که بدون دخالت دادن جامعه جهت انتخاب مؤسسات اقدام شود، باعث می‌شود که نوعی انحصار برای بانک مرکزی در تعیین مؤسسات ایجاد شود. لذا شایسته است نحوه‌ی تعیین حسابرسی، مانند انتخاب حسابرس مؤسسات و شرکت‌های دولتی که معیار انتخاب و در فهرست قرار گرفتن آن‌ها آخرین رتبه‌ی کنترل کیفیت، وضعیت به همراه در نظر گرفتن رأی هیأت انتظامی می‌باشد، مورد بازنگری نهادهای مسئول واقع شود. در مقابل، آقای پرویزیان در خصوص نحوه‌ی انتخاب حسابرس بانک‌ها اعلام نمود که بانک مرکزی از این پس، طی نامه‌ای رسمی به جامعه، فهرست مؤسسات حسابرسی مورد تأیید را ارسال خواهد کرد و مجامع نیز می‌توانند بر اساس همان فهرست، حسابرس خود را انتخاب کنند تا شائبه‌ی انتخاب گزینشی حسابرس برطرف شود.

در بخش دیگری از جلسه، موضوع تشکیل کارگروه‌های تخصصی با معاونت‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش، پیشنهادهایی درباره‌ی ایجاد کارگروه‌های مختلف مطرح شد و در نهایت مقرر شد این کارگروه‌ها بر سه محور اصلی مالیات، بازار سرمایه و بانک‌ها و بیمه متمرکز باشند و به‌عنوان بازوی مشورتی وزارتخانه ایفای نقش کنند.

همچنین جناب آقای دکتر اکرمی با حمایت از این تصمیم تأکید کردند که تشکیل کارگروه‌های تخصصی با محوریت مشخص در این سه حوزه، می‌تواند هم برای حرفه‌ی حسابرسی و هم برای سیاست‌گذاری اقتصادی کشور نتایج ارزشمند و مؤثری به همراه داشته باشد.

سپس نمایندگان شورا، آقایان رزاق و پوربهرامی، گزارشی از موارد مطرح‌شده در دومین جلسه‌ی سازمان حسابرسی درباره‌ی طرح نهاد ناظر ارائه کردند. پس از آن، اعضای شورا و ناظران نیز نظرات خود را در این زمینه بیان کردند. با بیانات آقای بارگاهی، مقرر شد ایشان نیز به‌عنوان نماینده‌ی شورا به جمع شرکت‌کنندگان در جلسات نظام جامع حسابداری و حسابرسی افزوده شوند تا در تبیین و انتقال بهتر مطالب به اعضای حاضر نقش‌آفرینی کنند.

در پایان جلسه، با رأی اکثریت اعضای شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، تصمیمات زیر اتخاذ شد:

در خصوص دستور جلسه‌ی اول، مقرر شد نگاه کلی جامعه در زمینه معیارها و شاخص‌های انتخاب مؤسسات حسابرسی، توسط آقایان اسدی، بارگاهی و شجری تهیه و پس از بررسی و اخذ نظرات سایر اعضای شورا و ناظران، برای بانک مرکزی ارسال شود. همچنین در صورت حصول توافق در خصوص اصول بنیادین نظارت مالی و شفافیت اطلاعات، درخواست برگزاری جلسه‌ی حضوری با آقای دکتر مرادپور، معاون محترم تنظیم‌گری بانک مرکزی، مدیران مربوطه و نمایندگان شورا و هیأت مدیره ارائه شود. در خصوص دستور جلسه‌ی دوم نیز، با پیشنهاد تشکیل سه کارگروه مالیاتی، بورس و بانک و بیمه موافقت شد. همچنین مقرر گردید پیشنهاد تشکیل یک کارگروه عالی به ریاست معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، به‌منظور حل اختلافات احتمالی میان کارگروه‌های پیشنهادی و اتخاذ تصمیم نهایی درباره موارد اختلافی، مطرح شود. در نهایت، به دلیل کمبود وقت، ادامه‌ی رسیدگی به موضوعات مربوط به بندهای ۳ و ۴ دستور جلسه به نشست آینده موکول شد.

گفت‌وگو با دبیرکل جامعه حسابداران رسمی ایران چرا حق الزحمه‌ی حساب‌رسان کافی نیست؟

حرفه‌ای نشان می‌دهد که تنها حدود یک درصد از این جمعیت عظیم دانشجویی رشته‌ی حسابداری، جذب حرفه‌ی حساب‌رسانی شده و در مؤسسات حساب‌رسانی عضو جامعه مشغول به کار می‌شوند.

وی با تأکید بر این‌که این نرخ یک درصدی جذب، رقمی بسیار ناچیز و غیرقابل قبول است، ورود محدود نخبگان دانشگاهی به این عرصه را یکی از دغدغه‌های اساسی این نهاد نظارتی برشمرد.

فرار استعدادها از حرفه‌ی حساب‌رسانی؛ سایه‌ی سنگین دستمزدهای پایین و تغییرات نسلی بازار کار

رئیس هیأت مدیره جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در ادامه افزود: تداوم حیات و اثربخشی حرفه‌ی حساب‌رسانی مستلزم جبران خدمات رقابتی و انطباق با تحولات بازار کار است؛ با این حال، تقابل استرس شغلی و سختی کار با دستمزدهای نامتناسب، به فرسایش سرمایه‌ی انسانی و ریزش شدید نیروهای ورودی منجر شده و ریسک‌های سیستماتیک را متوجه ساختار نظارت مالی کرده است.

حسینی با اشاره به آسیب‌شناسی‌های صورت‌گرفته در خصوص بحران نیروی انسانی تصریح کرد: بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که با توجه به شرایط خاص و دشواری‌های ذاتی حرفه حساب‌رسانی و از همه مهم‌تر، پایین بودن نرخ حق الزحمه و دریافتی پرسنل، تمایل دانش‌آموختگان برای ورود به این حوزه به شدت تنزل یافته است.

وی با تکیه بر تجربیات دانشگاهی خود و تحلیل رفتار شغلی نسل جوان افزود: در فضای آکادمیک و هنگام معرفی مزایا و چالش‌های حرفه‌ی حساب‌رسانی به دانشجویان، شاهد عدم استقبال چشمگیر نسل جدید هستیم. این معضل، به ویژه پس از دوران همه‌گیری کرونا و تغییر پارادایم به سمت آموزش‌ها و مشاغل آنلاین، تشدید شده و رغبت نیروی کار جوان برای حضور فیزیکی مستمر و صرف زمان در محیط‌های کاری پرفشار را به حداقل رسانده



معتقد است: پایین بودن نرخ حق الزحمه‌ها در مقایسه با سختی کار و همچنین عدم شناخت صحیح جامعه از شأن و جایگاه واقعی حساب‌رسانی، باعث شده تا مؤسسات در جذب نسل جوان و نگهداشت نیروهای متخصص با مشکل جدی مواجه شوند و نخبگان به سرعت جذب بخش‌های دیگر شوند.

زنگ خطر برای شفافیت اقتصادی؛ سهم ناچیز حرفه‌ی حساب‌رسانی از ۱۰۸ میلیون دانشجوی حسابداری

در اقتصادهای مدرن، پویایی و سلامت بازارهای مالی وابستگی مستقیمی به تزریق مستمر سرمایه‌ی انسانی متخصص به سیستم حساب‌رسانی دارد؛ با این حال، عدم تناسب چشمگیر میان خروجی دانشگاه‌ها و ورودی این حرفه، به عنوان یک عارضه‌ی ساختاری خطرناک، پایداری مکانیسم‌های اعتباربخشی مالی و سیستم ایمنی اقتصاد را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

سید علی حسینی، دبیرکل و رئیس هیأت مدیره جامعه حسابداران رسمی ایران، با اشاره به آمارهای نگران‌کننده در حوزه‌ی نیروی انسانی این بخش، اظهار داشت: بر اساس آمار و اطلاعات رسمی موجود، و بررسی بدنه‌ی

رئیس هیأت مدیره جامعه حسابداران رسمی ایران هشدار داد: عدم تناسب حق الزحمه با سختی کار و ناشناخته بودن جایگاه حساب‌رسانی، مانع جذب دانشجویان شده و نخبگان را از این حرفه‌ی حیاتی فراری داده است.

حساب‌رسانی به عنوان سیستم ایمنی اقتصاد، وظیفه‌ی بررسی، تایید و اعتباربخشی به اطلاعات مالی شرکت‌ها را بر عهده دارد تا شفافیت لازم برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، بانک‌ها و سیاست‌گذاران فراهم شود. در صورتی که به این حرفه‌ی خطیر بهای لازم داده نشود و استقلال و کیفیت آن به دلیل مشکلات ساختاری تضعیف گردد، اعتماد عمومی به بازارهای مالی از بین رفته و اقتصاد کشور در برابر خطراتی همچون فساد، فرار مالیاتی، دستکاری صورت‌های مالی و ورشکستگی‌های پنهان کاملاً بی‌دفاع خواهد شد.

در همین راستا و برای بررسی دقیق‌تر چالش‌های این حوزه، به سراغ «سید علی حسینی»، دبیرکل و رئیس هیأت مدیره جامعه حسابداران رسمی ایران رفتیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، وی با تأکید بر این‌که از خیل عظیم دانشجویان حسابداری تنها بخش بسیار کوچکی جذب این حرفه می‌شوند،

است.

دبیرکل جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با تاکید بر نرخ بالای خروج از خدمت در همان ماه‌های ابتدایی کار، خاطرنشان کرد: حتی در دورانی که آموزش‌ها به صورت حضوری دنبال می‌شد، علی‌رغم اعلام آمادگی برای معرفی دانشجویان علاقه‌مند به موسسات حسابرسی، کمترین میزان استقبال را شاهد بودیم؛ به‌طوری که متقاضیان ورود به این حرفه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسید.

وی تاکید کرد: نکته‌ی تامل‌برانگیزتر آن است که همان محدود افراد معرفی‌شده نیز تاب‌آوری لازم را در برابر شرایط محیطی نداشتند و پیگیری‌ها از مدیران موسسات نشان داد که اغلب آن‌ها پس از گذشت یک ماه، به دلیل سختی کار از ادامه فعالیت انصراف داده‌اند.

بحران تثبیت شغلی در حسابرسی؛ تقابل ماهیت سیار حرفه با دغدغه‌های فرهنگی خانواده‌ها

سید علی حسینی در ادامه گفت: در ادبیات نوین مدیریت منابع انسانی، ثبات مکانی و امنیت روانی محیط کار از ارکان کلیدی در نگهداشت سرمایه‌ی انسانی به شمار می‌روند؛ با این وجود، ماهیت سیار و پراکندگی جغرافیایی پروژه‌های حسابرسی، تقابل آشکاری با این نیازهای بنیادین ایجاد کرده و به عنوان یک مانع ساختاری و فرهنگی در مسیر جذب و پایداری نیروها عمل می‌کند.

رئیس هیأت‌مدیره‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، با اشاره به نارضایتی‌های مالی و دغدغه‌های مرتبط با سبک کاری این حرفه اظهار داشت: علاوه بر چالش‌های مربوط به سطح پایین حق‌الزحمه‌ها، ماهیت سیار شغل حسابرسی یکی از موانع جدی در جذب نیروی جوان است. جابه‌جایی‌های مداوم و هفتگی بین دفاتر و مکان‌های مختلف کارفرمایان و فقدان یک استقرارگاه ثابت کاری، تحمل شرایط را برای کارجویان بسیار دشوار کرده است.

وی با واکاوی ابعاد فرهنگی و نگاه خانواده‌ها به این مدل از اشتغال افزود: از منظر فرهنگی، ماهیت عملیاتی این حرفه هنوز در جامعه نهادینه نشده است. الگوهای ذهنی غالب، کار را در قالب یک ساختار اداری متداول با ساعات و مکان مشخص (حضور روزانه از ساعت ۸ صبح تا ۵ عصر در یک دفتر ثابت) تعریف می‌کنند. در نتیجه، این تغییرات مداوم مکانی، دغدغه‌های

متعددی را برای خانواده‌ها به همراه داشته است.

دبیرکل جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در تشریح بیشتر این چالش فرهنگی تصریح کرد: این حساسیت‌ها اگرچه ممکن است در خصوص کارجویان خانم پررنگ‌تر به نظر برسد، اما یک چالش عمومی است و خانواده‌های کارجویان آقا نیز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. عدم اطمینان به تغییر مداوم محل استقرار، ترددهای مستمر در مسیرهای متفاوت و به ویژه الزام به حضور در مناطق صنعتی و کارخانجات واقع در حومه و خارج از شهر، از جمله عواملی است که به شدت بر میزان پذیرش و رغبت افراد برای ورود به حرفه حسابرسی تأثیر منفی گذاشته است.

شکاف دیجیتال در حسابرسی؛ تقابل انتظارات نسل جدید با رویه‌های سنتی و فیزیکی

حسینی تصریح کرد: تحول دیجیتال و تغییر پارادایم‌های کاری در دوران پساکرونا، ضرورت گذار از «حسابرسی سنتی و مبتنی بر کاغذ» به «حسابرسی هوشمند و دیجیتال» را دوچندان کرده است؛ تاخیری که به شکاف عمیق انتظارات میان نسل جدید خوگرفته با فناوری و رویه‌های فیزیکی این حرفه دامن زده و فرایند جذب استعدادهای جوان را با چالشی جدی مواجه ساخته است.

رئیس هیأت‌مدیره‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، با تبیین تأثیرات تغییر سبک زندگی و آموزش بر نگرش کارجویان اظهار داشت: در پی شیوع ویروس کرونا و توسعه‌ی فراگیر زیرساخت‌های آموزش آنلاین و غیرحضوری، ذائقه و انتظارات نسل جدید ورود به بازار کار دستخوش تغییرات بنیادین شده است.

وی با اشاره به عدم تمایل فارغ‌التحصیلان به انجام فرآیندهای سنتی حسابرسی تصریح کرد: نیروی کار جوان امروز، رغبت چندانی به درگیر شدن با رویه‌های فیزیکی و مبتنی بر کاغذ، نظیر بررسی دستی پرونده‌ها، استخراج فیزیکی اسناد و فرآیندهای بایگانی سنتی ندارد و این مدل کاری را نمی‌پذیرد.

حسینی در تشریح راهکارها و انتظارات این نسل برای فعالیت در حرفه‌ی حسابرسی افزود: این گروه از کارجویان تمایل دارند امور حرفه‌ای خود را در بستر فناوری اطلاعات و از طریق ابزارهای دیجیتال نظیر لپ‌تاپ، تلفن‌های

هوشمند و سیستم‌های کاملاً مکانیزه پیش ببرند. در واقع، شرط ورود و فعالیت حرفه‌ای آن‌ها در حسابرسی، همگام شدن این شغل با تکنولوژی روز و کاهش وابستگی به حضور فیزیکی و رویه‌های سنتی است.

غفلت از برندینگ حرفه‌ای؛ سایه‌ی سنگین کلیشه‌های سنتی بر جایگاه نوین حسابداری و تحلیل داده

دبیرکل جامعه حسابداران رسمی ایران در بخش دیگری از سخنان خود گفت: در عصر اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، حرفه‌ی حسابداری از یک کارکرد ثبت سنتی فراتر رفته و به رکن اصلی تصمیم‌سازی استراتژیک و تحلیل داده‌های کلان مالی بدل شده است؛ با این حال، تداوم کلیشه‌های ذهنی و ضعف ساختاری در «برندینگ شغلی»، به مانعی بازدارنده در مسیر جذب استعدادهای برتر آکادمیک به این اکوسیستم حیاتی تبدیل شده است.

سید علی حسینی با انتقاد از عدم شناخت کافی جامعه نسبت به شأن و جایگاه واقعی این حرفه اظهار داشت: متأسفانه به دلیل ناآشنایی قشر دانشگاهی و دانش‌آموزی با ماهیت نوین حسابداری و حسابرسی، این رشته غالباً به عنوان انتخاب جایگزین و در شرایط عدم قبولی در سایر رشته‌ها برگزیده می‌شود و ورودی‌های آن لزوماً از سر علاقه و شناخت قبلی نیستند.

وی با تاکید بر لزوم عبور از تفکرات منسوخ گذشته افزود: تصور عمومی جامعه همچنان بر پایه‌ی نگاه سنتی، میرزابنویسی و ثبت ساده‌ی ارقام استوار است؛ در حالی که امروز، اطلاعات مالی و تحلیل داده‌ها از ارکان اصلی اقتصاد کشور به شمار می‌رود. بررسی‌های تخصصی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان کلان و موفق‌ترین فعالان اقتصادی کشور، غالباً دانش‌آموختگان حوزه‌های حسابداری و مدیریت هستند.

حسینی ضمن پذیرش ضعف عملکرد در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و روابط عمومی تشکیلات حرفه‌ای، تصریح کرد: عدم تبیین شفاف جایگاه استراتژیک این حرفه برای آحاد جامعه سبب شده تا جذابیت‌های آن پنهان بماند. از این رو، اصلاح این رویکرد و معرفی دقیق ظرفیت‌های حسابرسی و هدایت تحصیلی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها از اولویت‌ها و برنامه‌های آتی ما خواهد بود.

برگزاری نخستین جلسه‌ی کمیته‌ی حسابرسی فناوری اطلاعات جامعه

اولین جلسه کمیته حسابرسی فناوری اطلاعات جامعه حسابداران رسمی ایران در تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ تشکیل شد. موضوع اصلی جلسه بر ضرورت جاری‌سازی حسابرسی فناوری اطلاعات در کشور، تعریف مشترک و واحد از این مفهوم، و ایجاد ساختارهای هماهنگ میان نهادهای ذی‌ربط متمرکز بود. در این جلسه تأکید شد که برای پیشبرد مؤثر این حوزه، لازم است میان نهادهای تنظیم‌گر (ناظر)، نهادهای اجرایی، آموزشی و حاکمیتی هم‌افزایی ایجاد شود و یک زیست‌بوم مشترک برای توسعه‌ی حسابرسی فناوری اطلاعات شکل گیرد. همچنین، تشکیل ساختارهای دائمی، تدوین استانداردها، تفکیک مسئولیت‌ها و توجه هم‌زمان به حسابرسی فناوری اطلاعات و بیمه‌سایبری از محورهای اصلی گفت‌وگو بود.

آقایان مرتضی اسدی، رئیس شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران،

دکتر محمد حسن گلستانه، عضو هیأت مدیره‌ی سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران، دکتر علی رحمانی، رئیس انجمن علمی حسابرسی فناوری اطلاعات ایران، دکتر محمد جلیلی، عضو هیأت عالی نظارت سازمان حسابرسی، دکتر امیرعلی بام زر، عضو هیأت عامل سازمان حسابرسی، دکتر کوروش پرویزیان، نماینده‌ی رئیس کل بانک مرکزی در شورای عالی جامعه‌ی حسابداران و رئیس پژوهشکده پولی و بانکی، دکتر محمدعلی زاهدی، عضو شورای عالی جامعه و آقای عباس محمدی، مدیر فنی سازمان حسابرسی در این جلسه حضور داشتند.

در این جلسه، بر ضرورت ایجاد یک چارچوب منسجم برای توسعه و استقرار حسابرسی فناوری اطلاعات در کشور تأکید شد. حاضران جلسه با توجه به اهمیت روزافزون امنیت داده‌ها، پیچیدگی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و نقش حیاتی اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های سازمانی،

بر این نکته اتفاق نظر داشتند که حسابرسی فناوری اطلاعات باید به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظام راهبری فناوری اطلاعات مورد توجه جدی قرار گیرد.

همچنین تأکید شد که تحقق این هدف مستلزم همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف، تدوین استانداردها و روش‌های اجرایی مشترک، تعریف دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌ها، و ایجاد سازوکارهای نظارتی و اجرایی مناسب است. در این راستا، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و تعامل مستمر با نهادهای ذی‌ربط می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد مؤثر این برنامه‌ها باشد.

در نهایت مقرر شد پیگیری موضوعات مطرح‌شده در این جلسه در قالب جلسات بعدی کمیته و کارگروه‌های تخصصی ادامه یافته و اقدامات لازم برای تدوین چارچوب‌ها و برنامه‌های اجرایی مرتبط انجام شود.

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آباد نوین تهران

۰۴۱-۳۵۲۱۸۷۹۲

تبریز، خاقانی، کوچه ۱۰ متری خزر، خیابان امام خمینی، مجتمع تجاری و خدماتی عتیق ۱، بلوک B، واحد ۴۵

ابراراندیشان

۰۲۱-۶۶۹۰۳۸۹۳-۶۶۹۰۰۱۷۰

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فرصت شیرازی، شماره ۱۰۸، واحد ۱۴

آبان آزمون

۰۴۱-۳۳۲۵۶۱۸۵

تبریز، خیابان شهیدان نقوی، روبروی داروخانه خوش آمد، ساختمان بهاران، طبقه سوم، پلاک ۶۲

آبادانا

۰۲۱-۸۸۵۴۲۸۴۴

تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان سهروردی شمالی، خیابان کورش، پلاک ۴۵، طبقه ۵، واحد ۱۴

آبان حساب

۰۲۱-۲۶۷۰۰۱۹۴-۲۲۸۵۶۶۸۳-۲۶۷۱۲۸۶۰

تهران، پاسداران، دشتستان ۴ (گل نبی)، پلاک ۴۱، طبقه ۴، واحد ۸

آتامان حساب

۰۲۱-۸۸۵۵۸۰۱۰

تهران، محله ابادز، خیابان حاجی زاده، خیابان پیامبر، مجتمع گلشن، طبقه ۵، واحد ۵۰۶

آبان روش

۰۲۱-۴۴۲۴۱۴۲۲-۴۴۲۶۱۷۱۰

تهران، فلکه دوم صادقیه، بلوار اشرفی اصفهانی، بن بست ۱۲ متری بهار، پلاک ۴، واحد دوم

آتیه اندیش نمودگر

۰۲۱-۸۸۵۲۲۰۹۶-۷

تهران، خیابان شهید مطهری - خیابان میرعماد - کوچه چهارم - پلاک ۱۲ - طبقه ۵ - واحد ۱۹

ابتکار حساب آریا

۰۳۱-۳۶۶۱۱۷۶۳

اصفهان، خیابان چهارباغ بالا، خیابان نیکبخت، کوچه جوادیه، شماره ۲

آتیه حساب ارقام

۰۲۶-۳۲۵۴۵۱۷۰

کرج، عظیمیه، بلوار کاج، بین ندا و پامچال، پلاک ۲۵۷، طبقه ۵، واحد ۷

آبتین روش آریا

۰۲۱-۸۸۱۰۹۴۱۹-۸۸۱۰۹۴۴۷

تهران، خیابان ولیعصر، کوچه نادر، پلاک ۶، ساختمان خوشبختی نادر، طبقه ۴، واحد ۱۸

آتیه نگر

۰۲۱-۸۸۱۷۶۱۰۱-۲

تهران، محله شهید قندی، نیلوفر، خیابان سهروردی شمالی، خیابان ابن یمین، پلاک ۳، طبقه ۲

آبتین محاسب پارس

۰۵۱-۳۸۴۷۳۴۱۱-۲

مشهد، بلوار ناصر خسرو، ناصر خسرو ۱۵، بعد از چهار راه اول، سمت راست، پلاک ۹، طبقه ۲

احراز ارقام

۰۲۱-۶۶۵۳۱۵۴۳-۶۶۵۳۸۳۰۴

تهران، شادمان، خیابان شهید یحیی ذوالفقاری، بن بست شهید حاج علی نصر آبادی، پلاک ۸، طبقه ۱

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آداک آتین

۰۲۱-۴۴۷۶۲۰۲۵-۷

تهران، همت غرب، شهرک گلستان (راه آهن سابق)، بلوار افاقیا، خیابان رز، پلاک ۹، طبقه اول

آراء

۰۲۱-۸۸۸۰۲۹۳۲-۸۸۹۰۵۳۱۶

تهران، خیابان فلسطین شمالی، پلاک ۴۶۳، ساختمان ۵۵، طبقه ۲، شماره ۱۰

آدریان نیک اندیش

۰۲۱-۸۸۵۲۰۶۶۸-۹

تهران، عباس آباد، اندیشه، خیابان میرعماد، کوچه دوم، پلاک ۴، طبقه ۱، واحد ۳

آرتین پرگاس

۰۲۱-۴۴۲۷۵۷۷۱-۴۴۲۷۵۷۷۰

تهران، خیابان ستارخان، روبروی برق آلستوم، پلاک ۷۹۸، طبقه دوم واحد ۵

ادیب

۰۲۱-۴۴۰۳۳۲۱۶-۴۴۰۴۳۶۰۸

تهران، اباذر، بزرگراه اشرفی اصفهانی، خیابان گلستان ۱۴، پلاک ۳، مجتمع نگین رضا، طبقه ۶ واحد ۶۰۵

ارژنگ خبره

۰۲۱-۴۴۱۵۱۱۳۵-۶

تهران، شهرک پرواز، خیابان پروانه جنوبی، خیابان شهید علی اکبر متقی (۲۱)، پلاک ۱۷، طبقه ۴

آدرین حساب

۰۳۱-۳۶۶۴۱۹۱۷-۸

اصفهان، میدان فیض، خیابان آپادانا، کوچه پارسیان (شماره ۶)، بن بست مهران، پلاک ۲۲، طبقه همکف

آرشین حساب

۰۲۱-۸۸۴۸۰۹۶۶

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان بهشتی، کوچه نادر، پلاک ۶، طبقه دوم، واحد ۶

آذین ارقام پیام

۰۳۴-۳۲۲۳۱۴۰۲

کرمان، خیابان شهید رجایی، کوچه شماره ۶، ساختمان ۶، سمت چپ، پلاک ۱۲، طبقه اول

ارقام اندیشان برنا

۰۲۱-۶۶۳۴۱۳۳۷-۶۶۳۴۱۳۳۸

تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سروش الدین تقوی، خیابان فردوسی، مرکز تجارت جهانی فردوسی، پلاک ۴۷۹، طبقه ۵ واحد ۵

آذین پندار راستین

۰۷۱-۳۲۳۰۸۳۴۳

شیراز، میدان قائم، کوچه ۳ آزادی، بلوار آزادی، ساختمان صدف، طبقه ۳، واحد ۱۱

ارقام بهین آرا

۰۲۱-۴۴۲۱۰۱۰۵-۴۴۲۱۵۴۱۲

تهران، خیابان ستارخان، بین فلکه اول و دوم صادقیه، بلوار شهدای صادقیه شمالی، نبش کوچه ۱۵، پلاک ۴۹، طبقه دوم، واحد ۷

آذین تراز ارقام

۰۲۱-۸۸۰۱۵۳۳۸-۸۸۰۱۵۳۳۷-۸۸۳۳۲۷۱۱-۸۸۰۲۳۵۰۷

تهران، خیابان فتحی شقاقی، بعد از خیابان کاج، پلاک ۱۳۴، طبقه اول شرقی

ارقام پژوهان دقیق

۰۲۱-۸۸۷۶۴۶۴۸-۸۸۵۴۷۰۷۵

تهران، خیابان خرمشهر- پلاک ۲۱۸- طبقه دوم- واحد ۱۱

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

ارقام پویا

☎ ۰۵۱-۳۸۸۱۶۳۵۹-۳۸۸۲۷۳۳۳-۳۸۸۲۷۳۳۴-۳۸۸۲۳۵۰۱

☑ مشهد، بلواروکیل آباد، بین وکیل آباد ۸ و ۱۰-، پلاک ۷۸، طبقه اول، واحد ۱

آرمان اندیشان آینده نگر ایلیا

☎ ۰۲۱-۲۲۳۳۳۵۶۸-۷۱

☑ تهران، مجیدیه شمالی، خیابان شهید برادران محمدی (ریحانی)، کوچه شهید ابوالقاسم سعیدی (جلال)، پلاک ۱، ساختمان پاسارگاد، طبقه ۵

ارقام نگر آریا

☎ ۰۲۱-۶۶۱۲۷۹۹۰-۵

☑ تهران، شهرآرا، خیابان فرزین، خیابان باقرخان، پلاک ۴۶، طبقه همکف

آرمان بصیر

☎ ۰۲۱-۸۸۷۴۶۳۰۴-۵

☑ تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، کوچه ششم، پلاک ۲۰، واحد ۶

ارقام نماد چرتکه

☎ ۰۲۶-۳۴۴۷۳۳۳۵

☑ کرج، خیابان مطهری، روبروی بلوار نبوت، جنب بانک مسکن، ساختمان دلتا، طبقه ۲، واحد ۴

آرمان پژوهان محاسب

☎ ۰۲۱-۶۶۹۴۰۵۶۰

☑ تهران، شهرآرا، خیابان یکم، خیابان پاتریس لومومبا، پلاک ۱۴، طبقه ۴، واحد ۵

ارکان سیستم

☎ ۰۲۱-۸۸۸۰۴۹۴۱-۲

☑ تهران، بهجت آباد، خیابان لارستان، خیابان شهید حمید صدر، پلاک ۳۵، طبقه ۲ واحد ۱۰

آرمان پیام جامع

☎ ۰۲۱-۸۸۵۴۵۱۳۰-۸۸۵۴۰۱۷۰

☑ تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر، خیابان عربعلی، کوچه چهارم، پلاک ۶۰، واحد ۸

آرمان آروین پارس

☎ ۰۲۱-۸۸۹۰۱۵۴۹-۸۸۸۹۹۸۲۶

☑ تهران، خیابان استاد نجات الهی، خیابان خسرو، پلاک ۳۱، طبقه ۴

آرمان حسابان قلم

☎ ۰۲۸-۳۳۲۴۷۸۸۱-۲

☑ قزوین، خیابان فردوسی، مجتمع تجاری اداری آبادگران، طبقه ۷، واحد ۹۰۳

آرمان اصول

☎ ۰۲۱-۶۶۹۰۲۱۵۴-۶۶۹۰۲۴۷۶

☑ تهران، خیابان اسکندری شمالی، خیابان طوسی شرقی، پلاک ۱۰۰، طبقه ۴، واحد ۹

آرمان روش

☎ ۰۲۱-۲۲۷۴۸۸۳۸-۲۲۷۴۸۸۳۶

☑ تهران، میدان تجریش، دربند کوچه گنجی، خیابان شهید برادران فناخسرو، پلاک ۲۴، ساختمان ملک، طبقه ۳، واحد ۱۱

آرمان اندیش آگاه

☎ ۰۴۴-۳۲۳۲۲۳۶

☑ ارومیه، تختی، کوچه هجرت، کوچه شماره ۳، پلاک ۲۵، طبقه همکف

آرمان روش معتمد

☎ ۰۳۱-۳۶۲۴۱۲۵۰

☑ اصفهان، حسین آباد، کوچه نیلوفر ۲۲، بن بست نیکان، پلاک ۵، طبقه ۱

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آریا حسابرسان پارسا ۰۲۱-۸۸۷۷۴۲۲۵-۸۸۷۷۳۸۲۸ تهران، خیابان گاندی، خیابان بیست و یکم، پلاک ۲۶، واحد ۴	آرمان نوین رسیدگی ۰۲۱-۴۴۰۶۴۳۸۷ تهران، اشرفی اصفهانی، نرسیده به سه راه مرزداران، گلستان ۱۴، برج نگین رضا، طبقه ۱۵، واحد ۱۵۰۱
آریا روش ۰۲۱-۸۸۶۷۴۷۰۴-۸۸۶۶۰۸۲۴ تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میرداماد، بلوار ستاری، پلاک ۷۴، طبقه چهارم، واحد ۱۵	آرمانی نوآقدم ۰۲۱-۸۸۱۹۷۸۱۷ تهران، میدان ونک، خیابان کار و تجارت، پاساژ آسمان ونک، طبقه ۳، واحد ۳۰۲
آریا منش امین ۰۲۱-۸۸۳۸۴۷۸۲-۸۸۳۸۴۷۵۹ تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان بهشتی، کوچه نادر، پلاک ۶، طبقه ۴، واحد ۱۴	آرمون گستران پیشگام ۰۲۱-۸۸۷۳۹۳۵۶-۸۸۷۴۳۶۸۳ تهران، خیابان مطهری، نبش خیابان دوم مفتاح شمالی، پلاک ۳۵۸، طبقه سوم، واحد ۶
آریا نیک روش ۰۲۱-۸۸۷۰۹۳۱۱-۲ تهران، خیابان قائم مقام فراهانی- کوچه شهدا- پلاک ۹- طبقه ۲- واحد ۱۲	آروین باستان محاسب ۰۲۱-۴۴۴۷۸۷۷۰ تهران، خیابان جنت آباد مرکزی، خیابان کاظم توکلی شرقی، خیابان جنت آباد، ساختمان کسری، پلاک ۲۱۶، طبقه ۳، واحد ۸
آریاز مبتکر هخامنش ۰۵۱-۳۶۰۱۳۱۴۵ مشهد، سیدرضی ۳۸، ساختمان آرامش، پلاک ۲۷۴، طبقه ۵، واحد ۵۰۳	آروین خدمات مدیریت رادوین ۰۲۱-۸۸۵۵۵۳۸۳-۸۸۵۵۵۰۵۹ تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از سه راه شهید بهشتی، کوچه شهید کوزه گر، پلاک ۶، واحد ۷
آریان محاسب پویا ۰۲۱-۴۰۴۴۲۱۴۶-۴۰۴۴۲۲۳۸ تهران، مرزداران، بزرگراه شهید آیت اله اشرفی اصفهانی، خیابان شهید برادران بیدکی، پلاک ۱۵، ساختمان زمرد، طبقه ۲، واحد ۲۱	آریا بصیر اندیشه ۰۲۱-۸۸۶۴۷۸۴۴-۸۸۶۴۷۹۱۰-۸۸۶۴۷۹۱۱ تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، خیابان سی و ششم، پلاک ۷، مجتمع ولیعصر (۲)، طبقه ۲، واحد ۲۲۵
آریسا محاسب آراز ۰۲۱-۸۸۷۹۵۶۸۰-۸۸۷۹۵۲۲۶ تهران، بزرگراه کردستان، خیابان ونک، پلاک ۱۱۰، برج آینه، طبقه ۴ واحد ۳۰۲	آریا حساب رادمان ۰۲۱-۴۴۱۷۴۶۰۶-۷ تهران، صادقیه، ناصر حجازی غرب، ابتدای ورزی جنوبی، نبش کوچه ۱۵ غربی، ساختمان کورش، پلاک ۲۶، واحد ۱۰

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آزمون تراز ارقام

☎ ۰۳۱-۳۲۲۴۵۳۴۴-۳۲۲۴۳۹۱۱

✉ اصفهان، خیابان آماذگاه، نبش بن بست قاضی ها (شماره ۱۹)، مجتمع تجاری واداری امیر، پلاک ۱۸۰، طبقه همکف، واحد ۲ و ۳

آرین حساب همراز

☎ ۰۷۱-۳۶۲۸۰۸۵۲-۳۶۲۸۸۰۹۹

✉ شیراز، قصرالدشت، کوچه ۵۴ قصر دشت، ساختمان گلبرگ، طبقه ۴

آزمون تراز پارس

☎ ۰۷۱-۳۸۳۸۴۲۸۵

✉ شیراز، بلوار امیرکبیر، نرسیده به کوچه ۲۴، ساختمان پریا ۷، طبقه ۵، واحد ۱۰

آزاد رای امین

☎ ۰۲۱-۸۸۵۱۵۱۳۳-۳۴

✉ تهران، ابتدای خیابان سهرودی شمالی- بالاترازآبادانا- خیابان سراب- شماره ۱۲- واحد ۲

آزمون حساب تدبیر

☎ ۰۲۱-۸۸۶۱۲۹۸۲-۳-۸۸۶۲۵۹۹۴

✉ تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، ضلع شمال غربی پل کردستان، بن بست فرشید، پلاک ۴، طبقه ۳، واحد ۵

آزما تراز ژرف

☎ ۰۲۱-۸۸۳۴۲۴۷۶

✉ تهران، هفت تیر، باغ صبا، سهرودی، خیابان شهید مهندس زیرک زاده، خیابان شهید مسعود ملایری پور، پلاک ۹۷، طبقه ۵ غربی

آزمون سامانه

☎ ۰۲۱-۷۷۵۳۷۹۴۴-۸۸۶۷۲۴۴۰-۲

✉ تهران، خیابان بهار شیراز، تقاطع سهرودی جنوبی، شماره ۱۰۷

آزمودگان

☎ ۰۲۱-۸۸۹۲۹۷۰۹-۸۸۹۳۹۵۱۳

✉ تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان دکتر عضدی (آبان جنوبی)، شماره ۵۲، طبقه دوم

اصلاح گستران امین

☎ ۰۲۱-۷۷۸۸۵۷۱۵-۷۷۸۷۲۲۴۰

✉ تهران، تهرانپارس، خیابان شهید حجت اله سلیمی (۱۷۰ غربی)، خیابان شهید سعید باغدارنیا (رشید)، پلاک ۷۳، طبقه دوم شمالی

آزموده کاران

☎ ۰۲۱-۲۲۹۲۵۹۱۰-۲۰

✉ تهران، خیابان شریعتی، قلهک، نرسیده به یخچال، کوچه شریف، شماره ۵

اصول اندیشه

☎ ۰۲۱-۸۸۸۷۷۰۰۳-۸۸۸۷۶۴۴۶-۸۸۷۹۹۳۶۵

✉ تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، بن بست کامبیز، پلاک ۶، واحد ۳

آزمون

☎ ۰۲۱-۲۲۹۱۱۹۵۹-۶۱

✉ تهران، داوودیه، خیابان یکم، خیابان استاد سید عبدالله انوار (شنگرف)، پلاک ۳۷، طبقه ۲، واحد ۸

اصول پایه فراگیر

☎ ۰۲۱-۸۸۵۳۵۸۱۷

✉ تهران، خیابان شهید بهشتی، بعد از میرعماد، روبروی پارکینگ شهید بهشتی، پلاک ۳۰۸، طبقه ۴

آزمون پرداز

☎ ۰۲۱-۸۸۷۰۸۱۷۴-۶

✉ تهران، میدان آرژانتین، جنب مرکز خرید آفریقا، ساختمان صهبا، پلاک ۲۲، طبقه اول

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

اصول نگر آریا

۰۲۱-۸۸۰۵۵۹۴۰-۵

تهران، ملاصدرا، روبروی بیمارستان بقیه اله، پلاک ۱۸۹، طبقه ۷، واحد ۱۵

اعتماد حساب پویا

۰۵۱-۳۶۰۹۹۸۴۵-۳۶۰۹۶۸۳۲

مشهد، بلوار شهید فرامرز عباسی، شهید فرامرز عباسی ۱۳ (رسالت ۱۲)، پلاک ۱۶، طبقه همکف

اطمینان بخش و همکاران

۰۲۱-۸۸۱۰۵۴۷۲-۸۸۱۰۵۳۶۷-۸۸۱۰۵۳۶۷

تهران، یوسف آباد، خیابان شهید ابوالفضل فراهانی پور، خیابان شهید فتحی شقاقی، پلاک ۱۷، واحد ۵

اعداد آراء

۰۲۱-۷۷۶۷۰۵۸۵-۶

تهران، خیابان شریعتی، سه راه طالقانی، خیابان خواجه نصیرالدین طوسی، پلاک ۲۸۰، واحد ۶

اطمینان فرد

۰۲۱-۸۸۶۱۸۱۹۷-۸

تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهایی، میدان شیخ بهایی، جنب بانک تجارت، برج مرمر، پلاک ۱۷۱، طبقه ۴، واحد ۸

آفاق حساب برتر فردا

۰۴۱-۳۳۱۳۵۹۸۱

استان آذربایجان شرقی، تبریز، سه راه محقق، محقق غربی، کوچه زرگر باشی، مرکز خرید نگین گلستان، طبقه سوم، واحد ۳۰۵

اطهر

۰۲۱-۸۸۹۶۴۲۸-۰۸۸۹۶۴۲۵

تهران، خیابان دکتر فاطمی، بین خیابان ولیعصر و میدان دکتر فاطمی، ساختمان ۳۷، طبقه ۵

آفاق کاوشگران

۰۵۱-۳۷۲۶۴۷۴۶-۳۷۲۵۹۳۱۴-۳۷۲۵۹۳۱۷-۳۷۲۵۹۷۱۴-۳۷۲۳۶۲۴۸

مشهد، میدان راهنمایی، ابتدای بلوار سازمان آب، خیابان عطار، عطار غربی، پلاک ۸

اعتبار آفرینان

۰۲۱-۲۲۶۸۸۱۲۰

تهران، خیابان چیدر، کوچه شهید مهدی چیدری، خیابان سید محمد هاشمی علیا، پلاک ۳۱، طبقه ۴، واحد ۱۲

افق مهر خاورمیانه

۰۲۱-۴۴۰۷۶۱۲۴

تهران، بزرگراه اشرفی اصفهانی، گلستان چهاردهم، پلاک ۳، مجتمع نگین رضا، طبقه ۱۳، واحد ۱۳۱۱

اعتبار بخش امین

۰۲۱-۴۶۰۱۶۳۴۸

تهران، باغ فیض، خیابان شهید حسن نیک زارع (پیروزی)، خیابان ۲۲ بهمن، پلاک ۱۴، پلاک طبقه ۲، واحد ۵

آگاه تدبیر

۰۳۱-۳۶۶۴۰۳۲۳

اصفهان، محله باغ نگار، آئینه خانه، معبر ماقبل آخر، خیابان هفت دست شرقی، معبر آخر، بن بست مهدی ۵، پلاک ۶۲، طبقه ۱

اعتماد ارقام امین

۰۲۱-۴۴۹۶۸۳۷۲-۴۴۹۵۴۸۷۲-۵

تهران، خیابان آیت اله کاشانی، ساختمان آرمیتا، پلاک ۴۳۰، طبقه اول، واحد ۶

آگاه تراز مدبر

۰۳۱-۳۶۶۱۰۴۰۴

اصفهان، باغ نگار، آئینه خانه، خیابان میرفندرسکی، کوچه هزاردستان (۳۲)، پلاک ۳، طبقه دوم

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آگاه حساب

۰۲۱-۸۸۶۷۵۹۹۲-۳

تهران، خیابان خالد اسلامبولی، خیابان ۳۹، شماره ۱۴، طبقه ۳، واحد ۶

آگاهان تراز توس

۰۵۱-۳۷۶۱۴۷۷۴-۳۷۶۸۴۴۰۴

مشهد، ارشاد، بلوار خیام، بلوار فردوسی، پلاک ۶۸، طبقه ۲

آگاه گرتراز

۰۲۱-۸۸۸۴۴۰۸۵

تهران، خیابان شهید دکتر مفتاح جنوبی، کوچه شیعی، پلاک ۷۰، طبقه ۳، واحد ۷

آگاهان و همکاران

۰۲۱-۸۸۹۰۲۰۴۷

تهران، خیابان سپهبد قرنی، خیابان شاداب، پلاک ۲۸

آگاه نگر

۰۲۱-۸۸۷۵۷۵۹۲-۸۸۵۲۳۸۱۶-۸۸۵۲۱۶۷۷

تهران، خیابان شهید بهشتی (عباس آباد)، کوچه آریا وطنی، خیابان شهید برادران کاووسی فر، پلاک ۵۰ طبقه ۳ واحد ۳

البرز پندار

۰۲۱-۴۴۲۲۱۱۴۹-۴۴۲۲۱۳۹۶

تهران، اشرفی اصفهانی، بلوار مرزداران، نرسیده به پل یادگار امام، پلاک ۱۷۸، ساختمان نگین آسمان، بلوک C، طبقه ۵، واحد ۱۹

آگاه هشیار حساب

۰۲۱-۴۴۲۸۸۸۶۰

تهران، صادقیه، بزرگراه محمدعلی جناح، میدان دوم صادقیه، پلاک ۱۵۱۸، مجتمع گلдіس، طبقه ۴، واحد ۴۲۱

الگو حساب

۰۲۱-۶۶۵۸۰۴۷۵-۶۶۵۸۰۴۷۱

تهران، خیابان ستارخان، خیابان باقر خان، نبش فرزین جنوبی، پلاک ۷، طبقه ۳، واحد ۴

آگاهان ارقام خبره

۰۸۶-۳۳۱۴۱۵۸۹

اراک، خیابان راه آهن، کوچه شهید ایوب مهری، کوچه شهید حبیب ابن مظاهر، پلاک ۵۹، طبقه سوم

الماس حساب تابان

۰۲۱-۸۲۸۰۷۳۳۰

تهران، فلکه دوم صادقیه، ابتدای بلوار فردوس شرق، خیابان بیست متری ولیعصر، خیابان تقدیری، پلاک ۱۶، طبقه ۴، واحد ۱۴

آگاهان بهروش پارس

۰۵۱-۳۷۲۳۷۴۶۰-۶۵

مشهد، خیابان صاحب الزمان ۱۴، مولوی ۱۴، پلاک ۱۱/۱

آماردن

۰۲۱-۴۷۰۰۲۰۶-۹

تهران، چیتگر، بین میدان موج و ساحل، خیابان نقیب زاده، برج آرتمیس، T۲، غربی، طبقه ۱۹، واحد ۷

آگاهان پژوهان پویا

۰۲۱-۶۶۰۳۴۶۵۶-۶۶۰۳۴۶۰۸

تهران، خیابان ستارخان، خیابان شادمهر، نبش کوچه شادی، پلاک ۳۶، طبقه ۲، واحد ۴

آمارگاران

۰۲۱-۶۶۴۸۵۰۶۳

تهران، خیابان طالقانی، بین وصال شیرازی و فلسطین، نبش خیابان فریمان، ساختمان اداری ۱۱۸، پلاک ۵۵۰، طبقه ۱، واحد ۲

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

امجد تراز

۰۲۱-۸۸۷۰۵۳۰۷

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از خیابان شهید بهشتی، جنب هتل سیمرغ،
بن بست دلبسته، پلاک ۱، طبقه ۳

امین نگاه بینا

۰۲۱-۴۴۷۵۳۷۸۷-۴۴۷۵۴۶۹۴

تهران، بلوار دهکده المپیک، خیابان ساحل، خیابان شهید حیدر امانی (۵۷)،
پلاک ۱، طبقه ۱

امین آزمون

۰۲۱-۸۸۸۵۶۲۹۳-۸۸۸۵۶۹۳۲

تهران، خیابان گاندی، خیابان یکم، پلاک ۱۱، طبقه ۵، واحد ۱۴

اندیشه نیکان حساب

۰۲۱-۸۸۸۵۳۰۷۳-۸۸۸۵۳۰۷۹

تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از سه راه فاطمی- کوچه افتخاری نیا-
ساختمان ۶۳- طبقه دوم- واحد ۶

امین تدبیر بصیر

۰۲۱-۷۷۶۵۰۹۱۰

تهران، انقلاب، بعد از متروی دروازه دولت، پلاک ۴۴۸، ساختمان سبز، طبقه
اول، واحد ۳

اهمیت نگر

۰۲۱-۸۸۳۱۰۰۷۳

تهران، خیابان مفتاح، کوچه عطارد، ساختمان عطارد، پلاک ۱۲، طبقه همکف،
واحد ۴

امین حسابرس افق

۰۲۱-۶۶۴۳۳۹۳۱

تهران، توحید، خیابان کوثر سوم، خیابان ستارخان، پلاک ۷۶، طبقه ۲، واحد ۵

اهورا محاسب پاسارگاد

۰۲۱-۸۸۸۴۵۷۳۴-۸۸۸۴۲۴۲۶

تهران، میدان هفت تیر، خیابان خردمند شمالی، تقاطع کوچه کیانی، پلاک ۹۵،
ساختمان کفرنگ، طبقه اول، واحد ۱ جنوبی

امین محاسب پارس

۰۲۱-۸۶۱۲۵۹۳۸

تهران، خیابان شهید استاد مطهری، خیابان سهروردی شمالی، پلاک ۲۹۳،
طبقه ۲، واحد ۶

آوا تدبیر تراز

۰۳۱-۳۶۶۹۹۴۸۸

اصفهان، هزار جریب، کوچه شهید قرائت (۲)، کوچه بهشت آیین، پلاک ۲۱،
طبقه همکف

امین محاسب روش

۰۲۱-۲۲۸۷۰۲۰۸

تهران، خیابان شریعتی، پل سید خندان، خیابان خواجه عبدالله انصاری، پلاک
۱۰۳، طبقه سوم، واحد ۳۰۱

آوش ارقام کادوسان

۰۱۳-۳۲۷۳۰۰۰۳

رشت، محله گلزار، کوچه فرعی دوم، کوچه وصال، طبقه اول

امین مشاور بصیر

۰۲۱-۸۸۸۷۴۹۰۰-۸۸۸۷۴۹۰۱

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک ساعی، نبش کوچه چمن، پلاک ۲۴۱۴،
واحد ۳

آوند

۰۲۱-۸۸۲۷۳۵۹۵-۸۸۲۷۴۷۴۶-۸۸۲۸۴۰۶۰

تهران، کوی نصر، خیابان چهارم، پلاک ۲۲، طبقه ۱، واحد ۳

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

آیین بهرنگ صادق ۰۲۱-۴۴۳۸۵۰۹۸ تهران، صادقیه شمالی، خیابان شهید بهداد شایق، خیابان امیرکبیر جنوبی، پلاک ۷، طبقه ۱، واحد جنوبی	آوید خلاق امین ۰۵۱-۳۶۰۱۰۸۳۸ مشهد، فرهنگ، خیابان معاد جنوبی، (معلم ۱۶- فرهنگ ۱۳)، خیابان معاد ۲۴، پلاک ۱۸۱، طبقه همکف
آئین بهروش ۰۲۱-۸۸۴۴۴۶۶۸-۸۸۴۴۳۴۲۳ تهران، خیابان مطهری، خیابان شهید محسن وزوایی، خیابان شهید استاد مطهری، پلاک ۲۸، طبقه ۹، واحد جنوبی	آویژه ارقام امین ۰۵۱-۳۸۹۴۰۴۲۲-۳۸۹۳۰۰۴۶-۷ مشهد، محله دانشجو، معبر ماقبل آخر، خیابان دانشجو ۱۶ (عقدایی ۱۵، معبر آخر بلوار دانشجو (معلم ۳۸- فرهنگ ۳۱)، پلاک ۲۱۰، طبقه ۱
آئین پژوهان ایرانیان ۰۵۱-۳۷۶۶۳۷۷۳-۳۷۶۸۴۱۲۸ مشهد، بلوار شهید صادقی، صادقی ۱۰ (توفیق ۱۶)، پلاک ۴۲، طبقه ۱	آوین خبره ۰۲۱-۶۶۵۷۳۷۲۹ تهران، سلسبیل شمالی، خیابان خوش، خیابان آزادی، پلاک ۲۲۶، طبقه ۳
آئین تدبیر سهند ۰۴۱-۳۳۳۷۰۸۰۱ تبریز، خیابان فارابی (خ چایکنار)، نرسیده به پل سنگی، مجتمع کوثر، طبقه سوم، واحد ۱	ایران مشهود ۰۲۱-۸۸۷۹۱۴۳۷-۸۸۷۸۵۷۶۵ تهران، خیابان ظفر، بین اتوبان مدرس و بلوار نلسون ماندلا، پلاک ۲۹۰، طبقه ۴
آئین تراز آریا ۰۳۱-۳۷۸۶۶۲۹۱ اصفهان، خیابان رودکی، نبش فرعی ۶۰، ساختمان ستایش، طبقه دوم	ایستاتیس محاسب کویر ۰۳۵-۳۸۴۲۶۹۴۶-۳۸۴۲۶۹۲۶ یزد، محله دانشجو، خیابان شهید محسن حججی، بلوار آتش نشان، ساختمان اداری تجاری دایان، طبقه اول، واحد ۵
آئین محاسب و همکاران ۰۵۱-۳۸۹۳۰۷۹۹ مشهد، هنرستان، خیابان گلشن ۴، موجه گلشن ۳/۴، پلاک ۸۱، طبقه ۲	آئین ابرار آریا ۰۲۱-۸۶۰۳۷۳۹۶-۸۸۹۳۸۳۴۰ تهران، میدان ولیعصر ابتدای بلوار کریم خان زند، پلاک ۳۰۸، طبقه ۷، واحد ۷۴
آئین محاسبان امین ۰۲۱-۶۶۰۶۶۳۱۴-۵ تهران، ضلع جنوبی خیابان آزادی، روبروی خیابان حبیب اله، نبش خیابان حیدرتاش، پلاک ۴۱۶، طبقه ۲، واحد ۳	آئین ارقام ۰۲۱-۴۴۲۹۲۸۱۳-۱۴ تهران، فلکه دوم صادقیه، ابتدای اشرفی اصفهانی، خیابان مردودشت، پلاک ۱، طبقه ۴، واحد ۱۵

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

بهداد حساب آریا ۰۲۱-۴۴۲۷۸۳۸۱ تهران، خیابان ستارخان، بین فلکه اول و دوم صادقیه، بلوار شهدای صادقیه شمالی، خیابان مرودشت، پلاک ۱، واحد ۱۲	بخردیار ۰۲۱-۸۸۷۵۶۵۸۵ تهران، عباس آباد، خیابان اندیشه، خیابان کوه نور، کوچه دوم، پلاک ۱۲، طبقه ۵، واحد ۱۰
بهداد روش امین ۰۲۱-۸۸۹۸۶۴۵۲ تهران، محله جهاد، خیابان چهلستون، خیابان ششم، پلاک ۲۲، طبقه ۴، واحد ۱۰	برآیند ۰۲۱-۸۶۰۷۰۱۹۲ تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان سنایی، کوچه دوم غربی، پلاک ۳۰، طبقه همکف
بهراد مشار ۰۲۱-۸۸۷۰۳۹۰۶-۸۸۷۱۳۱۳۴ تهران، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، خیابان ۱۹، پلاک ۵، طبقه اول	برنا اندیشان رایان ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۸۸-۸۸۸۲۴۹۹۸-۸۸۳۲۴۰۶۷ تهران، کریم خان زند، خیابان حسینی، پلاک ۶۱، طبقه اول، واحد ۲۰۵
بهروزان حساب ۰۲۱-۶۵۰۱۰۴۹۶-۶۵۰۱۰۴۹۳ تهران، میدان آزادی، بین بزرگراه نواب و اسکندری، پلاک ۱۸۶، برج تجاری پانامال، طبقه ۸، واحد ۸۰۳	برهان تراز محاسب ۰۲۱-۸۸۹۴۴۹۲۰-۸۸۹۴۴۹۷۳ تهران، میدان ولیعصر، خیابان سوسن (سیاس)، خیابان شهید سپهبد قرنی، پلاک ۱۰۰، طبقه ۴، واحد ۷
بهروش پارسا ۰۲۱-۸۸۹۱۷۸۲۱ تهران، بلوار کریم خان زند، پلاک ۳۰۸، طبقه ۵، واحد ۵۱	بصیر محاسب توس ۰۵۱-۳۸۴۵۶۳۶۹ مشهد، محله احمد آباد، خیابان ابودر غفاری ۱۴، بلوار ابودر غفاری، پلاک ۱۱۰، طبقه ۲
بهمند ۰۲۱-۸۸۸۴۳۷۰۸-۳-۸۸۳۰۵۳۹۱ تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب میدان شعاع، ساختمان ۱۱۴، طبقه ۴، واحد ۱	به بین محتوا ۰۲۱-۲۶۴۱۳۹۰۵-۲۶۴۲۱۸۲۸ تهران، میرداماد، خیابان البرز، کوچه قبادیان شرقی، پلاک ۲۸ واحد ۱
بهنام مشار ۰۲۱-۸۸۳۴۲۴۲۹ تهران، سهروردی، بزرگراه مدرس، کوچه محمدبخشی موقر، پلاک ۴۰، طبقه ۱، واحد ۸	بهبود ارقام ۰۳۱-۳۶۶۴۴۸۵۲-۳۶۶۴۴۸۵۱ اصفهان، خیابان شیخ صدوق شمالی، مجتمع اداری تک نگین، طبقه ۳، واحد ۳

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

بهنود حساب

۰۲۱-۸۸۹۸۰۴۴۸-۸۸۹۸۰۴۰۲

تهران، خیابان دکتر فاطمی- روبروی خیابان کاج- پلاک ۱۳۶- ساختمان تهران
۶۴- طبقه پنجم جنوبی- واحد ۲۴

بینا تدبیر

۰۲۱-۸۶۱۹۹۱۵۰

تهران، یوسف آباد، میدان سیدجمال الدین اسدآبادی، خیابان ابن سینا،
نبش خیابان ۳۷، پلاک ۱۰۰، طبقه دوم، واحدهای ۴، ۵، ۶

بهین تراز آریا

۰۲۱-۴۴۳۸۰۴۳۸

تهران، خیابان صادقیه، خیابان شهید حمید اسدی، خیابان ستارخان، پلاک
۱۰۱۶، ساختمان مرجان، طبقه ۲، واحد ۴۰

پارس

۰۲۶-۳۲۷۳۶۸۶۲-۳

کرج، مهرویلا، میدان معلم، ساختمان معلم (شماره ۱۵)، طبقه ۳، واحد ۸

بهین رس

۰۲۱-۸۸۴۸۲۹۰۵-۸۸۴۸۲۹۰۹

تهران، آرژانتین، ساعی، کوچه هشتم، کوچه دوازدهم، پلاک ۸، طبقه همکف

پارس ارکان تراز

۰۲۱-۴۴۴۷۰۰۸۴

تهران، بزرگراه اشرفی اصفهانی، بالاترزمیدان پونک، خیابان سوم، پلاک ۶۱،
واحد ۴

بوستان محاسب ایرانیان

۰۲۱-۴۴۹۲۷۸۵۵-۴۴۹۲۷۸۸۳

تهران، ستارخان، بین فلکه اول و دوم صادقیه، بلوار شهدای صادقیه شمالی،
کوچه مرودشت، پلاک ۱، واحد ۴

پارسیان حسابرس افق

۰۵۱-۳۶۰۳۸۷۹۲

مشهد، بلوار دانش آموز، بین دانش آموز ۱۵ و ۱۷، پلاک ۱۴۹، ساختمان
پزشکان، طبقه دوم، واحد ۶

بیات رایان

۰۲۱-۸۸۵۰۴۵۸۶-۸

تهران، خیابان شهید احمد قصیر، معبر آخر، کوچه پژوهشگاه (دوم)، پلاک ۲۲،
ساختمان یازده، طبقه دوم، واحد ۶

پاسارگاد احرار

۰۲۱-۴۴۲۶۴۴۸۶

تهران، ستارخان، روبروی خشکبار ایوب، پلاک ۴۸۵، طبقه همکف، واحد ۱

بیداران

۰۲۱-۸۸۸۲۹۷۶۱-۸۸۸۳۵۲۰۷-۸۸۳۰۶۹۱۱

تهران، شمال میدان هفت تیر، خیابان ملایری پور، خیابان مهندس زیرک زاده،
شماره ۲۰، طبقه اول

پایدار حساب ممتاز

۰۲۱-۴۴۴۴۲۱۸-۴۴۴۲۳۳۲۴

تهران، جنت آباد مرکزی، خیابان شهید کبیری طامه (شاهین شمالی)، بلوار
شهید سرلشکر مخبري (۳۵ متری گلستان)، پلاک ۱۷۹، طبقه همکف

بیلان گزارشگر

۰۲۱-۲۲۱۴۴۴۷۰-۱

تهران، شهرک قدس، بلوار دادمان، بلوار سپهر، خیابان درختی (صادقی پور)،
کوچه عباس ثقفی، پلاک ۷، طبقه اول، واحد ۲

پایش پرگاس کاردان

۰۳۱-۳۶۲۰۰۱۲۲

اصفهان، محله حسین آباد، کوچه مهرداد (۴۳)، کوچه شهید مسعود
مهرعلیان (۶۹)، پلاک ۱۷، مجتمع تجاری پیمان، طبقه ۳، واحد ۱۳

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

پیام محاسب ایرانیان ۰۵۱-۳۸۹۴۶۴۲۱ مشهد، بلوار دانشجو، کوچه دانشجو ۲۵ (پرورش ۲۸)، پلاک ۵۵۴، مجتمع آراکس ۲، طبقه هفتم، واحد ۷۰۲	پایش گستر حساب ۰۲۱-۴۴۰۲۲۳۷۷-۴۴۰۴۷۵۹۰ تهران، جنت آباد جنوبی، بلوار شهید مرتضی مطهری، خیابان پیامبر غربی، پلاک ۱۰۶/۷، مجتمع پندار، طبقه ۴، واحد ۱۴
پیشداد اندیشه مهرگان ۰۲۱-۴۴۹۷۶۸۲۲-۴۴۹۷۱۳۸۸ تهران، جنت آباد جنوبی، بلوار شهید مرتضی مطهری، خیابان پیامبر غربی، پلاک ۱۰۶/۷، مجتمع پندار، طبقه ۳، واحد ۱۱	پرتو محاسب امین ۰۳۱-۳۲۲۱۰۰۸۹ اصفهان، نقش جهان، خیابان آمادگاه، خیابان باغ گلدسته، پلاک ۵، ساختمان گلدیس، طبقه سوم، واحد ۲۳۷
پیشگامان تراز امین ۰۱۳-۳۳۶۰۱۶۲۶ رشت، دباغیان- کوچه شهید رجایی- کوچه شهید مفتاح- پلاک ۵- طبقه همکف	پردازش نگر دقیق ۰۲۱-۶۶۵۱۶۴۶۹ تهران، شادمان، خیابان شادمهر، خیابان ذوالفقاری، پلاک ۳، طبقه ۲
پیوند ارقام راهبر ایرانیان ۰۱۱-۴۴۲۰۶۹۹۲ آمل، خیابان طالب آملی، روبروی دریای ۱/۲۷، بلوار طالب آملی، طبقه دوم	پرسیان پاد ۰۲۱-۲۲۳۴۱۸۸۰ تهران، اوین، مجتمع آتی ساز، فازیک، بلوک ۵، شماره ۵۱۷۳
تحلیل طلب ۰۲۱-۸۸۶۲۶۰۲۳-۸۸۶۲۶۰۴۲ تهران، خیابان جمال الدین اسدآبادی، خیابان سی و پنجم غربی، پلاک ۲۹۳، طبقه ۳، واحد ۱۰	پرگار ۰۲۱-۴۴۰۵۵۳۹۳-۴۴۰۵۵۴۶۹ تهران، بزرگراه شهید سرلشکر ستاری، بلوار فردوس، پلاک ۴۳۲، طبقه ۳، واحد ۱۱
تحلیلگر معتمد امین ۰۷۱-۳۶۲۷۷۵۸۷ شیراز، ولیعصر، خیابان ولیعصر، کوچه ۸، پلاک ۱۸۸، طبقه ۱	پرهام مشار ۰۲۱-۸۸۴۱۹۱۵۲-۸۸۴۱۶۹۶۸ تهران، خیابان مطهری، خیابان یوسفیان، شماره ۱۲۳، طبقه ۷، واحد ۲۵
تدبیر ارقام اسپادانا ۰۲۱-۴۴۳۷۴۱۱۶ تهران، صادقیه شمالی، بزرگراه جلال آل احمد، پلاک ۴۴۱، طبقه ۱، واحد ۱	پویش دقیق تراز ۰۲۱-۴۴۰۴۲۷۳۱-۴۴۰۴۸۰۰۵-۴۴۰۸۸۹۰۶ تهران، جنت آباد جنوبی، بلوار استاد مطهری، خیابان مطهری، پلاک ۲، طبقه ۴

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

تلاش ارقام ۰۲۱-۸۸۸۰۶۸۷۶ تهران، بهجت آباد، خیابان شهید مطهری، خیابان شهید حمید صدر، خیابان لارستان، نبش عیده، پلاک ۵، ساختمان سپهر، طبقه سوم، واحد ۱	تدبیر اندیشان شهر راز ۰۷۱-۳۶۳۰۳۱۹۹ شیراز، فرهنگ شهر، بین کوچه ۵ و ۳، پلاک ۱۵، ساختمان آپسای، طبقه ۴، واحد ۱
تلفیق نگار ۰۲۱-۲۲۱۴۲۹۴۳-۲۲۱۴۲۹۴۲ تهران، سعادت آباد، خیابان شهید حمید نمازی زاده (سوم شرقی)، پلاک ۱۵۶، برج کاج، طبقه سوم شمالی	تدبیر تراز نگار ۰۲۱-۸۸۹۷۷۶۳۵-۶ تهران، خیابان شهید گمنام، بین میدان فاطمی و گلها، روبروی مجتمع وزارت کشور، پلاک ۳۵، طبقه سوم، واحد ۶
توانگر محاسب و همکاران ۰۲۱-۶۶۹۴۹۰۷۱-۲ تهران، میدان توحید، خیابان فرصت شیرازی، پلاک ۸۳، واحد ۶B	تدبیر حساب سورنا ۰۲۱-۸۸۷۰۹۵۹۱ تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان بخارست یا احمد قصیر، کوچه یکم، پلاک ۶ طبقه واحد ۱۲
توسعه مدیریت دانا ۰۲۱-۸۶۱۲۰۹۲۲-۲۲۹۰۳۷۵۸ تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان کوشش، پلاک ۱، طبقه ۴	تدبیر محاسب آریا ۴۴۰۱۲۵۳۶ تهران، فلکه دوم صادقیه- ابتدای آیت اله کاشانی- خیابان اعتمادیان- پشت بیمارستان ابن سینا- پلاک ۱۵- طبقه ۱- واحد ۳
حافظ گام ۰۲۱-۲۲۹۱۲۱۵۹-۲۲۲۷۰۹۸۱-۲۲۲۷۰۹۴۹ تهران، خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، کوچه تابان، پلاک ۱۰، واحد ۱۵	تدبیرگران مستقل ۰۲۱-۸۸۹۰۹۱۴۴-۸۸۹۰۲۹۹۹ تهران، خیابان استاد نجات الهی- خیابان اراک - پلاک ۷۲- طبقه ۲ - شماره ۴
حامی شریف ۰۲۱-۷۷۸۲۷۳۵۵ تهران، نظام آباد شمالی، خیابان شهید محمد مهدی شریفی، خیابان شهید آیت اله مدنی، پلاک ۱۳۲۲، طبقه ۱	تدوین معین بهار ۰۲۱-۶۶۹۰۸۸۲۷-۸ تهران، بلوار کشاورز، خیابان جمالزاده شمالی، کوچه نادر، پلاک ۲۹، واحد ۱۵
حامیان کاردیده پارس ۰۲۱-۸۸۶۹۰۸۳۰-۸۸۵۸۴۱۶۳ تهران، سعادت آباد، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، نبش خیابان شهید حمید رضا حق طلب، ساختمان علامه، پلاک ۸۰، طبقه سوم	تدوین و همکاران ۰۲۱-۸۶۰۸۰۰۷۲-۴ تهران، بزرگراه کردستان، خیابان حکیم، پلاک ۱۱، طبقه ۳، واحد ۱۴
حساب نگر متین ۰۲۱-۴۴۴۹۹۴۶۴ تهران، جمالزاده، خیابان یوسف، کوچه سوسن، پلاک ۴، ساختمان پالیز، طبقه ۲، واحد ۲۰۳	تراز محاسب ماندگار ۰۵۱-۳۸۴۳۴۵۱۶-۳۸۴۶۳۸۳۴ مشهد، خیابان احمد آباد، بلوار رضا، نبش رضا ۱، پلاک ۴۰، طبقه اول
حسابرس معتمد پارسیان ۰۲۱-۸۶۰۴۵۴۳۰ تهران، عباس آباد، خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان دکتر بهشتی، پلاک ۴۰۲، طبقه ۲، واحد ۲۶	تراز مشهود محتسب ۰۲۱-۴۴۲۷۳۸۱۱-۴۴۲۷۳۸۱۱-۲ تهران، خیابان مرزداران، بلوار شهید سرتیپ آریافر، کوچه لاله، پلاک ۲۶، طبقه ۴، واحد ۴

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

حسابرسان نواندیش ۰۲۱-۸۸۵۴۶۳۰۰-۸۸۵۱۶۷۹۲-۳ تهران، خیابان مطهری، خیابان علی اکبری، خیابان صحاف زاده، پلاک ۵۶، طبقه سوم	دایان معتمد فردا ۰۵۱-۳۷۲۹۴۶۲۳ مشهد، کلاهدوز، خیابان آبکوه، خیابان ارم شمالی، (آبکوه ۱۷)، پلاک ۵، طبقه ۴
حسابرسین ۰۲۱-۸۸۷۲۱۲۶۹-۸۸۷۰۹۷۴۴-۸۸۷۰۹۷۴۳ تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید علی میرزا حسینی، خیابان قائم مقام فراهانی، پلاک ۱۸۶، ساختمان ۲۱۶، طبقه ۳، واحد ۲۶	دریک فروردین ۰۲۱-۲۲۹۰۲۴۸۴-۶ تهران، خیابان نفت شمالی، نبش خیابان نهم، شماره ۳۹، طبقه ششم، واحد ۲۲
خبرگان پارس پویا ۰۵۱-۳۸۸۳۴۱۸۱-۳ مشهد، بلواروکیل آباد، بلوار کوثر، کوثر شمالی، پلاک ۸۱	دستاورد سترگ ۰۲۱-۸۸۱۷۶۵۴۶-۸۸۵۲۵۷۴۲ تهران، خیابان شهید قندی، نیلوفر، خیابان پاکستان، کوچه شهید عباس ساوجی نیا، پلاک ۱۱، طبقه ۱
خبرگان حساب امین ۰۱۱-۴۴۲۲۷۶۳۵-۸ آمل، میدان قائم، ساختمان الماس، واحد ۴۰۳، طبقه ۴	دش و همکاران ۰۲۱-۴۴۸۴۶۶۰۱-۹-۴۴۸۴۶۶۰۵ تهران، بزرگراه نیایش، بعد از چهارراه سردار جنگل، آشناسان، خیابان نشاط، نبش کوچه سوم غربی، پلاک ۲۴
خبره ۰۲۱-۸۸۹۰۲۳۱۶ تهران، خیابان ولی عصر - بین فروشگاه قدس و پمپ بنزین کوچه پزشک پور - شماره ۲۴ - طبقه ۳	دقیق آزما تراز ۰۵۱-۳۷۰۵۲۷۳۰ مشهد، بلوار شهید فرامرز عباسی، بین فرامرز عباسی ۳۰ و ۲۸، پلاک ۴۵۴، طبقه اول
داد سنج حساب ۰۲۱-۸۸۶۰۲۹۶۷ تهران، آراارات، خیابان حجت الاسلام عباس شیرازی، خیابان ملاصدرا، پلاک ۱۲۷، طبقه ۴، واحد ۱۸	دقیق تراز سپاهان ۰۳۱-۳۲۷۴۴۲۴۴-۳۲۷۴۳۲۸۶ اصفهان، شاهزید، کوچه شهید محسن حسینی تودشکی ۱۵، کوچه شهید محسن حسینی تودشکی ۵۵، پلاک ۵، طبقه همکف
داریا روش ۰۲۱-۸۸۶۰۱۹۸۸-۹۰ تهران، میدان ونک، ملاصدرا، خیابان شیرازی جنوبی، کوچه اتحاد، پلاک ۱۰	دل آرام ۰۲۱-۸۸۹۰۱۴۹۶ تهران، میدان جهاد (دکتر فاطمی)، خیابان کامران - پلاک ۱۵ - واحد ۲ - طبقه اول
دانا مشاور بامداد ۰۲۶-۳۴۴۵۹۳۱۲ کرج، جهانشهر، میدان هلال احمر، خیابان نارون، پلاک ۲، مجتمع ماهان، طبقه ۴، واحد ۱۳	دیان ۰۲۱-۸۸۴۹۰۴۷۱-۸۸۴۹۰۴۷۴ تهران، ایرانشهر، بلوار کریم خان زند، پلاک ۱۴۲، طبقه ۳
داوران حساب ۰۲۱-۸۸۵۱۰۵۴۴-۸۸۵۴۵۶۲۵-۸۸۵۴۵۶۳۸ تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، بالاتراز خیابان استاد مطهری، خیابان ششم، شماره ۲۳، طبقه اول	رازدار ۰۲۱-۸۸۷۲۶۶۶۵-۸۸۷۲۶۵۳۵ تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، کوچه نوزدهم، پلاک ۱۸، واحد ۱۴، طبقه ۷

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

رهنمود ارقام پارس ۰۲۱-۴۴۹۷۸۸۱۹-۲۴ تهران، فلکه دوم صادقیه، بلوار فردوس شرق، نبش خیابان وفا آذر جنوبی، مجتمع تجاری و اداری آتیک سنتر، طبقه سوم، واحد ۱۱۵	راهبران حساب تهران ۰۲۱-۴۴۸۹۴۴۹۲ تهران، پونک جنوبی، بزرگراه آیت اله اشرفی اصفهانی، خیابان شهید حسن حیدری مقدم شرقی، پلاک ۱، طبقه ۳، واحد ۱۲
رهنو حساب ۰۲۱-۲۲۳۶۵۰۵۶-۹ تهران، خیابان توحید، بن بست فرهادیه، مجتمع فرهادیه، پلاک ۳، طبقه ۵، واحد ۲۰	راهبرد اندیشان مدیر ۰۲۱-۳۸۴۳۹۱۳۸ شیراز، بلوار پاسداران، خیابان شهید جهان آرا، بلوار پاسداران، ساختمان پارسیان، طبقه ۲، واحد ۲
رهیافت حساب تهران ۰۲۱-۸۸۶۲۴۲۹۵-۸۸۶۲۵۳۱۷ تهران، خیابان شیخ بهائی، خیابان برزیل غربی، پلاک ۵۷، طبقه ۴، واحد ۱۴	رایان بهروش پارس ۰۵۱-۳۸۷۰۴۲۰۰-۱ مشهد، بلوار هاشمیه، هاشمیه ۳۲، پلاک ۴۱
رهیافت و همکاران ۰۲۱-۸۸۸۶۶۰۲۱-۶ تهران، سهروردی جنوبی، پایین تر از مطهری، خیابان برادران نوبخت، شماره ۲۹، طبقه اول	رایسا ۰۲۱-۸۸۷۰۰۱۸۷-۸۸۷۰۰۱۸۸ تهران، آرژانتین، ساعی، کوچه هشت متری زمانی، پلاک ۱۲، طبقه اول، واحد ۳
زرین نگار راستین ۰۲۱-۴۴۳۲۴۸۱۹ تهران، شهران جنوبی، کوچه توحید، خیابان کوهسار، پلاک ۶۵، طبقه اول، واحد ۲	رایمند امین ۰۵۱-۳۶۰۲۱۷۳۳-۵ مشهد، بلوار فرامرز عباسی، نبش فرامرز عباسی ۲۴، پلاک ۱، طبقه سوم
ژرف اندیشان تراز ۰۲۱-۲۲۳۶۳۵۷۳-۴ تهران، محله آسمان، بلوار شهید محمد مهدی فرزادی، بلوار سرو غربی، ساختمان تجارت پلاک ۷۶، طبقه ۹، واحد ۳۹	رایمند و همکاران ۰۲۱-۸۸۸۸۶۶۵۳ تهران، خیابان گاندی، خیابان پنجم، پلاک ۲۴، طبقه ۴، واحد ۸
ژرف بین بهبود ارقام ۰۲۱-۸۸۷۱۵۳۶۲-۸۶۱۲۴۸۸۱ تهران - یوسف آباد، کوچه پله سوم، پلاک ۲۲۴، برج سرو ساعی، طبقه ۱۱، واحد ۱۱۰۱	رمز پویا ۰۲۱-۲۲۹۱۲۹۱۷-۲۲۹۱۱۸۸۳ تهران، میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه نظری، کوچه دوم، پلاک ۳۹، طبقه ۵، واحد ۹
سامان اندیشان یکتا ۰۲۱-۸۸۶۷۴۴۷۱-۸۸۸۸۲۹۰۰ تهران، خیابان ولیعصر، خیابان دامن افشار، بعد از سوگند، پلاک ۴۹، طبقه ۵	رهاورد مشاور آینده نگر ۰۶۱-۳۲۹۲۷۳۶۸ اهواز، کوی کیان آباد، خیابان اروند، خیابان بیستم، پلاک ۵۰، طبقه ۵
سامان بینش برنا ۰۲۱-۸۸۵۴۰۳۹۶ تهران، شهید قندی، نیلوفر، خیابان شهید ابوالقاسم وهابی برزی، خیابان ششم، پلاک ۲۷، طبقه ۲، واحد ۲۴	رهبین ۰۲۱-۸۸۵۲۳۰۵۹-۸۸۵۳۲۶۲۸ تهران، خیابان سهروردی شمالی، انتهای خیابان خرمشهر، خیابان شهید عربعلی، شماره ۱، واحد ۶

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

سامان پندار

۰۲۱-۲۲۰۳۷۲۱۳-۵

تهران، بلوار آفریقا، نبش عاطفی غربی، پلاک ۱۵۲، واحد ۱۲۳

سیمرغ نوروز طوس

۰۲۱-۷۷۲۶۷۳۳۴

تهران، نارمک، خیابان شهید حمید عالم نجف آبادی، خیابان شهید آیت اله مدنی، پلاک ۱۳۰۳ ساختمان کیوان، طبقه اول، واحد ۳

سامان گستر ارقام

۰۲۱-۸۶۰۴۴۳۶۷

تهران، خیابان عباس آباد، خیابان شهید خلیل حسینی، کوچه مهرداد، پلاک ۹، طبقه اول، واحد ۲

سینافکر

۰۲۱-۴۴۳۱۵۲۸۲

تهران، شهران جنوبی، نرسیده به فلکه اول، روبروی فرهنگسرای معرفت، مجتمع فرهنگ، پلاک ۱۸، طبقه ۴ واحد ۱۵

سایان

۰۲۱-۸۸۵۲۸۷۳۸

تهران، خیابان بهشتی، خیابان سرافراز، برج موج، طبقه ۳، واحد ۱۳

شاخص اندیشان

۰۲۱-۲۲۹۰۴۲۰۰

تهران، خیابان میرداماد- نفت شمالی -نبش خیابان نهم- بین بانک سپه و تجارت- پلاک ۳۹ - واحدهای ۲۲ و ۲۳- طبقه ۶

سپند تدبیر نیکان

۰۲۱-۸۸۷۳۰۸۵۰-۸۸۷۴۰۳۳۶

تهران، خیابان بهشتی (عباس آباد)، خیابان قائم مقام فراهانی، خ چهارم، پلاک ۱۰، طبقه همکف

شاهدان

۰۲۱-۸۸۹۶۰۱۷۳-۸۸۹۸۲۱۴۵

تهران، خیابان زرتشت غربی، روبه روی بیمارستان مهر، پلاک ۴۵، طبقه سوم غربی

سخن حق

۰۲۱-۸۸۷۹۴۶۴۶

تهران، میدان آرژانتین، اول خیابان آفریقا، شماره ۹، بلوک ب، واحد شماره ۳

شاهین محاسب کار اندیش

۰۲۱-۸۸۰۵۰۴۱۰-۸۸۰۵۰۴۰۹

تهران، یوسف آباد، خیابان شصتم، خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، پلاک ۴۲۲، ساختمان نگین، بلوک B، طبقه ۳، واحد ۱۶

سروک پرهام

۰۲۱-۸۸۷۹۳۲۸۶-۷

تهران، گاندی، خیابان شهید علی شهاب (یازدهم)، خیابان گاندی، پلاک ۳۳، طبقه ۲، واحد ۳

شریف محاسب مانا

۰۵۱-۳۶۰۴۷۳۷۸-۷۹-۸۰

مشهد، بلوار دانش آموز، پلاک ۱۸۷، طبقه اول

سفیران مطهر

۰۲۱-۸۷۱۳۷۰۱۰

تهران، کاووسییه، خیابان آفریقا، خیابان پانزدهم، پلاک ۲۵ طبقه همکف

شهودامین

۰۲۱-۴۴۰۰۸۱۷۷-۴۴۰۲۲۶۶۰

تهران، فلکه دوم صادقیه، بلوار آیت اله کاشانی، پلاک ۲۱۰ (ساختمان ماد) طبقه ۴، واحدهای ۱۲ و ۱۴ و ۱۵

سنجیده روش آریا

۰۲۱-۲۶۱۴۲۶۰۰-۴

تهران، استاد حسن بنا شمالی، ضلع جنوبی میدان ملت، خیابان قلیچ خانی، پلاک ۱۰۸، طبقه ۶، واحد ۲۳

صالح اندیشان

۰۲۱-۸۸۸۵۱۶۷۵-۷

تهران، بهجت آباد، خیابان ولیعصر، کوچه شهید حمید فخاری، پلاک ۱۲، طبقه اول

سیاق نوین جهان

۰۲۱-۴۴۲۶۴۸۱۲-۴۴۲۶۴۹۵۷-۴۴۲۹۸۶۲۲

تهران، بلوار مرزداران، بلوار آریا فر، نبش گلдіس ۷، شماره ۲۱، طبقه اول، واحد ۲

صائب

۰۲۱-۸۸۸۲۱۳۰۷-۸۸۸۴۱۲۷۸

تهران، قائم مقام-سنایی، خیابان کریم خان زند پلاک ۴۳ واحد همکف شرقی

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

فرناک سنجش ایرانیان ۰۲۱-۲۶۶۵۷۲۱۲ تهران، قیطریه، کوچه شقایق، کوچه شهید داور سیمپاری، پلاک ۲۸، طبقه ۳ واحد ۶	عامر مشاور تهران ۰۲۱-۸۸۸۹۰۶۱۹-۸۸۹۰۵۶۴۷ تهران، خیابان فلسطین شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، ساختمان ۵۵، طبقه ۴ واحد ۱۸
فرجام اندیشان محاسب ۰۲۱-۲۲۸۵۹۴۳۰-۳۱ تهران، سیدخندان، خیابان خواجه عبدالله انصاری، پلاک ۱۰۷، برج آسمان، طبقه ۴، واحد b	فاطر ۰۲۱-۶۶۴۹۲۸۷۱-۶۶۴۹۸۰۲۵-۶۶۴۰۸۲۲۶ تهران، خیابان وصال شیرازی، بزرگمهر غربی، کوی اسکو، پلاک ۱۴، طبقه ۴
فرهیختگان خبره ۰۲۱-۶۶۰۳۰۲۹۹-۶۶۰۹۳۷۱۲ تهران، توحید، خیابان بهبودی، کوچه امیر، پلاک ۱۸، طبقه ۲	فرا دقیق اندیش ۰۴۱-۳۵۵۴۱۹۴۲-۳۵۵۶۰۹۴۵ تبریز، ۱۷ شهریور، بلوار شهید طباطبائی، بن بست مه پیکر، پلاک ۲۸، طبقه همکف
فریوران راهبرد ۰۲۱-۸۸۹۳۴۳۵۰-۳ تهران، خیابان سپهبد قرنی نرسیده به پل کریمخان، کوچه خسرو، پلاک ۲۴، طبقه ۵، واحد ۱۰	فرا بین حساب آریان ۰۲۱-۹۱۰۶۲۲۴ تهران، شهید قندی-نیلوفر، خیابان دکتر شریعتی، کوچه موزه (بسطامی)، پلاک ۳۱، طبقه ۲، واحد ۷
فهمید مدبر ۰۲۱-۸۸۵۱۴۹۴۲ تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان شهید بهرام حاج حسنی، پلاک ۴۳، طبقه سوم	فراز حساب ۰۲۱-۸۸۵۱۴۵۳۹ تهران، ضلع جنوب غربی پل سیدخندان، خیابان میرمطهری، ساختمان ۳۸، طبقه ۵، واحد ۵۲
قواعد ۰۲۸-۳۳۳۶۶۳۳۷ قزوین، خیابان شهید بابایی، نبش کوچه ۱۱ (نسترن)، پلاک ۲، طبقه اول، واحد ۱	فراز مشاور راسا ۰۲۱-۲۶۲۱۲۸۸۷-۲۶۲۱۲۸۵۸ تهران، بلوار نلسون ماندلا، شماره ۲۴۴، مجتمع اداری الهیه، طبقه ششم، واحد ۶۰۷
کارآمد حساب ایرانیان ۰۲۱-۸۸۳۳۴۶۵۴-۸۸۰۲۰۱۳۷ تهران، خیابان فاطمی-میدان گلها-خیابان کاج جنوبی-خیابان شهید فکوری-پلاک ۹-طبقه اول-واحد ۲	فراز نگر آگاه ۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۶۱ تهران، شهر آرا، کوچه شهید مهندس فرهاد فروزنده، خیابان باقرخان، پلاک ۸۰، طبقه ۱
کاری پارس ۰۲۱-۳۶۳۴۰۰۱۶-۱۸ شیراز، خیابان معالی آباد، بلوار دکتر شریعتی، روبروی پارک ملت، ساختمان طوبی، طبقه ۱، واحد ۲	فراگیر اصول ۰۲۱-۸۸۶۶۱۱۷۵-۸۸۶۷۵۷۲۲-۸۸۶۷۱۶۸۱ تهران، خیابان گاندی، خیابان ۲۳، پلاک ۲۱، واحد ۲
کاربرد ارقام ۰۲۱-۲۲۰۲۳۵۲۴-۲۲۰۲۳۵۴۴ تهران، خیابان دستگردی، پلاک ۲۸۳، طبقه ۳، واحد ۱۲	فرانگر حساب خبره ۰۲۱-۸۸۴۰۲۹۷۷-۸۸۴۰۳۶۹۷ تهران، عباس آباد، خیابان داریوش، خیابان شهید میرزایی زینالی، پلاک ۷۵، طبقه سوم شرقی

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

کاربرد تحقیق

۰۳۱-۳۷۷۵۰۱۴۴-۵

اصفهان، پل وحید، ابتدای بلواروحید، مجتمع اداری امین، طبقه ۳، واحد ۲۰

مانیار حسیب

۰۵۱-۳۷۷۳۷۱۱۱

مشهد، بلوار وکیل آباد، حدفاصل وکیل آباد ۲۹ و ۳۱، پلاک ۴۸۹، طبقه ۲

کاشفان

۰۲۱-۹۱۳۰۳۲۷۷-۹۱۳۰۳۱۷۷

تهران، صادقیه، خیابان آیت اله کاشانی، بلوار ابادر، نبش گلستان پنجم، پلاک ۷۴، طبقه پنجم

متین خردمند

۰۳۱-۳۶۳۰۳۱۸۰

اصفهان، محله آبشار، کوچه گلستان ۲، خیابان سپهسالار، پلاک ۳۳، طبقه همکف

کوشا منش

۰۲۱-۲۶۲۰۰۴۵۰-۲

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه نیایش، کوچه شهید رحیمی، پلاک ۵۴، طبقه ۳، واحد ۱۲

متین محاسب نوین

۰۲۱-۸۸۶۶۲۵۹۲-۳

تهران، میدان ونک، خیابان برزیل، خیابان شهید عباسپور (توانیر شمالی)، کوچه جهان آرا، پلاک ۱۰

کوشش

۰۲۱-۸۸۷۳۴۷۰۷-۸

تهران، میدان آرژانتین، خیابان بخارست، شماره ۴۹، طبقه ۴، واحد ۵

محیا مشار

۰۲۱-۸۸۷۲۵۹۴۶-۸۸۷۲۱۵۱۴

تهران، آرژانتین، ساعی ۱۵۱۳۷، خیابان خالد اسلامبولی، پلاک ۱۰۵، طبقه ۲، واحد ۸

کار آزما مشار دانا

۰۲۱-۴۶۱۳۰۰۵۴

تهران، جنت آباد جنوبی، خیابان ۳۵ متری لاله شرقی، بن بست نسترن، پلاک ۱، مجتمع اداری تجاری لاله، طبقه اول، واحد ۴

مختار و همکاران

۰۲۱-۸۸۵۱۶۹۹۰-۸۸۵۴۵۲۱۴

تهران، عباس آباد، اندیشه، خیابان شهید جواد سرافراز، کوچه شهید افشین حق پرست، پلاک ۸، ساختمان نیلوفر، طبقه ۱

کارامنش تدبیر

۰۲۱-۶۶۵۹۳۰۷۹

تهران، خیابان ستارخان، خیابان باقرخان غربی، پلاک ۱۲۱، طبقه سوم، واحد ۶

مدبران امین

۰۳۱-۳۲۳۷۳۶۵۳

اصفهان، خیابان شیخ بهایی، بعد از چهار راه آذر، بن بست صفاری (شماره ۲۵)، مجتمع آئینه، طبقه دوم، واحد ۴

کاربرگ سامان

۰۲۱-۸۸۱۰۴۲۵۲-۸۸۱۰۴۲۵۱

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از خیابان بهشتی، کوچه نادر، پلاک ۶، طبقه ۶، واحد ۲۳

مدیران سنجش خردیار

۰۳۱-۳۶۶۲۶۸۲۶

اصفهان، باغ نگار-آئینه، خیابان هفت دست شرقی، کوچه شهید علرضا کهنسال ۳۰ (۹)، پلاک ۲۷، طبقه ۱

کاردان حساب آینده

۰۲۱-۸۸۹۷۱۰۹۳

تهران، خیابان فاطمی، پلاک ۴۱، ساختمان آچاچی، طبقه ۴، واحد ۱۵

مشاوران سرآمد کاوش

۰۲۱-۸۸۲۴۷۱۳۷

تهران، مرزداران، خیابان شهید استاد مطهری، پلاک ۱، ساختمان لاله، طبقه ۱، واحد ۵

گواهان

۰۲۱-۴۴۳۷۳۵۱۳-۴۴۳۷۳۳۶۱

تهران، مرزداران، کوچه سادات، خیابان شهید محرمعلی بی نظیر، پلاک ۱۹، مجتمع اداری امین، طبقه ۶، واحد شمالی

معمتمد ارکان

۰۲۱-۸۸۵۸۳۰۹۶

تهران، شهرک قدس، خیابان درختی، خیابان سپهر، پلاک ۲۰، طبقه دوم

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

معمد رایان باهر ۰۲۶-۳۴۲۳۳۲۸۳ کرج، گلشهر ویلا، خیابان سعدی، بلوار ایثار (درختی)، پلاک ۳۱۲، مجتمع باران، طبقه سوم، واحد ۶	نکو نگرش ۰۲۱-۸۸۲۸۴۰۲۸-۸۸۲۳۰۷۳۱ تهران، کوی نصر، کوچه پنجم، خیابان بلوچستان، پلاک ۱۱، طبقه ۱، واحد شمالی ۴
معیار حساب تدوین ۰۵۱-۳۶۰۳۸۷۹۷-۹ مشهد، محله شهید فرامرز عباسی، بلوار شهید فرامرز عباسی، خیابان رسالت ۴ (فرامرز عباسی ۳)، پلاک ۱، طبقه سوم غربی، واحد ۶	نگاه ۰۲۱-۸۸۸۱۶۰۲۳-۸۸۸۱۶۲۱۴ تهران، قائم مقام - سنایی، خیابان مروارید، خیابان شهید سرتیپ نعمت اله لطفی، پلاک ۲۰، طبقه ۱
مفاهیم حساب جامع ۰۲۱-۸۸۵۵۹۳۷۰-۸۸۵۵۹۳۱۶ تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک ساعی، برج سپهر ساعی، واحد ۴۰۶	نهان نیک نگر ۰۲۱-۸۶۰۸۷۱۹۱-۸۶۰۸۷۰۵۳ تهران، میدان ونک، خیابان گاندی، خیابان هجدهم، پلاک ۱۵، واحد ۲
مفید راهبر ۰۲۱-۸۸۱۰۳۰۳۶ تهران، خیابان احمد قصیر، کوچه ۱۳، پلاک ۹	نواندیشان ۰۲۱-۸۸۸۴۷۹۶۲ تهران، خیابان میرزای شیرازی، نبش خیابان نژادکی، شماره ۸۳، واحد ۱۶
ممیز ۰۲۱-۸۸۹۰۱۵۴۷-۸۸۸۰۲۹۰۱-۸۸۹۰۷۶۷۹-۸۸۸۹۵۳۷۷ تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان سپند غربی، پلاک ۶۴، طبقه دوم، واحد ۶	نیک روشن ۰۲۱-۸۸۷۲۹۸۷۸ تهران، بلوار آفریقا، خیابان دیدار شمالی، خیابان نلسون ماندلا، پلاک ۵۹، ساختمان مهرگان، طبقه ۲، واحد ۷
ممیز حساب برنا ۰۳۱-۳۴۵۰۰۶۵۶ اصفهان، محله رحیم آباد، کوچه مادی فرسخ ۱۸، خیابان کاوه، پلاک ۱۳۳۳، ساختمان رضا، طبقه اول، واحد ۱	نیک روشن تهران ۰۲۱-۷۷۸۷۳۵۱۹-۲۱ تهران، تهرانپارس، خیابان فرجام، خیابان باغدارنیا (رشید شمالی)، انتهای خیابان ۱۷۴/۱ غربی، ساختمان پارس، پلاک ۲۰، طبقه ۳
مهرگان تراز و همکاران ۰۵۱-۳۶۰۴۹۳۸۴-۰۵۱-۳۶۰۴۲۱۵۰ مشهد، بلوار شهید فرامرز عباسی، فرامرز عباسی ۲۵ (رسالت ۲۴)، پلاک ۱، طبقه سوم	نیک ارقام بهار ۰۲۱-۸۸۸۰۸۷۳۴-۸۸۸۰۷۳۲۳ تهران، خیابان طالقانی، پلاک ۲۹۲، طبقه ۵ جنوبی
میزان اندیشه ۰۵۱-۳۸۹۴۵۵۴۰ مشهد، شریف، کوچه صدف ۲۰، بلوار معلم، پلاک ۱۲۵۲، طبقه ۲، واحد ۴	نیک حساب کوشا ۰۵۱-۳۸۹۲۸۱۸۳-۳۸۹۲۸۶۵۴ مشهد، دانشجو، خیابان پرورش (معلم ۴۵ - مهران ۲۴)، کوچه پرورش ۲۵ (معلم ۴۳/۴)، پلاک ۵۵۲ طبقه همکف
نامی مشارآگاه ۰۲۱-۷۷۹۲۰۶۹۳-۷۷۹۷۵۵۹۰ تهران، نارمک، خیابان جانبازان غربی، نبش ورودی غربی، میدان ۶۲ ساختمان عرش، پلاک ۱۸، واحد ۷	نیکان تراز ایرانیان ۰۲۱-۸۸۹۹۶۰۶۳-۵ تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، خیابان دوم، پلاک ۱۱، طبقه ۴، واحد ۱۱

مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

همیار حساب ۰۲۱-۶۶۵۶۵۲۹۰ تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان میرخانی (نصرت شرقی)، پلاک ۵۴، طبقه ۲، واحد ۴	نیکان محاسب پایا ۰۳۱-۳۶۶۳۰۰۴۱ اصفهان، باغ نگار-آیین خانه، کوچه ارگ ۳، خیابان مصلی شمالی، پلاک ۵۱، طبقه ۲
هوشمند نگر پویا ۰۲۱-۶۶۹۲۲۹۶۵ تهران، خیابان توحید، پلاک ۲، ساختمان پزشکان توحید، طبقه ۴، واحد ۱۳	نیکو مشاور ۰۲۱-۸۸۷۸۱۷۰۸ تهران، خیابان ونک، خیابان برزیل شرقی، روبروی دانشگاه فنی و حرفه ای، پلاک ۲۹، طبقه ۳، واحد ۴
هوشیار ممیز ۰۲۱-۸۶۰۸۶۵۱۱-۸۶۰۸۶۷۳۵ تهران، خیابان نلسون ماندلا، بالاتراز چهار راه جهان کودک، خیابان پدیدار، پلاک ۶۲، طبقه ۷، واحد ۷۴	نیوان مشاور اورامان ۰۵۱-۹۱۶۹۰۶۶۴-۳۵۰۹۳۷۲۰ مشهد، بلوار وکیل آباد، بلوار دندانپزشکان، دندانپزشکان ۱۳، پلاک ۱۱، طبقه ۱-
هویدا تراز ۰۲۱-۸۸۵۸۱۴۳۷-۹ تهران، شهرک غرب، بلوار دایمان، حدفاصل بلوار فرحزادی و خیابان فخارمقدم، کوچه بوستان، بن بست بوستان یکم، پلاک ۴، طبقه سوم	هادی حساب تهران ۰۲۱-۸۸۴۴۳۶۳۴ تهران، خیابان مطهری، خیابان ترکمنستان، نبش کوچه سرو، پلاک ۲، طبقه ۶، واحد ۱۵
وانیا نیک تدبیر ۰۲۱-۲۲۰۳۱۴۷۶-۷ تهران، بلوار افریقا، پایین تر از مدرس، خیابان گلدان، پلاک ۸، واحد ۳	هدف نوین نگر ۰۲۱-۲۶۴۲۲۰۴۱-۲۶۴۲۲۰۵۱ تهران، خیابان شریعتی، خیابان وحید دستگردی (ظفر)، مقابل خیابان عمرانی، پلاک ۱۴۸، طبقه ۳، واحد ۲
یکتا تدبیر ۰۲۱-۲۲۸۸۷۹۰۳-۸-۲۲۸۸۸۹۳۷ تهران، ابتدای پاسداران، سه راه ضرابخانه، دشتستان دوم- پلاک ۲۱	هژیران ۰۲۱-۸۸۵۵۴۸۶۰-۸۸۵۵۴۶۵۸ تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، خیابان جواد سپهری (نبش خیابان ۱۴)، پلاک ۲، واحد ۲ غربی
یکتا روش امین ۰۲۱-۷۶۷۱۰۷۶۹ تهران، تهرانپارس، خیابان شهید مهران سجده ای جنوبی، خیابان شهید علیرضا ناهیدی (جشنواره)، پلاک ۲۴۸، طبقه سوم واحد شمالی	هشت ۰۲۱-۴۴۰۲۷۵۲۴-۴۴۰۲۶۹۴۶ تهران، خیابان آیت اله کاشانی، خیابان مهران، خیابان پنجم، کوچه ارغوان، پلاک ۲۹، طبقه ۴، واحد ۸
یکتا محاسب توانا ۰۲۱-۴۴۳۴۲۶۹۳ تهران، جنت آباد مرکزی، خیابان مخبری، نرسیده به ستاری، پلاک ۱۹۶، ساختمان محمدی شمالی، طبقه ۴، واحد ۱۳	هشیار- بهمند ۰۲۱-۸۸۸۴۳۷۰۴-۵ تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، بالاتر از میدان شعاع، پلاک ۱۱۴، طبقه ۴، واحد ۲۰
	همپیشگان روش ۰۲۱-۸۸۵۲۴۳۰۳-۸۶۰۴۳۱۵۵-۸۸۵۳۸۷۹۲ تهران، خیابان شهید بهشتی، چهارراه تختی، خیابان شهید حسینی (سورنا سابق)، کوچه تیرداد، پلاک ۴، واحد ۲